

ISBN 978-9936-8050-0-2



9 789936 805002



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
اداره مرکزی احصائیه



# سـرـوی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳

(ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری)



راپور تحلیلی



این پروژه به حمایت مالی اتحادیه اروپا اجرا میشود





دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
اداره مرکزی احصائیه



# سـرـوی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳

(ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری)

راپور تحلیلی



این پروژه به حمایت مالی اتحادیه اروپا اجرا میشود

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ توسط اداره مرکزی احصائیه جمهوری اسلامی افغانستان و کمک تخنیکي انستیتوت سکتور عامه ICON اجراء گردید. این نشریه به کمک جامعه اروپا تهیه شده است. محتویات این نشریه تنها مسئولیت اداره مرکزی احصائیه و انستیتوت ICON می باشد و میتواند به نحوی نظر جامعه اروپا نیز منعکس شود.

برای معلومات بیشترلطفاً با اداره مرکزی احصائیه تماس بگیرید  
[www.cso.gov.af](http://www.cso.gov.af)

ایمیل ادرس : [esmatullah.hakimi@gmail.com](mailto:esmatullah.hakimi@gmail.com)

انستیتوت ICON

[www.icon-institute.de](http://www.icon-institute.de)

منیجر پروژه

ایمیل ادرس : [christophe.dietrich@icon-institute.de](mailto:christophe.dietrich@icon-institute.de)

تحلیل گروتصحیح کننده ارشد

ایمیل ادرس : [bj.debruijn@online.nl](mailto:bj.debruijn@online.nl)

نماینده جامعه اروپا درافغانستان

[http://eeas.europa.eu/delegations/afghanistan/index\\_en.htm](http://eeas.europa.eu/delegations/afghanistan/index_en.htm)

ایمیل ادرس : [delegation-afghanistan-press@eeas.europa.eu](mailto:delegation-afghanistan-press@eeas.europa.eu)

پیشنهادات ذکرشده:

اداره مرکزی احصائیه (۱۳۹۴)، سروی وضعیت زندگی درافغانستان (۱۳۹۳)، ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری. کابل ، اداره مرکزی احصائیه

شماره ۲-۰۰۵۰-۹۹۳۶-۹۷۸-ISBN

عکس های صفحه پوشش به کمک آقای ساچا ولیور روش تهیه شده است

توسط محمد اشرف عبدالله دیزاین گردیده است

کمپنی تبلیغاتی کوفین

[www.cophenadvertising.af](http://www.cophenadvertising.af)

ایمیل ادرس: [ashabdull@gmail.com](mailto:ashabdull@gmail.com)

چاپ شده توسط: دستگاه چاپ جیهون، کابل، افغانستان

## پیشگفتار



سروری وضعیت زندگی در افغانستان که توسط اداره مرکزی احصائیه و به کمک مالی کمیسیون اروپا انجام یافته، بیشتر از ۱۰ سال است که ارقام در مورد کشور فراهم می کند. این نشریه پنجمین نشریه بعد از سروری های سالهای ۱۳۸۲، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ می باشد.

این اولین نشریه سروری وضعیت زندگی در افغانستان تحت نام جدید از جمله جامعترین گزارش ها در طول دوران سروری است. اصل جدید که در این دور سروری معرفی گردیده عبارت از میتودولوژی های اند که برای پُر ساختن خلا در جمع آوری ارقام مکمل در مورد تخمین فقر و مصونیت غذایی استفاده گردیده است. یک سلسله تفصیلات دیگر در زمینه تحلیل مهاجرت های داخلی و بین المللی و همچنان تحلیل تعلیم و تربیه اضافه گردیده است. مهمتر اینکه، یک مودیول گسترده تر نیروی کار که امکان تحلیل مفصل تر از بازار کار افغانستان را میدهد، بخش ارزیابی کار و درآمد اطفال و بررسی مشاغل و صنایع در اقتصاد کشور، به تفکیک تصنیف بین المللی، اضافه گردیده است.

خصوصیات متعدد سروری وضعیت زندگی در افغانستان باعث گردیده است که سروری وضعیت زندگی در افغانستان یگانه وسیله برای پالیسی سازان و تمام موسسات که در مورد آینده افغانستان سرمایه گذاری می نمایند، باشد. این مشخصه ها شامل تحت پوشش قرار دادن نفوس کوچی، توانایی ثبت متغیر های فصلی در رابطه به شاخص های انکشافی، اصل دوره ئی ارائه معلومات و انعطاف پذیری سروری در رابطه به سازگار بودن و وفق داشتن با نیاز های افغانستان، است.

سروری وضعیت زندگی در افغانستان بزودی با نتایج سروری صحت و دیموگرافی که توقع برده می شود در سال ۱۳۹۵ ارائه گردد، اضافه خواهد گردید. علاوه بر این، اداره مرکزی احصائیه همچنان سروری اقتصادی-اجتماعی و دیموگرافیکی ولایت به ولایت را به طور منظم اجرا می نماید که هدف آن جمع آوری ارقام به یک سطح بالاتر یعنی ۵۰ فیصد از تمام خانوار ها در هر یک از مناطق تحت پوشش این سروری، مصاحبه صورت میگیرد.

اداره مرکزی احصائیه منجیت اداره مسئول تهیه احصائیه های ملی، افتخار دارد تا شاخص های کلیدی و احصائیه ها را به سطح ملی و ولایتی در سطح وسیع سکتور های انکشافی که شامل نفوس، فقر، مصونیت غذایی، بازار کار، زراعت، صحت، تعلیم و تربیه، مسکن و جنسیت را تهیه و بدسترس قرار میدهد. و من قویاً باور دارم که گسترش مجموعه ای تولیدات و دستاورد های احصائیه برای انکشاف افغانستان مهم و سودمند خواهد بود.

سروری تا هنوز در حال تداوم است طوریکه یک دور جدید آن با نشر این گزارش، جدیداً شروع خواهد شد و من امیدوار هستم که بعد از ۱۸ ماه با ارائه معلومات در مورد آخرین تغییرات در شرایط زندگی مردم افغانستان دوباره در خدمت شما قرار گیریم.

من امیدوار هستم که شما با مطالعه این نشریه لذت خواهید برد و تمام معلومات را که توقع دارید بدست خواهید آورد. اداره مرکزی احصائیه و شخص خودم آرزو می کنیم که به طور مفید و مؤثر از آن استفاده نمائید.

انجنیر شبر محمد جامی زاده

سرپرست ریاست عمومی اداره مرکزی احصائیه  
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



## شاخص های کلیدی

شاخص	شماره استراتژی انکشاف ملی افغانستان	شماره اهداف انکشافی هزاره	گروه های فرعی الف	ملی
نفوس و خانوار ها				
فیصدی نفوس زیر سن ۱۵ سال		ش ۴۲،۵ د ۴۸،۸ ک ۵۳،۸		۴۷،۵
فیصدی نفوس دارای سن ۶۵ سال و بالاتر		ش ۳،۱ د ۲،۴ ک ۲،۰		۲،۶
نسبت جنس		ش ۱۰۳ د ۱۰۵ ک ۱۱۶		۱۰۵
نسبت وابستگی		ش ۸۴ د ۱۰۵ ک ۱۲۶		۱۰۰
نسبت وابستگی طفل		ش ۷۸ د ۱۰۰ ک ۱۲۱		۹۵
نسبت وابستگی سالخورده		ش ۶ د ۵ ک ۴		۵
اوسط اندازه خانوار		ش ۶ د ۵ ک ۴		۷،۴
اوسط سن در اولین ازدواج، برای زنان که دارای سن ۲۰ الی ۲۴ سال هستند				۱۹،۰
فیصدی زنان که دارای سن ۲۰ الی ۲۴ سال هستند و در سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند				۱۲،۴
فیصدی زنان که دارای سن ۲۰ الی ۲۴ سال هستند و در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند				۳۳،۸
فیصدی زنان که در ازدواج چند همسری زندگی می کنند	۸ الف	۴،۱	ش ۷۲ د ۹۶ ز ۸۹ ا ۹۲	۷،۹
مهاجرت				
نسبت مهاجرت سالانه بداخل کشور (فیصد)				۰،۲
میزان مهاجرت سالانه به بیرون از کشور (فیصد)				۰،۶
میزان خالص مهاجرت سالانه (فیصد)				-۰،۴
نیروی کار (تعریف ملی)				
میزان اشتراک نیروی کار				۵۵،۴
نسبت مصروف کار بر نفوس		۱،۵	ش ۱۸،۳ ا ۱۶،۷ د ۲۶،۳ ک ۳۶،۲	۴۲،۹
فیصدی نفوس که به طور سودمند مصروف کار نیستند			ش ۵۰،۳ ا ۳۵،۰ د ۳۲،۸ ک ۴۲،۹	۳۹،۰
میزان کم کاری			ش ۱۳،۵ ا ۱۷،۴ د ۸،۰ ک ۱۸،۹	۱۶،۸
میزان بی کاری			ش ۳۶،۸ ا ۱۷،۶ د ۲۴،۹ ک ۳۲،۲	۸،۲
میزان بی کاری جوانان	۱۷ الف	۴۲	ش ۴۰،۵ ا ۲۲،۱ د ۳۴،۳ ک ۲۶،۴	۲۷،۴
فیصدی بی کاری جوانان از مجموع نفوس بیکار			ش ۳۹،۴ ا ۲۶،۲ د ۲۷،۵ ک ۳۹،۷	۲۷،۵
سهم کارگران مستقل و کارگران فامیلی در مجموع مصروف کار		۱،۷	ش ۸۸،۷ ا ۷۶،۲ د ۶۰،۰ ک ۸۳،۲	۷۸،۸
میزان کار اطفال (تعریف سازمان جهانی کار)			ش ۱۹۶ ا ۳۲،۷ د ۱۰،۲ ک ۳۰،۳	۲۶،۵
میزان کار اطفال (تعریف صندوق ملل متحد برای اطفال)			ش ۲۴،۱ ا ۳۴،۲	۲۹،۵
زراعت و مالداري				
فیصدی خانوار های که دارای زمین های آبی هستند				۳۶،۶
فیصدی خانوار های که دارای زمین های للمی هستند				۱۶،۳
فیصدی خانوار های که دارای باغ و باغچه هستند				۱۲،۶
فیصدی خانوار های که به زمین های آبی دسترسی دارند				۳۶،۲
فیصدی خانوار های که به زمین های للمی دسترسی دارند				۱۶،۱
فیصدی خانوار های که به یک باغ یا باغچه دسترسی دارند				۱۲،۲
اوسط سائز زمین های آبی که در مالکیت قرار دارند (به جریب)ب				۶،۱

شاخص	شماره استراتژی انکشاف ملی افغانستان	شماره اهداف انکشافی هزاره	گروپ های فرعی	ملی
اوسط ساييز زمين های للمی که در مالکیت قرار دارند (به جریب) ب				۱۳,۲
اوسط ساييز باغ ها و باغچه های که در مالکیت قرار دارند(به جریب) ب				۱,۹
اوسط ساييز زمين های آبی قابل دسترس (به جریب) ب				۶,۶
اوسط ساييز زمين های للمی قابل دسترس (به جریب) ب				۱۳,۷
اوسط ساييز باغ ها و باغچه های قابل دسترس (به جریب) ب				۱,۹
تعداد گاو (به هزار)				۲۸۵۰
تعداد بز (به هزار)				۱۰۲۶۵
تعداد گوسفند (به هزار)				۲۱۶۲۹
تعداد مرغ های خانگی (به هزار)				۱۲۲۲۱
ققر				
تعداد افراد در زیر خط فقر	۱. الف (alt)			۳۹,۱
مصونیت غذائی				
فیصدی نفوس با عدم مصونیت غذائی	۲. ب	۱,۹	ش ۲۹,۶ د ۲۵,۹ ک ۹,۳	۳۳,۰
فیصدی نفوس با عدم مصونیت غذائی شدید			ش ۱۲,۳ د ۱۲,۷ ک ۰,۰	۱۲,۰
درجه تنوع رژیم غذائی (اوسطی)			ش ۵,۷ د ۴,۸ ک ۵,۰	۵,۰
تعلیم و تربیه				
میزان سواد افراد بالغ (افراد دارای سن ۱۵ سال و بالاتر از آن)			د ۱۹,۰ ا ۱۴۹,۱ ش ۵۳,۶ د ۲۸,۷ ک ۷,۵	۳۴,۳
میزان سواد جوانان (سنین ۱۵ الی ۲۴ سال)	۳. ج	۲,۳	د ۳۶,۳ ا ۳۶,۷ ش ۱۷,۳ د ۴۴,۶ ک ۱۲,۵	۵۱,۷
میزان پذیرش خالص در تعلیمات ابتدائی (در سن ۷ سالگی)			د ۱۸,۷ ا ۲۲,۹ ش ۱۸,۷ د ۳۵,۵ ک ۰,۸	۲۰,۸
میزان پذیرش ناخالص در تعلیمات ابتدائی			د ۳۹,۴ ا ۵۱,۴ ش ۳۹,۴ د ۷۱,۶ ک ۴,۵	۴۵,۴
میزان حضور یابی خالص در تعلیمات ابتدائی	۳. د	۲,۱	د ۴۵,۵ ا ۶۲,۴ ش ۴۵,۵ د ۷۶,۷ ک ۱۰,۳	۵۴,۵
میزان حضور یابی خالص در تعلیمات ثانوی			د ۲۶,۹ ا ۴۶,۷ ش ۲۶,۹ د ۵۶,۱ ک ۵,۴	۳۷,۲
میزان حضور یابی خالص در تعلیمات عالی			د ۴,۷ ا ۱۲,۵ ش ۴,۷ د ۱۷,۴ ک ۰,۷	۸,۷
میزان تعدیل شده حضور یابی خالص در تعلیمات ابتدائی			د ۴۷,۱ ا ۶۴,۵	۵۶,۴
میزان تعدیل شده حضور یابی خالص در تعلیمات ثانوی			د ۲۷,۸ ا ۴۷,۸	۳۸,۲
میزان حضور یابی ناخالص در تعلیمات ابتدائی	۳. الف (alt)		د ۵۴,۶ ا ۷۷,۴ ش ۵۴,۶ د ۹۲,۳ ک ۱۳,۷	۶۶,۷
میزان حضور یابی ناخالص در تعلیمات ثانوی			د ۳۲,۶ ا ۵۸,۹ ش ۳۲,۶ د ۶۸,۹ ک ۷,۳	۴۶,۲
میزان حضور یابی ناخالص در تعلیمات عالی			د ۵,۹ ا ۱۴,۳ ش ۵,۹ د ۲۰,۷ ک ۰,۷	۱۰,۱
فیصدی شاگردان که صنف اول را شروع کرده و الی صنف پنجم تعلیمات ابتدائی میرسند	۳. ب	۲,۲	د ۸۷,۱ ا ۸۷,۰ ش ۸۶,۰ د ۸۵,۷ ک ۸۷,۲	۸۶,۷
فیصدی شاگردان که صنف اول را شروع کرده و الی آخرین صنف تعلیمات ابتدائی میرسند		۲,۲	د ۸۸,۳ ا ۸۴,۴ ش ۸۸,۳ د ۸۲,۳ ک ۸۸,۲	۸۴,۲
فیصدی کسانی که مکتب را شروع کرده مگر قبل از رسیدن به صنف شش مکتب را ترک می کنند یا اخراج می شوند			د ۱۴,۶ ا ۱۳,۶ ش ۱۴,۳ د ۱۴,۳ ک ۱۳,۸	۱۴,۰
میزان تکمیل تعلیمات ابتدائی			د ۴۰,۳ ا ۵۸,۱ ش ۴۰,۳ د ۶۷,۶ ک ۴۴,۸	۵۰,۲
میزان انتقال به مکتب ثانوی			د ۹۵,۹ ا ۹۶,۷ ش ۹۵,۹ د ۹۶,۴ ک ۹۶,۵	۹۶,۵
میزان انتقال به مکتب لیسه			د ۵۷,۴ ا ۶۱,۲ ش ۵۷,۴ د ۶۵,۶ ک ۵۳,۲	۵۹,۸
توقع به حیات مکتب (به سالها)			د ۵,۶ ا ۹,۵ ش ۵,۶ د ۱۲,۴ ک ...	۷,۷

شاخص	شماره استراتژی انکشاف ملی افغانستان	شماره اهداف انکشافی هزاره	گروپ های فرعی الف	ملی
<b>صحت</b>				
پوشش مراقبت های قبل ازولادت (حداقل یک ملاقات)	د .۹	۵,۵	ش ۸۴,۳ د ۵۷,۶ ک ۴۲,۶	۶۳,۲
پوشش مراقبت های قبل از ولادت (حداقل چهار بار ملاقات)		۵,۵	ش ۴۳,۹ د ۱۷,۴ ک ۱۱,۷	۲۲,۷
فیصدی ولادت ها با موجودیت پرسونل ماهر صحی	ب .۹	۵,۲	ش ۸۱,۷ د ۳۷,۰ ک ۱۵,۴	۴۵,۲
فیصدی ولادت ها در شفاخانه ها و کلینیک ها			ش ۷۸,۲ د ۳۴,۸ ک ۱۵,۲	۴۲,۸
اطفال که گاهی از شیر مادر تغذیه شده اند				۹۳,۲
شروع زود هنگام تغذیه از شیر مادر				۳۳,۲
تغذیه انحصاری از شیر مادر در سن زیر ۶ ماه				۸۰,۱
تغذیه از شیر مادر به طور دوامدار در یک سالگی				۹۳,۹
تغذیه از شیر مادر به طور دوامدار در دو سالگی				۵۴,۷
مدت میانه تغذیه از شیر مادر				۲۴,۲
سن میانه به ماه که در آن اطفال از مایعات دیگر می نوشند				۵,۹
<b>مسکن</b>				
فیصدی خانوار هایکه در محلاتی زندگی می کنند که فاصله شان به نزدیکترین سرک موتررو ۲ کیلومتر و یا کمتر است			ش ۹۵,۰ د ۳۸,۳ ک ۴۰,۰	۵۲,۳
اوسط تعداد افراد در هر اطاق			ش ۳,۰ د ۳,۰ ک ۵,۱	۳,۱
فیصدی خانوار های که در مسکن های پر ازدحام زندگی می کنند			ش ۳۴,۴ د ۳۴,۴ ک ۷۴,۸	۳۶,۴
فیصدی نفوس شهری که در محلات پر جمعیت و کثیف زندگی می کنند	۱۴.الف (alt)	۷,۱۰		۷۳,۸
فیصدی نفوس که از منابع آب آشامیدنی بهبود یافته استفاده می کنند	۱۳.الف	۷,۸	ش ۹۱,۱ د ۵۸,۴ ک ۲۹,۶	۶۴,۸
فیصدی نفوس که یکی از حفظ الصحه بهبود یافته استفاده می کنند	۱۳.ب	۷,۹	ش ۷۶,۵ د ۲۹,۰ ک ۱,۳	۳۹,۰
فیصدی خانوار ها با دسترسی به هرگونه منبع برق در ماه گذشته			ش ۹۸,۷ د ۸۷,۸ ک ۷۰,۸	۸۹,۵
فیصدی خانوار های که از سوخت جامد استفاده می کنند	۱۲.ج	۲۹	ش ۲۷,۲ د ۹۰,۷ ک ۸۴,۴	۷۵,۹
استفاده کننده گان تیلیفون های همراه (موبایل) در هر ۱۰۰ باشنده	۱۹.الف	۸,۱۵	ش ۲۹,۸ د ۱۳,۷ ک ۷,۹	۱۷,۳
استفاده کننده های انترنت در هر ۱۰۰ نفر از نفوس	۱۹.ب	۸,۱۶	ش ۳,۸ د ۰,۴ ک ۰,۱ د ۱,۹ ک ۰,۵	۱,۲
<b>جنسیت</b>				
سهم زنان در اشتغال با مزد در سکتور غیر زراعتی		۳,۲		۱۰,۳
شاخص تساوی جنسیت سواد، سنین ۱۵ سال و بالاتر از آن			ش ۰,۵۷ د ۰,۲۸ ک ۷,۵	۰,۳۹
شاخص تساوی جنسیت سواد سنین ۱۵ الی ۲۴ سال	۴.ج		ش ۰,۷۳ د ۰,۴۰ ک ۰,۰۹	۰,۵۲
شاخص تساوی جنسیت در تعلیمات ابتدائی	۴.الف	۳,۱	ش ۰,۸۸ د ۰,۶۳ ک ۰,۱۹	۰,۷۱
شاخص تساوی جنسیت در تعلیمات ثانوی	۴.ب	۳,۱	ش ۰,۷۶ د ۰,۴۳ ک ۰,۰۰	۰,۵۵
شاخص تساوی جنسیت در تعلیمات عالی	۴.ج	۳,۱	ش ۰,۶۱ د ۰,۲۲ ک ۰,۰۰	۰,۴۱

الف:ش: شهری، د: دهاتی، ک: کوچی، ذ: ذکور، ا: اناث  
 ب: یک جریب مساوی به ۰.۲ هکتار میگردد (۲۰۰۰متر مربع)  
 ( شاخص های داخل قوس ها دارای اعتبار و اطمینان کم بوده و تنها نشاندهنده میباشند )



## فهرست عناوین

i	پیشگفتار
iii	شاخص های کلیدی
vii	فهرست عناوین
xiii	فهرست جداول
xvii	فهرست اشکال
xxi	لست جداول متن
xxiii	مخففات
xxv	سپاس گزاری
xxvii	نقشه افغانستان
xxix	خلاصه
۱	۱. مقدمه
۳	۲. میتودولوژی و عملیات سروی
۳	۱.۲ مقدمه
۳	۲.۲ دخیل بودن سهامداران
۳	۳.۲ دیزاین پرسشنامه
۴	۴.۲ آموزش و اجرای سروی آزمایشی
۴	۵.۲ آموزش و انتخاب کارکنان ساحوی
۵	۶.۲ طرح نمونه گیری
۵	۷.۲ عملیات ساحه
۶	۸.۲ پروسس ارقام
۶	۱.۸.۲ چک دستی و کود گزاری
۷	۲.۸.۲ ادخال ارقام و تصحیح ارقام
۷	۹.۲ تحلیل
۷	۱۰.۲ مقایسه پذیری نتایج
۸	۱۱.۲ محدودیت ارقام
۸	۱۲.۲ گزارش دهی
۹	۳. ساختار نفوس و تغییرات
۹	۱.۳ مقدمه
۱۰	۲.۳ ساختار نفوس
۱۰	۱.۲.۳ توزیع سن
۱۱	۲.۲.۳ نسبت جنس
۱۲	۳.۲.۳ توزیع به تفکیک محل اقامت

۱۳	..... ۳.۳ ترکیب خانوار
۱۳	..... ۱.۳.۳ ساختار خانوار
۱۵	..... ۲.۳.۳ رئیس خانوار
۱۶	..... ۴.۳ الگوی ازدواج
۱۶	..... ۱.۴.۳ توزیع حالت مدنی
۱۷	..... ۲.۴.۳ سن هنگام نخستین ازدواج
۱۸	..... ۳.۴.۳ خلای سن ازدواج
۱۹	..... ۴.۴.۳ چند همسری
۲۱	..... <b>۴. مهاجرت</b>
۲۱	..... ۱.۴ مقدمه
۲۱	..... ۱.۱.۴ زمینه مهاجرت افغانستان
۲۲	..... ۲.۱.۴ مفاهیم مهاجرت
۲۲	..... ۲.۴ مهاجرت داخلی در افغانستان
۲۳	..... ۱.۲.۴ مهاجرین داخلی طول عمر
۲۵	..... ۲.۲.۴ مهاجرین داخلی متوسط المدت
۲۷	..... ۳.۲.۴ مهاجرین متاخر داخلی
۲۹	..... ۴.۲.۴ ارتباطات شهری - دهاتی
۲۹	..... ۵.۲.۴ مهاجرین داخلی کی ها اند؟
۳۰	..... ۶.۲.۴ چرا مهاجرین داخلی حرکت میکنند؟
۳۱	..... ۳.۴ مهاجرت بین المللی
۳۱	..... ۱.۳.۴ مهاجرین به داخل و مهاجرت به داخل
۳۴	..... ۲.۳.۴ مهاجرین به خارج و مهاجرت به خارج
۳۶	..... ۴.۴ بیابانس مهاجرت
۳۷	..... ۵.۴ عودت از بیجاه شدگی
۳۷	..... ۱.۵.۴ مبدا ها و مقصد های عودت کننده گان
۳۸	..... ۲.۵.۴ وضعیت زندگی عودت کنندگان
۴۱	..... <b>۵. نتایج بازار کار</b>
۴۱	..... ۱.۵ مقدمه
۴۲	..... ۲.۵ سهمگیری نیروی کار
۴۴	..... ۳.۵ استخدام، بیکاری و کم کاری
۴۴	..... ۱.۳.۵ نظر کلی بر استخدام، بیکاری و کم کاری
۴۹	..... ۲.۳.۵ مقایسه در طول زمان
۵۰	..... ۳.۳.۵ مشخصات افراد مصروف کار و کم کار
۵۵	..... ۴.۳.۵ ساعات کار و عواید
۵۷	..... ۴.۵ مهاجرت کاری
۵۷	..... ۱.۴.۵ مبدا و مقصد مهاجرت کاری

۵۹	.....	۲.۴.۵	مشخصات مهاجرین کاری
۶۰	.....	۳.۴.۵	عملکرد مهاجرین کاری در بازار کار
۶۱	.....	۴.۴.۵	مهاجرت کاری کوچی
۶۲	.....	۵.۴.۵	مهاجرت فصلی
۶۳	.....	۵.۵	کار طفل
۶۳	.....	۱.۵.۵	مقدمه
۶۴	.....	۲.۵.۵	شیوع کار اطفال و شرایط کاری آنها
۶۶	.....	۳.۵.۵	علل و عواقب کار اطفال
۶۸	.....	۴.۵.۵	کار های خانوار و نیروی کار اطفال
۷۱	.....	۶	<b>زراعت و مالداری</b>
۷۱	.....	۱.۶	مقدمه
۷۱	.....	۲.۶	زراعت و باغداری
۷۲	.....	۱.۲.۶	زمین آبی
۷۶	.....	۲.۲.۶	زمین للمی
۷۸	.....	۳.۲.۶	عامل تولید زراعتی
۸۰	.....	۴.۲.۶	باغداری
۸۱	.....	۳.۶	مالداری
۸۱	.....	۱.۳.۶	تعداد مواشی
۸۲	.....	۲.۳.۶	فروش حیوانات و محصولات حیوانی
۸۳	.....	۳.۳.۶	عوامل تولید مواشی
۸۵	.....	۷	<b>فقر</b>
۸۵	.....	۱.۷	مقدمه
۸۶	.....	۲.۷	اندازه گیری میلان های فقر با استفاده از منتسب کردن سروری به سروری
۸۷	.....	۳.۷	رشد و توزیع
۸۷	.....	۴.۷	پروفایل فقر
۸۷	.....	۱.۴.۷	مشخصات دموگرافیکی
۸۸	.....	۲.۴.۷	مشخصات رئیس خانوار
۸۹	.....	۳.۴.۷	مشخصات اطفال در خانوار
۹۰	.....	۴.۴.۷	دسترسی به خدمات
۹۰	.....	۵.۷	نتیجه گیری
۹۱	.....	۸	<b>مصنویت غذایی</b>
۹۱	.....	۱.۸	مقدمه
۹۲	.....	۲.۸	مصنویت غذایی موجوده/فعلی
۹۲	.....	۱.۲.۸	پخش عدم مصنویت غذایی به اساس محل اقامت
۹۲	.....	۲.۲.۸	توزیع به اساس منطقه و ولایت

۹۴	..... ۳.۸ خصوصیات نفوس نا مصوّن غذا
۹۴	..... ۱.۳.۸ مشخصات به اساس منابع عمده درآمد
۹۶	..... ۲.۳.۸ مشخصات به اساس مالکیت دارائی
۹۶	..... ۳.۳.۸ مشخصات به اساس تعداد اعضای خانوار
۹۷	..... ۴.۸ عدم مصئونیت غذائی موسمی یا فصلی
۹۷	..... ۱.۴.۸ تفاوت های موسمی به اساس تقویم افغانی
۹۸	..... ۲.۴.۸ تفاوت ها میان وقت رفع حاصل وزمان قبل از رفع حاصل (تنگدستی)
۹۹	..... ۵.۸ دسترسی به غذا و عرضه
۹۹	..... ۱.۵.۸ منابع اقلام غذائی به اساس گروپ نفوس و وضعیت مصئونیت غذائی
۱۰۰	..... ۲.۵.۸ منابع اقلام غذا به اساس منبع عمده عواید
۱۰۰	..... ۳.۵.۸ منابع اقلام غذائی به اساس فصل
۱۰۰	..... ۶.۸ مصرف غذا
۱۰۰	..... ۱.۶.۸ تنوع غذائی
۱۰۱	..... ۲.۶.۸ درجه مصرف غذا
۱۰۳	..... ۳.۶.۸ درجه گرسنگی خانوار
۱۰۴	..... ۷.۸ مجادله با صدمات
۱۰۴	..... ۱.۷.۸ شکل عمومی مجادله
۱۰۴	..... ۲.۷.۸ شاخص راهبرد یا شیوه مجادلوی
۱۰۷	..... <b>۹. تعلیم و تربیه</b>
۱۰۷	..... ۱.۹ مقدمه
۱۰۸	..... ۲.۹ حضور تعلیمی
۱۰۸	..... ۱.۲.۹ حضور تعلیمی در محل اقامت و دورنمای جنسیت
۱۱۱	..... ۲.۲.۹ انکشاف در حضور تعلیمی
۱۱۲	..... ۳.۲.۹ انتقالات در زندگی تعلیم و تربیه
۱۱۴	..... ۴.۲.۹ توقع به حیات مکتب
۱۱۵	..... ۵.۲.۹ نفوس که در تعلیم و تربیه حضور ندارند
۱۱۷	..... ۶.۲.۹ مکتب خانگی
۱۱۷	..... ۳.۹ درجه تحصیل
۱۱۹	..... ۴.۹ سواد
۱۱۹	..... ۱.۴.۹ سواد به اساس محل اقامت و جنس
۱۲۱	..... ۲.۴.۹ انکشاف در سطح سواد
۱۲۳	..... <b>۱۰. صحت</b>
۱۲۳	..... ۱.۱۰ مقدمه
۱۲۴	..... ۲.۱۰ دسترسی به خدمات صحی و رویه جستجوی مراقبت های صحی
۱۲۴	..... ۱.۲.۱۰ زمان سفر، مصارف سفر و موجودیت کارکنان
۱۲۷	..... ۲.۲.۱۰ رویه جستجوی مراقبت

۱۲۹	..... ۳.۱۰ صحت مادری
۱۲۹	..... ۱.۳.۱۰ مراقبت قبل از ولادت
۱۳۲	..... ۲.۳.۱۰ حضور ماهر صحنی در زمان ولادت و محل ولادت
۱۳۶	..... ۴.۱۰ تغذیه از شیر مادر
۱۴۱	..... <b>۱.۱ تساوی جنسیت و توانمند سازی زنان</b>
۱۴۲	..... ۱.۱.۱ مقدمه
۱۴۲	..... ۲.۱.۱ موقف زنان در نفوس
۱۴۲	..... ۱.۲.۱.۱ نسبت جنس
۱۴۴	..... ۲.۲.۱.۱ رئیس خانوار
۱۴۴	..... ۳.۲.۱.۱ ازدواج طفل
۱۴۵	..... ۴.۲.۱.۱ چند همسری
۱۴۶	..... ۳.۱.۱ خلای تعلیم و تربیه از لحاظ جنسیت
۱۴۶	..... ۱.۳.۱.۱ سواد
۱۴۷	..... ۲.۳.۱.۱ حضور در مکتب
۱۴۷	..... ۳.۳.۱.۱ درجه تحصیل
۱۴۸	..... ۴.۱.۱ زنان در نیروی کار
۱۵۰	..... ۵.۱.۱ تصمیم گیری
۱۵۱	..... ۶.۱.۱ انزوا
۱۵۴	..... ۷.۱.۱ زنان و انکشاف
۱۵۹	..... <b>۱.۲ تسهیلات مسکن و خانوار</b>
۱۵۹	..... ۱.۱.۲ مقدمه
۱۶۰	..... ۲.۱.۲ نوع تصرف و مشخصات واحد مسکونی
۱۶۰	..... ۱.۲.۱.۲ نوع تصرف
۱۶۱	..... ۲.۲.۱.۲ مشخصات مسکن
۱۶۴	..... ۳.۱.۲ سهولت های خانوار
۱۶۴	..... ۱.۳.۱.۲ آب و حفظ و الصحه
۱۶۸	..... ۲.۳.۱.۲ سایر سهولت های خانوار
	<b>ضمایم</b>
۱۷۳	..... <b>۱.۱ اشخاصیکه در سروی وضعیت زندگی افغانستان شامل بودند</b>
۱۷۳	..... ۱.۱ کارمندان اداره مرکزی احصائیه
۱۷۳	..... ۲.۱ کارمندان ICON
۱۷۳	..... ۳.۱ کمیته رهبری
۱۷۴	..... ۴.۱ کمیته تخنیک مشورتی
۱۷۴	..... ۵.۱ مولفین فصلها
۱۷۵	..... <b>ضمیمه ۲ پوشش موضوعات در سروی سالهای ۱۳۸۶ - ۱۳۸۲ الی سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۷ - ۱۳۹۵</b>
۱۷۷	..... <b>ضمیمه ۳ پرسشنامه های سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۹۳ - ۱۳۹۲</b>

۱۷۷	.....	ضمیمه ۱.۳. پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان
۲۱۶	.....	ضمیمه ۲.۳ پرسشنامه شورای مردان سروی وضعیت زندگی در افغانستان
۲۲۳	.....	<b>ضمیمه ۴. دیزاین نمونه و تطبیق آن</b>
۲۲۳	.....	۱.۴ مقدمه
۲۲۳	.....	۲.۴ چوکات نمونه
۲۲۳	.....	۳.۴ سائز نمونه
۲۲۳	.....	۴.۴ طبقه بندی
۲۲۳	.....	۵.۴ سائز خوشه و تعداد خوشه ها
۲۲۳	.....	۶.۴ مراحل نمونه گیری و پروسه انتخاب
۲۲۵	.....	۷.۴ تطبیق دیزاین نمونه
۲۲۵	.....	۸.۴ محاسبه کردن وزن های نمونه و طبقه بندی بعدی
۲۲۵	.....	۱.۸.۴ نفوس ساکن
۲۲۷	.....	۲.۸.۴ نفوی کوچی
۲۲۷	.....	۳.۸.۴ متحولین وزن ها
۲۲۹	.....	<b>ضمیمه ۵. جداول نفوس</b>
۲۳۷	.....	<b>ضمیمه ۶. یاداشت تخنیکي در مورد متناسب کردن سروی به سروی: تخمین فقر برای افغانستان</b>
۲۳۷	.....	۱.۶ ارقام
۲۳۷	.....	۲.۶ انکشاف مدل
۲۳۸	.....	۳.۶ انتخاب مدل: تأیید کردن متقابل
۲۳۹	.....	۴.۶ شبیه سازی و تخمین میزان فقر
۲۳۹	.....	۵.۶ نتایج تخمین
۲۴۰	.....	۶.۶ متناسب کردن به عقب و همزمان
۲۴۹	.....	<b>ضمیمه ۷. ارزیابی و اطمینان از کیفیت ارقام</b>
۲۴۹	.....	۱.۷ مقدمه
۲۴۹	.....	۲.۷ اطمینان از کیفیت
۲۵۲	.....	۳.۷ اشتباهات نمونه گیری
۲۵۳	.....	۴.۷ اشتباهات غیر نمونه گیری
۲۵۳	.....	۱.۴.۷ نظر اجمالی در مورد اشتباهات ممکنه غیر نمونه گیری
۲۵۷	.....	۲.۴.۷ ارزش های ازدست رفته
۲۵۹	.....	<b>ضمیمه ۸. مفاهیم و تعاریف</b>
۲۶۱	.....	<b>منابع و مأخذ</b>

## فهرست جداول

۴	جدول ۱.۲: قسمت های پرسشنامه سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ (قسمت های موضوعی با خط درشت)
۴	جدول ۲.۲: قسمت پرسشنامه شورای ذکور (قسمت های موضوعی به خط درشت)
۱۱	جدول ۱.۳: نفوس به تفکیک محل اقامت، جنس و سن
۱۳	جدول ۲.۳: خانوار ها به تفکیک محل اقامت و شاخص های منتخب ساختار خانوار
۱۶	جدول ۳.۳: خانوار ها نفوس به تفکیک مشخصات رئیس خانوار (به فیصدی)
۱۶	جدول ۴.۳: نفوس به اساس حالت مدنی، و به اساس جنس و سن (به فیصدی)
۲۹	جدول ۱.۴: مهاجرین طول عمر و متاخر داخلی به تفکیک محل اقامت فعلی و محل اقامت در اوقات مربوط در گذشته
۳۳	جدول ۲.۴: نفوس ساکن که در خارج تولد شده در سال ۱۳۸۱ در خارج زندگی میکردند و در سال ۱۳۹۱ در خارج زندگی میکردند به تفکیک کشور محل اقامت در خارج (به فیصدی)
۴۲	جدول ۱.۵: تعاریف نیروی کار
۴۴	جدول ۲.۵: نیروی کار به تفکیک سن و جنس
۴۵	جدول ۳.۵: نفوس سن کار به تفکیک وضع فعالیت، محل اقامت و جنس
۴۹	جدول ۴.۵: شاخص های بازار کار به تفکیک سروی، محل اقامت و جنس الف
۵۷	جدول ۵.۵: نسبت های جنسیت الف اوسط و میانه عواید ماهانه به تفکیک گروپ شغلی ب
۵۹	جدول ۶.۵: نفوس مهاجر کاری ساکن به تفکیک محل اقامت فعلی، محل اقامت قبلی، شهری - دهاتی (به فیصدی)
۶۱	جدول ۷.۵: عواید وسطی و میانه مجموع ذکور کارگر و کارگران ذکور مهاجر کاری ساکن به تفکیک وضعیت در استخدام (به افغانی)
۶۴	جدول ۸.۵: اطفال ۱۷ - ۵ ساله به تفکیک وضع فعالیت و جنس (تعریف سازمان بین المللی کار) (به فیصدی)
۷۰	جدول ۹.۵: اطفال ۵ تا ۱۷ ساله به تفکیک وضع فعالیت، سن و جنس (تعریف یونسف) (ارقام به هزار)
۷۲	جدول ۱۰.۶: خانوار ها به تفکیک (الف) مالکیت زمین آبی (ب) دسترسی به زمین آبی، سائز زمین آبی (به فیصدی) همچنان سائز وسطی و میانه زمین آبی (به جریب)
۷۶	جدول ۲.۶: تولید محصول زمین های آبی به تفکیک فصل برداشت (به هزار تن)
۷۷	جدول ۳.۶: خانوار ها به تفکیک (الف) مالکیت زمین للمی و (ب) دسترسی به زمین للمی، سائز زمین للمی (به فیصدی) همچنان سائز وسطی و میانه للمی (به جریب)
۷۸	جدول ۴.۶: تولید محصولات زمین های للمی در فصل برداشت بهاری (به هزار تن)
۷۹	جدول ۵.۶: خانوار های زراعتی به تفکیک مخارج زراعتی
۸۰	جدول ۶.۶: خانوار ها به تفکیک (الف) مالکیت باغ و (ب) دسترسی به باغ، سائز باغ (به فیصدی) همچنان سائز وسطی و میانه باغ (به جریب)
۸۱	جدول ۷.۶: تولید میوه و محصول از باغ ها (به هزار تن)
۸۱	جدول ۸.۶: مواشی به تفکیک سال و نوع مواشی (به هزار)
۸۲	جدول ۹.۶: تعداد مواشی فروخته شده در سال قبل از سروی به تفکیک نوع مواشی (به هزار)
۸۶	جدول ۱.۷: فهرست متحولین نامزد مشترک بین سرویها
۸۶	جدول ۲.۷: میلان ها در میزان های فقر حقیقی و منتسب شده
۸۷	جدول ۳.۷: اوسط مصرف سرانه حقیقی (به قیمت های سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۰) به تفکیک کوانتیل های فقر (الف) (ب)
۸۸	جدول ۴.۷: فقر سرانه، سهم فقرا و مجموع نفوس به تفکیک مشخصات منتخب دموگرافیکی (به فیصدی)
۸۸	جدول ۵.۷: فقر سرانه، سهم فقیر و نفوس مجموعی به تفکیک تحصیل منتخب رئیس خانوار (به فیصدی) الف
۸۹	جدول ۶.۷: فقر سرانه، سهم فقیر و مجموع نفوس به تفکیک نتایج منتخب بازار کار رئیس خانوار (به فیصدی) الف
۹۰	جدول ۷.۷: فقر سرانه، سهم فقیر و مجموع نفوس به تفکیک مشخصات منتخب طفل (به فیصدی) الف
۹۰	جدول ۸.۷: فقر سرانه به تفکیک دسترسی به خدمات منتخب (به فیصدی) الف

۹۱	جدول ۱.۸: درجه / سطوح مصونیت غذایی .....
۹۲	جدول ۲.۸: نفوس، به تفکیک مصونیت غذایی و محل اقامت .....
۹۳	جدول ۳.۸: نفوس به اساس درجه مصونیت غذایی و به تفکیک منطقه .....
۹۵	جدول ۴.۸: خانوارها، به اساس دارای وعدم مصونیت غذایی و به تفکیک منابع عمده عاید (به فیصدی) .....
۹۷	جدول ۵.۸: فیصدی خانوارهای نامصون غذایی به تفکیک محل اقامت و خصوصیات انتخابی ایشان .....
۹۹	جدول ۶.۸: فیصدی خانوارهای نامصون غذایی به تفکیک سال / فصل رفع حاصل و زون (۲۰۱۴) .....
۱۰۱	جدول ۷.۸: نمره تنوع رژیم غذایی (اوسط) و فیصدی خانوارها با تنوع غذایی پائین و عدم مصرف نمودن گروههای خاص غذا به تفکیک محل سکونت، زونها و جنسیت رئیس خانوار .....
۱۰۲	جدول ۸.۸: خانوارها به تفکیک گروه غذای مصرف شده و به تفکیک محل اقامت، زون و جنس رئیس خانوار (به فیصدی) .....
۱۰۲	جدول ۹.۸: تعداد اوسط روزها با مصرف پروتئین در خانوار به تفکیک مصرف گروه غذایی .....
۱۰۳	جدول ۱۰.۸: فیصدی خانوارها به اساس درجه گرسنگی و اجزای آن و به تفکیک محل اقامت و زونها (به فیصدی) .....
۱۰۴	جدول ۱۱.۸: خانوارها به اساس محل اقامت و به تفکیک استفاده از شیوه مجادلوی منتخب شان (به فیصدی) .....
۱۰۵	جدول ۱۲.۸: خانوارها به تفکیک سطح شاخص شیو مجادلوی و محل اقامت، زون و جنس رئیس خانواده (به فیصدی) .....
۱۱۰	جدول ۱۶.۹: نسبت های حضور خالص و ناخالص به تفکیک محل اقامت، سطح تعلیمی، جنس و شاخص تساوی جنسیت به تفکیک سطح تعلیمی، نسبت های خالص، ناخالص و سطح تعلیمی .....
۱۱۴	جدول ۲۹.۹: شاخص های انتقال تعلیمی به تفکیک جنس و محل اقامت (به فیصدی) الف .....
۱۱۶	جدول ۳۰.۹: نفوس ۲۴ - ۷ ساله که در مکتب حضور ندارند، به تفکیک سن مکتب، جنس، محل اقامت و دلایل برای عدم حضور در مکتب (به فیصدی) .....
۱۱۸	جدول ۳۰.۹: نفوس ۲۵ ساله و بالاتر به تفکیک جنس و درجه تحصیل .....
۱۱۹	جدول ۵۰.۹: میزان سواد کلان سالان، به تفکیک محل اقامت و جنس (به فیصدی)، شاخص های تساوی جنسیت به تفکیک محل اقامت .....
۱۲۱	جدول ۶۰.۹: میزان سواد جوانان، به تفکیک محل اقامت و جنس (به فیصدی)، شاخص های تساوی جنسیت به تفکیک محل اقامت .....
۱۲۵	جدول ۱۰۱.۰: نفوس به تفکیک محل اقامت و (الف) زمان سفر به سهولت صحتی (به فیصدی) و (ب) مصارف سفر یک طرفه به سهولت صحتی (به افغانی) الف .....
۱۲۶	جدول ۲۰۱.۰: نفوس به تفکیک محل اقامت و حضور انواع مختلف کارمندان در سهولت های مختلف صحتی (به فیصد) الف .....
۱۲۸	جدول ۳۰۱.۰: زنان ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان ۳۰ روز قبل از سروی مریض یا مجروح بودند و مراقبت طبی جستجو نکردند به تفکیک محل اقامت و به تفریق (الف) دلیل عمده (ب) دلیل دوم جستجو نکردن مراقبت صحتی (به فیصدی) .....
۱۳۲	جدول ۴۰۱.۰: خانم ها با یک تولد زنده در پنج سال قبل از سروی به تفکیک نوع ماهر صحتی و محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۳۵	جدول ۵۰۱.۰: خانم های دارای یک تولد زنده در جریان پنج سال قبل از سروی به تفکیک گروه های پنج ساله سن و دلیل عدم تغذیه طفل از شیر مادر (به فیصدی) .....
۱۳۹	جدول ۶۰۱.۰: شاخص های تغذیه از شیر مادر و تغذیه طفل .....
۱۴۵	جدول ۱۰۱.۱: درجه خوشحالی زنان عروسی شده به تفکیک وضع چند همسری .....
۱۴۹	جدول ۲۰۱.۱: زنان ۱۴ ساله و بالاتر به تفکیک ترجیح کار در مقابل پول و محل اقامت .....
۱۵۰	جدول ۳۰۱.۱: زنان ۱۴ ساله و بالاتر که تصمیم میگیرند پولی که توسط خانم ها بدست آمده چگونه مصرف شود به تفکیک محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۵۱	جدول ۴۰۱.۱: زنان ۱۴ ساله و بالاتر به تفکیک شخصیکه در مورد مصرف پولیکه از طریق فروش مواشی بدست آمده تصمیم می گیرند و محل اقامت (به فیصد) .....
۱۵۲	جدول ۵۰۱.۱: فیصدی زنان ۱۴ ساله و بالاتر به تفکیک محل اقامت و همراهی / کمک زمانیکه از خانه بیرون می روند (به فیصدی) .....
۱۵۲	جدول ۶۰۱.۱: زنان ۱۴ ساله و بالاتر به تفکیک محل اقامت و شخص که معمولاً وی را هنگام بیرون رفتن از خانه همراهی میکنند (به فیصدی) .....
۱۵۵	جدول ۷۰۱.۱: درک خانم ارشد عضو خانوار و مرد رئیس خانوار در مورد وضع فعلی اقتصادی خانوار به مقایسه یک سال قبل (به فیصد) .....
۱۵۵	جدول ۸۰۱.۱: درک خانم ارشد عضو خانوار و رئیس مرد خانوار در مورد طریق که پولیس وظایف خود در خدمت و حمایت مردم در ولسوالی انجام میدهد (به فیصدی) .....
۱۵۵	جدول ۹۰۱.۱: درک خانم ارشد عضو و رئیس مرد خانوار در مورد وضع امنیتی در ولسوالی (به فیصدی) .....
۱۵۷	جدول ۱۰۰۱.۱: اولویت ها در مورد نوع کمک حکومت به جامعه که خانوار بیشترین نفع را از آن می برد به تفکیک ترتیب اولویت و جنس (به فیصدی) .....
۱۶۰	جدول ۱۰۱.۱۲: خانوارها به تفکیک وضع تصرف واحد مسکونی و نوع محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۶۱	جدول ۲۰۱.۱۲: خانوارها به تفکیک نوع واحد مسکونی و نوع محل اقامت (به فیصدی) .....

۱۶۲	جدول ۳.۱۲: خانوار ها به تفکیک مواد عمده ساختمانی دیوار ها ی بیرونی و نوع محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۶۴	جدول ۴.۱۲: نفوس و خانوار هایکه به منبع آب بهبود یافته دسترسی دارند به تفکیک نوع محل اقامت (به فیصدی) و زمان رسیدن به منبع آب به تفکیک محل اقامت .....
۱۶۵	جدول ۵.۱۲: نفوس به تفکیک منبع آب آشامیدنی و نوع محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۶۷	جدول ۶.۱۲: نفوس و خانوار ها به تفکیک دسترسی به سهولت بهبود یافته حفظ الصحه و محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۶۷	جدول ۷.۱۲: نفوس به تفکیک استفاده از حفظ الصحه بهبود یافته ، دسترسی به سهولت شخصی و محل اقامت (به فیصدی) .....
۱۷۲	جدول ۸.۱۲: خانوار ها به تفکیک استفاده از مواد سوخت جامد برای پخت و پز و تسخین در زمستان و بدون تسخین و نوع اقامت (به فیصدی) .....

#### جداول ضمیمه

۲۲۴	جدول ۱.۴: ولسوالی های که از چوکات نمونه بمنظور نمونه احتیاطی خارج ساخته شده اند .....
۲۲۵	جدول ۲.۴: خانوار های مصاحبه شده، به تفکیک سال ، و به فصل (تقویم شمسی) .....
۲۲۹	جدول ۱.۵: نفوس به تفکیک محل اقامت، جنس و گروپ های پنج ساله سن (به هزار) .....
۲۲۹	جدول ۲.۵: نفوس به تفکیک محل اقامت، جنس، گروپ های پنج ساله سن (به فیصدی) .....
۲۳۰	جدول ۳.۵: نفوس به تفکیک جنس، ولایت و گروپ های سن (به هزار) .....
۲۴۰	جدول ۱.۶: نتایج تصدیق - میزان های فقر واقعی و منتسب شده ۱۳۸۶-۸۷ .....
۲۴۰	جدول ۲.۶: نتایج تصدیق - میزان های فقر واقعی و منتسب شده ۱۳۹۰-۹۱ .....
۲۴۰	جدول ۳.۶: میزان فقر تخمین شده برای سال ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ (به فیصدی) .....
۲۴۱	جدول ۴.۶: خلاصه احصائیه های متحولین نامزد .....
۲۴۵	جدول ۵.۶: مودل مصرف ملی (متحول تابع: لوگارت م مصرف سرانه) .....
۲۵۰	جدول ۱.۷: ابعاد و معیاری های اطمینان از کیفیت و واحدهای اندازه گیری در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ .....
۲۵۳	جدول ۲.۷: اشتباهات نمونه گیری و درجه اطمینان برای شاخص های انتخاب شده .....
۲۵۶	جدول ۳.۷: فیصدی ارزش های مفقود شده برای متحولین انتخاب شده الف .....



## فهرست اشکال

۶	شکل ۱.۲: پوشش سروی به تفکیک ولسوالی و سطح پوشش
۱۰	شکل ۱.۳: نفوس به تفکیک جنس و سن (به فیصدی)
۱۳	شکل ۲.۳: نسبت های هموار شده جنس به تفکیک سن
۱۴	شکل ۳.۳: خانوار ها و نفوس به تفکیک اندازه خانوار (به فیصدی)
۱۵	شکل ۴.۳: الف: نفوس ذکور به تفکیک ارتباط با رئیس خانوار ها و گروه سن (به فیصدی)
۱۵	شکل ۴.۳: ب: نفوس اناث به تفکیک ارتباط با رئیس خانوار ها و گروه سن (به فیصدی)
۱۷	شکل ۵.۳: نفوس ذکور و اناث به تفکیک حالت مدنی و سن (به فیصدی)
۱۸	شکل ۶.۳: زنان ۴۹ - ۱۵ ساله به تفکیک گروه سن فعلی و سن هنگام نخستین ازدواج (به فیصدی)
۱۸	شکل ۷.۳: اناث گاهی عروسی شده به تفکیک سن فعلی و سن نسبی شوهر (به فیصدی)
۱۹	شکل ۸.۳: فیصدی زنان متاهل در ازدواج چند همسری به تفکیک سن
۲۴	شکل ۱.۴: نسبت مهاجرین طول عمر بداخل به تفکیک ولایات (به فیصدی)
۲۴	شکل ۲.۴: میزان مهاجرت طول عمر به بیرون به تفکیک ولایات (به فیصدی)
۲۶	شکل ۳.۴: نسبت مهاجرت متوسط المدت به داخل به تفکیک ولایت (به فیصدی)
۲۶	شکل ۴.۴: میزان مهاجرت متوسط المدت به بیرون به تفکیک ولایت (به فیصدی)
۲۸	شکل ۵.۴: نسبت مهاجرین متاخر بداخل به تفکیک ولایت (به فیصدی)
۲۸	شکل ۶.۴: مهاجرت متاخر به بیرون به تفکیک ولایات (به فیصدی)
۳۰	شکل ۷.۴: مجموع نفوس مسکون و مهاجرین طول عمر و متاخر داخلی به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)
۳۱	شکل ۸.۴: مهاجرین داخلی به تفکیک دوره مهاجرت و به تفکیک علت مهاجرت (به فیصدی)
۳۳	شکل ۹.۴: نسبت مهاجرت از خارج متوسط المدت به تفکیک ولایات
۳۳	شکل ۱۰.۴: نفوس مهاجر از خارج به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)
۳۴	شکل ۱۱.۴: مهاجرین از خارج از ۱۳۸۱ به اینطرف به تفکیک علت مهاجرت از خارج و دوره مهاجرت از خارج (به فیصدی)
۳۵	شکل ۱۲.۴: مهاجرین بخارج که در ۱۲ ماه قبل از سروی حرکت کرده اند به تفکیک جنس و کشور مقصد (به هزار نفر)
۳۵	شکل ۱۳.۴: مهاجرین بخارج که در ۱۲ ماه قبل از سروی حرکت کرده اند به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)
۳۶	شکل ۱۴.۴: تاثیر کلی مهاجرت خالص (الف) بالای اندازه نفوس به تفکیک ولایات (به فیصدی)
۳۷	شکل ۱۵.۴: پناه گزینان عودت کننده به تفکیک کشور پناه دهنده در تفکیک محل اقامت در کشور پناه دهنده (به فیصد)
۳۸	شکل ۱۶.۴: بیجا شدگی و عودت خانوارهای بیجا شده به تفکیک سال حرکت و حالت پناه گزین - بیجا شده (به هزار ها)
۳۹	شکل ۱۷.۴: شاخص های منتخب الف. سطح افراد ب. سطح خانوار به تفکیک وضعیت عودت کننده (به فیصدی)
۴۳	شکل ۱.۵: سهم گیری در نیروی کار به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)
۴۳	شکل ۲.۵: سهم گیری در نیروی کار به تفکیک جنس و محل اقامت (به فیصد) الف
۴۴	شکل ۳.۵: نیروی کار به تفکیک سن و جنس (الف)
۴۷	شکل ۴.۵: مردان و زنان سن کار به تفکیک سن و وضع فعالیت (به فیصدی) الف
۴۸	شکل ۵.۵: مردان و زنان سن کار به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل و وضع فعالیت (به فیصدی)
۴۸	شکل ۶.۵: نسبت نفوس سن کار که بصورت سودمند استخدام نشده اند به تفکیک فصل و سکتور (به فیصدی)
۵۰	شکل ۷.۵: مردان و زنان مصروف کار و کم کار به تفکیک محل اقامت و درجه تحصیل (به فیصدی) الف
۵۱	شکل ۸.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و وضع شغل (به فیصدی)

- شکل ۹.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک سن و وضع شغل (به فیصدی) ..... ۵۲
- شکل ۱۰.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل و وضع شغل (به فیصدی) ..... ۵۲
- شکل ۱۱.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک سکتور استخدام و جنس (به فیصدی) ..... ۵۳
- شکل ۱۲.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و سکتور عمده اقتصادی (به فیصدی) الف ..... ۵۳
- شکل ۱۳.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و کتگوری شغلی (به فیصدی) ..... ۵۴
- شکل ۱۴.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک کتگوری شغلی و جنس (به فیصدی) ..... ۵۵
- شکل ۱۵.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک ساعات کار در هفته و جنس (به فیصدی) ..... ۵۵
- شکل ۱۶.۵: عاید وسطی و میانه به تفکیک سن و جنس (به فیصدی) الف ..... ۵۶
- شکل ۱۷.۵: عاید وسطی و میانه به تفکیک وضع شغل و جنس (به فیصدی) الف ..... ۵۶
- شکل ۱۸.۵: نفوس مهاجر کاری داخلی به تفکیک ولایت محل اقامت قبلی (به فیصدی) ..... ۵۸
- شکل ۱۹.۵: نفوس مهاجر کاری ساکن به تفکیک سن و جنس (به فیصدی) ..... ۵۹
- شکل ۲۰.۵: مهاجرین کاری و مجموع نفوس به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل (به فیصدی) ..... ۶۰
- شکل ۲۱.۵: مجموع نفوس و مهاجرین کاری به تفکیک جنس و وضعیت فعلی فعالیت (به فیصدی) ..... ۶۰
- شکل ۲۲.۵: مجموع نفوس مصروف کار ذکور و مهاجرین کاری به تفکیک وضعیت در استخدام (به فیصدی) ..... ۶۱
- شکل ۲۳.۵: مهاجرین کاری فصلی به تفکیک محل اقامت فعلی و محل مهاجرت برای کار فصلی (به فیصدی) ..... ۶۲
- شکل ۲۴.۵: مهاجرین کاری فصلی به تفکیک سن و جنس (به فیصدی) الف ..... ۶۳
- شکل ۲۵.۵: مهاجرین کاری فصلی به تفکیک جنس و وضعیت شغل معمول (به فیصدی) الف ..... ۶۳
- شکل ۲۶.۵: پسران و دختران ۱۷ - ۵ ساله به تفکیک سن و وضع فعالیت (به فیصدی) ..... ۶۵
- شکل ۲۷.۵: ساعات وسطی که توسط اطفال ۱۶ - ۵ ساله کار شده به تفکیک وضعیت کار و جنس ..... ۶۵
- شکل ۲۸.۵: در معرض قرار داشتن شرایط پر مخاطره کارگران طفل به تفکیک جنس (به فیصدی) ..... ۶۶
- شکل ۲۹.۵: اطفال ۵ تا ۱۷ ساله که در مکتب حضور دارند به تفکیک جنس و وضع فعالیت (به فیصدی) ..... ۶۷
- شکل ۳۰.۵: اطفال ۵ تا ۱۷ ساله به تفکیک جنس، محل اقامت و وضع فعالیت (به فیصدی) ..... ۶۸
- شکل ۳۱.۵: فیصدی اطفال ۵ تا ۱۷ ساله که به کار های خانوار اشتغال دارند به تفکیک سن و جنس ..... ۶۸
- شکل ۳۲.۵: فیصدی اطفال ۵ تا ۱۷ ساله که به کار های خانوار اشتغال دارند به تفکیک وظیفه و جنس ..... ۶۹
- شکل ۳۳.۵: پسران و دختران ۵ تا ۱۷ ساله به تفکیک سن و وضع فعالیت (به فیصدی) ..... ۷۰
- شکل ۱۶: فیصدی خانوارهاییکه زمین زراعتی ابی دارند به تفکیک ولایت ..... ۷۳
- شکل ۲۶: خانوار های مالک زمین که برای آبیاری زمین را بایر گذاشته اند به تفکیک علت کشت نکردن زمین و محل اقامت ..... ۷۴
- شکل ۳۶: منبع عمده آب برای زمین های آبی (به فیصدی) ..... ۷۵
- شکل ۴۶: فیصدی خانوارهاییکه زمین للمی دارند به تفکیک ولایات ..... ۷۷
- شکل ۵۶: خانوار های مالک زمین للمی که زمین را بایر گذاشته اند به تفکیک علت کشت نکردن زمین و محل اقامت (به فیصدی) ..... ۷۸
- شکل ۶۶: مخارج ملی سالانه عامل زراعتی به تفکیک نوع عامل تولید (به میلیون افغانی) ..... ۷۹
- شکل ۷۶: فیصدی خانوارها که مالک گاو هستند به تفکیک ولایت ..... ۸۲
- شکل ۸۶: خانوار های مالک مواشی با مواشی مکمل واکسین شده و نوع مواشی (به فیصدی) ..... ۸۳
- شکل ۱۰۷: نفوس مجموعی و فقیر به تفکیک گروپ سن (به فیصدی) ..... ۸۷
- شکل ۱۰۸: فیصدی نفوس غیرمصرف غذا به اساس ولایت ..... ۹۳
- شکل ۲۰۸: نفوس به تفکیک سطح مصونیت غذایی، محل اقامت و فصل (فیصدی) ..... ۹۸
- شکل ۳۰۸: خانوارها به تفکیک محل سکونت، حالت مصونیت غذایی و به تفکیک منبع غله جات (به فیصدی) ..... ۹۹

- شکل ۱۰۹: میزان حضور تعلیمی نفوس ۲۴ - ۶ ساله به تفکیک سن و جنس (به فیصدی).....
- شکل ۱۱۱: نسبت خالص حضور در تعلیمات ابتدائی به تفکیک سن جنس و سروی (به فیصدی).....
- شکل ۱۱۲: نسبت خالص حضور در تعلیمات ثانوی به تفکیک جنس و سروی (به فیصدی).....
- شکل ۱۱۲: نسبت دختران بر پسران (شاخص تساوی جنسیت) به تفکیک سطح تعلیم و سال سروی (به فیصدی).....
- شکل ۱۱۳: میزان خالص و ناخالص جذب در تعلیمات ابتدائی به تفکیک محل اقامت و جنس (به فیصدی).....
- شکل ۱۱۵: توقع به حیات مکتب برای (الف) مجموع، (ب) شهری، (ج) دهاتی به تفکیک جنس (به سالها).....
- شکل ۱۱۷: فیصدی نفوس ۶ ساله و بالاتر که در مکاتب خانگی با مکتب سواد آموزی اشتراک کرده اند به تفکیک جنس و گروه سن.....
- شکل ۱۱۸: ۸۹٪ نفوس ۱۵ ساله و بالاتر به تفکیک درجه تحصیل و سن (الف) برای ذکور (ب) برای اناث (به فیصدی).....
- شکل ۱۲۰: میزان سواد کلان سالان به تفکیک ولایات (الف) برای ذکور و (ب) برای اناث (به فیصدی).....
- شکل ۱۲۱: میزان سواد جوانان به تفکیک جنس و سال سروی (به فیصدی).....
- شکل ۱۲۲: میزان سواد به تفکیک جنس و سن و شاخص های تساوی جنسیت الف.....
- شکل ۱۲۷: افزایش کارمندان اناث در (الف) کلینیک های عامه و (ب) کلینیک های خصوصی از سال ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ به اینطرف به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع کارمند (به فیصدی) الف.....
- شکل ۱۲۷: ۲۰٪ زنان دارای سن ۱۴ سال و بالاتر از آن که در جریان یک ماه قبل از سروی مریض یا مجروح بودند به تفکیک سن و به تفکیک تقاضای معالجه توسط آنها (به فیصدی)؛ همچنان زنان مریض یا مجروح که تقاضای کمک کرده اند به تفکیک سن (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۰: ۳۰٪ خانمهای دارای یک تولد زنده در طول ۵ سال قبل از سروی که گزارش داده اند حداقل یک آزمایش قبل از ولادت داشتند به تفکیک عرضه کننده ماهر، محل اقامت و به تفریق سروی (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۰: ۴۰٪ خانم هایکه در جریان پنج سال قبل از سروی ولادت زنده داشتند و حداقل یک آزمایش قبل از ولادت توسط کارکن ماهر گزارش داده اند به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۱: ۵۰٪ تعداد وسطی ملاقات ها با فراهم کننده مراقبت های قبل از ولادت به تفکیک ولایت.....
- شکل ۱۳۳: ۶۰٪ فیصدی خانم ها با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که در حضور ماهر صحتی و ولادت کرده اند به تفکیک ولایت (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۳: ۷۰٪ استفاده از ماهر صحتی در هنگام تولد به تفکیک سال سروی الف.....
- شکل ۱۳۴: ۸۰٪ خانم های دارای یک تولد زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که در زمان ولادت توسط یک ماهر صحتی کمک شده اند به تفکیک نوع فراهم کننده و درجه تحصیل (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۵: ۹۰٪ خانم های دارای تولد زنده در جریان پنج سال قبل از سروی به تفکیک محل ولادت و محل اقامت (به فیصدی).....
- شکل ۱۳۵: ۱۰۰٪ میان های شاخص های منتخب صحت باروری (به فیصدی) الف، ب.....
- شکل ۱۳۸: ۱۱٪ تعداد اطفال در نفوس جدول حیات که هنوز در آغاز وقفه سن (ماه) بدون مایعات دیگر از شیر مادر تغذیه می کنند.....
- شکل ۱۳۸: ۱۲٪ تعداد اطفال در نفوس جدول حیات که هنوز در آغاز وقفه سن (ماه) بدون غذای متمم از شیر مادر تغذیه می کنند.....
- شکل ۱۳۹: ۱۳٪ تعداد اطفالیکه هنوز در آغاز وقفه سن (ماه) از شیر مادر تغذیه می شوند.....
- شکل ۱۴۳: ۱۰٪ نسبت های هموار شده جنس به تفکیک سن.....
- شکل ۱۴۴: ۲۰٪ فیصدی خانم های ۲۰ - ۵۹ ساله که قبل از سن ۱۶،۱۸،۲۰ ازدواج کرده اند به تفکیک گروه های پنج ساله سن.....
- شکل ۱۴۵: ۳۰٪ فیصدی خانم های عروسی شده که در اتحاد چند همسری زندگی میکنند به تفکیک گروه پنج ساله سن.....
- شکل ۱۴۶: ۴۰٪ شاخص سواد تساوی جنسیت بر حسب سنین شخص.....
- شکل ۱۴۷: ۵۰٪ دلایل عمده ارائه شده برای افراد ۲۴ - ۶ ساله که زمانی در مکتب حضور داشتند در سال سروی در مکتب حضور نداشتند به تفکیک جنس.....
- شکل ۱۴۸: ۶۰٪ درجه تحصیل برای (الف) ذکور (ب) اناث به تفکیک گروه های ۵ ساله سن و درجه تحصیل.....
- شکل ۱۴۹: ۷۰٪ فعالیت های اقتصادی زن ها به تفکیک گروه پنج ساله سن.....
- شکل ۱۵۱: ۸۰٪ زنان ۱۴ ساله و بالاتر به تفکیک سن و مالکیت مواشی معین (به فیصدی).....
- شکل ۱۵۲: ۹۰٪ فیصدی زنان ۱۴ ساله و بالاتر که معمولاً زمانیکه از خانه بیرون می روند همراهی / کمک می شوند به تفکیک سن.....
- شکل ۱۵۳: ۱۰٪ فیصدی زنان ۱۴ ساله و بالاتر که زمان بیرون رفتن از خانه چادری می پوشند به تفکیک محل اقامت.....
- شکل ۱۵۳: ۱۱٪ تعداد وسطی روز هایکه زنان در یکماه قبل از سروی از خانه بیرون رفته اند به تفکیک سن و محل اقامت.....
- شکل ۱۵۴: ۱۲٪ جاهایکه زنان در ماه قبل از سروی رفته اند به تفکیک محل اقامت.....

- شکل ۱.۱۲: خانوار ها به تفکیک وضع تصرف و نوع محل اقامت (به فیصدی) ..... ۱۶۰
- شکل ۳.۱۲: فیصدی خانوار هایکه مالک واحد مسکونی شان هستند به تفکیک ولایات ..... ۱۶۱
- شکل ۳.۱۲: فیصدی واحد های مسکونی که بعد از ۱۳۷۴ اعمار شده اند به تفکیک ولایات ..... ۱۶۲
- شکل ۴.۱۲: خانوار ها به تفکیک تعداد اطاق در واحد مسکونی و نوع محل اقامت (به فیصدی) ..... ۱۶۳
- شکل ۵.۱۲: نفوس به تفکیک دسترسی به منبع بهبود یافته اب آشامیدنی و ولایت (به فیصدی) ..... ۱۶۶
- شکل ۶.۱۲: نفوس به تفکیک دسترسی به حفظ الصحه و ولایت (به فیصدی) ..... ۱۶۸
- شکل ۷.۱۲: خانوار ها به تفکیک نزدیک ترین سرک خامه یا قبررمزی شده و نوع محل اقامت (به فیصدی) ..... ۱۶۹
- شکل ۸.۱۲: خانوار ها به تفکیک نزدیک ترین سرک قیر ریزی شده و محل اقامت (به فیصدی) ..... ۱۶۹
- شکل ۹.۱۲: خانوار ها به تفکیک نوع محل اقامت و تغییر وضع سرک ها و دسترسی جامعه (به فیصدی) ..... ۱۷۰
- شکل ۱۰.۱۲: خانوار هایکه به انواع مختلفه منابع برق دسترسی دارند به تفکیک نوع محل اقامت (به فیصدی) ..... ۱۷۱

#### اشکال ضمیمه

- شکل ۱.۶: نمایش عملیه تصدیق سراسری ..... ۲۳۸
- شکل ۲.۶: نتایج عملیه تصدیق سراسری ..... ۲۳۹
- شکل ۱.۷: میزان اشتباهات چک رابطه ای با میزان اشتباه بالاتر از ۱ فیصد (به فیصدی) ..... ۲۵۵

## لست جداول متن

۹	کیفیت گزارش دهی سن .....
۲۲	میزان ها و نسبت های مهاجرت .....
۴۴	شاخص ۱.۵ اهداف انکشافی هزاره نسبت استخدام بر نفوس .....
۴۶	هدف ۱۷ استراتژی انکشاف ملی افغانستان - میزان بیکاری جوانان .....
۵۰	شاخص ۱.۷ اهداف انکشافی هزاره - نسبت کارکنان با سرمایه شخصی و کارگران فامیلی با تمام افرادی که کار می کنند .....
۵۱	کار شایسته .....
۵۱	شاخص ۲.۳ اهداف انکشافی هزاره - سهم زنان در اشتغال با مزد در سکتور غیر زراعتی .....
۶۳	حد اقل سن کار .....
۶۴	صندوق ملل متحد برای اطفال و کار طفل .....
۸۲	شاخص ۱. الف (alt) استراتژی انکشاف ملی افغانستان - میزان افراد که در زیر خط فقر قرار دارند .....
۱۱۰	سیستم تعلیم و تربیه افغانستان .....
۱۰۹	شاخص ۳.الف استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۱.۲ اهداف انکشافی هزاره - حضور یابی خالص در تعلیمات ابتدایی، هر دو جنس .....
۱۱۳	شاخص ۳. ب استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۲.۲ اهداف انکشافی هزاره - فیصدی شاگردان که صنف اول را شروع میکنند و الی صنف پنجم تعلیمات ابتدایی (آخرین صنف دوره ابتدایی) میرسند .....
۱۱۹	شاخص ۳. ج استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۳.۲ اهداف انکشافی هزاره - میزان سواد افراد دارای سن ۱۵ الی ۲۴ سال .....
۱۲۱	شاخص ۴. د استراتژی انکشاف ملی افغانستان / نسبت اناث باسواد بر ذکور باسواد (سنین ۱۵ الی ۲۴ سال) .....
۱۳۱	شاخص ۵.۹ استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۵.۵ اهداف انکشافی هزاره - پوشش مراقبت های قبل از ولادت .....
۱۳۲	شاخص ۹. ب استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۲.۵ اهداف انکشافی هزاره - تعداد ولادت های که در موجودیت ماهر صحتی صورت گرفته .....
۱۶۳	شاخص ۱۰.۷ اهداف انکشافی هزاره - فیصدی نفوس شهری که در محلات پر جمعیت و کثیف زندگی می کنند .....
۱۶۴	شاخص ۸.۷ اهداف انکشافی هزاره - سهم نفوس که از منابع بهبود یافته آب آشامیدنی استفاده می کنند .....
۱۶۶	شاخص ۹.۷ اهداف انکشافی هزاره - سهم نفوس که از تسهیلات بهبود یافته سیستم بهداشتی استفاده میکنند .....
۱۷۲	شاخص ۱.۹.الف استراتژی انکشاف ملی افغانستان / شاخص ۱۵.۸ اهداف انکشافی هزاره - استفاده کننده های تیلیفون میایل در هر ۱۰۰ باشند .....
۱۷۲	شاخص ۱۶.۸ اهداف انکشافی هزاره / شاخص ۱۹. ب استراتژی انکشاف ملی افغانستان - استفاده کننده های انترنت در هر ۱۰۰ نفر از نفوس کشور .....
۱۴۸	شاخص ۳.۲ اهداف انکشافی هزاره سهم زنان در اشتغال با مزد در سکتور غیر زراعتی .....
۱۶۳	شاخص ۱۰.۷ اهداف انکشافی هزاره فیصدی نفوس شهری که در زاغه ها زندگی میکنند .....
۱۶۴	شاخص ۸.۷ اهداف انکشافی هزاره نسبت نفوسیکه منبع بهبود یافته آب استفاده میکنند .....
۱۶۶	شاخص ۹.۷ اهداف انکشافی هزاره نسبت نفوسیکه از یک سهولت بهبود یافته حفظ الصحه استفاده می کنند .....
۱۷۲	شاخص ۱.۹. الف استراتژی انکشاف ملی افغانستان و شاخص ۱۵.۸ اهداف انکشافی هزاره مشترکین موبایل در هر ۱۰۰ نفر .....
۱۷۲	شاخص ۱۶.۸ اهداف انکشافی هزاره / شاخص ۱۹. ب استراتژی انکشاف ملی افغانستان استفاده کنندگان انترنت فی ۱۰۰ نفر نفوس .....



## مخففات

بانک انکشاف آسیایی	ADB
سروی صحتی افغانستان	AHS
سروی خوشه ئی چند شاخصه	MICS
مراقبت های قبل از ولادت	ANC
ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان	ANDS
پلان ملی احصائیوی افغانستان	ANSP
شرکت توزیع آب شهری افغانستان	AUWSSC
بسته ابتدائی خدمات صحتی	BPHS
قیمت ضروریات اولیه	CBN
فاصله اطمینان	CI
شاخص روش مجادله	CSI
سیستم پروسس سرشماری و سروی	CSPPro
اداره مرکزی احصائیه	CSO
درجه تنوع غذایی	DDS
اداره انکشافی بین المللی کشور انگلستان	DFID
ساحه شمار	EA
افزایش سواد در افغانستان	ELA
سازمان خوارکه و زراعت	FAO
اندازه مصرف غذا	FCS
نسبت حضوریبایی ناخالص	GAR
نسبت ناخالص پذیرش در مکتب	GIR
اداره انکشافی بین المللی کشور جرمنی	GIZ
حکومت افغانستان	GoA
مقیاس گرسنگی خانوار	HHS
تکنالوژی معلوماتی و ارتباط	ICT
سازمان بین المللی کار	ILO
کیلوکالوری	Kcal
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری	MAIL
اهداف انکشافی هزاره	MDG
نسبت مرگ و میر مادران	MMR
سروی خوشه ئی چند شاخصه	MICS
وزارت معارف	MoE
وزارت اقتصاد	MoEc
وزارت مالیه	MoF
وزارت انرژی و آب	MoEW
وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین	MoLSAMD
وزارت صحت عامه	MoPH
وزارت امور شهری	MoUA
وزارت امور انکشاف شهری	MoUDA
وزارت امور زنان	MoWA
وزارت احیا و انکشاف دهات	MRRD
حد وسطی مربع اشتباهات	MSE
میزان پذیرش خالص	NAR
نسبت خالص پذیرش	NIR
ارزیابی ملی چند سکتوری کوچی ها	NMAK
سروی ملی خطرات و آسیب پذیری	NRVA
Ordinary Least Square	OLS

احتمال متناسب به سائز	PPS
امر احصائیه ولایت	PSO
واحد اولیه نمونه گیری	PSU
آمر احصائیه منطوقی (زون)	RSO
مراقبت ماهر صحی	SBA
سروی اقتصادی- اجتماعی و دموگرافیکی	SDES
خطای معیاری	SE
مرکز عملیات و معلومات امنیتی	SIOC
سروی رفاه از طریق پیگیری فوری و مکرر	SWIFT
کمیته مشورتی تخنیکی	TAC
دایه محلی	TBA
میزان مجموعی تولدات	TFR
امارات متحده عربی	UAE
صندوق نفوس ملل متحد	UNFPA
صندوق ملل متحد برای اطفال	UNICEF
مرکز عملیات و معلومات امنیتی ملل متحد	UN SIOC
واحد نهائی نمونه گیری	USU
بانک جهانی	WB
پروگرام غذائی جهان	WFP
سازمان صحی جهان	WHO

## سپاس گذاری

گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان بعد از طی مراحل طولانی در دسترس شما خواننده های گرامی قرار گرفت. این سروی نظر به هدف آن بسیار با ارزش و با اهمیت می باشد و من بسیار خوشحال هستم که نتیجه این کار مشکل را برای شما خواننده محترم ارائه و پیشکش مینمایم.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان از جمله یکی از بهترین دستاورد های اداره مرکزی احصائیه می باشد، طوریکه این سروی یگانه سروی است که برای مدت طولانی و دوامدار در سیستم احصائیه افغانستان وجود دارد و جامعترین سروی است. بیشتر از ۱۰ سال می شود که این سروی وجود دارد و از زمان شروع آن، این سروی تا به حال ارقام با ارزش را برای دولت افغانستان، جامعه مدنی، محققین و جامعه جهانی فراهم نموده است. در طول دوران اجرای آن، هدف و موضوع و محتویات سروی تغییر کرده است، تحولات در کشور، باعث گردیده که اداره مرکزی احصائیه اجازه دهد نام این سروی نیز به مرور زمان تغییر کند. به عنوان ارزیابی خطرات و آسیب پذیری آغاز و از یک میتودولوژی سازمان غذا و زراعت ملل متحد پیروی نموده و متمرکز بالای موضوعات مصونیت غذایی و شیوع فقر بود و سپس به شدت تحت حمایت پروگرام جهانی غذا ملل متحد قرار گرفت. در حال حاضر این سروی توسط نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان حمایت و کمک میگردد و موضوعات تحت پوشش این سروی گسترش پیدا کرده و تعداد زیاد از ابعاد زندگی را در بر میگیرد. امسال و برای اولین بار یک بخش (مودیول) مکمل در مورد کار، مشابه به یک سروی نیروی کار به شمول نیروی کاری اطفال، شامل و اجرا گردیده است.

به منظور انعکاس این تحول، در حال حاضر این نشریه به نام سروی وضعیت زندگی در افغانستان یاد میگردد، در اداره مرکزی احصائیه ما یکجا با جوانب ذیدخل و اعضای کمیته رهبری این احساس را داشتیم که نام سابق این سروی به شکل درست بیان کننده و نشان دهنده اهمیت و معلومات و اطلاعات و افراحصائیه که توسط این سروی جمع آوری میگردد، نبوده. همچنان ما باور داریم که سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشاندهنده و ارائه کننده یک مدل یا نمونه برای سروی های احصائیه اجتماعی که افغانستان مفتخر آن بوده می تواند، طوریکه ثابت کرده که یک موفقیت دوامدار و انکار ناپذیر در سالهای متمادی بوده است.

در رابطه به تمام پروژه و انتشار این گزارش، لست افرادی که سهم گرفته و باعث شده اند که این گزارش نشر گردد، بسیار طویل میباشد و ممکن یاد آوری نام یکتعداد آن ها را فراموش کنم، امید وار هستم که آنها مرا مورد بخشش قرار دهند.

اولتر از همه، می خواهم که از همکاری های زیادی نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان و به خصوص از جناب ولی محمد فرهادی، مدیر برنامه انکشاف دهات در زمینه تطبیق این پروژه، اظهار سپاس و امتنان نمایم. نمایندگی اتحادیه اروپا عمده ترین کمک کننده مالی ما در این پروژه بوده و نشر این نشریه هیچگاه بدون کمک و تعهدات آنها امکان پذیر نبود.

همچنان می خواهم که از همکاری تمام اعضای کمیته رهبری و کمیته مشورتی تخنیک سروی وضعیت زندگی در افغانستان اظهار سپاس نمایم. کمک آنها بسیار با ارزش بوده و از همکاری و نظریات گرانبهای آنها در جریان جلسات متعدد در ارتباط به برگزاری سروی، بسیار قدر دانی می نمایم.

میخواهم از حمایت و همکاری های دوامدار پروگرام جهانی غذا ملل متحد با سروی وضعیت زندگی در افغانستان یک یاد آوری خاص نمایم. از همکاری هایشان در زمینه آموزش و موضوعات مختلف سروی قدردانی میگردد. در این رابطه نقش آقای امان الله اصیل، پروگرام آفسیر "VAM" فوق العاده گرانبها بوده و همچنان از خانم وان هانگ از همکاری و تعهدات شان در جریان سروی سپاسگزاری مینمایم.

تعداد زیادی از سایر موسسات بین المللی در سروی شامل بوده و همکاری نموده اند. میخواهم از خانم سیلفیا رادیلی، اقتصاد دان بانک جهانی از همکاری های شان به کمیته مشورتی تخنیک و فصل فقر این سروی اظهار سپاس و تشکری نمایم. همچنان از UNICEF و به خصوص خانم سیپینگ وانگ ابرازسپاس و تشکری میکنم و از سازمان جهانی کار (ILO) و به خصوص از آقای هدیکی کاگواشی تشکر می کنم.

این همچنان مرا توانائی میدهد که از سهمگیران عمده دیگر با کمیته رهبری از جانب اداره مرکزی احصائیه محترم آقای عصمت الله رمزی، مشاور رئیس عمومی اداره مرکزی احصائیه، پروفیسور حسیب الله موحد معاون رئیس عمومی اداره مرکزی احصائیه و البته جلالتماب انجنیر شیر محمد جامی زاده رئیس عمومی اداره مرکزی احصائیه و رئیس کمیته رهبری در زمینه همکاری ارزشمند شان در جریان جلسات کمیته رهبری و از دانشی که در رابطه با کشور و مردم شان دارند، اظهار سپاس و تشکری نمایم.

این سروی از حمایت وسیع جامعه جهانی مستفید گردیده است مگر تعهد دوامدار متخصصین کمک های تخنیک از سکتور عامه انستیتوت (ICON) همچنان میتوان یاد آوری کرد و بخصوص از سرتیم آقای روبرتو بینچینی، کسیکه با حوصله مندی تمام در زمینه مدیریت تیم کار نموده است. شخصی دیگر که باید از تعهدات با ارزش وی سپاسگزاری شود آقای بارت دی برویچن، تصحیح کننده ارشد این گزارش میباشد. همکاری های او در جریان سالهای متمادی یکی از دارایی های ارزشمند برای اداره بوده، همکاری و کار فوق العاده با ارزش با اداره مرکزی احصائیه در زمینه نشر این گزارش انجام داده است. من همچنان می خواهم از آقای فرانک ایلنز بخاطر همکاری هایشان در زمینه بازسازی بخش پروسس ارقام، همچنان از مدیر پروژه و مدیر سروی آقای کرسٹوف دیتریچ از ICON، تشکری کنم. آنها هیچ وقت از کوشش و همکاری به خاطر موفقیت این پروژه دریغ نکرده اند. همچنان اجازه دهید یاد آوری خوب از همکاری کمپنی مشوره دهی ADE و به خصوص خانم سیلوی سکیپی، مدیر پروژه، در زمینه آمادگی جمع آوری ارقام، نمایم.

واقعا، من میخواهم از کارمندان اداره مرکزی احصائیه، از کاری های که در زمینه اجرای سروی انجام داده اند تشکری کنم و به خصوص آقای عصمت الله حکیمی، آقای احمد خالد امرخیل، آقای منیر جمشیدی، آقای تیمیم شکب که اعضای تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان بوده اند، آقای وحید ابراهیمی از بخش تنظیم دیتابیس، آقای زبیر از بخش ادخال ارقام و محترمه شکبیا از بخش سیستم معلومات جغرافیائی برای زحمات و تعهدات شان در جریان این دور سروی وضعیت زندگی در افغانستان، سپاس گذاری نمایم.

من می خواهم از همه همکاران و سهم گیرنده گان در این گزارش هریک سیلفیا رادیلی (بانک جهانی)، مایا شیریا (مشاور بانک جهانی)، تای وان هانگ (پروگرام جهانی غذا ملل متحد)، آقای امان الله اصیل (پروگرام جهانی غذا ملل متحد)، سیمون هولیما (پروگرام جهانی غذا ملل متحد - بنکاک)، احمد خالد امرخیل (اداره مرکزی احصائیه)، عصمت الله حکیمی (اداره مرکزی احصائیه)، روبرتو بینچینی (ICON)، فرانک ایلنز (ICON)، و بارت دی بروچن (ICON) تشکری خاص نمایم.

در اخیر میخواهم از تمام کارمندان ساحوی و مصاحبه دهنده گان سروی که بدون آنها تطبیق این سروی ممکن نبود تشکری کنم و واقعا میخواهم از شما خواننده گان عزیز که مشتاقی درک وضعیت زندگی مردم افغانستان و از کار های اداره مرکزی احصائیه هستید، اظهار سپاس و امتنان نمایم.

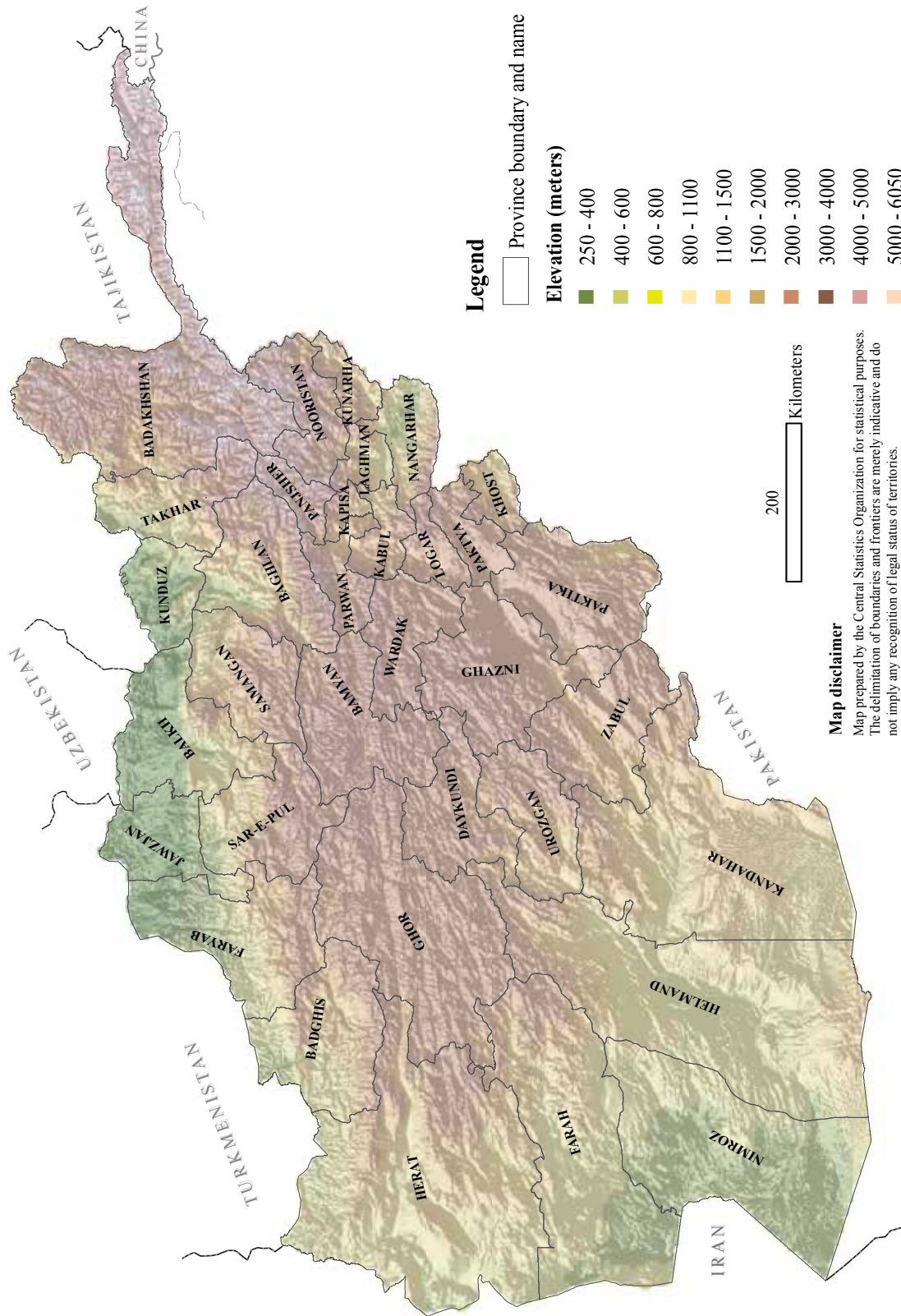
محمد سمیع نبی



رئیس عملیات ساحه  
اداره مرکزی احصائیه



# نقشه افغانستان





## مقدمه

سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ که قبلاً به نام سروی ملی خطرات و آسیب پذیری یاد میشد معلومات مورد نیاز را برای استفاده کننده های ملی و بین المللی جهت انکشاف پالیسی ها و پروگرام ها فراهم می کند. این سروی توسط اداره مرکزی احصائیه جمهوری اسلامی افغانستان اجرا گردیده و نتایجی را تهیه کرده که به سطح ملی و ولایتی نماینده گی می کند. این سروی ۲۰۷۸۶ خانوار و ۱۵۷۲۶۲ نفر را در سراسر کشور تحت پوشش قرار داده و یگانه سروی است که در آن نفوس کوچی افغانستان نیز شامل می باشد. مشخصه دیگر این سروی عبارت از جمع آوری ارقام به طور دوامدار در جریان یک دوره ۱۲ ماه می باشد که تفاوت ها و تغییرات مهم فصلی را در یک تعداد از شاخص بدست می آورد. این سروی موضوعات و شاخص های انکشافی متعددی را که در مورد آن ادارات دولتی، دونه ها و موسسات بین المللی توافق کرده اند، تحت پوشش قرار میدهد. به ادامه دوره های قبلی سروی در سالهای ۱۳۸۲، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و ۱۳۹۱-۱۳۹۰ این سروی همچنان عمده ترین وسیله برای نظارت از روند انکشاف است. دوره فعلی سروی توانست تا ۱۹ شاخص ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان و ۲۱ شاخص اهداف انکشافی هزاره را تهیه نماید.

تاریخ جدید افغانستان قبل از سال ۱۳۸۰، درگیری های خشونت آمیز، جنگ و بی قانونی، شناخته شده بود، که در نتیجه باعث بی جاه شدن میلیون ها انسان گردید، اقتصاد کشور نابود شد، زیربنا های فیزیکی و زراعتی تخریب و ویران گردید، سیستم های صحتی و تعلیمی از بین رفت و به عقب رفتن کامل مساوات جنسیتی صورت گرفت. در مدت بعد از سرنگونی رژیم طالبان افغانستان تغییرات زیاد را مشاهده نمود از آن جمله برگشت تعداد زیاد مهاجرین و بیجاه شدگان دوباره به کشور و با کمک و حمایت وسیع جامعه جهانی بهبود و تغییر مثبت در بخش های انکشافی بوجود آمد. باوجود موجودیت مشکلات متعدد، دوره های پی در پی سروی ملی خطرات و آسیب پذیری از سال ۱۳۸۲ الی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بهبودی قابل ملاحظه را در زمینه های صحت، تعلیم و تربیه، مسکن، زیربنا ها و خدمات اولیه، از قبیل دسترسی به آب آشامیدنی، سیستم بهداشتی و برق، نشان میدهد. پیام سروی حاضر وضعیت زندگی در افغانستان اینست که افغانستان در مرحله جدید داخل شده است. بازگشت افراد بیجاه شده به طور بسیار زیاد کاهش یافته و دوباره افغانستان از یک کشور که مهاجرین به آن بر میگشتند به یک کشور که مردم آن دوباره به کشور های دیگر مهاجر می شوند تبدیل گردیده است. یک تعداد شاخص های انکشافی هنوز هم بهبود را نشان میدهند، مگر چنین به نظر میرسد که در یکتعداد سکتور های دیگر پیشرفت کاهش پیدا نموده یا کاملاً متوقف گردیده است. حضور نیرو های خارجی تقلیل یافته، کمک های مالی دونه ها کاهش پیدا کرده و یکتعداد موسسات بین المللی کشور را ترک می کنند، که در نتیجه باعث افزایش بیکاری و فقر گردیده است. عدم اطمینان از شرایط سیاسی، و شایع فساد زیاد، و وضعیت بدتر شدن امنیتی، مشکلات کشور را بیشتر میسازند.

با وجود پیشرفت های قابل ملاحظه در دهه اول این قرن، افغانستان با هر شاخص انکشافی که در این سروی اندازه گیری شده در زمره عقب مانده ترین کشور ها در جهان حساب می شود. میزان بلند رشد نفوس در نتیجه سطح بلند باروری پیشرفت را در بسیاری ساحات بطی ساخته که بالاتر از ظرفیت جذب کشور در زمینه بازار کار، سیستم های تعلیم و تربیه و صحت و سکتور زراعت می باشد. مانند دوره های قبلی، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نیز نشان میدهد که ارقام به سطح ملی تفاوت های وسیع در نفوس وجود دارد. تنها با بعضی استثنی ها، وضعیت در ساحات شهری نسبت به ساحات دهاتی و نفوس کوچی بسیار بهتر است. و بطور یکسان، شاخص های مشخص جنسیت نشان میدهند که زنان و دختران نسبت به مردان و پسران بسیار زیاد در وضع نامساعد قرار دارند.

متباقی بخش های این خلاصه بازتاب دهنده یافته های عمده فصل های موضوعی این گزارش است. یک تحلیل عمیق از اثر متقابل بین شاخص های انکشافی و بخصوص رابطه آشکار بین فقر، عدم مصونیت غذایی، کارکرد ضعیف بازار کار، سطح پایین تعلیم و تربیه، باروری و مرگ و میر بالا، و دسترسی محدود به خدمات در این گزارش گنجایش ندارد و نیاز به تلاش های بیشتر دارد.

## نفوس

ساختار سنی نفوس افغانستان نشان میدهد که رشد نفوس به حیث یک عنصر مهم در پروسه انکشاف افغانستان باقی می ماند. ۴۷.۵ فیصد سهم افراد زیر سن ۱۵ سال در مجموع نفوس از جمله بلند ترین رقم در جهان میباشد. این ساختار سنی جوان در نتیجه باروری بالا، ایجاد کننده مشکلات دشوار فرا راه پیشرفت در بسیاری ساحات میباشد. جز عمده نسبت وابستگی بلند می باشد که ۱۰۰ نفر به ۱۰۰ نفر که در سن کار ۶۵-۱۵ سال قرار دارند وابسته اند. این نسبت وابستگی هم در سطح خانوار ها به شکل انفرادی و هم به سطح کل اقتصاد کشور بار سنگین را بالای اشخاص که مسئولیت فراهم نمودن عاید را دارند، قرار میدهد، و مقادیر زیاد سرمایه گذاری ها در این بخش جذب میگردد در حالیکه این سرمایه گذاری ها در بخش های مولد تر می توانست که به مصرف برسد. ساختار سنی این مطلب را نیز میسراند که در مدت زمان ۵ سال افغانستان باید جهت فراهم نمودن تعلیمات ابتدایی برای ۵.۵ میلیون طفل سعی و تلاش نموده و از عهده آن برآید، در حالیکه در زمان اجرای سروی سیستم تعلیم و تربیه افغانستان تنها برای ۲.۹ میلیون طفل می توانست تعلیمات ابتدایی فراهم کند. همچنان در ۵ سال آینده ۴ میلیون افراد جوان در سن کار قرار میگیرند و این در شرایطی است که بازار کار افغانستان فعلاً با سطح بلند بی کاری و کم کاری روبرو است. سطح بلند باروری در رابطه به ترکیب نفوس جوان، همچنان نشان دهنده خطرات بلند مرگ و میر مادران و اطفال، به خصوص از لحاظ دسترسی ناکافی و ضعیف به خدمات صحتی در کشور میباشد. برعلاوه، افزایش دوامدار تعداد اطفال، نوجوانان و جوانان از ظرفیت جذب در نهاد های کلیدی، چون سیستم تعلیم و تربیه، سیستم صحتی و بازار کار بیشتر است که به توجه جدی پالیسی سازان در این زمینه نیاز می باشد.

پارامتر های متعدد نفوس نشان میدهند که زنان در جامعه افغانی در یک موقف آسیب پذیر قرار دارند. نسبت های جنسی بلند در سنین بالا نشان دهنده سطح بلند مرگ و میر مادران و گزارش دهی کم زنان در احصائیه میباشد. یک مقدار قابل ملاحظه ۸ فیصدی زنان عروسی شده به طور مجموعی ۳۸۸ هزار زن در ازدواج چند همسری زندگی می کنند، که نابرابری در بین همسران را بوجود می آورد. همچنان تفاوت های سنی زیاد به طور اوسط بیشتر از ۶ سال در بین زوج ها باعث می شود که موقف زنان در ازدواج پایین باشد. هر چند تفاوت سنی بین زوج ها از نسل های گذشته الی نسل های جوان کاهش پیدا می کند، که میلان به طرف روابطه زوجی متوازن تر از لحاظ سنی را نشان میدهد. با وجود این میلان، یک سوم جوانان قشر

انات که دارای سنین ۲۴-۲۰ سال هستند در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند، سنی که از ازدواج اطفال متمایز می گردد. در حدود ۱۲ فیصد این زنان در سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند، که نشان میدهد آنها قبل از حداقل سن قانونی، ازدواج کرده اند. و حتی در رابطه به نسبت آنها نیکه در سنین بسیار جوان ازدواج کرده اند، ارقام سروری وضعیت زندگی در افغانستان یک بهبودی را نشان میدهد.

اوسط سبب خانوار در افغانستان مانند سروری های قبلی سروری ملی خطرات و آسیب پذیری در حدود ۷.۴ نفر باقی مانده است. نزدیک به نصف مردم افغانستان در خانوار های زندگی می کنند که دارای ۹ یا بیشتر از ۹ عضو دارند. اکثریت خانوار ها به شکل منحصر توسط مردان سرپرستی میگردند. خانوار های که توسط قشر انات سرپرستی میگردند تنها یک فیصد کل خانوار ها را تشکیل میدهد.

## مهاجرت

افغانستان از لحاظ مهاجرت دارای یک وضعیت پیچیده است، که در دهه های اخیر سطح بلند بیجاء شده - چه بیجاء شدن در داخل کشور و یا مهاجرت به کشورهای دیگر و همچنان برگشت دوباره آنها در دهه بعد از سقوط رژیم طالبان را تجربه نموده است. مرحله مهاجرت مذکور پایان یافته است و یک مرحله جدید از مهاجرت پدیدار گردیده است.

نتایج سروری وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نشان میدهد که در دو سال قبل از سروری بازگشت بیجاء شده ها از خارج دلیل مهاجرت تنها ۳۹ فیصد مهاجرین ورودی به کشور را تشکیل میدهد، و برای مهاجرین داخلی که از محل بیجاء شده بازگشت نموده اند به طور مجموعی به یک دلیل کوچک کاهش یافته است. مهاجرت نیروی کار به حیث عمده ترین جز روند مهاجرت در داخل کشور و به کشورهای دیگر مبدل گردیده است. ایران به حیث یک مقصد مهاجرت نسبت به پاکستان مقدم قرار گرفته است (در بر گیرنده ۶۱ فیصد مهاجرت به خارج از کشور می باشد)، مگر بر علاوه آن، کشورهای خلیج نیز جایگاه برجسته تر و روبه افزایش را به خود گرفته، طوری که در سال آخر قبل از سروری ۱۸ فیصد مهاجرین رونده به خارج از افغانستان به کشورهای خلیج رفته اند. بهمین دلیل، افغانستان در الگوی مهاجرت از یک کشور خالص مهاجرین بازگشته به یک کشور خالص مهاجرین رونده به خارج از کشور مبدل گردیده است. معلومات بدست آمده از سروری وضعیت زندگی در افغانستان نشان میدهد که در سال های اخیر مهاجرت به خارج از کشور در حدود ۱۰۰ هزار نفر در هر سال بیشتر از مهاجرت به داخل کشور می باشد که بیان کننده میزان ۰.۴ فیصد مهاجرت سالانه منفی میباشد. کابل یکی از بزرگترین ساحات جذب برای هر دو مهاجرین داخلی و مهاجرین عودت کننده به کشور می باشد. پایتخت یک سیستم قابل تشخیص مهاجرت را با ولایات همجوار آن به خصوص پروان، پنجشیر و وردک ایجاد نموده. نزدیک به نصف تمام مهاجرت های داخل افغانستان در همین ساحه صورت میگیرد. پنجشیر ولایتی است که زیاده ترین خروج مهاجرین را از خود تجربه کرده است، ۲۸ فیصد نفوس این ولایت کاهش پیدا نموده است، اکثریت آنها به کابل مهاجرت نموده اند. در مجموع مهاجرت شدیداً باعث شهرنشینی میگردد؛ با مقایسه سهم ۲۴ فیصدی نفوس شهری در کل نفوس، ۵۰ فیصد مهاجرین به داخل و ۸۲ فیصد مهاجرین عمری داخلی در ساحات شهری زندگی می کنند. هر چند، طوری به نظر میرسد که در سال های اخیر مهاجرت به طرف ساحات شهری به شمول کابل، تقلیل یافته است و بیشتر مرتبط با بدتر شدن وضع بازار کار است که بخصوص بالای اقتصاد ساحات شهری زیاده تر تاثیر گذار بوده است.

وضع زندگی افراد بیجاء شده که دوباره برگشت کرده اند یک موضوع مورد توجه و مهم برای پالیسی سازان و موسسات بشردوستانه و مدد رسان بوده است. اگر چه تحلیل پیشرفته تر درست است، سروری وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نشان میدهد که وضعیت عودت کننده ها در زمینه های مختلف سواد، شمولیت در تعلیم و تربیه، مشارکت نیروی کار، کیفیت مسکن و دسترسی به منابع بهبود یافته آب صحتی و امکانات بهبود یافته سیستم بهداشتی بهتر است نسبت به کسانی که عودت نکرده اند.

## بازار کار

سروری وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نشان میدهد که بازار کار افغانستان زیر فشار شدید قرار دارد. فشار ورود گروه های جوان در بازار کار که در نتیجه کاهش کمک ها و بیرون شدن موسسات و استخدام کننده های خارجی در وضعیت بدتر اقتصادی قرار دارد، یکی از دلایل احتمالی فیصدی بلند، ۳۹ فیصدی نفوس که به طور سودمند مصروف کار نیستند، می باشد. بخصوص تعداد افراد کاملاً بیکار در مقایسه با شرایط سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۶، به شدت افزایش یافته است: با استفاده از عین تعریف در این دو دوره از ۱۴ الی ۲۲ فیصد نیروی کار، بیکار شده اند. میزان بیکاری جوانان در حدود ۳۰ فیصد است. در عین زمان، یک تعداد زیاد از نفوس سن کار که کمتر از آنها کار گرفته نه شده مشاهده شده است، بخاطر میزان پایین مشارکت نیروی کار انات: تنها ۲۹ فیصد زنان که در سن کار قرار دارند به طور اقتصادی فعال هستند. از جمله آنده از مردان و زنان که مشغول کار هستند، یک اکثریت قابل ملاحظه آن - ۷۹ فیصد - در کار های آسیب پذیر مشغول کار هستند، و با کمبود و نبود امکانات کاری رسمی و کمبود و نبود دسترسی به مزایا و پروگرام های حمایت و رفاه اجتماعی روبرو هستند. در حدود ۹۰ فیصد نفوس مشغول کار در مشاغل با مهارت کم، مصروف کار هستند. در این زمینه تاکنون زراعت بزرگترین سکتور اقتصادی است (۴۴ فیصد نیروی کار در این سکتور مشغول است)، به تعقیب آن سکتور خدمات (۱۶ فیصد) و سکتور ساختمانی (۱۴ فیصد)، میباشد. کار زنان بیشتر متمرکز به ۶۶ فیصد در سکتور زراعت و ۲۴ فیصد در بخش ساخت و تولید، است. تفاوت های زیاد جنسیتی در کارکرد بازار کار وجود دارد، و تقریباً به طور ثابت به زیان زنان است. نه تنها که مشارکت نیروی کاری زنان پایین (۲۹ فیصد در مقایسه با ۸۱ فیصد مردان) است، میزان بیکاری آنها نیز دو چند مردان (۳۷ فیصد در مقایسه به ۱۸ فیصد) است و سهم آنها در شغل های آسیب پذیر بالاتر (۸۹ فیصد در مقایسه با ۷۶ فیصد) از مردان است. مردان به طور قابل ملاحظه بیشتر از زنان عاید بدست می آورند، حتی اگر در عین وظیفه مشغول کار باشند. به طور اوسط مردان ۳۰ فیصد بیشتر از زنان عاید بدست می آورند.

مهاجرت کارگران به صورت گسترده به طرف ساحات شهری متمایل است، به خصوص به طرف ولایت کابل: دو سوم مهاجرین غیر کوچی به پایتخت نقل مکان نموده اند. مهاجرین کارگر داخلی اکثر مرد ها، به طور متناسب در بین گروه های مختلف سنی توزیع گردیده است، مهاجرین کارگر روانه به طرف خارج - بخصوص مرد ها - بیشتر متمرکز به گروه سنی ۲۰ الی ۲۹ سال هستند. کشور ایران عمده ترین مقصد مورد علاقه مهاجرین کارگر است، مگر کشورهای خلیج نیز یک تعداد روبه افزایش کارگران افغانی را به خود جذب می کنند.

بازار کار افغانستان همچنان با میزان بلند کار طفل شناخته می شود. به تفکیک تعاریف سازمان جهانی کار و صندوق ملل متحد برای اطفال در مورد کارگران طفل، ۲۶.۵ یا ۲۹.۵ فیصد کسانی که دارای ۵ الی ۱۷ سال هستند به شکل کارگر طفل مشغول کار هستند که در نتیجه انکشاف دماغی و فزیک خویشت را به خطر می اندازند. فیصدی های ذکر شده در بالا به ترتیب

نماینده گی از ۲.۷ یا ۳.۰ میلیون طفل می کند. پسر ها نسبت به دختر ها بیشتر بخش کارگران طفل را تشکیل میدهد و با افزایش سن تفاوت جنسیتی بیشتر میگردد. نظر به نوعیت محل اقامت، طوری به نظر میرسد که اطفال کوچی نسبت به دیگران بیشتر آسیب پذیر هستند، طوری که تقریباً نصف اطفال کوچی، ۴۷ فیصد به حیث کارگر طفل در مقایسه به ۳۰ فیصد اطفال دهاتی و ۱۰ فیصد اطفال شهری، مشغول کار هستند.

## فقر

در دوره سروی ۱۳۹۳ برای تخمین مستقیم شاخص های فقر معلومات جمع آوری نگردیده، مگر نسبت دادن یک سروی تا سروی دیگر نتایج معتبر و قابل مقایسه را فراهم نموده است. این نتایج نشان میدهد که تعداد نفوس که در زیر خط فقر زندگی میکنند از ۳۶.۵ فیصد در سال ۱۳۹۱ به ۳۹.۱ فیصد در سروی فعلی افزایش یافته است. نتایج هم نشان میدهد که بخش های فقیر نفوس نسبت به بخش های غنی نفوس از کاهش مصرف سرانه متاثر و متضرر گردیده اند، که بیان کننده افزایش در نابرابری میباشد.

سروی وضعیت زندگی فعلی در افغانستان، نمای فقر که توسط دوره های قبلی سروی ایجاد شده را دوباره تایید کرد. وابسته های فقر عبارت اند از وابستگی خانوار ها به طفل کارگر، خانوار های که دارای رییس خانواری بی سواد هستند و خانوار های که رییس خانوار آن در کار های غیر رسمی، بخصوص در سکتور های زراعت و ساختمانی مشغول کار هستند، می باشد. همچنان خانوار های دارای سایز بزرگتر و خانوار های که دارای تعداد زیاد اطفال نوجوان هستند، به نظر میرسد که بیشتر فقیر اند، که باز هم نشان دهنده بار سنگین باروری بلند در خانوار ها میباشد.

## مصنویت غذایی

با تفکیک تخمینی که صورت گرفته در حدود یک سوم نفوس افغانستان از عدم مصنویت غذایی رنج می برند. این تخمین به تفکیک ترکیب درجه مصرف غذایی و ستراتیژی های مجادله غذایی صورت گرفته که نشان میدهد ۹.۳ میلیون انسان با عدم مصنویت غذایی شدید و عدم مصنویت غذایی زود گذر مواجه هستند. در حدود ۳.۴ میلیون آنها حتی به شکل بسیار شدید در عدم مصنویت غذایی قرار دارند. عدم مصنویت غذایی نظر به فصول سال در تغییر و نوسان است. در فصل های زمستان و بهار عدم مصنویت غذایی در سطح بسیار بلند (به ترتیب ۴۸ فیصد و ۴۷ فیصد) می باشد و در فصل های تابستان و خزان عدم مصنویت غذایی به سطح پائین تر (به ترتیب ۲۳ و ۲۶ فیصد) می باشد.

همچنان از لحاظ کیفیت، رژیم غذایی افغانها اغلب ناکافی و نامناسب بوده. ۳۶ فیصد از مجموع خانوار های افغان در تنوع غذایی پایین بسر میبرند، علت آن بیشتر وابستگی تنها به یک نوع غذایی اصلی میباشد. هر دو هم شاخص های کمی و هم کیفی شرایط بهتر را در ساحات شهری نسبت به ساحات دهاتی نشان میدهد. در بین خانوار های کوچی کمتر عدم مصنویت غذایی وجود دارد، مگر در عین زمان تنوع غذایی پایتیر نیز در بین آنها وجود دارد.

## زراعت

زراعت و مالداری به حیث ستون فقرات اقتصاد افغانستان باقی است. زراعت برای ۶۱ فیصد خانوار ها یک منبع درآمد فراهم میکند و برای ۲۸ فیصد مهمترین منبع درآمد است. بهمین شکل، زراعت سکتور عمده اشتغال برای ۴۴ فیصد نفوس مصروف کار می باشد. در حدود ۳۷ فیصد از مجموع خانوار ها در افغانستان - تقریباً ۱.۴ میلیون خانوار - دارای مالکیت هر گونه زمین های آبی هستند، و در حدود یک ششم خانوارها، ۶۲۰ هزار دارای مالکیت زمین های للمی هستند که بسیار کم و دارای مولدیت پایینتر می باشد.

گندم از جمله مهمترین نباتات است که در افغانستان تولید میگردد. بیشتر از یک میلیون خانوار در زمین های آبی گندم کشت می کنند، علوفه جات، کچالو و جواری از جمله دیگر نباتات هستند که به طور دوامدار و زیاد در زمین های آبی کشت میگردد. زراعت و زمینداری در زمین های للمی بیشتر متمرکز به تولید گندم است، مگر مقدار گندم تولید شده در زمین های للمی تنها یک سوم مقدار گندم تولید شده در زمین های آبی است. در حدود ۱۳ فیصد از مجموع خانوار ها دارای مالکیت یک باغ هستند، که فرصت کشت و تولید نباتات با ارزش و دارای اهمیت غذایی بلند را پیدا می کنند. انواع انگور و سیب از جمله نباتات هستند که اکثراً در باغ ها کشت میگردد.

یک تعداد قابل ملاحظه ای از زمین داران به ساحات شهری نقل مکان نموده اند و دیگر به طور فزینی در زمین های شان حضور ندارند. میکانیسم های اجاره دهی و کرایه دهی زمین و گرو کردن زمین در زمینه انتقال خالص دسترسی به زمین های زراعتی از زمین داران که در ساحات شهری زندگی می کنند به خانوار های دهاتی که در زمین کشت و کار می کنند، تاثیر گذار است. این میکانیسم ها باعث میگردد که یک تعداد محدود خانوار ها به ساحات وسیع زراعتی دسترسی داشته باشند.

مشکلات که خانوار زارع به آن روبرو هستند به طور عمده عبارت از کم بودن حاصلخیزی خاک، مصارف کشت و کار و فارمداری و بخصوص قلت آب است. قلت آب خانوار ها را مجبور میسازد تا در حدود یک سوم زمین های زراعتی آبی و للمی را به طور کشت نشده بگذارند. کود، تخم یا بذر و کرایه ماشین آلات بخش عمده از مصارف فارمداری و کشت و کار را در بر میگیرد. به طور مجموعی، خانوار های زارع ۲۱ میلیارد افغانی (در حدود ۳۶۵ میلیون دالر آمریکایی) بالای عوامل تولید زراعتی مصرف نموده اند.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳ یک بار دیگر تاکید می نماید که مواشی یک دارایی مهم برای خانوار های افغان میباشد، در هر دو صورت چه به هدف مصرف خانوار یا هم به هدف فروش مواشی و محصولات حیوانی از آنها استفاده شود، مهم و با ارزش میباشد. در حدود ۳۸ فیصد خانوار ها در افغانستان دارای مالکیت یک یا بیشتر از یک گاو هستند، در حالیکه به ترتیب ۲۶ و ۲۷ فیصد خانوار ها دارای مالکیت بز و گوسفند هستند. ۴۳ فیصد از مجموع خانوار ها مالک مرغ هستند، مرغداری بخصوص برای زنان دارای اهمیت می باشد، طوری که زنان اکثراً مسئولیت نگهداری مرغ و دیگر پرندگان را به عهده دارند، و همچنان امکان بدست آوردن مفاد به طور مستقیم از محصولات مرغداری برای زنان وجود دارد.

دهاقین و هم مالداران اکثراً به خدمات در بخش مربوط دسترسی کافی ندارند. میزان واکسناسیون کامل برای مواشی پایین بوده و برای هر یک از مواشی متفاوت است برای گوسفند ۱۵

فیصد، برای بز، گاو، شتر، حیوانات نر بزرگ، گاو میش و گاونر کوهان دار در بین ۱۲ و ۱۴ فیصد، و برای مرغ ۹ فیصد است. در نتیجه، تعداد زیاد از مواسی و مقدار زیاد سرمایه گذاری به دلیل امراض حیوانی ضایع میگردد. تنها در حدود ۳۷ فیصد مالداران توانایی فراهم نمودن مقدار کافی غذای حیوانی را داشته اند. از هر پنج خانوار تنها یک خانوار که در بخش زراعت یا نگهداری مواسی دخیل بوده از خدمات توسعوی زارعتی یا کمک های ویترنری استفاده نموده اند. در پهلوی دلایل عمدی و اختیاری، عمدترین دلایل عدم استفاده از خدمات، نبود دانش در مورد چگونگی بدست آوردن خدمات، بی علاقه گی در عرضه خدمات توسط عرضه کنند و فاصله تا مراکز خدمات بوده است.

## تعلیم و تربیه

از تعلیم و تربیه تصویر که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ ارائه گردیده، نشان دهنده یک بهبود متوسط در اکثریت ساحات است، مگر با رکود و حتی بدتر شدن در زمینه های دیگر همراه بوده است. و نظر به دوره های قبلی ساحاتی را که تحت پوشش قرار داده بود بهبودی قابل ملاحظه در مورد سواد، حضور یابی در تعلیمات و دستاورد های تعلیمی، و تساوی جنسیت را ارایه کرده که با این سروی در مغایرت قرار دارد.

شاخص های سواد هنوز هم بهبود را نشان میدهد، اگرچه پیشرفت در میزان سواد جوانان (برای افراد که دارای سن ۱۵ الی ۲۴ سال هستند) از ۴۷ فیصد در سال ۱۳۹۱ به ۵۲ فیصد در سال ۱۳۹۳ طور اوسط افزایش داشته، و افزایش در میزان سواد بزرگسالان از ۳۱ فیصد الی ۳۴ فیصد، حتی کمتر از آن است. نسبت خالص حضور یابی در تعلیمات ثانوی و عالی نیز به طرف افزایش متمایل بوده است؛ طوریکه از سروی قبلی تا این سروی به ترتیب از ۳۳ فیصد الی ۳۷ فیصد و از ۵ فیصد الی ۹ فیصد افزایش را نشان میدهد. هر چند نسبت خالص حضور یابی برای تعلیمات ابتدایی کاهش را از حد بلند ۵۷ فیصد در سال ۱۳۹۱ الی ۵۵ فیصد در سروی فعلی نشان میدهد. معلومات بدست آمده از حضور یابی در مکاتب نشان میدهد که ۲.۳ میلیون طفل که در سن تعلیمات ابتدایی قرار دارند و ۲۰ میلیون طفل که در سن تعلیمات ثانوی قرار دارند از تعلیم و تربیه و از فرصت برای آموختن مهارت های ابتدایی زندگی محروم اند.

میزان جذب نا خالص ۴۵ فیصد نشان میدهد که ظرفیت جذب شاگردان جدید در سیستم تعلیمی پایین است، کمتر از نیمی از آنچه نیاز خواهد بود تا برای هر شاگرد واجد شرایط جای مناسب در مکتب فراهم گردد. از طرف دیگر میزان انتقال از یک درجه به درجه بعدی یا از یک صنف به صنف بعدی نسبتاً زیاد است که در نتیجه باعث ایجاد حد متوسط ۱۴ فیصد در تعداد آنهاست که مکتب را ترک کرده اند و تعداد کافی ۸۴ فیصد کسانیکه مکتب را شروع می نمایند و به آخرین درجه یا صنف تعلیمات ابتدایی میرسند، میگردد. همچنان میزان انتقال از تعلیمات ابتدایی به تعلیمات ثانوی نسبتاً بلند (۹۶ فیصد) است. این همه ارقام در مورد میزان انتقال نشان میدهند که مشکل سیستم تعلیم و تربیه افغانستان بیشتر در مورد باقی ماندن یا ترک کردن مکتب نیست مگر چیزیکه از همه مهمتر است موضوع شامل شدن در مکتب است. با توجه به میزان حضور یابی سنین مشخص در حال حاضر، توقع برده می شود که یک طفل شش ساله افغان به طور اوسط ۷.۷ سال زندگی خود را در تعلیم و تربیه سپری میکند، که در مقایسه با کشور های دیگر جهان بسیار مدت کوتاه است. دلایل اصلی عدم اشتراک در مکتب شامل مسایل اقتصادی بخصوص امکان هزینه و موانع فرهنگی بخصوص برای دختران میباشد. در ساحات دهاتی، مشکلات امنیتی نیز یکی از موانع عمده برای اشتراک در مکتب بخصوص برای دختران به شمار می رود.

تعلیم و تربیه یک ساحه است که نابرابری جنسیتی در آن به طور آشکار و واضح به مشاهده میرسد. بدون استثنی، شاخص های جنسیتی تعلیم و تربیه نشان دهنده وضع نامساعد زنان و دختران در افغانستان است. این دور سروی وضعیت زندگی در افغانستان بیان میدارد که میزان نسبتاً بلند بهبود و ترقی که در دهه قبل از سال ۱۳۹۱ به مشاهده رسیده بود، ادامه نیافته و حفظ شده نمی تواند. در زمینه سواد جوانان و بزرگسالان، و در زمینه حضور یابی در تعلیمات ثانوی، شاخص های جنسیت تا هنوز یک اندازه بهبود را نشان میدهد، مگر شاخص تساوی جنسیت در رابطه به تعلیمات ابتدایی از ۷۴ فیصد به ۷۱ فیصد کاهش یافته است. تفکیک نابرابری جنسیتی در تعلیم و تربیه جذب تعداد بسیار کم دختران در تعلیم و تربیه میباشد. هر چند، یک بار در مکتب میزان ادامه دادن و ترک مکتب برای دختران و پسران بسیار مشابه است.

دلیل دیگر نابرابری جنسیتی در افغانستان عبارت از محل اقامت است. در ارتباط به تمام شاخص های تعلیم و تربیه، وضعیت نفوس دهاتی خرابتر است، و برای نفوس کوچی حتی بدتر از دهاتی است. این امر به سطح حضور یابی در مکتب و سواد، و به همان اندازه به شاخص های برابری جنسیتی، تطبیق میگردد.

## صحت

بر طبق سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳، سکتور صحت یگانه سکتوری است که بیشترین بهبود مداوم را نشان میدهد. موثر ترین بهبود در شاخص های بهبود صحت مادری مشاهده شده اند. افغانستان در رابطه به اهداف انشافی هزاره در پوشش خدمات و مراقبت های قبل از ولادت (۵۰ فیصد الی ۲۰۲۰) را بسیار قبل از زمان تعیین شده دست. آورد داشته است. سروی فعلی نشان میدهد که ۶۳ فیصد زنان باردار در مقایسه با ۵۱ فیصد در سال ۱۳۹۱، حداقل یک بار با ماهر خدمات صحتی و مراقبت های قبل از ولادت ملاقات نموده اند. چهار بار ملاقات قبل از ولادت با عرضه کننده های مراقبت های قبل از ولادت که پیشنهاد گردیده است، تنها توسط ۲۳ فیصد زنان باردار درک و عملی گردیده است که به هر حال پیشرفت قابل ملاحظه ای نسبت به سروی قبلی ۱۰ فیصد بیشتر میباشد. همچنان در رابطه به فیصدی ولادت های که در مراکز صحتی صورت گرفته (۴۳ فیصد نسبت به ۳۶ فیصد دوره قبلی) و فیصدی ولادت های که در حضور ماهر صحتی صورت گرفته (۴۵ فیصد نسبت به ۴۰ فیصد دوره قبلی) در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ نشاندهنده پیشرفت و بهبود مداوم در سالهای اخیر میباشد. میلان عمومی حضور یابی ماهر صحتی در ولادت نشان میدهد که ۵۰ فیصد اهداف انکشافی هزاره سال ۲۰۱۵، رسیده است.

تغذیه توسط شیر مادر در افغانستان در مجموع برای هر دو مادر و طفل مفید است طوریکه تغذیه از شیر مادر تقریباً عمومی و فراگیر (برای ۹۳ فیصد نوزادان) می باشد و معمولاً برای مدت طولانی ادامه می یابد. هر چند، دستاورد های قابل ملاحظه ای در زمینه صحت و مرگ و میر به دست آمده می تواند در صورتیکه تعداد بیشتر از مادران تغذیه نوزاد را در اولین ساعت بعد از ولادت توسط شیر مادر آغاز کنند (تنها ۳۳ فیصد این کار را کرده اند)، در صورتیکه غذا های جامد و مایعات مکمل تنها بعد از شش ماهگی داده شود (بیشتر از نصف کودکان قبل از شش ماهگی سایر مایعات دیگر را دریافت کرده اند) و در صورتیکه غذا های مکمل به زودی بعد از شش ماهگی داده شود.

از آنجائیکه بهبود سیستم مراقب های صحتی یکی از مهمترین اولویت ها برای مردم افغانستان میباشد، دسترسی فزینگی به مراکز صحتی و هزینه های بدست آوردن خدمات صحتی از جمله

موانع عمده فرا راه بسیاری از مردم بخاطر بدست آوردن مراقبت های مورد نیاز شان، باقی است. سروی فعلی بیان میدارد که نیاز های طبی یکی از پنج زن که مریض یا زخمی بوده، اکثراً به دلیل فقر و دوری راه، برآورده شده توانسته است. حساسیت فرهنگی سیستم صحت را مثلاً فراهم سازی عرضه کننده های مراقبت صحتی از قشر انانث به حیث یک مانع برای استفاده موثر از مراقبت های صحتی بخصوص توسط زنان، وجود دارد. باوجودیکه موجودیت و قابل دسترس بودن به عرضه کننده مراقبت های صحتی از قشر انانث به طور قابل ملاحظه ای در ساحات دهاتی، مخصوصاً از طریق کلینک های شخصی و مراکز طبی عمومی، بهبود و افزایش یافته است. همواره، عرضه خدمات و شاخص های نتایج صحتی در ساحات دهاتی نسبت به ساکنین شهر ها بسیار پایتتر است. علاوه بر آن، به طور عمومی وضعیت نفوس کوچی بسیار بدتر است.

## تساوی جنسیت

دست یافتن به تساوی جنسیت به حیث یکی از عمده ترین مشکلات در افغانستان باقی است. در بین مجموع وضعیت انکشافی ضعیف، زنان و دختران از همه بیشتر در وضعیت خرابتر قرار دارند. شاخص های متعدد نشان میدهد که زنان در خانوار موفق پایتتر دارند و وابسته هستند، قدرت کمتر بحث در زمینه تصمیم خانوار، مسایل زناشویی و باروری، دارند. این شاخص ها شامل زنانی در ازدواج چند همسری (۸ فیصد)، آنها نیکه در سن بسیار جوان ازدواج نموده اند (۱۲ فیصد، زنان دارای سن ۲۴-۲۰ سال قبل از سن قانونی در سن ۱۶ سالگی) ازدواج کرده اند و آنها نیکه دارای شوهران با سن بالا هستند (۲۱ فیصد زنان با شوهری ازدواج نموده اند که حداقل ۱۰ سال از لحاظ سنی بزرگتر اند، به طور اوسط تفاوت سنی ۶ سال) است. گرچه تعداد زنانی که قبل از سن ۱۶ سالگی ازدواج میکنند و تفاوت سنی زیاد بین شوهر و خانم وجود میداشته باشد، رو به کاهش است، احتمالاً نشان دهنده بهبود در موقف زنان ازدواج شده میباشد.

همچنان حضور کم رنگ زنان در فهرست خانوار، بصورت مکرر منعکس کننده نسبت جنس بلند می باشد که نشان دهنده جایگاه پایین و انزوای آنها میباشد. نسبت جنس بلند در سنین بالا نیز به احتمال زیاد با سطح بلند مرگ و میر مادران ارتباط داشته باشد. سه چهارم زنان محل اقامت شان را بدون همراهی یک فرد دیگر به بیرون رفتن ترک نمی کنند و تقریباً در حدود نصف از آنها در یک ماه چهار مرتبه یا کمتر از آن بیرون از محل اقامت شان میروند، در حالیکه ۱۲ فیصد از زنان بیان داشته اند که به طور مکمل در جریان یک ماه هیچ گاهی از خانه بیرون نرفته اند. تصمیم گیری قشر انانث در زمینه مصرف پول بسیار محدود است، تنها ۳۴ فیصد زنان می توانند به طور مستقل تصمیم بگیرند که پول را که کسب معاش نموده اند چگونه به مصرف برسانند. اندازه استقلالییت در زمینه تصمیم گیری برای به مصرف رساندن پول در بین زنان شهری (۴۸ فیصد) نسبت به زنان دهاتی و کوچی (به ترتیب ۳۱ و ۶ فیصد) بالاتر است.

باوجود بهبود و پیشرفت ها در سالهای اخیر، شاخص های مرتبط با تعلیم و تربیه تا هنوز تفاوت های زیاد جنسیتی را نشان میدهند. سطح سواد زنان دارای سن ۱۵ سال و بزرگتر از آن در حد ۳۹ فیصد به سطح مردان قرار دارد، هر چند این شاخص تساوی جنسیتی سواد برای جوانان دارای سن ۱۵ الی ۲۴ سال (۵۲ فیصد) بهبود یافته است. شاخص های تساوی جنسیت برای حضور یابی در تعلیمات ابتدایی، ثانوی و عالی به ترتیب، ۷۱، ۵۵ و ۴۱ فیصد است. همچنان شاخص های بازار کار نشان دهنده موقف آسیب پذیر زنان میباشد، اول و در درجه نخست دلیل آن نرخ پایین مشارکت قشر انانث در نیروی کار ۲۹ فیصد در مقایسه با ۸۱ فیصد مردان است، مگر همچنان به دلیل میزان بلند بیکاری زنان (۳۷ فیصد در مقایسه با ۱۸ فیصد مردان)، میزان بیکاری نوجوانان (۴۴ فیصد در مقایسه با ۲۴ فیصد)، مشغولیت بیشتر در اشتغال آسیب پذیر (۸۹ فیصد در مقایسه با ۷۶ فیصد) و پرداخت کمتر، حتی برای وظایف مشابه نیز، چنین است. شاخص اهداف انکشافی هزاره در رابطه به سهم زنان در سکتور غیر زراعتی اشتغال با مزد در حد پایین ۱۰ فیصد است.

## مسکن

شرایط مسکن افغانها به طور کل در حالت خراب قرار دارد، مگر بهبود قابل توجه را از جهات مختلف نشان می دهد. واحد های مسکونی برای یک فامیل بوده و به شکل سنتی از گل ساخته شده اند، دیوار های بیرونی خانه از خشت خام (۶۸ فیصد) و سقف خانه از چوب و گل (۷۴ فیصد) ساخته شده اند. اکثریت واحد های مسکونی (۶۰ فیصد) بعد از سال ۱۳۷۴ اعمار گردیده اند، مگر تنها کمتر از ۳ فیصد واحد های مسکونی در سه سال قبل از سروی اعمار گردیده اند. به طور عموم (۹۳ فیصد) واحد های مسکونی ساحات دهاتی ملکیت شخصی هستند، یا به ارث برده شده اند یا خریداری شده اند یا هم توسط خود شخص اعمار گردیده. یک تعداد زیاد (۷۰ فیصد) واحد های مسکونی شهری نیز ملکیت شخصی هستند، مگر دومین (۲۱ فیصد) حالت مالکیت عمده مسکن در ساحات شهری گرفتن واحد های مسکونی به کرایه می باشد

در مورد دسترسی به منابع آب آشامیدنی بهبود یافته پیشرفت زیاد صورت گرفته است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان تخمین نموده است که ۶۵ فیصد نفوس دسترسی به منابع بهبود یافته آب (بالاتر از ۴۵ فیصد در سروی ملی خطرات و آسیب پذیری سالهای ۱۳۹۱) افزایش را نشان میدهد، در نتیجه هدف ۶۱.۵ فیصد الی سال ۱۳۹۹، اهداف انکشافی هزاره/استراتژی انکشاف ملی افغانستان، ۵ سال قبل از سال ۱۳۹۹ بدست آمده است. دسترسی به سیستم بهداشتی بهبود یافته در مقایسه به هدف ۶۶ فیصد برای سال ۱۳۹۹ صرف ۳۹ فیصد عقب می باشد. در رابطه به نفوس شهری که در محلات پر جمعیت و کثیف شهر زندگی میکنند (۷۴ فیصد نسبت به ۸۷ فیصد سالهای ۱۳۹۱) کاهش به مشاهده رسیده است، استفاده از مواد سوخت جامد کاهش یافته است (۷۶ فیصد از ۸۰ فیصد) و در رابطه به استفاده از وسایل ارتباطات افزایش به وجود آمده است: استفاده کننده های تلفون همراه در ۱۰۰ باشنده از ۱۴ فیصد به ۱۷ فیصد افزایش، و در استفاده کننده های انترنت در ۱۰۰ نفر از نفوس از ۰.۵ فیصد به ۱.۲ فیصد افزایش، بوجود آمده است. علاوه بر آن، تعداد خانوار های که به هر نوع منابع برق دسترسی دارند به طور قابل ملاحظه از ۶۹ فیصد به ۸۹ فیصد افزایش یافته، عامل عمده آن پخش گسترده برق آفتابی میباشد. نظر به اینکه در سروی ملی خطرات و آسیب پذیری سالهای ۱۳۸۷ راپور داده شده ۲ فیصد خانوار ها از برق آفتابی استفاده میکردند، در سروی ملی خطرات و آسیب پذیری سالهای ۱۳۹۱ راپور داده شده که ۲۲ فیصد خانوار ها از برق آفتابی استفاده میکردند و سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان میدهد که تقریباً نصف از تمام خانوار ها (۴۸ فیصد) از انرژی خورشیدی استفاده میکنند.



## ۱. مقدمه

پس از چندین دهه جنگ و بی ثباتی سیاسی، افغانستان هنوز هم یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. در سال ۱۳۹۲ افغانستان در درجه ۱۶۹ از جمله ۱۸۵ کشور در شاخص انکشاف بشری برنامه انکشافی سازمان ملل متحد قرار داشت، یک خلاصه اندازه گیری بر اساس ابعاد انکشاف صحت، تعلیم و تربیه و سطح زندگی (برنامه انکشافی سازمان ملل متحد ۱۳۹۳) این درجه بندی فقیر نشان دهنده چالش ها در بخش های بزرگ از نفوس کشور می باشد، اما در عین حال بهبود قابل ملاحظه در سکتور های مختلف از سال ۱۳۸۲ بدینسو صورت گرفته است. سال ۱۳۹۴ بخصوص مهم است، زیرا در این سال باید به اهداف انکشافی هزاره دست یافت که بعد از نشست سران هزاره سازمان ملل در سال ۱۳۸۰ ایجاد شده است. افغانستان علامه هزاره را در سال ۱۳۸۳ امضا نمود، اما زمان رسیدن به اهداف انکشافی هزاره از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۳۹۹ تمدید شده نظر به اینکه سال های انکشاف و پیشرفت را تا قبل از سال ۱۳۸۳ از دست داده است.

به منظور اینکه معلومات مورد نیاز حکومت افغانستان و سایر ارگان ها برای بررسی پیشرفت این انکشاف تشخیص نموده و بر مبنای آن پالیسی ها و برنامه های انکشافی اولویت بندی شود، اداره مرکزی احصائیه به طور منظم سروی وضعیت افغانستان را اجرا می کند که قبلاً به عنوان ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری شناخته شده است. در آغاز ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی با کوشش های مشترک اداره مرکزی احصائیه و وزارت احیا و انکشاف دهات اجرا شد. با انجام دو دور سروی در سال های ۸۴-۱۳۸۲ سروی کامل چندین مقصده در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۷ انکشاف داده شد که در سال ۹۱-۱۳۹۰ و ۹۳-۱۳۹۲ تحت مسولیت اداره مرکزی احصائیه اجرا گردیده است. سروی یکتعداد زیاد شاخص های انکشافی را در مورد فقر، مصئونیت غذایی، کارایی بازار کار، دیموگرافی، تعلیم و تربیه، صحت، تساوی جنسیت، مسکن و زراعت احتوا می نمایند. بدینترتیب، سروی وضعیت زندگی افغانستان یگانه منبع عمده احصائیه های اجتماعی - اقتصادی به شمول نفوس کوچی در کشور می باشد. این سروی نمایندگی از تمام نفوس افغانستان می کند که ارقام طوری جمع آوری می گردد که تغییرات موسمی شاخص های چون اشتغال، مصئونیت غذایی و فقر را تحت پوشش قرار دهد. سروی طور طرح شده که به سطح ملی، ولایتی و کوچی نمایندگی می کند.

در هر دوره سروی شاخص های اصلی معیاری که توسط استفاده کننده های ارقام سروی وضعیت زندگی اولویت داده شده تهیه می شود. ارقام برای شاخص های اضافی و معلومات بیشتر و عمیقتر به اساس دوره ئی در هر دور سروی جمع آوری می شود. پرنسب دور ئی زمینه را مساعد می سازد که در یک وقفه دوره مناسب از پیشرفت شاخص های انکشافی به سطح وسیع ارزیابی بعمل آمده و در عین زمان طور دومی و قابل اداره سروی صورت گیرد. مرکز توجه مشخص سروی وضعیت زندگی افغانستان در سالهای ۱۳۹۳ که جمع آوری ارقام از قوس ۱۳۹۲ تا قوس ۱۳۹۳ صورت گرفته در مورد مهاجرت، تساوی جنسیت و مارکیته کار به شمول کار اطفال می باشد. علاوه بر آن ارقام غیر معیاری در مورد سلوک شیر دادن از پستان هم جمع آوری شده و بخش تعلیم و تربیه به اساس ساختمانی توسعه داده شد.

گزارش سروی وضعیت زندگی سال ۱۳۹۳ جامع ترین سروی در ارائه ارقام می باشد. معلومات تهیه شده شامل ۱۹ شاخص می باشد تا از تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان نظارت شود و ۲۰ شاخص اهداف انکشافی هزاره. تمرکز اصلی این گزارش در سطح ملی می باشد اما معلومات منظم نا متراکم برای نفوس ساکن (شهری، دهاتی و کوچی) تهیه می شود. معلومات به سطح ولایت عمدتاً خارج از محدوده این گزارش می باشد، هر چند بیشتر فصل ها شامل نقشه های موضوعی توزیع شاخص های انتخاب شده را نشان می دهد. معلومات ارائه شده در این گزارش نیز عمدتاً به شکل وسیع توزیعی همگانی، همه سکتورها و بیش از پیش در تحلیل های عمیق به ویژه آنالیز به علت و معلول روابط نیاز به گزارش بیشتر داشته و تلاش دارند. فصل ۲ مشخصات میتودولوژی اصلی سروی وضعیت زندگی افغانستان سال ۱۳۹۳، از جمله شرح مختصر در مورد و طرح نمونه گیری، پرسشنامه های سروی، جمع آوری و پراسس ارقام، محدودیت ها و مقایسه با سروی دوره های قبلی و استفاده از روش دوره ئی که در پرسشنامه ها در نظر گرفته شده است. چندین ضمیمه معلومات بیشتر در مورد تکنیک ها و میتودولوژی ارائه می کند.

فصل های بعدی موضوعات اصلی و عمده سروی را تحت پوشش قرار میدهد. نخست ساختار نفوس و تغییرات در فصل سوم قرار گرفته اند نظر به اینکه این فکتور ها در جنبه های انکشافی بخش های دیگر گزارش نفوذ دارند. ترکیب نفوس افغانستان به تفکیک سن و جنس و همچنان بعضی محرکه های اساسی دیموگرافیکی تحلیل گردیده است. برعلاوه، خانوار و الگوهای ازدواج نیز مورد مطالعه و تحلیل قرار داده شده است. یک فصل جدا - فصل چهارم به مهاجرت اختصاص داده شده، طوریکه این مبحث مورد توجه بیشتر سروی فعلی بوده، مهاجرت داخلی و مهاجرت بین المللی هر دو، همچنان شهر نشینی و بیجا شده ها تحلیل گردیده است

فصل پنجم فراهم کننده تحلیل ساختار و حرکت بازار کار افغانستان می باشد. به اساس وسعت دادن این مبحث در سروی، توضیحات بسیار جامع در مورد بازار کار در تاریخ سروی وضعیت زندگی افغانستان صورت گرفته است. در پهلوی شاخص های استخدام، کم کاری، بیکاری، ساعات کار، اشتغال آسیب پذیر و تحلیل جنسیت، عنصر اساسی شامل تشریحات مشاغل و سکتور های اقتصادی به اساس تصانیف معیاری بین المللی مشاغل و تصانیف معیاری بین المللی صنعت که جدیداً انکشاف داده شده، به تفکیک پاداش، مهاجرت کار و کار اطفال را تحت پوشش قرار میدهد.

زراعت، به شمول فارمداری و تولید مالدار، موضوع فصل ششم میباشد. که این فصل تحلیل کننده سکتور زراعت از دیدگاه دسترسی به زمین، اندازه ساحه زمین، تولیدات فارم و باغ، نوعیت و تعداد مواشی، و فروش حیوانات و محصولات حیوانی، همچنان عوامل تولید مرتبط با این سکتور، میباشد.

فصل های کلیدی هفتم و هشتم بالترتیب ارائه کننده نتایج تحلیل های فقر و مصئونیت غذایی میباشد. از اینکه در سروی ۱۳۹۳ در مورد مصارف غذا و قیوم مفرت مودل توسعه داده شده شامل نبود در تخمین فقر و مصئونیت غذایی روش متناوب انکشاف داده شده و استفاده گردیده است. هر دو فصل شامل برجسته شدن نسبی فقر و عدم مصئونیت غذایی می باشد. فصل های نهم و دهم به سکتور های تعلیم و تربیه و صحت و به تغییراتی که در این سکتور ها واقع می شوند اختصاص داده شده اند. فصل نهم موضوعاتی چون میزان سواد، حضور یابی در مکتب و دستاورد تعلیمی و تحصیلی را مورد تحلیل قرار داده در حالیکه تمرکز عمده فصل یازدهم در مورد صحت مادری در کنار شاخص های چون دسترسی به تسهیلات و مراکز صحتی، عادت به جستجوی موظبت صحتی و تمرین شیر دادن از پستان میباشد.

سروری وضعیت زندگی افغانستان شامل بخش ها در مورد کار خانم ها، انزوای اناث، تصمیم گیری در امور خانوار و عادت به مواظبت صحی خانم ها می شود. عناصر تساوی جنسیت و انکشاف زنان تحت پوشش فصل یازدهم قرار گرفته است. در پهلوی جزئیات این عناصر، این فصل موضوع جنسیت را در معلومات تهیه شده در سایر بخش های گزارش نیز پوشش نموده که شامل تعلیم و تربیه، ازدواج و موقف زنان در خانه می شود. فصل اخیر- فصل دوازدهم در مورد وضعیت مسکن با یک دید در مورد ترتیب و تنظیم اجاره داری (مالکیت موقت)، مشخصات فیزیکی مسکن و تسهیلات مسکن مانند تهیه برق، آب آشامیدنی و سیستم بهداشتی، همچنان مواد سوخت برای پختن و گرم کردن و وسایل معلومات و ارتباط. این فصل همچنان زندگی در محلات پر جمعیت و ساحات شهری در افغانستان را در بر دارد.

## ۲. میتودولوژی و عملیات سروی

### ۱.۲ مقدمه

سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ سلسله سروی های ملی خطر و اسبب پذیری را ادامه میدهد که از سال ۱۳۸۲ به اینطرف تطبیق گردیده است. نام سروی از سروی ملی خطر و اسبب پذیری به سروی وضعیت زندگی افغانستان تبدیل شد تا وسعت کامل معلومات انکشافی که توسط سروی تحت پوشش قرار میگيرد، انعکاس یابد. میتودولوژی هایکه در سروی وضعیت زندگی افغانستان مورد استفاده قرار گرفته از لحاظ، پرسشنامه و طرح نمونه گیری، تحلیل و پروسیجرهای جمع آوری ارقام، ادخال ارقام و پروسس ارقام-اوضاع مشخص افغانستان را در نظر گرفته است. این ها به مسایل مانند چالش های کار ساحوی، نیازمندی سهدمداران به معلومات، خصوصیات اجتماعی- فرهنگی، زیر بنای احصائیوی و ظرفیت تطبیق در سطوح مختلفه سلسله مراتب سروی مربوط میشوند. در عین وقت، میتودولوژی های طرح شدند تا با سفارشات بین المللی سروی و بهترین کارکرد ها مطابقت داشته باشد. تجربه بدست آمده از دوره های قبلی سروی ملی خطر و اسبب پذیری و به کار بردن معیار های بین المللی منجر به برخی تغییرات میتودولوژیکی شد، اما تا حد امکان دقت دستاورد های قبلی بخاطر مقایسه پذیری در طول زمان حفظ گردیده است.

این فصل یک مقدمه ای را به ابعاد میتودولوژیکی که در دور فعلی سروی وضعیت زندگی افغانستان پذیرفته شده، بخاطر درک بهتر نتایج سروی که در فصل های موضوعی ۳ تا ۱۲ ارائه شده فراهم میکند. درین رابطه بخش های مختلفه همچنان تغییرات میتودولوژیکی را در مقایسه با دوره های قبلی برجسته میسازد.

### ۲.۲ دخیل بودن سهدمداران

از انجائیکه هدف اولیه سروی وضعیت زندگی افغانستان خدمت به استفاده کنندگان ارقام است، با سهدمداران در مراحل مهم سروی بخاطر تشخیص نیازمندی ها مشوره صورت گرفته است. سهدمدارانیکه درین جلسات اشتراک کرده مشتمل اند بر: وزارت های سکتوری و ادارات حکومتی<sup>۱</sup>، ادارات ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی<sup>۲</sup>، دونهای دو جانبه<sup>۳</sup> و ارگان های اکادمیک و تحقیقاتی. این جلسات همچنان چشم انداز مدت و پایداری سروی وضعیت زندگی افغانستان منحصبت ابزار بسیار مهم برای تهیه معلومات اقتصادی-اجتماعی سرو کار داشت (بخش ۳.۲ ملاحظه شود). بعد تر جلسات سهدمداران سازمان داده شد تا پلان جدولبندی و تحلیل و فهرست موضوعات این گزارش نهایی را مورد بحث قرار دهد (جدی ۱۳۹۴). علاوه براین جلسات، یک تعداد از سهدمداران کلیدی در کمیته رهبری سروی وضعیت زندگی افغانستان حضور داشتند تا از پیشرفت کار نظارت کرده و اقدامات مشخص را پیشنهاد کنند. به همین گونه سهدمداران مربوط در کمیته تخنیکي مشورتی اشتراک کردند تا موضوعات تخنیکي و میتودولوژی را مورد مذاقه قرار داده در صورت ضرورت راهنمایی و مشوره دهند. اعضای کمیته تخنیکي مشورتی و کمیته رهبری در ضمیمه ۱ ذکر شده اند.

### ۳.۲ دیزاین پرسشنامه

از سال ۱۳۸۲ دوره های متعاقب سروی شامل تعداد افزایش یابنده سوالات میشود. این موضوع تا حدی ادامه یافت که بار مصاحبه و حجم کار پروسس و تحلیل ارقام از ظرفیت کارکنان ساحوی، پاسخ دهنده گان و کارمندان اداره مرکزی احصائیه خارج شد. ضرورت اینکه فشرده ساختن تمام نیازمندی های ارقام در یک سروی که در فواصل نامنظم تطبیق میشود، زمانیکه پلان ملی احصائیه افغانستان فرمولبندی شد (CSO، ۲۰۱۰) این موضوع کاهش داده شد. پلان ملی احصائیه افغانستان یک چشم انداز متوسط المدت را ارائه میکند که سروی ملی خطر و اسبب پذیری- سروی وضعیت زندگی کنونی- را منحصبت سروی ملی متنوع المرام افغانستان بر اساس سالانه<sup>۴</sup> پیشبینی می کند، تا اینکه همه سوالات و موضوعات هر سال شامل گردد، اصل تهیه معلومات بر اساس دورانی معرفی شد، در حالیکه هر دور سروی یک ست اساسی شاخص ها را فراهم کند، دور های متعاقب میتواند پرسشنامه های را علاوه کرده یا توسعه دهد که معلومات بسیار مفصل را در یک موضوع معین فراهم کند. به سلسله مشوره با سهدمداران در سال ۱۳۸۹ توافق بعمل آمد تا جمع آوری ارقام و پرسشنامه سروی ملی خطر و اسبب پذیری طبق این اصول دوره ای مجدداً طرح و دیزاین شود. این به معنی آنست که مرفوع کردن نیازمندی ها به ارقام و تطبیق سروی در عین زمان و بصورت بسیار پایدار حاصل شده می تواند. ضمیمه ۱۱ خلاصه محتویات دوره های متعاقب سروی را فراهم میکند.

سروی اساسی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ یک پرسشنامه خانوار متشکل از ۱۷ بخش موضوعی است. ۱۱ بخش ان توسط مصاحبه کنندگان ذکور تطبیق می شود که توسط نماینده ذکور خانوار جواب داده می شود (معمولاً رئیس خانوار) و ۶ بخش توسط مصاحبه کنندگان اناث از پاسخ دهنده اناث پرسیده میشود. علاوه تا پرسشنامه حاوی سه قسمت جهت مقاصد تشخیص و نظارت میباشد (جدول ۱.۲ ملاحظه شود). بصورت متوسط زمان مورد ضرورت برای پاسخ دادن به پرسشنامه خانوار یک یا یک و نیم ساعت بود. علاوه بر معلومات خانوار، ارقام به سطح جامعه از طریق پرسشنامه شورای ذکور جهت بررسی موضوعات ارائه شده در جدول ۲.۲ جمع آوری شده است. ضمیمه ۱۱ ست پرسشنامه های سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ را فراهم میکند.

۱ وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت های کار امور اجتماعی شهدا و معلولین، زراعت و مالداری، تعلیم و تربیه، صحت عامه، امور زنان، اب و برق، امور شهر سازی، اقتصاد، مالیه، تصدی اب رسانی.

۲ WFP, WB, UNICEF, UNFPA, UNDP, ILO, UNDP, UNHCR, WHO, FAO, ADB

۳ EU, DfID, GIZ

۴ در عین زمان تجربه حاصل شد که با در نظر داشت سایر فعالیت های جمع آوری ارقام اداره مرکزی احصائیه سروی سالانه وضعیت زندگی افغانستان مناسب نیست.

## جدول ۱.۲: قسمت های پرسشنامه سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ (قسمت های موضوعی با خط درشت)

بخش های مردانه	بخش های زنانه
شناسای خانوار	شناسای خانوار
نظارت پروسه	اعضای رایور داده نشده خانوار
فهرست خانوار	وضع کلی زندگی و تصامیم خانوار
مسکن و تامينات	مصونیت غذایی
موانشی	کار طفل
زراعت	جنسیت
دارائی خانوار	صحت طفل و مادر
عاید و مصرف خانوار	
تکان های خانوار استراتیژی	
مقابله	
تعلیم و تربیه	
کار	
مهاجرت	
مهاجرت بخارج	

## جدول ۲.۲: بخشهای پرسشنامه شورای مرد ها در سروی وضعیت زندگی سالهای ۹۳ - ۱۳۹۲

قسمت های پرسشنامه شورای ذکور
شناسائی جامعه
نظارت پروسه
دسترسی جامعه و دسترسی به سهولت ها
پروژه های جامعه
اولویت های انکشافی جامعه

## ۴.۲ آموزش و اجرای سروی آزمایشی

جهت معتبر سازی ابزار سروی و همچنان آموزش و پروسیجر های ساحه، این ها قبل از کار ساحوی آزمایش شدند. پرسشنامه ها به دری و پشتو ترجمه شده، توسط کارمندان اداره مرکزی احصائیه مورد آزمایش قبلی قرار گرفت. بعد ازان یک آزمایش کامل در جوزا سال ۱۳۹۲ صورت گرفت. به این جهت چهارم تیم سروی هر یک ۵ نفر (دو جفت مصاحبه کننده و یک سوپروایزر) انتخاب شدند تا در پروگرام آموزشی هشت روز و کار ساحوی متعاقب ان اشتراک کنند.

تیم های آزمایشی به دو ولایت (کابل و پروان) هر یک با یک کلستر شهری و دهاتی که بصورت عمدی انتخاب شده بودند تقسیم شدند. با تعقیب یک پروسیجر نمونه گیری مشابه سروی اصلی، در داخل هر یک از چهار خوشه ۱۲ خانوار نمونه گرفته شده و ۴۸ خانوار بصورت موثر مورد مصاحبه قرار گرفتند. در محتویات و عبارت بندی پرسشنامه و دستورالعمل بر اساس تجربه حاصله از آموزش و کار ساحوی تغییرات بعمل آمد.

## ۵.۲ آموزش و انتخاب کارکنان ساحوی

با تعقیب یک پروسیجر شناسائی بر اساس ارزیابی حدود یک هزار فورمه درخواست کتبی از همه ۳۴ ولایت و امتحان تحریری و مصاحبه های متعاقب از ۱۷۷ نفر نامزد دعوت بعمل آمد تا در آموزش قبل از آغاز سروی کامل اشتراک کنند. این گروه از دو جفت مصاحبه کننده یک مرد و یک زن نامزد و یک سوپروایزر برای هر ولایت تشکیل شده بود (بخش ۷.۲ ملاحظه شود).

در ماه اسد سال ۱۳۹۲ یک پروگرام آموزشی مریبان توسط متخصص کمک تخنیک و کارمندان کلیدی سروی وضعیت زندگی افغانستان برای آموزگاران اداره مرکزی احصائیه فراهم گردید. آموزش کارکنان ساحوی بصورت غیر مرکزی در کابل، بلخ و هرات هر یک به مدت سه هفته در ماه سنبله-عقرب سال ۱۳۹۲ صورت گرفت. این روش به دلیل جلوگیری از مشکلات سفر آموزش گیران و بهبود حضور در جریان آموزش نسبت به آموزش مرکزی ترجیح داده شد. نصاب آموزشی متشکل بود از: تدریس تخنیک های مصاحبه، پروسیجر های ساحوی و لوجیسٹیک، مرور قدم به قدم محتویات پرسشنامه، تمرین های عملی و مثال ها، مصاحبه های داخل صنف و تمرین ساحوی جهت مصاحبه و نظارت، و تعقیب آموزش اصلی قبل از کار ساحوی، آموزش مجدد ربوعار تازه کننده در هفت محل برای کارکنان ساحوی سازمان داده شد. هدف ازین آموزش های مجدد بخاطر بکارگیری اطلاعات حاصله بعد هر ربع جمع اوری ارقام و تحلیل ابتدائی ارقام، بحث روی موضوعات مربوط، ادامه آموزش اضافی، انتقال مواد جدید برای ساحه و تقویت روابط کاری و هماهنگی بین دفاتر ولایتی، سوپروایزر زون ها، سوپروایزر ساحه و کارمندان دفتر مرکزی بود.

بعد از تکمیل سروی، یک سلسله نهائی کسب اطلاعات برای کارکنان ساحوی جهت بدست آوردن نظریات ایشان در مورد بهبود های ممکنه در پروسیجرهای ساحوی، طرح و محتویات پرسشنامه سازمان داده شد. این کسب اطلاعات در انکشاف دور بعدی سروی در سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است.

## ۶.۲ طرح نمونه گیری

طرح نمونه گیری سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نتایج را فراهم میکند که به سطح ملی و ولایتی، همچنان برای ربع های تقویم شمسی<sup>۵</sup> از جمعیت نمایندگی میکند. در مجموع ۳۵ طبقه تشخیص شد ۳۴ طبقه برای ولایات افغانستان و یک طبقه برای نفوس کوچی. برای نفوس کوچی طرح، صرف نمونه گیری در زمستان و تابستان را تهیه کرد، زمانیکه جوامع تمایل دارند بصورت موقتی ساکن شوند. توزیع ساحات نمونه برای هر ولایت بر اساس یک تسویه میان دقت در سطح ملی و ولایتی بنا یافته است.<sup>۶</sup>

چوکات نمونه گیری که برای نفوس ساکن در سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ مورد استفاده قرار گرفت فهرست برداری قبل از سرشماری خانوار بود که در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ توسط اداره مرکزی احصائیه تطبیق شده، در سال ۱۳۸۸ تجدید گردیده است. خانوارها بر اساس یک طرح خوشه ای دو مرحله ای در داخل هر طبقه انتخاب شدند. در مرحله اول ساحات شمار منحیث واحد اولی نمونه گیری با احتمال متناسب به اندازه ساحه شمار انتخاب شدند. به تعقیب آن در مرحله دوم ۱۰ خانوار منحیث واحد نهایی نمونه گیری انتخاب شدند<sup>۷</sup> به این ترتیب طرح نمونه گیری بصورت متوسط جمع اوری ارقام در ۱۷۰ خوشه (۱۷۰۰ خانوار) را در هر ماه و ۲۰۴۰ خوشه (۲۰۴۰۰ خانوار) در طول سال جمع اوری ارقام فراهم کرد.

نمونه کوچی بر اساس ارزیابی چند سکتوری کوچی (NMAK ۲۰۰۴) صورت گرفت. برای این طبقه یک انتخاب جامعه با احتمال متناسب به اندازه و مرحله دوم با یک اندازه ثابت خوشه ۱۰ خانوار صورت گرفت. ۶۰ خوشه (۶۰۰ خانوار برای این طبقه بصورت مساویانه بین دور های زمستان و تابستان در داخل مدت سروی تقسیم شدند.

واقیعت تطبیق سروی در افغانستان یک تعداد انحرافات از طرح نمونه گیری را تحمیل میکند. در شش ماه اول کار ساحوی با ساحاتیکه به علت نا امنی با ساحات تعویض شدند که برای ماه های بعدی در نظر گرفته شده بودند، به امید آنکه با گذشت زمان وضع امنیتی بهبود یافته و مصاحبه در خوشه اصلی صورت گیرد. با در نظر داشت نا امنی مداوم بعد از ماه ششم جمع اوری ارقام، خوشه هایکه در ساحات نا امن قرار داشتند با خوشه های از چوکات نمونه گیری احتیاطی که ولسوالی های نا امن شامل آن نمی گردید، تعویض شدند. بعضی جمع اوری ارقام نفوس کوچی در زمستان ۱۳۹۲ این ارقام در خزان ۱۳۹۳ جمع اوری گردید.

وزن های نمونه گیری بخاطر بالا بردن خانوارها و نفوس سروی شده به مجموع خانوارها و نفوس افغانستان سنجش شده بود. سنجش ها بر برارود رسمی نفوس افغانستان توسط اداره مرکزی احصائیه به تفکیک ولایات برای جوزای ۱۳۹۳ و اوسط خانوارهایکه از سروی بدست آمده بود بنا یافته بود. با در نظر داشت تطبیق نابرابر سروی در بین فصل یک تعدیل بعد از طبقه بندی بکار برده شد تا وزن های مساوی برای فصل ها داده شود. ضمیمه IV پس منظر و تفصیلات تخنیکي طرح و تطبیق نمونه گیری را ارائه میکند.

## ۷.۲ عملیات ساحه

کارکنان ساحوی سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ از دو جفت مختلط سرویر یک نفر سوپروایزر برای اکثریت ۳۴ ولایت افغانستان بود. کابل- جائیکه کارکنان سروی متشکل از دو سوپروایزر و چهار جفت سرویر بود و هرات- با یک سوپروایزر سه جفت سرویر- استثنای بودند. عملیات ساحه توسط ۹ نفر سوپروایزران حوزه وی که از بین امرین احصائیه ولایات انتخاب شده بودند نظارت می شد. علاوه تیم سروی وضعیت زندگی افغانستان از دفتر مرکزی احصائیه بصورت ماهانه جهت دادن مستقیم اطلاعات به سرویران و سوپروایزران ماموریت نظارتی انجام میدادند.

ابزار سروی شامل پرسشنامه کاغذی برای خانوارها و شورای ذکور بود. سرویر مرد با نماینده مرد خانوار مصاحبه کرده و سرویر زن با نماینده زن خانوار و یا عضو دیگر انات خانوار مصاحبه را انجام میداد. سوپروایزر معمولاً مصاحبه با شورای ذکور را انجام داده و فهرست خانوارها را قبل از جمع اوری ارقام تجدید میکرد.

هدف هر تیم ساحوی بصورت متوسط مصاحبه با ۵۰ خانوار در پنج کلستر در یک ماه بود، که به سطح ملی مجموعاً به مصاحبه با ۱۷۰۰ خانوار منتج میشود. جمع اوری ارقام در جدی ۱۳۹۲ آغاز شد. در جریان ماه های انتخابات ریاست جمهوری حمل و جوزا ۱۳۹۲ و ماه رمضان در سرطان ۱۳۹۲ در کار ساحوی تاخیر بعمل آمد. کارکنان ساحوی موفق شدند قسمت اعظم عقب مانی را تلافی کنند و صرف تعداد بسیار کم خوشه ها بعد از جدی ۱۳۹۳ سروی شدند. علاوه بر سروی نفوس مسکون در طول ۱۲ ماه سروی نفوس کوچی در تابستان و خزان ۱۳۹۳ سروی شدند.

وظایف سوپروایزران حوزه وی مشتمل بر چک نمونوی پرسشنامه ها، منحیث سطح دوم کنترل کیفیت بعد از چک توسط سوپروایزران بود. به این منظور چک لس های مشخص انکشاف داده شد. آنها طور ماهوار بسته های پرسشنامه های تکمیل شده و دیگر اسناد سروی را به دفتر مرکزی اداره مرکزی احصائیه انتقال داده و ذخایر جدید را به ولایات می بردند. امرین احصائیه مرکزی ولایات مسولیت داشتند تیم های ساحوی را بخاطر نظارت از پیشرفت کار ساحوی، وضع امنیتی و تصدیق نتایج سروی در ساحه به مقامات ولایت و ولسوالی معرفی کنند. در چهار ولایت کارکنان ساحوی به علت کم کاری تعویض شدند. علاوه دو نفر سوپروایزر و ۱۱ نفر مصاحبه کننده به دلایل دیگر در طول ۱۲ ماه سروی کار را ترک کردند. اطمینان بیشتر از کیفیت ارقام توسط هفت نفر اعضای سروی وضعیت زندگی افغانستان در دفتر مرکزی فراهم گردید، که ماموریت نظارت ساحوی را در هر ربع سروی انجام میدادند. این نظارت کنندگان بصورت مشخص بالای ولایاتیکه پرسشنامه های شان به علت بی نظمی های زیاد در جریان چک در دفتر مرکزی مسترد میشد، تمرکز داشتند.

۵ سالهای شمسی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ که سروی وضعیت زندگی در آن تطبیق شد با ترتیب از ۲۱ مارچ ۲۰۰۳ تا ۲۰ مارچ ۲۰۱۴ و از ۲۱ مارچ ۲۰۱۴ تا ۲۰ مارچ ۲۰۱۵ می باشد.

۶ برای تخصیص مطلوب نمونه یک توازن بین تخصیص متناسب و تخصیص مساویانه با توان تخصیص که  $L=0.25$  بدست آمده است.

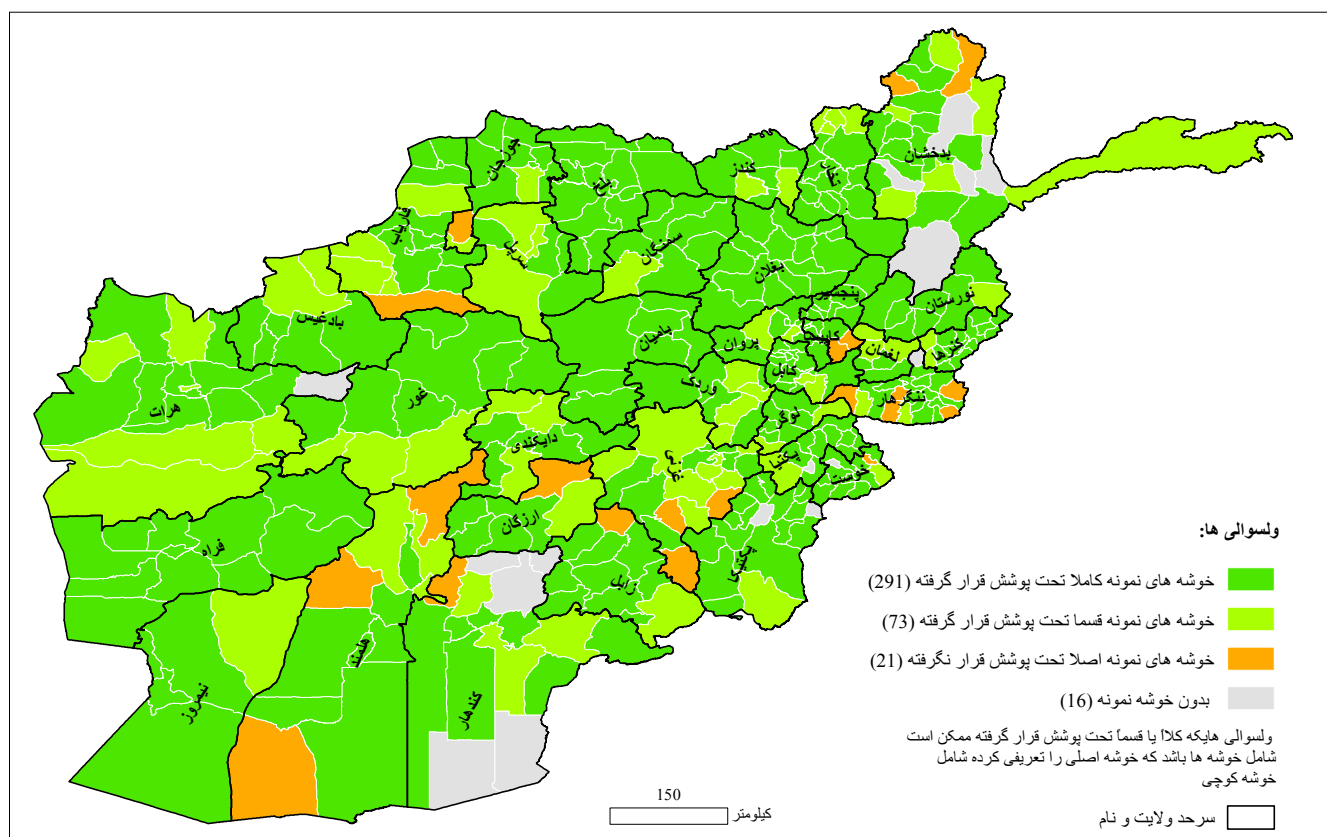
۷ برای سه ولایت چوکات نمونه گیری متشکل از فهرست برداری خانوارهای سروی اقتصادی- اجتماعی و دموگرافیکی بود؛ بامیان (ارقام در سال ۱۳۸۹ جمع اوری شده) غور و دایکندی (ارقام برای هر دو ولایت در سال ۱۳۹۱ جمع اوری شده).

۸ بعضی از ساحات شمار انتخاب شده در مناطق دهاتی متشکل از بیشتر از یک قریه بود. درین حالات صرف یک قریه با احتمال متناسب به سبب قریه انتخاب شده و بنابراین یک مرحله سوم نمونه گیری را ایجاد کرد.

ولایاتیکه به چالش امنیتی بیشتر مواجه شدند عبارت بودند از کاپیسا، ننگرهار، غزنی، پکتیا، سرپل، ارزگان، فاریاب، هلمند و بادغیس. بادر نظر داشت مشکل تکراری دسترسی، یک استراتژی امنیتی انکشاف داده شد. این استراتژی شامل نقشه کشی مناطق نا امن، ارزیابی امنیت در ساحه، مشوره با منابع معلومات مربوط (امرین احصائیه مرکزی ولایات، واحد مدیریت حوزه وی پروگرام همبستگی ملی، شورای انکشافی محل) و بحث و مذاکره با عاملان مربوط مانند: والی ها، رهبران جامعه و قوماندان های جهادی<sup>۹</sup> می گردید. به صفت آخرین امکان ساحات نا امن با ساحات امن تعویض شدند. وضع امنیتی در زابل اشتراک سرورین زن را اجازه نمی داد، در نتیجه پرسشنامه خانم ها درین ولایت تکمیل شده نتوانست. شکل ۱.۲ تطبیق سروی را در رابطه به طرح نمونه گیری نشان میدهد. ولسوالی های با رنگ سبز تیره انهای اند که خوشه های پلان شده تحت پوشش قرار گرفته و ولسوالی های با رنگ سبز روشن انهای اند که دران ها یک یا بیشتر از یک خوشه تحت پوشش قرار گرفته، اما کمتر از پلان. ولسوالی های با رنگ نارنجی به نظرمی رسید که برای تیم های سروی، اکثراً به دلایل امنیتی قابل دسترسی نباشند. در حالیکه ولسوالی های با رنگ خاکستری شامل نمونه نبودند.

از جمله ۳۸۵ ولسوالی و مراکز ولایات نمونه گرفته شده در افغانستان، در ۳۶۴ (۹۵ فیصد) معلومات جمع اوری گردیده، گرچه در ۷۳ (۱۹ فیصد) مصاحبه های کمتری نظر به پلان اولی صورت گرفته. در مجموع از ۲۰۲۳ خوشه برای نفوس مسکون در مقابل ۲۰۴۰ خوشه که پلان شده بود معلومات جمع اوری شده (۹۹ فیصد). از جمله این ها ۱۷۸۷ خوشه (۸۸ فیصد) طوریکه در ابتدا پلان شده بود تحت پوشش قرار گرفته، در حالیکه ۱۴۸ خوشه (۷ فیصد) با خوشه های از نمونه احتیاطی تعویض شده اند. مصاحبه ۴۸ خوشه در ساحه شمار پلان شده در ماه دیگر به عوض ماه پلان شده صورت گرفته. از جمله ۶۰ خوشه کوچی، ۵۸ خوشه طبق طرح نمونه گیری تحت پوشش قرار گرفته، در حالیکه برای ۲ خوشه باقی مانده نفوس مورد هدف کوچی در ساحه یافت شده نتوانست

شکل ۱.۲: پوشش سروی به تفکیک ولسوالی و سطح پوشش



## ۸.۲ پروسس ارقام

### ۱.۸.۲ چک دستی و کود گذاری

پروسس ارقام در دفتر مرکزی احصائیه موازی با کار ساحوی با رسیدن اولین دسته پرسشنامه های تکمیل شده در ماه دلو ۱۳۹۳ آغاز شد. در مرحله اولی پروسس ارقام مشتمل بودند بر چک دستی و کود گذاری توسط تیم هشت نفری تصحیح کننده و کود گذاران این تیم توسط متخصص کمک تکنیکی آموزش دیده و پروسیجر های را که در دستورالعمل تصحیح و کود گذاری

۹ اداره مرکزی احصائیه از حمایت با ارزش وزارت اجیا و انکشاف دهات در انکشاف و تطبیق این استراتژی اظهار قدر دانی میکنند.  
۱۰ پرسشنامه های مصونیت غذای و کار طفل استتفا بودند که توسط سرورین مرد تکمیل گردید.

فراهم شده بود تعقیب کردند. وظیفه تصحیح کنندگان پرسشنامه عبارت بود از:

- کود گذاری مجدد و ارفیاف کردن پرسشنامه های واصله
- چک مکمل بودن دسته های پرسشنامه و فورمه های پرسشنامه
- چک جوابات پرسشنامه بخاطر مکمل بودن، سازگاری، درست بودن و خوانا بودن
- تصحیح جوابات یا تکمیل جوابات ناموجود برای تعداد محدود سوالات و از قبل تجویز شده به شمول ساحات شناسائی و بعضی سوالات کلیدی
- افزودن کود برای ارزش های مفقود
- تکمیل کردن یک فورمه ارزیابی که بر اساس ان بسته پرسشنامه به کود گذار فرستاده شده یا به ساحه جهت جمع اوری ارقام مجدد مسترد گردد

کود گذران مسولیت داشتند به جوابات مبتنی به سوالات و متحولین درباره شغل، رشته فعالیت، ولایات، کشور ها با تعقیب رهنمود های که در پروگرام آموزشی و دستورالعمل های کود گذاری تهیه شده، کود گذاری کنند. بعد ازان بسته های پرسشنامه برای ادخال ارقام فرستاده می شد.

## ۲.۸.۲ ادخال ارقام و تصحیح ارقام

ادخال ارقام توسط یک پروگرام مخصوصاً طرح شده Cspro، که بخاطر کارکرد هموار در زمان واقعی آزمایش شده بود، صورت گرفت. سیستم ادخال ارقام اولی و اعتباردهی مربوط توسط ادخال مجدد ارقام بخاطر احتراز از سطح بالای اشتباهات ادخال دستی ارقام بکار برده شد. علاوه بران پروگرام تصحیح ارقام Cspro انکشاف داده شد تا اشتباهات را تشخیص کرده یا منتسب کردن خود کار یا تصحیح دستی بالای صفحه کمپیوتر را انجام داده یا پرسشنامه را جهت اعتباردهی بیشتر پرسشنامه و تصحیح دستی به تصحیح کنندگان ارجاع کند.

بخش ادخال ارقام اداره مرکزی احصائیه ادخال ارقام دور اول را در دلو ۱۳۹۳ آغاز کرد. به علت ناشنایی ادخال کنندگان ارقام با پرسشنامه مغلق، میزان سازی دقیق پروگرام استانداردانه پروسس ارقام، پیشرفت کار آهسته بود. با کسب تجربه سرعت پروسس ارقام افزایش یافته و در ماه های اخیر تمام ارقام در ظرف دو هفته بعد از دریافت از بخش تصحیح و کود گذاری، ثبت و تصدیق میگردد. ادخال و ارقام و عملیات تصحیح در حمل ۱۳۹۳ تکمیل شد.

## ۹.۲ تحلیل

پروگرام های وسیع در بسته نرم افزار STATA مورد تجدید نظر قرار گرفته یا انکشاف داده شد تا تصدیق نهائی ارقام، اصلاح، تصحیح و منتسب کردن را فراهم کند. یک ست ارقام مکمل در ماه سرطان ۱۳۹۳ بدسترس قرار گرفته و گزارش مقدماتی با یک ست محدود نتایج کلیدی در عین ماه تهیه شد.<sup>۱۱</sup> یک تیم ۱۱ نفری تحلیل گران داخلی و خارجی<sup>۱۲</sup> در تحلیل گزارش حاضر کمک کردند. عناصر جدید میتودولوژیکی در تحلیل سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ مشتمل است بر:

- با در نظر داشت فقدان یک پرسشنامه کامل در مورد مصرف غذای و مصارف خانوار در دور ۱۳۹۳-۱۳۹۲، روش های علی البدل انکشاف داده شده و جهت تخمین سطح فقر و مصونیت غذایی بکار گرفته شد. در فصل ۷، منتسب کردن سروی به سروی مورد استفاده قرار گرفت تا فقر را بر اساس یک ست از شاخص های نماینده که با ارقام سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۶-۱۳۸۷ و ۱۳۹۰-۱۳۹۱ تنظیم شد، تخمین کند. در فصل ۸، درجه مصرف غذایی منحیت شاخص نماینده بکاررفت تا دریافت کالوری و کیفیت غذای خانوار اندازه گیری شود. توسط ترکیب ان با شاخص استراتیژی مقابله، اطمینان حاصل شد که این امر وضعیت مصونیت غذای درافغانستان را بصورت مناسب نشان میدهد.
- به مقاصد تحلیل بازار کار سروی زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ شامل سوالاتی در مورد شغل و رشته فعالیت. کود های مشخص شغل و رشته فعالیت بر اساس تصنیف های مربوط تصنیف ستنرد بین المللی رشته های فعالیت، بر حسب زمینه انکشاف، داده شد. یک بخش با جزئیات مهاجرت های کاری برای اولین بار در تحلیل شامل شد و برای اولین بار تحلیل عواید شغلی علاوه گردید. رویهمرفته فصل ۵ مفصل ترین تحلیل بازار کار در افغانستان را تا کنون فراهم میکند. یک جز قابل ملاحظه فصل ۵ بخش کار طفل (بخش ۵.۵) است. قسمت پرسشنامه که برای این بخش معلومات فراهم میکند بر اساس رهنمود های یونسف که جدیداً برای اندازه گیری کار طفل انکشاف داده شده و تهیه شاخص های کار طفل را بر اساس تعریف یونسف و سازمان بین المللی کار اجازه میدهد.
- برای نخستین بار، سروی وضعیت زندگی افغانستان قادرگردید میزان های انتقال، تکمیل و ترک تعلیم و همچنان شاخص را فراهم میکند. (فصل ۹)

## ۱۰.۲ مقایسه پذیری نتایج

مقایسه پذیری میان سروی وضعیت زندگی افغانستان و سروی های قبلی خطرو آسیب پذیری از طریق طرح پرسشنامه های عمدتاً مشابه و محتویات شاخص های گزارش داده شده، آموزش و پروسیجر های جمع اوری ارقام حفظ گردیده است. یک طرح جدید و بسیار مناسب نمونه گیری برای سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ معرفی گردید. این طرح نمونه گیری از دور های قبلی تفاوت داشته، همه دور های سروی نتایج را که به سطح ملی و ولایت از جمعیت نمایندگی میکند. تهیه میکند. مقایسه پذیری سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۴ به علت تجدید نظر های عمده در پرسشنامه بعد از سال ۱۳۸۶ بیشتر محدود است. علاوه بران جمع اوری ارقام در سال ۱۳۸۴ به سه ماه محدود میشد. که مانع از تحلیل های فصلی می شد که بر اساس سه دور اخیر می تواند انجام شود. بنابراین هر گونه مقایسه با نتایج ۱۳۸۴ درین گزارش باید با احتیاط بعمل آید.<sup>۱۳</sup>

طرح پرسشنامه سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ قسماً بر اساس نمونه های عمده بین المللی سروی مانند سروی صحت و دموگرافی و سروی خوشه ای چند شاخصه سروی های معیاری نیروی کار بنا یافته، طبق ان، جمع اوری ارقام و تحلیل های تعلیم و تربیه، اب اشامیدنی و حفظ الصحه، نیروی کار، کار طفل و مراقبت از صحت مادری هم ردیف طرز کار بین المللی است. علاوه بران برای شاخص های از نظر بین المللی موافقت شده و مخصوصاً شاخص های اهداف انکشافی هزاره سروی وضعیت زندگی افغانستان مفاهیم و تعاریف بین

۱۱ گزارش مقدماتی سروی وضع زندگی افغانستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ چاپ نشد.

۱۲ از پروگرام غذایی جهان، بانک جهانی و سازمان بین المللی کار

۱۳ از انجانیکه طرح نمونه گیری، طرح سروی و محتویات پرسشنامه از سروی بعدی بسیار متفاوت است درین جا سعی نشده نتایج ان در تحلیل میلان ها شامل شود.

المللی را بکار می برد. بنابراین بسیاری شاخص هایکه درین گزارش تهیه شده سطح بلند مقایسه پذیری بین المللی را دربردارد. اگرچه دلیلی، تعریف بکار برده شده از تعاریف سفارش شده بین المللی انحراف داشته باشد متن گزارش انرا نشان میدهد.

به علت تغییر در تعاریف و رهنمود های ملی و بین المللی و همچنان روش های اموخته شده در تاریخچه سروی وضعیت زندگی افغانستان و محدودیت های مشخص ارقام، بعضی از شاخص ها مستقیماً با دور های قبلی قابل مقایسه نیستند. این ها عبارت اند از:

- شاخص های بازار کار: پرسشنامه مختصر نیروی کار سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ یک تمایل یک جانبه را معرفی میکند که مانع یک مقایسه مستقیم با سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ میشود. همچنان سروی ملی خطرو آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ محدودیت های مشخص دارد که مقایسه مستقیم را مانع می شود. اگرچه فصل ۵ شامل یک بخش است که ارقام ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۶-۱۳۸۷ با سروی وضعیت زندگی افغانستان تعدیل شده تا نمایش میلان را فراهم کند.
- بخاطر هم ردیف کردن با تعاریف ملی و بین المللی شاخص های حفظ الصحه بهبود یافته، سروی وضعیت زندگی افغانستان یک تصنیف جدید را پذیرفته است. در نتیجه شاخص حفظ الصحه که درین گزارش ارائه شده با سروی قبلی مقایسه شده نمی تواند. اگرچه خلای معلومات از طریق تهیه شاخص طبق تعریف جدید و تعریف قبلی پر گردیده است.
- تفاوت در میتودولوژی برای مصونیت غذایی بین سروی وضعیت زندگی افغانستان و سروی های قبلی خطر و آسیب پذیری مقایسه مستقیم را اجازه نمی دهد.

## ۱۱.۲ محدودیت ارقام

محدودیت های مشخص در زمینه افغانستان از لحاظ مشکلات امنیتی، موانع فرهنگی و ظرفیت محلی سروی موجب بعضی محدودیت های ارقام میشود. مشاهدات اتی باید حین تفسیر نتایج این گزارش در نظر گرفته شود.

از جمله ۲۱۰۰ خوشه ۱۵۲ خوشه (۷.۲ فیصد) نمونه اصلی، در اکثر حالات بنابر دلایل امنیتی تحت پوشش قرار گرفته توانست. برای ۱۴۸ ازین موارد خوشه ها تعویض شدند. به هراندازه ایکه خوشه های بازدید نشده از خوشه های بازدید شده پروفایل تفاوت داشته باشند، نمونه نهایی تمایل یک جانبه را در نتایج بوجود خواهد آورد. این تاثیرات به سطح ولایات با تعداد نسبتاً بزرگ تعویض ها بیشتر خواهد بود مانند غزنی، هلمند و بدخشان.

- تحلیل ساختار نفوس به تفکیک سن و جنس کم گزارشدهی زنان و دختران و همچنان اطفال خورد سن بصورت عموم و اطفال زیر سن یک سال را بصورت خاص نشان میدهد. پوشش گروپ های سن جوان تر در سروی های قبلی بسیار بهتر بود، اما تعداد قابل ملاحظه هنوز حذف میشوند. پس منظرهای فرهنگی مرتبط به انزوای زنان و میزان بلند وفیات اطفال کمتر از یک سال دربین عوامل احتمالی این کم گزارشدهی اند
- کیفیت گزارش دهی ارقام سن در افغانستان پائین باقی مانده طوریکه توسط انباشتگی بزرگ سن در سنین که به اعداد ۰ و ۵ ختم میشوند دیده شده است.
- به علت مشکلات امنیتی ادعا شده، کار مصاحبه کننده زن در ولایت زابل توسط مقامات اجازه داده نشد. در نتیجه معلومات در مورد سطح عمومی زندگی، صحت طفل و مادر و جنسیت عمدتاً برای این ولایت بدسترس نیست. اگرچه پرسشنامه های مصونیت غذای و کار طفل در پرسشنامه انات توسط مصاحبه کننده مرد از طریق مصاحبه با یک مرد تکمیل شده است.

## ۱۲.۲ گزارش دهی

منبع تمام معلوماتیکه درین گزارش سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ است مگر آنکه طور دیگری مشخص شده باشد. ارائه معلومات از سایر منابع غیر از سروی وضعیت زندگی افغانستان به معنی تصدیق اداره مرکزی احصائیه نمی باشد. اما باید صرفاً منحنیت مفهوم سازی یافته های فعلی تعبیر شود.

عناوین جداول که درین گزارش ارائه گردیده ائین قرار دادی معیاری تعریف دقیق محتویات و ساختار جداول را تعقیب میکند: تحت عنوان جمعیت عناصری را که در جدول ارائه شده بیان میکند، بعد از آن متحولین را که در عنوان سطرها ارائه شده مشخص می سازد. در عنوان جمعیت و متحولین ستون ها توسط کامه(+)، محتولین ستون ها و متحولین سطر ها توسط (-)؛ و توسط ' جدا میشوند. عنوان منحنی ها و بار چارت ها نخست جمعیت عناصری را که در شکل ارائه شده، بعد از آن متحول که در محور اساسی و بعداً متحول که در علایم (در صورتیکه موجود باشد) مشخص می کند. زمانیکه ارقام روند شده در جدول و گراف ارائه میگردد. مجموع ارقام ارائه شده ممکن است با حاصل جمع ارقام روند شده مطابقت نداشته باشد.

در مقایسه گزارش در مورد سروی قبلی (سروی ملی خطرو آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰) این گزارش با تعداد بزرگتر نقشه های موضوعی غنی شده است، تا معلومات بیشتر در مورد توزیع جغرافیایی شاخص ها به سطح ولایت فراهم کرده و به خوانندگان کمک کند که الگوهای دموگرافیکی و اقتصادی-اجتماعی را در سراسر کشور به سرعت درک کنند، طوریکه توسط ارقام سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نشان داده شده، در حقیقت نقشه ها نه تنها به مقصد اشاعه ارقام بکار می روند، اما همچنان جهت نشان دادن روابط همبستگی جغرافیایی، پیشنهاد تحقیق بیشتر در بعضی موضوعات و ساحات جغرافیایی نتایج سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ مورد استفاده قرار میگیرد. نقشه ها با استفاده از نرم افزار سیستم معلومات جغرافیایی که در آن شاخص های منتخب ارقام سروی وضعیت زندگی افغانستان با واحد های اداری مربوط ارتباط داده شده و توسط رنگ ها و شیپ های متفاوت بر اساس ارزش ان ها که در سطح ولایت ثبت شده ارائه می شوند. روش تصنیف ارقام احصائیهی روش معیاری Jenks بود که همچنان "روش تجزیه طبیعی" نامیده می شود. وقفه صنف ها مشخص شدند تا تفاوت ها در ارزش ارقام صنف ها به حد اعظمی برسند. حد اقل سفارشی سازی بکار برده شد تا وقفه صنف کامل کرده و در علایم نشان داده شود. اوسط ملی شاخص ها به سطح ملی ارائه گردیده. یک یاد داشت توضیحی زمانیکه ضروری به نظر می رسید تحت علایم جهت توضیح ارقامیکه در نقشه ارائه شده درج گردیده است.

بخاطرآنکه به خواننده اجازه داده شود بصیرت بیشتر در ارزش ارقام ارائه شده کسب کند، یک ضمیمه (ضمیمه VII) در مورد تضمین کیفیت و ارزیابی کیفیت به گزارش علاوه شده. برای شاخص ها استراتیژی ملی انکشاف افغانستان و اهداف انکشافی هزاره که درین گزارش ارائه شده یک نظر کلی بر اشتباهات معیاری و حدود ۹۵ فیصد درجه اطمینان درین ضمیمه ارائه شده.

## ۳. ساختار نفوس و تغییرات

**خلاصه:** نفوس افغانستان با ساختار بسیار جوان سن مشخص می شود. نسبت ۴۷.۵ فیصد نفوس زیر سن ۱۵ یکی از بلندترین میزانها در دنیا است. این ساختار جوان که توسط میزان بسیار بالای تولدات به پیش رانده می شود، جز مهم نسبت بلند باردوشی یک نفر باردوش برای هر شخص که در سن بسیار مولد ۶۴-۱۵ ساله است. تعداد بزرگ افراد جوان چالش نیرومند را بر همه سکتورهای جامعه تحمیل میکند. طرف مدت ۵ سال بیشتر از ۵.۵ میلیون طفل سن مکتب ابتدائی وجود خواهد داشت. در حالیکه سیستم تعلیمی اکنون به ۲.۹ میلیون نفر از اطفال این سن تعلیم و تربیه عرضه میکند. به همین گونه در پنج سال آینده نزدیک به ۴ میلیون جوان به سن کار در بازار کار می رسند که از قبل با سطوح بلند بیکاری و کم کاری مشخص شده است. شکل نمونه ای هرم نفوس افغانستان تضمین میکند که رشد نفوس برای چندین دهه بلند باقی خواهد ماند.

نسبت جنس به تفکیک سن یک الگوی بسیار نمونه ای را نشان میدهد. در عوض یک وضعیت که در آن در سنین پیرتر زنان بیشتر از مردان باشند، نقطه مقابل آن در افغانستان مشاهده شده است. بعد از سن ۷۰ مردها از زن ها به اندازه ۱۷۰ در مقابل ۱۰۰ بیشتر اند. توضیح احتمالی برای این امر میتواند کم گزارشدهی زنان و میزان بلند وفیات مادری باشد. هر دو عامل موقف آسیب پذیر زنان را در جامعه انعکاس میدهد.

### کیفیت گزارش دهی سن

در کشور های مانند افغانستان، بسیاری از مردم از سن دقیق تاریخ تولدشان آگاه نیستند. این امر به شیوع بالای نادرست گزارشدهی سن می انجامد. در نتیجه، ارقام سن گزارش داده شده در سروری ها و سرشماری ها باید با احتیاط استفاده شوند. پروسیجرهای مختلف ارزیابی کیفیت ارقام سروری وضعیت زندگی افغانستان نشان میدهد که گزارشدهی سن بسیار نادرست است (الف)

مشخصه معمول دیگر بسیاری از کشور های روبه انکشاف عبارت از حذف اطفال بسیار خورد سن از فعالیت های شمار است. گروپ نسبتاً کوچک ۴-۰ در شکل ۱.۳ به این استقامت اشاره می کند تجزیه به سال های منفرد سن یک کم شماری قابل ملاحظه اطفال زیر سن ۱ سال و یک ساله را پیشنهاد میکند.

الف. شاخص مایرز ۲۱.۸، شاخص ویبل ۲۳۱ و شاخص دقت سن و جنس ملل متحد ۵۶.۴ است

موقف آسیب پذیر زنان و نابرابری جنسیت هم در الگوهای مشخص ازدواج مشاهده شده است. یک تعداد قابل توجه ۳۸۸ هزار زن در ازدواج های چند همسری زندگی میکنند، که آنها را در موقف نامساعد قرار میدهد. چند همسری همچنان تفاوت سن میان همسران را افزایش میدهد که برای زنان زیان آور است. گرچه یک تمایل مثبت در جهت تفاوت سن کمتر میان زوج ها میتواند مشاهده شود. برای زنان متاهل ۴۰ ساله و بالاتر سن شوهر بصورت متوسطه ۷ سال بلندتر است. اما برای زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله تفاوت به ۴.۶ سال کاهش یافته است. همچنان نسبت زوج ها با تفاوت سن ۱۰ سال یا بیشتر از ۳۶ فیصد در بین زنان ۵۰ ساله و بالاتر به ۸ فیصد در بین زنان زیر ۲۰ سال کاهش یافته است. یک موضوع نگرانی سهم بزرگ ازدواج طفل در کشور است. سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ نشان میدهد که ۳۴ فیصد زنان جوان ۲۰ تا ۲۴ ساله قبل از سن ۱۸ سالگی سن که ازدواج طفل را مشخص میکند ازدواج کرده اند. حدود ۱۲ فیصد از این زنان حتی در سن ۱۶ سالگی که حد اقل سن ازدواج است، ازدواج کرده اند. در جهت مثبت این ارقام بلند ازدواج برای سنین جوان به معنی بهبود بمقایسه زن های پیر که در دوره های قبل تر ازدواج کرده اند میباشد. بنابراین بیشتر از ۵۰ فیصد زنان ۳۰ ساله و بالاتر در سن ۱۸ سالگی و بیشتر از ۲۳ فیصد آن ها حتی در سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند.

اوسط ساین خانوار در افغانستان ۷.۴ نفر است که از آن جمله بصورت متوسط ۳.۵ نفر ۴۸ فیصد اطفال زیر سن ۱۵ اند. بصورت متوسط یک خانوار از هر پنج خانوار یک عضو کهن سال ۶۵ ساله یا بالاتر دارد. نزدیک به نصف نفوس افغانستان در خانوار های دارای ۹ عضو یا بیشتر زندگی میکنند. خانوار های دارای یک یا دو نفر ۳.۵ فیصد تمام خانوار ها را تشکیل میدهد، اما سهم نفوسی که درین خانوار های کوچک زندگی میکنند کمتر از ۱ فیصد است. خانوار ها تقریباً بصورت انحصاری توسط مرد ها ریاست میشوند. خانوار های دارای رئیس زن صرف ۱ فیصد مجموع خانوار ها را تشکیل میدهد.

### ۱.۳ مقدمه

آخرین شمار نفوس افغانستان در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۵۸ صورت گرفت. برآورد نفوس مسکون اداره مرکزی احصائی بر اساس یک-رشد سالانه ثابت ۲.۰۳ فیصد از ۱۳۸۴ به این طرف مبتنی است که به ۲۶.۵ میلیون نفر نفوس ساکن در سال ۱۳۹۳ بالغ میگردد. نفوس کوچی کشور ۱.۵ میلیون نفر تخمین گردیده که با آن نفوس افغانستان در سال ۱۳۹۳ بالغ به ۲۸ میلیون نفر میشود.<sup>۱</sup>

تردید وجود ندارد که تولدات و وفیات بلند و میزان بالای مهاجرت های بین المللی- به شمول موج های متوالی پناه گزینان و درین اواخر، عودت کنندگان- تاثیر قابل توجه بالای اندازه و ساختار نفوس داشته است. علاوهً تفاوت های جغرافیایی در تولدات و وفیات و همچنان مهاجرت های بین المللی و حرکات نفوس بیجا شده داخلی تاثیر عمده بر توزیع نفوس در داخل داشته است.

یکی از اهداف سروری وضعیت زندگی افغانستان آزمایش ساختار و توزیع نفوس و خانوار های افغانستان و محرک های مربوط به آن است. بخش ۲.۳ بالای ساختار و توزیع نفوس سرو کار دارد، در حالیکه بخش ۳.۳ به مشخصات خانوار و الگو های ازدواج می پردازد. یک فصل جدا گانه (فصل ۴) به مهاجرت و بیجا شده گی وقف گردیده است.

۱ ملل متحد نفوس افغانستان را برای سال ۲۰۱۵ به اندازه ۳۲ میلیون نفر تخمین میکنند

## ۲.۳ ساختار نفوس

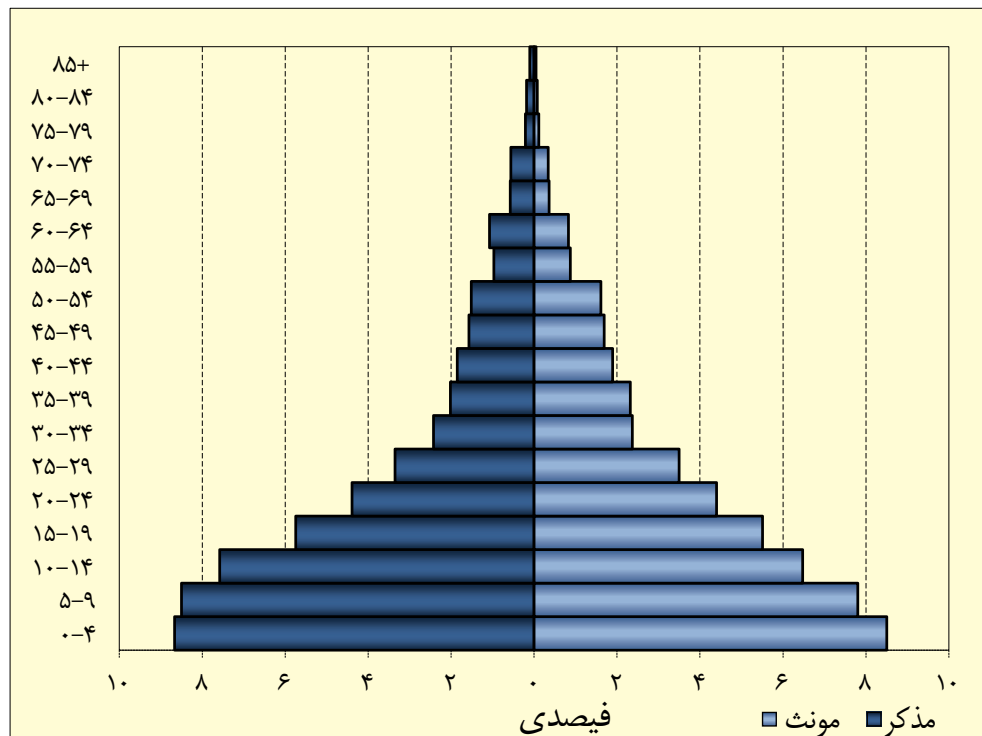
### ۱.۲.۳ توزیع سن

برجسته ترین خصوصیت نفوس افغان ساختار بسیار جوان سن انست (شکل ۱.۳ و جدول ۱.۳ ملاحظه شود)<sup>۲</sup> حدود ۴۷.۵ فیصد نفوس (۱۳ میلیون نفر) زیر سن ۱۵ سال قرار دارند، در حالیکه کهن سالان ۶۵ ساله و بالاتر صرف از ۲.۶ فیصد مجموع نفوس نمایندگی میکنند. در بین کوچی ها، به علت تولدات بسیار بلند درین اقلیت اطفال زیر ۱۵ سال بیشتر از نصف (۵۳.۸ فیصد)، مجموع نفوس را تشکیل میدهند.<sup>۳</sup> نسبت زیر ۱۵ سال به سطح ملی سومین بلند ترین رقم را در تخمین نفوس جهان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ تشکیل میدهد (UNDESA ۲۰۱۵).<sup>۴</sup> بصورت کل سهم نفوس ۱۴-۰ ساله در مقایسه با سروری ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ (۴۸.۶ فیصد) بسیار کم کاهش یافته است. اگرچه هر گاه پوشش بهتر اعضای خانوار در سروری کنونی در نظر گرفته شود کاهش ممکن است حدود ۴ فیصد باشد.

ترکیب سن جوان، که با میزان تولدات بالای ۶.۳ طفل برای هر زن (CSO ۲۰۱۰) به یک نسبت بادوشی بسیار بالا در کشور کمک میکند: برای هر ۱۰۰ نفر در سنین عمده کار ۶۴-۱۵ ساله همچنان ۱۰۰ نفر اشخاص در گروه های سن کمتر مولد زیر ۱۵ سال و ۶۵ ساله و بالاتر وجود دارد که به عاید و معیشت وابسته اند. این رقم به معنی بار قابل توجه بر نفوس سن کار و اقتصاد در مجموع و سرمایه گذاری بزرگ اقتصادی-اجتماعی از لحاظ تعلیم و تربیه و مراقبت های صحی در کتگوری های جوان سن میباشد. بنابراین تعداد اطفال ۱۲-۷ ساله که باید برایشان سهولت تعلیمات ابتدائی فراهم گردد- مکتب اعمار گردد، معلمین آموزش داده شوند و کتاب تهیه شود- از ۱۳۸۷-۱۳۸۶ دو برابر شده است، از ۲.۶ میلیون نفر در ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ۵.۲ میلیون نفر در ۱۳۹۲-۱۳۹۳ طوریکه در بخش ۱.۲.۹ این گزارش نشان داده شده، ظرفیت فعلی سیستم تعلیم و تربیه قادر است تنها دو ثلث نفوس سن مکتب ابتدائی را در خود جای دهد، به همین گونه بیشتر از ۴ میلیون نفر اشخاص جوان بین سروری ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ به سن کار ۱۴ سالگی رسیدند که بسیاری از آنها نیازمند پاداش استخدام اند. در مدت زمان ۵ سال دیگر بار دیگر نزدیک به ۴ میلیون نفر در بازار کاریکه از قبلاً با سطوح بلند بیکاری و کم کاری مشخص میشود، به سن کار خواهند رسید (بخش ۲.۳.۵ ملاحظه شود). شکل نمونه ای هرم نفوس افغانستان و تعداد افزایش یابنده خانم های که به سن باروری می رسند اطمینان میدهد که این گونه چالش های اجتماعی و اقتصادی، حتی اگر سطح بلند تولدات در آینده نزدیک کاهش یابد، برای چندین دهه باقی خواهد ماند.

تفاوت قابل توجه در باردوشی میان محل اقامت اساسی نفوس به علت تفاوت ها در تولدات و مهاجرت از دهات به شهر ها وجود دارد. نسبت وابستگی ۸۴ فیصد در مناطق شهری به مقایسه نسبت وابستگی ۱۰۵ در مقابل هر ۱۰۰ نفر در سنین بسیار مولد نسبتاً پائین است. میزان بسیار بلند تولدات کوچی ها به نسبت وابستگی ۱۲۶ درین گروه فرعی نفوس کمک می کند.

شکل ۱.۳: نفوس به تفکیک جنس و سن (به فیصدی)



<sup>۲</sup> توزیع نفوس به تفکیک سن و جنس برای ولایات در ضمیمه ۷ ارائه گردیده است.

<sup>۳</sup> سروری ملی خطر و آسیب پذیری تولدات مجموعی در نفوس کوچی را ۷.۳ تخمین کرده است (CSO ۲۰۰۹)

<sup>۴</sup> تنها تخمین فیصدی نفوس زیر ۱۵ سال برای چاد و یوگندا بالاتر بود. تخمین برای مالی همچنان ۴۷.۵ فیصد بود.

جدول ۱.۳: نفوس به تفکیک محل اقامت، جنس و سن  
الف. به هزار

سن	شهری		دهاتی		کوچی		ملی	
	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث
مجموع	۱۴,۳۷۰	۱۳,۶۵۱	۳,۴۲۵	۳,۳۱۷	۱۰,۱۶۳	۹,۶۵۷	۱۹,۸۳۱	۶۷۶
۰-۱۴	۶,۹۳۴	۶,۳۸۴	۱,۴۸۹	۱,۳۷۹	۵,۰۱۹	۴,۶۴۷	۹,۶۶۶	۳۵۸
۱۵-۲۴	۲,۸۴۰	۲,۷۷۶	۷۹۹	۷۹۶	۱,۹۱۲	۱,۸۷۵	۳,۷۸۸	۱۰۵
۲۵-۳۹	۲,۱۸۴	۲,۲۹۴	۵۲۵	۵۶۲	۱,۵۴۸	۱,۶۰۹	۳,۱۵۷	۱۳۳
۴۰-۶۴	۱,۹۵۶	۱,۹۳۳	۴۸۶	۴۹۵	۱,۳۷۳	۱,۳۵۷	۲,۷۳۰	۸۱
۶۵ و بالاتر	۴۵۶	۲۶۴	۱۲۶	۸۵	۳۱۱	۱۶۹	۴۸۰	۱۰

ب. به فیصدی

سن	شهری		دهاتی		کوچی		ملی	
	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث	هردوجنس	اناث
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۰-۱۴	۴۸.۳	۴۶.۸	۴۳.۵	۴۱.۶	۴۹.۴	۴۸.۱	۴۸.۸	۵۲.۹
۱۵-۲۴	۱۹.۸	۲۰.۳	۲۳.۳	۲۴.۰	۱۸.۸	۱۹.۴	۱۹.۱	۱۵.۵
۲۵-۳۹	۱۵.۲	۱۶.۸	۱۵.۳	۱۶.۹	۱۵.۲	۱۶.۷	۱۵.۹	۱۸.۲
۴۰-۶۴	۱۳.۶	۱۴.۲	۱۴.۲	۱۴.۹	۱۳.۵	۱۴.۱	۱۳.۸	۱۲.۰
۶۵ و بالاتر	۳.۲	۱.۹	۳.۷	۲.۶	۳.۱	۱.۷	۲.۴	۱.۴

۲.۲.۳ نسبت جنس

نسبت جنس نشان دهنده یک توازن بین ذکور و اناث در یک نفوس بوده و منحنی تعداد تعداد ذکور برای هر ۱۰۰ زن محاسبه می شود. نسبت جنس مجموعی در سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ به اندازه ۱۰۵.۳ است که با رقم که در سروری ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ (۱۰۶) مرد در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن) و سروری ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ (۱۰۵) مرد در مقابل هر ۱۰۰ زن) دریافت گردیده نزدیک است. نسبت جنس توسط نسبت جنس هنگام تولد، الگوی مهاجرت ها بر حسب جنس و میزان وفیات بر حسب جنس تعیین می شود. عامل دیگر ممکن کم گزارشدهی اعضای خانوار بر حسب جنس باشد. تجربه نشان میدهد که در افغانستان حالت چنین است و زنان تمایل دارند کم گزارش داده شوند. در سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ یک قسمت خاص علاوه گردید که در آن نام همه اعضای خانوار که قبلاً فهرست شده بودند به ارشد ترین عضو اناث خانوار داده می شد و سوال می شد آیا کدام عضو خانوار از فهرست باز مانده است یا خیر. معلومات درین قسمت تصدیق میکند که اعضای اناث خانوار بصورت نامتناسب نظر به اعضای ذکور از فهرست حذف گردیده اند: بیشتر از ۸۰ فیصد افرادی که علاوگی راپور داده شده اند زنان یا دختران بوده اند.

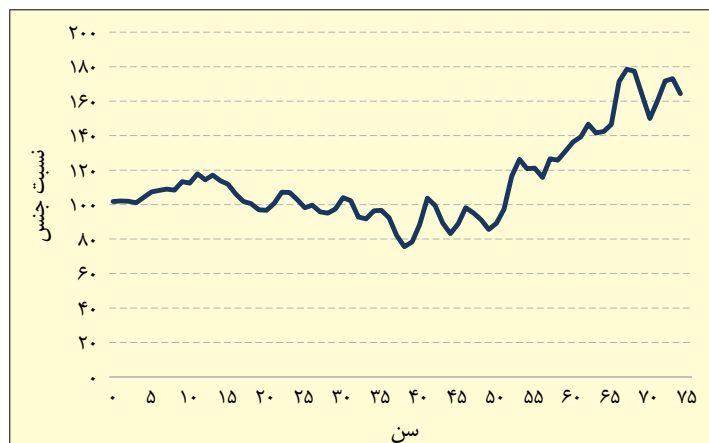
در کشور های مختلف در اسیا نسبت جنس توسط شناسائی جنس قبل از تولد و سقط جنین انتخابی از نظر جنس اخلال می شود. اکثراً به علت رجحان پسران نسبت جنس در هنگام تولد نظر به نسبت طبیعی حدود ۱۰۵ نفر ذکور در مقابل هر ۱۰۰ نفر اناث بسیار بالا می باشد. این موضوع اکثراً به نام مشکل دختران مفقود یاد می گردد. چین با نسبت جنس ۱۱۸ تولد ذکور در مقابل هر ۱۰۰ تولد اناث کشوری است که دارای بلند ترین نسبت جنس هنگام تولد میباشد. در گذشته سروری وفیات ۱۳۸۹ افغانستان (AMS۲۰۱۰.p.۳۸) و سروری خوشه ای چند خوشه شاخصه افغانستان (CSO and UNICEF, ۲۰۱۲p.۱۹۶) نسبت های غیر معمول جنس هنگام تولد را گزارش داده اند. سروری وفیات افغانستان یک نسبت جنس ۱۱۶ ذکور برای هر ۱۰۰ اناث را در دوره ۱۳۸۹-۱۳۸۵ دریافته است. با در نظر داشت وضعیت خدمات صحی افغانستان شناسائی جنس قبل از تولد و سقط جنین انتخابی از نظر جنس انجام نمی شود و نسبت های جنس غیر عادی بلند به معنی کم گزارشدهی جدی تولدات اناث میباشد. در سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ سالی در مورد جنس آخرین ولادت پرسیده نشده. منحنی یک نماینده نسبت جنس اطفال یعنی نسبت پسران بر دختران در زیرسن ۵ سال مورد استفاده قرار گرفته.<sup>۵</sup>

در سراسر جهان نسبت جنس طبیعی در هنگام تولد ۱۰۵ پسر در مقابل هر ۱۰۰ دختر بوده و تعداد بیشتر پسران نظر به دختران تولد می شوند. باوفیات اندکی بلندتر در میان پسران در سنین بسیار خورد سالی نسبت جنس بر حسب سنین مشخص در سنین بلوغ به حدود ۱۰۰ کاهش میابد. در اکثر جوامع زنان نظر به مرد ها توقع به حیات بالا تر دارند. بنابراین در اکثریت کشور ها وفیات بالاتر مرد ها نسبت به زنان موجب می گردد تا نسبت جنس بعد از ۵۰ سالگی به زیر ۱۰۰ کاهش یابد.

۵ نسبت جنس اطفال از نسبت جنس هنگام تولد متفاوت است. ازین لحاظ که این نسبت بر تعداد اطفالیکه در خانوار زنده اند مبتنی است نه بر تعداد گزارش داده شده اطفالیکه زنان زنده ولادت کرده اند. نسبت جنس اطفال نه تنها تابع نسبت جنس هنگام تولد است بلکه از وفیات متفاوت بین دختران و پسران در نخستین سالهای حیات و به میزان کم تر از مهاجرت های از لحاظ جنس انتخابی اطفال خورد سال به بیرون از خانوار متاثر می گردد.

نسبت جنس مشاهده شده در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ الگوی کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد (شکل ۲.۳). نسبت جنس در گروه سن ۴-۰ کاملاً پائین است: ۱۰۲ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر. در گروه وسیع سن ۱۹-۵ ساله نسبت جنس با بلندترین ارزش برای سن ۱۰ و ۱۵ بخوبی بالای ۱۰۰ است: درین گروه سن ۱۱۷ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر گزارش داده شده است. نسبت جنس بین سنین ۵۵-۲۰ سالگی اندکی پائینتر از ۱۰۰ است که ممکن است به علت آنکه تعداد زیاد ذکور به علت مهاجرت یا خدمت عسکری در خانوار زندگی نمی‌کنند، باشد. بصورت معمول توقع می‌رود نسبت جنس بعد از سن ۵۵ سالگی پائین باشد. اما الگوی سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ کاملاً متفاوت است. نسبت جنس بعد از ۵۵ سالگی به سرعت به سطح حدود ۱۷۰ مرد در مقابل هر ۱۰۰ زن بعد از ۷۰ سالگی افزایش می‌یابد. جالب است که سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ عین الگوی سن را مشاهده کرده اند.

شکل ۲.۳: نسبت های هموار شده جنس به تفکیک سن



نمایندگی کم تر اناث نوجوان (۱۹-۱۳ ساله) و زنان مسن تر احتمالاً به علت ترکیب در عامل باشد. مهم ترین عامل عرف فرهنگی ستر است که سرحد فیزیکی میان جنس ها را تعیین میکند. تا شرافت خانم و شهرت فامیل را حفظ کند. بسیاری از زنان در انزوا به سر می‌برند. موقف منزوی خانم ها ممکن است به اسانی به حذف آنها در فهرست خانوار توسط رئیس خانوار منجر شود. جالب است که در سنین نو جوانی و سنین پیری نسبت های جنس مخصوصاً بلند هستند، اما نه در گروه سن ۴۹-۲۰ سالگی. احتمالاً این امر به علت واقعیت است که مصاحبه کننده های (زن) مخصوصاً برای زنان این گروه سن تفحص کردند تا برای پرسشنامه صحت باروری مصاحبه شوند. علت دیگریکه نسبت جنس در سنین پیر تر بسیار بالا است ممکن وفيات مادری بسیار بالا مخصوصاً در گذشته باشد. گزارش جهانی در مورد وفيات مادری توسط گروه بین الادارات ۴۶۰ فوت مادری در هر ۱۰۰۰۰۰ تولد زنده را برای افغانستان در سال ۱۳۸۹ تخمین میکند (WHO, UNICEF, UNFPA and World Bank ۲۰۱۲)

گرچه رقم دقیقی به سطح ملی بدسترس نیست، تردیدی وجود ندارد که وفيات مادری در ایام گذشته بسیار بالا بوده. بار تلت و دیگران (۲۰۰۵) تخمین کرده اند که در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۹ نسبت وفيات مادری بین ۱۶۰۰ و ۲۲۰۰ بوده فرض می‌شود که در دوره ۲۰۰۰-۱۹۷۰ نسبت وفيات مادری ۲۰۰۰ و میزان مجموعی تولدات. حدود ۷ بود. پس خطر طول عمر وفيات مادری میتواند به سطح ۱۴۰۰۰ در هر ۱۰۰۰۰۰ زن تخمین گردد. این به معنی آن خواهد بود که دران دوره تقریباً ۱ زن از هر ۷ زن در جریان حمل و ولادت فوت میکرد. واضحاً این امر در تعداد زنانیکه بعد از سن ۵۰ سالگی زنده مانده اند انعکاس یافته و نسبت جنس در سنین پیر تر را بصورت جدی از شکل طبیعی آن بیرون میکند.

### ۳.۲.۳ توزیع به تفکیک محل اقامت

طوریکه در جدول ۱.۳ نشان داده شده، نفوس افغانستان بطور کلی دهاتی است: ۱۹.۸ میلیون ساکنین دهات که ۷۰.۷ فیصد مجموع نفوس را تشکیل میدهد. صرف ۲۴.۱ فیصد (۶.۷ میلیون نفر) در مناطق شهری زندگی میکنند در حالیکه ۵.۲ فیصد (۱.۵ میلیون نفر) نفوس منحیث کوچی تصنیف شده اند. برآورد نفوس اداره مرکزی احصائیه نشان میدهد که از سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ مجموع نفوس ۳.۰ میلیون نفر افزایش یافته، از آن جمله نزدیک به ۱.۸ میلیون نفر در مناطق شهری و ۱.۳ میلیون نفر در مناطق دهاتی به علت توازن متقابل رشد طبیعی و مسکون شدن نفوس کوچی اندازه نفوس کوچی به سطح ۱.۵ میلیون نفر ثابت باقی مانده این به معنی کاهش سریع سهم آن ها در مجموع نفوس است (از ۵.۸ میلیون در ۱۳۸۷-۱۳۸۶).

گروه های محل اقامت شهری دهاتی و کوچی بطور قابل توجه از لحاظ توزیع سن در جمعیت های شان، مخصوصاً از نظر اطفال زیر سن ۱۵ سال تفاوت دارند. پائینترین سهم در ساحات شهری به مشاهده رسیده (کمتر از ۴۳ فیصد)، در حالیکه مناطق دهاتی (۴۹ فیصد) و کوچی (۵۴ فیصد) فیصدی قابل توجه اطفال دارند. احتمالاً تفاوت ها در تولدات توضیح بسیار مهم برای این تفاوت ها باشد. در سطح ولایات تفاوت ها در ساختار سن نفوس حتی بسیار برجسته است. در حالیکه کابل - طوریکه توقع می‌رود که ولایت بسیار شهری شده است - سهم پائین (۴۱.۸ فیصد) را ثبت کرده است هشت ولایت سهم های بیشتر از ۵۲ فیصد دارند (ارقام نشان داده نشده) ولایات دارای بلند ترین سهم افراد جوان - نشاندهنده تولدات بالا - بصورت نمونه ای در کمر بند جنوب شرقی پشتون نشین کشور موقعیت دارند.

۶ شکل ۲.۳ نسبت های جنس هموار شده بر حسب سنین منفرد را نشان میدهد. چون الگوی اصلی به علت نادرست گزارندهی سن کاملاً نامنظم بود یک اوسط متحرک سه گروه سن مورد استفاده قرار گرفت.

## ۳.۳ ترکیب خانوار

### ۱.۳.۳ ساختار خانوار

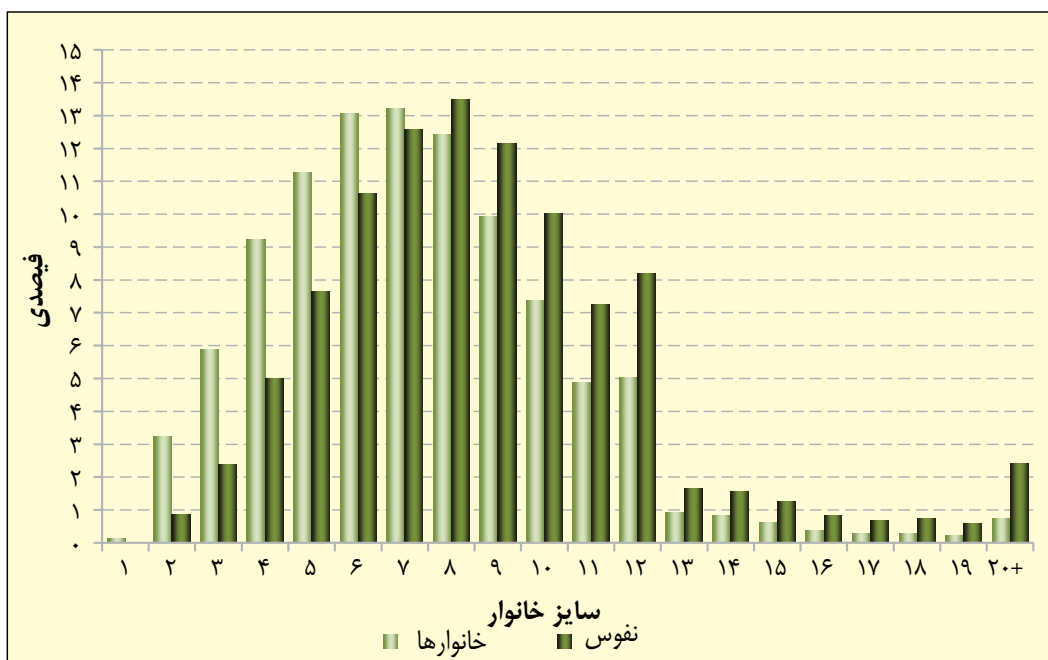
تعداد مجموعی خانوارها در افغانستان حدود ۳۸ میلیون تخمین می‌شود این به معنی اوسط اندازه خانوار ۷.۴ نفر است، تقریباً عین رقمی که در سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱-۱۳۹۰ دریافت گردیده. خانوارهای شهری علی‌الرغم داشتن تعداد کم‌تر اطفال زیر سن ۱۵ سال، به اندازه خانوارهای دهاتی بزرگ‌اند (جدول ۲.۳ ملاحظه شود). بصورت متوسط خانوارها دارای ۳.۵ طفل بودند که خانوارهای شهری ۰.۵ طفل کمتر دارند. خانوارهای کوچی بصورت متوسط از جمله ۷.۷ عضو ۴.۲ طفل دارند. یک خانوار از هر چهار خانوارهای شهری بصورت متوسط یک نفر کهن سال ۶۵ ساله و بالاتر را در خود جا داده است، رقم مربوط برای مناطق دهاتی یک خانوار از هر شش خانوار است.

جدول ۲.۳: خانوارها به تفکیک محل اقامت و به تفکیک شاخص‌های انتخاب شده ساختار خانوار

خانوار انتخاب شده شاخص‌های ساختار	شهری				به فیصدی			
	ملی	شهری	دهاتی	کوچی	ملی	شهری	دهاتی	کوچی
<b>اندازه خانوار</b>								
مجموع	۳۸۰۵۸	۹۱۷.۵	۲۷۰۰۰	۱۸۸.۲	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱-۲ نفر	۱۲۷۶	۲۴.۴	۱۰۰.۹	۲.۳	۳.۴	۲.۷	۳.۷	۱.۲
۳-۵	۱۰۰۴۲	۲۴۳.۱	۷۱۴.۵	۴۶.۶	۲۶.۴	۲۶.۵	۲۶.۵	۲۴.۸
۶-۸	۱۴۷۲.۹	۳۷۸.۶	۱۰۲۴.۴	۶۹.۹	۳۸.۷	۴۱.۳	۳۷.۹	۳۷.۲
۹-۱۰	۶۵۹.۰	۱۵۲.۳	۴۷۰.۱	۳۶.۶	۱۷.۳	۱۶.۶	۱۷.۴	۱۹.۵
۱۱-۱۴	۴۴۴.۰	۹۳.۵	۳۲۲.۲	۲۸.۳	۱۱.۷	۱۰.۲	۱۱.۹	۱۵.۰
۱۵ نفر و بالاتر	۹۸.۱	۲۵.۷	۶۷.۹	۴.۵	۲.۶	۲.۸	۲.۵	۲.۴
<b>اوسط‌ها</b>								
اندازه خانوار	۷.۴	۷.۳	۷.۳	۷.۷				
تعداد اطفال ۰-۱۴ ساله	۳.۵	۳.۱	۳.۶	۴.۲				
تعداد کهن سالان ۶۵ ساله و بالاتر	۰.۱۹	۰.۲۳	۰.۱۸	۰.۱۵				
<b>سهم</b>								
اطفال ۰-۱۴ ساله					۴۷.۵	۴۲.۵	۴۸.۸	۵۳.۸
تعداد کهن سالان ۶۵ ساله و بالاتر					۲.۶	۳.۱	۲.۴	۲.۰

تقریباً دو ثلث تمام خانوارها (۶۵.۱ فیصد) ۳ تا ۸ عضو دارند، در حالیکه نزدیک به یک ثلث (۳۱.۶ فیصد یا ۱.۲ میلیون خانوار) ۹ یا بیشتر از ۹ عضو را در خود جا داده‌اند و صرف ۳.۴ فیصد کمتر از سه عضو دارند. توزیع نفوس به درجه بسیار بزرگتر در خانوارهای بزرگ نظر به توزیع نفوس تمرکز داشته‌اند. تقریباً نصف (۴۷.۳ فیصد) تمام خانوارهای افغان در خانوارهای دارای ۹ عضو یا بیشتر زندگی میکنند و کمتر از ۱ فیصد در خانوارهای دارای ۱ یا ۲ عضو زندگی میکنند. خانوارهای یک نفری تقریباً وجود ندارد. شکل ۳.۳ توزیع خانوارها و نفوس را به تفکیک اندازه خانوار نشان میدهد.

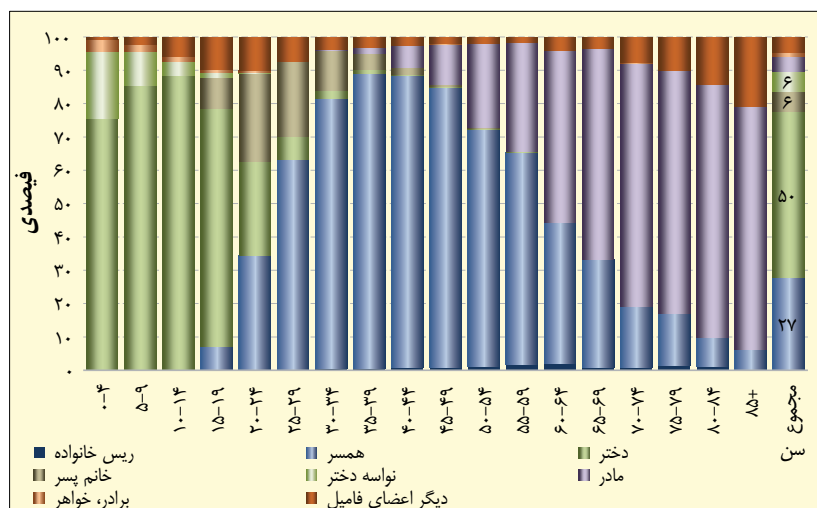
شکل ۳.۳: خانوارها و نفوس به تفکیک اندازه خانوار (به فیصدی)



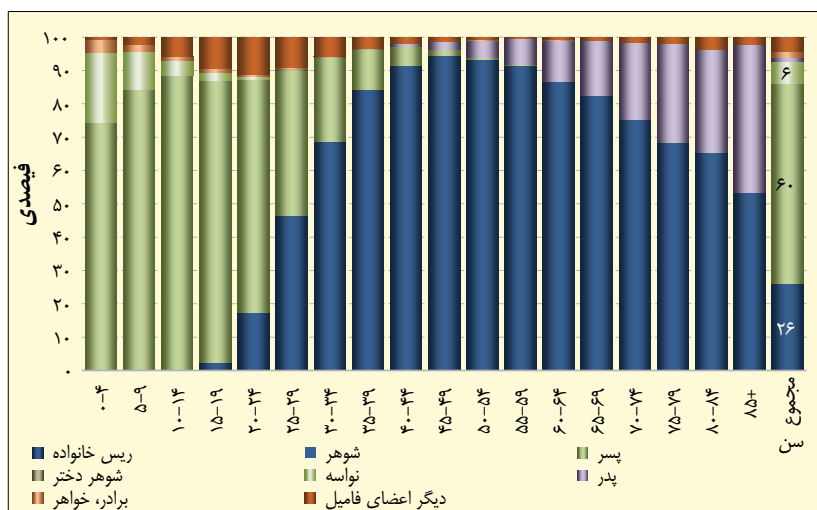
در موقف اعضا از نظر ارتباط شان با رئیس خانوار، اطفال رئیس خانوار تسلط دارند، طوریکه آخرین میله به طرف سمت راست شکل ۴.۳ نشان میدهد، بیشتر از نصف (۶۰ فیصد برای ذکور و ۵۰ فیصد برای اناث) نفوس افغانستان موقف طفل- پسر یا دختر- رئیس خانوار را دارند. موقف بسیار به کثرت دیگر در خانوار خود رئیس خانوار برای مرد ها (۲۶ فیصد)، همسر رئیس خانوار برای زنان (۲۷ فیصد)، نواسه رئیس خانوار برای هر دو جنس (۶ فیصد) اند. سایر موقف ها که توسط ارتباط با رئیس خانوار تعیین می شوند توسط تعداد نسبتاً بسیار کم افراد احراز می شود.

موقف را که افراد در خانوار احراز می کنند قویاً با سن ارتباط داشته و به جنس وابسته است. شکل ۴.۳ همچنان انتقالات را که اعضای ذکور (شکل ۴.۳ الف) و اناث (شکل ۴.۳ ب) خانوار از لحاظ ارتباط با رئیس خانوار از سر می گذرانند نشان میدهد. الی گروه سن ۱۹-۱۵، اکثریت بزرگ افراد پسر یا دختر رئیس خانوار اند (سبز سایه دار در شکل ۴.۳) و سهم قابل توجه دیگر متشکل از نواسه های رئیس خانوار می باشد (سبز روشن). در جریان سنین ۱۹-۱۵ سالگی نخستین اشخاص از موقف طفل به موقف رئیس خانوار (برای ذکور) یا همسر یا عروس رئیس خانوار (برای اناث) پیشرفت می کند. این پروسه انتقال در ۱۰ سال آینده تقویت می یابد. و برای مرد ها طور نمونه با تاسیس خانوار های جدید مستقل توسط نسل جدید سروکار دارد. یا در داخل خانوار انتقال به موقف رئیس خانوار، به علت که رئیس اولی مسولیت ها را به پسرش انتقال میدهد یا بعلت که فوت می کند. برای زنان معمولاً حرکت به خانوار دیگر و انتقال به موقف خانم از طریق ازدواج با یک رئیس خانوار و یا با پسر رئیس خانوار (میله های سبز تیره) اکثراً در محدوده سن ۱۹-۱۵ الی ۳۴-۳۰ شکل می گیرد. تعداد بسیار کم زنان ۲۵ ساله و بالاتر در خانه پدری شان باقی می مانند.

شکل ۴.۳: الف: نفوس ذکور به تفکیک ارتباط با رئیس خانوار ها و گروه سن (به فیصدی)



شکل ۴.۳: ب: نفوس اناث به تفکیک ارتباط با رئیس خانوار ها و گروه سن (به فیصدی)



مردان ۳۰ ساله و بالاتر بطور مسلط موقف رئیس خانوار را احراز می کنند (میله های آبی تیره). بین سن ۳۰ و ۷۰ حتی بیشتر از ۸۰ فیصد مرد ها رئیس خانوار اند. اگرچه در سنین کهولت سهم افزایش یابنده موقف رئیس خانوار را ترک کرده و پدر رئیس یک نسل جدید پنداشته می شود (میله ها بنفش سایه دار). در سنین بسیار پیری (۸۵ ساله و بالاتر) صرف ۵۳ فیصد مرد ها رئیس خانوار باقی می مانند و ۴۵ فیصد پدر رئیس خانوار پنداشته می شوند.

برای زنان پروسه بسیار متفاوت است. از جمله زنانیکه به سن ۲۴-۲۰ می رسند صرف ۲۸ فیصد در خانه پدری به صفت دختر رئیس خانوار باقی می مانند، در حالیکه در حدود سهم مساوی به خانوار های دیگر حرکت کرده خانم رئیس خانوار می شوند (میله های آبی کمرنگ) یا خانم پسر رئیس خانوار میشوند (سبز تیره). انتقال زنان به موقف مادر رئیس خانوار در سنین زود تر و نسبت به انتقال مرد ها به موقف پدر رئیس خانوارمکمل تر است. این به ان جهت است که زنان این انتقال را زمانی انجام میدهند که شوهر شان رئیس خانوار بودن را توقف میدهند، اما همچنان زنانیکه به علت تفاوت بزرگ سن بین زوج ها بیشتر از شوهر شان زندگی میکنند (بخش ۳.۴.۳ ملاحظه شود). در سن ۶۴-۶۰ بیشتر از نصف زنان نقش مادر رئیس خانوار را دارند و تقریباً سه چهارم زنان ۷۰ ساله و بالاتر درین موقف قرار دارند.

### ۲.۳.۳ رئیس خانوار

در زمینه افغانستان، فقدان رئیس مرد خانوار می تواند به موقف بالای اسبب پذیری اعضای خانوار از لحاظ مصونیت عاید و حمایت اجتماعی و فیزیکی دلالت کند. یک نسبت بسیار کوچک-۱ فیصد- خانوار ها توسط اناث ریاست می شوند (جدول ۳.۳ ملاحظه شود). به ارقام مطلق این ها به ۳۸.۴ هزار خانوار مطابقت داشته از ۱۱۵ هزار نفر نمایندگی میکنند. به طریق مشابه خانوارهاییکه توسط یک شخص جوان (زیر سن ۱۸ سال) و افراد کهن سال (۶۵ ساله و بالاتر) بدون اعضای جوان بالغ خانوار ریاست میشوند خود را در معرض تهدید های اقتصادی و اجتماعی می یابند. وقوع هر یکی ازین سه کنگوری روسای خانوار ۳.۸ فیصد خانوار ها است این از ۵۹۳ هزار نفر (۲۱ فیصد مجموع نفوس) که در چنان خانوار های بالقوه اسبب پذیر زندگی میکنند، نمایندگی می کنند.

جدول ۳.۳: خانوارها نفوس به تفکیک مشخصات رئیس خانوار (به فیصدی)

فیصدی از		مشخصات رئیس خانوار توسط اناث ریاست میشود
خانوارها	نفوس	
۱.۰	۰.۴	توسط طفل (زیر ۱۸ سال) ریاست میشود
۰.۳	۰.۲	توسط کهن سال (۶۵ ساله و بالاتر) ریاست میشود
۲.۴	۱.۵	بدون مرد های بالغ (۶۴-۱۹ ساله)

## ۴.۳ الگوی ازدواج

### ۱.۴.۳ توزیع حالت مدنی

حالت مدنی یک اصل کلیدی در روابط اجتماعی در جامعه افغانی است، ازدواج منجیث یک پدیده عام توسط این واقعیت نشان داده می شود که کمتر از ۱ فیصد نفوس ۳۵ ساله و بالاتر ازدواج نکرده، باقی مانده اند. گرچه در مجموع نفوس ۶۳.۳ فیصد به علت نمایندگی بزرگ نسل های سن زیر ۱۵ سال - که از آن ها در واقعیت هیچ کسی ازدواج نکرده است - و ۲۴-۱۵ ساله که از جمله ان تا ۷۲.۰ فیصد هنوز ازدواج نکرده اند (جدول ۴.۳).

جدول ۴.۳: نفوس به تفکیک حالت مدنی، جنس و سن (به فیصدی)

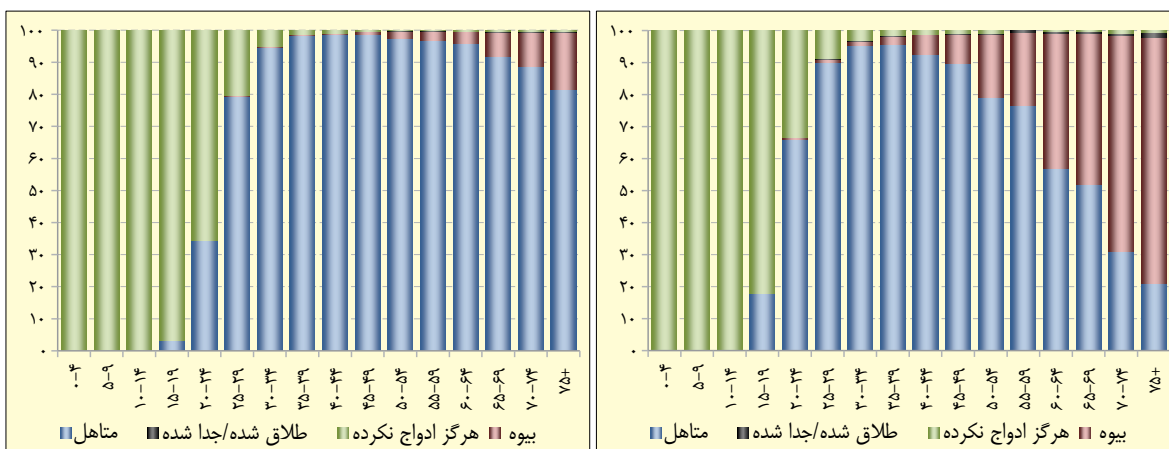
جنس ، سن	عروسی شده	بیوه	طلاق و یا جدا شده	هیچ ازدواج نکرده	مجموع
<b>هر دو جنس</b>					
مجموع	۳۴.۴	۲.۲	۰.۱	۶۳.۳	۱۰۰
۰-۱۴	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۵-۲۴	۲۷.۸	۰.۲	۰	۷۲	۱۰۰
۲۵-۳۹	۹۱.۱	۰.۹	۰.۱	۷.۹	۱۰۰
۴۰-۶۴	۹۰.۱	۹.۱	۰.۲	۰.۶	۱۰۰
۶۵ بالاتر	۶۸.۸	۳۰.۱	۰.۵	۰.۵	۱۰۰
<b>ذکور</b>					
مجموع	۳۲.۹	۰.۷	۰	۶۶.۴	۱۰۰
۰-۱۴	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۵-۲۴	۱۶.۷	۰.۱	۰	۸۳.۳	۱۰۰
۲۵-۳۹	۸۹	۰.۲	۰	۱۰.۸	۱۰۰
۴۰-۶۴	۹۷.۷	۱.۸	۰.۱	۰.۵	۱۰۰
۶۵ بالاتر	۸۷.۵	۱۱.۷	۰.۴	۰.۴	۱۰۰
<b>اناث</b>					
مجموع	۳۶	۳.۸	۰.۱	۶۰	۱۰۰
۰-۱۴	۰	۰	۰	۹۹.۹	۱۰۰
۱۵-۲۴	۳۹.۲	۰.۳	۰.۱	۶۰.۵	۱۰۰
۲۵-۳۹	۹۳.۱	۱.۵	۰.۲	۵.۱	۱۰۰
۴۰-۶۴	۸۲.۴	۱۶.۵	۰.۳	۰.۸	۱۰۰
۶۵ بالاتر	۳۶.۵	۶۲	۰.۸	۰.۷	۱۰۰

در حالیکه طلاق و جدایی عملاً در توزیع حالت مدنی غیر محسوس اند، وقوع بیوه گی، مخصوصاً برای زنان، یاسن افزایش می یابد. حدود ۲ و ۱۲ فیصد مرد ها با ترتیب ۶۴-۴۰ ساله و ۶۵ ساله و بالاتر بیوه اند. رقم مربوط برای زنان ۱۶ فیصد و بیشتر از ۶۲ فیصد است. به ارقام مطلق، افغانستان ۹۴ هزار مرد بیوه اما بیشتر از ۵۲۴ هزار زن بیوه دارد. علت اساسی این تفاوت بزرگ جنسیت در بیوه گی میزان بلند ازدواج مجدد مرد ها به مقایسه زن ها و تفاوت بزرگ سن بین بسیاری زوجها است. تفاوت جنسیت در حالت مدنی بصورت واضح در شکل ۵.۳ اشکار است: زنان تمایل دارند نسبت به مرد ها زودتر ازدواج کرده و زودتر در سهم های بزرگ بیوه بمانند. بدون در نظر داشت علت زنان بیوه میتواند منجیث یک گروپ اسب پذیر در افغانستان تصنیف شوند.

شکل ۵.۳: نفوس ذکور و اناث به تفکیک حالت مدنی و سن (به فیصدی)

الف. ذکور

ب. اناث



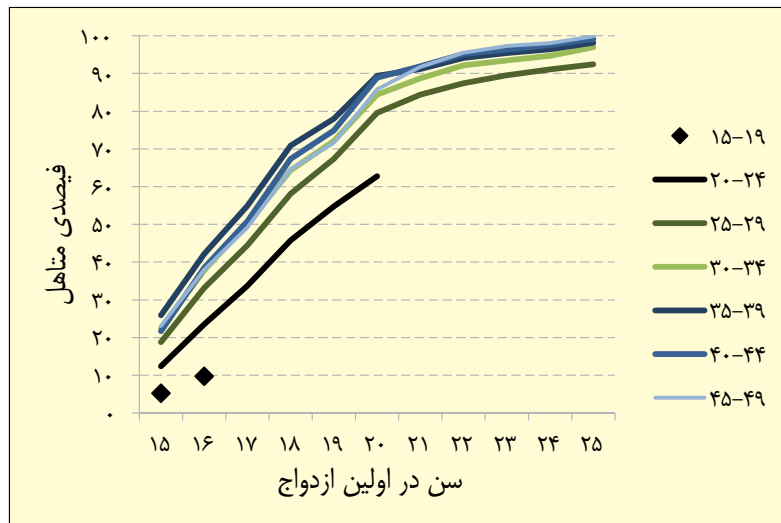
### ۲.۴.۳ سن هنگام نخستین ازدواج

سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ از لحاظ الگوی ازدواج تغییر اجتماعی قابل ملاحظه را مشاهده کرده است. این تغییر به سن هنگام نخستین ازدواج و تفاوت سن بین زن و شوهر ارتباط دارد. حد اقل سن ازدواج رسماً توسط قانون تنظیم می شود. ماده ۴۰ قانون مدنی افغانستان این حد اقل سن را برای پسران ۱۸ سال و برای دختران ۱۶ سال قید می کند. تحت شرایط خاص، ازدواج برای دختران در سن ۱۵ سالگی اجازه داده شده. تا کنون این قانون بصورت کامل نافذ نگردیده و ازدواج در سنین پایین هنوز شایع است. یونسف ازدواج طفل را هر ازدواج رسمی یا غیر رسمی قبل از ۱۸ سالگی برای پسران و دختران تعریف کرده و تبلیغ میکند که ازدواج های طفل برای انکشاف اطفال مضر است. شواهد نشان میدهد دخترانیکه قبل از وقت ازدواج میکنند اکثراً تعلیمات رسمی را ترک میکنند و در سنین جوانی حامله می شوند. وفیات مادری که به حمل و ولادت طفل ارتباط دارد یک جز مهم وفیات دختران ۱۹-۱۵ ساله در سراسر جهان بوده، هر سال عامل ۷۰ هزار فوت می باشد (UNICEF ۲۰۱۲). میزان وفیات اطفال زیر سن یک سال، اطفالیکه توسط مادران طفل تولد می شوند ۶۰ فیصد نسبت به اطفالیکه توسط مادران بزرگتر از ۱۹ سال تولد می شوند، بیشتر است. حتی اگر طفل زنده بماند، احتمال دارد از وزن کم هنگام تولد، سوء تغذی و انکشاف ناوقت فیزیکی و دانستنی رنج ببرد. عروس های طفل در معرض خطر خشونت، سوء استفاده و بهره کشی قرار گرفته و ازدواج طفل اکثراً به جدائی از فامیل و دوستان و فقدان آزادی شرکت در فعالیت های جامعه میگردد، که همه میتواند عواقب عمده بر رفاه فکری و فیزیکی دختر داشته باشد.

تحلیل ارقام سروی وضعیت زندگی افغانستان نشان میدهد که سن هنگام نخستین ازدواج برای زنان کاهش می یابد. نصف زنان گروپ سن پیرتر ۴۴-۴۰ ساله در سنین دقیق ۱۶۶ سالگی ازدواج کرده اند. برای گروپ جوانتر متعاقب این سن میانه در نخستین ازدواج بطور پیوسته به سن ۱۷.۰ برای ۳۴-۳۰ ساله و ۱۸.۱ برای ۲۹-۱۵ ساله ها و ۱۹.۰ برای ۲۴-۲۰ ساله ها افزایش می یابد.

شکل ۶.۳ نشان میدهد که نسل زنان ۳۰ ساله و بالاتر یک الگوی تقریباً مشابه برای سن هنگام نخستین ازدواج داشته اند. بیشتر از ۲۳ فیصد این زنان قبلاً در سن ۱۶ سالگی، حد اقل سن ازدواج، عروسی کرده بودند. برای گروپ سنی جوانتر ۲۹-۲۵ ساله این فیصدی به ۱۹ فیصد و در بین جوانترین گروپ سنی که برایشان ارقام مکمل بدسترس بود (۲۴-۲۰ ساله) این سهم صرف ۱۲ فیصد بود. به همین گونه بیشتر از ۵۰ فیصد زنان ۳۰ ساله و بالاتر در سن ۱۸ سالگی که سن متمایز کننده ازدواج طفل است، ازدواج کرده بودند، در بین زنان ۲۹-۲۵ ساله این رقم ۴۴ فیصد و در بین زنان ۲۴-۲۰ صرف ۳۴ فیصد بود. علی الرغم این میلان کاهش یابنده وضعیت که هنوز تقریباً نصف زنان قبل از سن ۱۸ ازدواج میکنند، موقف اسیب پذیرشان را در افغانستان انعکاس میدهد.

شکل ۶.۳: زنان ۱۵-۴۹ ساله به تفکیک گروه سن فعلی و سن هنگام نخستین ازدواج (به فیصدی)

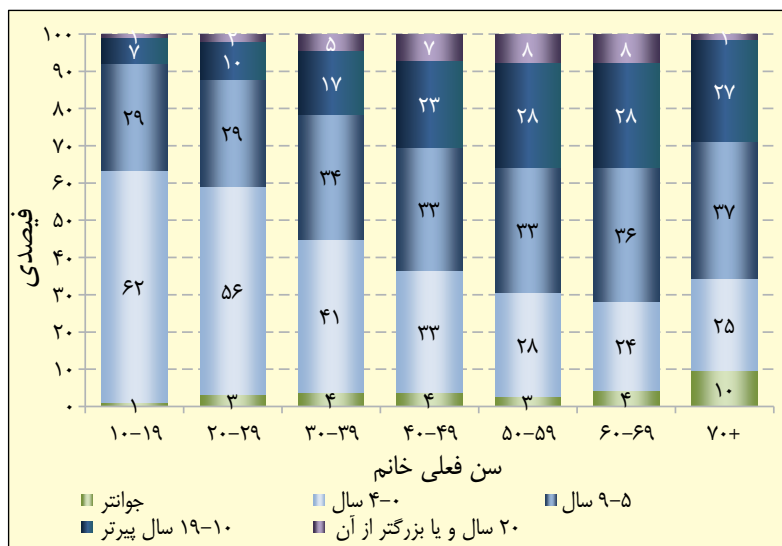


### ۳.۴.۳ خلای سن ازدواج

تغییر اجتماعی همچنان از لحاظ تفاوت سن بین زوجین مشاهده شده است. یک تفاوت بزرگ سن بین زوجین اکثراً یک عدم توازن قابل توجه قدرت در ازدواج و در رابطه به تصمیم گیری بر صحت باروری، مصرف پول و موضوعات مختلفه خانوار را نشان میدهد. (بخش ۵.۱۱ این گزارش همچنان ملاحظه شود). بصورت کل خلای سن بین زنان و شوهران افغان ۶.۱ سال است، اما در طول زمان این خلا کاهش یافته است. در حالیکه بصورت متوسط برای زنان بیشتر از ۴۰ ساله سن شوهر بیشتر ۷ سال بلندتر است. این تفاوت سن بصورت سازگار با نسل سنین متعاقب جوانتر کاهش می یابد: حدود ۶.۴ سال برای زنان ۳۰-۳۹ ساله و ۴.۶ سال برای زنان ۱۵-۲۹ ساله. شکل ۷.۳ نشان میدهد که سهم زوج های با تفاوت کم سن زوجین (کمتر از ۴ سال) بصورت دراماتیک برای هر گروه ۱۰ ساله جوانتر سن زنان افزایش یافته (از ۲۴ فیصد برای زنان ۶۰ ساله و بالاتر به ۶۲ فیصد برای زنان زیر ۲۰ سال). در عین زمان سهم زوج های با تفاوت سن بزرگ (۱۰-۱۹ سال) و بسیار بزرگ (۲۰ سال و بیشتر) بصورت مشابه از ۳۶ فیصد در گروه سن ۵۰-۶۹ به ۸ فیصد در جوانترین کتگوری کاهش یافته است.

انحراف ازین الگوی عمومی یافته ای است که در پیر ترین گروه سن (۷۰ ساله و بالاتر) سهم نسبتاً بزرگ زنان - ۱۰ فیصد- شوهران جوانتر دارند. این پدیده می تواند توسط ازدواج مجدد مرد ها بعد از بیوه گی و همچنان وقوع ازدواج با بیوه برادر متوفی خود، یک رسمی که مخصوصاً در نفوس پشتون شایع است، جاییکه بیوه بایست با اقارب-احتمالاً جوانتر- شوهر متوفی خود ازدواج کند.

شکل ۷.۳: اناث گاهی عروسی شده به تفکیک سن فعلی و سن نسبی شوهر (به فیصدی)

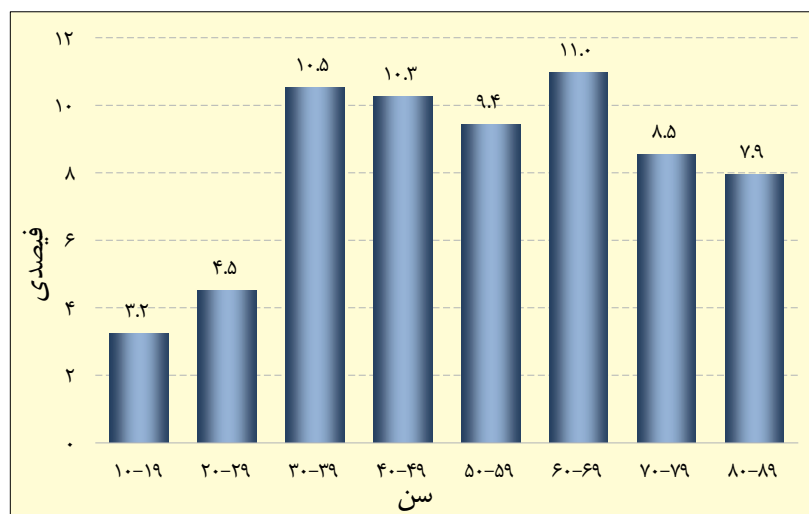


### ۴.۴.۳ چند همسری

رسم دیگر ازدواج که بین زوجین نابرابری ایجاد می کند موجودیت چند همسری است. پیمان بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی که توسط افغانستان در سال ۱۳۶۲ آنرا تصدیق شده، معیار های را می طلبد که رسم چند همسری را محو کند، چون این امر در مقابل زنان به معنی تبعیض بوده و تخطی از وقار شان میباشد. (همچنان بخش ۴.۲.۱۱ بخش در مورد تحلیل جنسیت ملاحظه شود) چند همسری همچنان عدم توازن در ازدواج را تشدید می کند، زیرا تمایل دارد خلای سن بین زنان و شوهران افزایش دهد. تفاوت سن بین همسران چند همسری تقریباً دو چند همسران تک همسری است: ۱۱.۸ سال در مقابل ۶.۱ سال.

ارقام سروری وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ پیشنهاد میکند که ۷.۹ فیصد زنان متأهل در ازدواج چند همسری زندگی میکنند. این از ۳۸۸ هزار زن نمایندگی میکند، اکثریت بزرگ آنها با یک امباق زندگی میکنند. بلندترین نسبت های زنان در ازدواج چند همسری در محدوده سن ۳۰ تا ۷۰ سالگی وجود دارند (شکل ۸.۳). بطور نمونه الی حدود ۱۰ فیصد. واضح نیست با نسبت پائین در بین زنان زیر سن ۳۰ سال تا کدام اندازه نتیجه کاهش رسم چند همسری است یا مدت کوتاه قرار داشتن در معرض خطر وارد شدن به ازدواج چند همسری است.

شکل ۸.۳: فیصدی زنان متأهل در ازدواج چند همسری به تفکیک سن





## ۴. مهاجرت

**خلاصه:** تا زمان سقوط رژیم طالبان وضع مغلق مهاجرت افغانستان جریان های بیجا شدن - در داخل افغانستان یا بیرون از سرحدات - تسلط داشت. سال ۱۳۸۱ آغاز یک دوره ده ساله را نشان میدهد که عودت از بیجا شدن انگیزه مهم مهاجرین بود: درین دوره ۳۹ فیصد مهاجرین داخلی و حتی ۸۲ فیصد مهاجرین بداخل به همین علت مهاجرت کرده اند. بصورت کل کابل محل مقصد نصف مهاجرین داخلی (تقریباً ۵۰۰ هزار نفر) در ده سال بعد از ۱۳۸۱ بود. در زمینه بین المللی، پاکستان کشوری بود که بسیاری از ۶۳ فیصد مهاجرین از خارج از آنجا آمدند و کابل ولایت بسیار زیاد مهم مقصد بوده، و تقریباً نصف مهاجرین از خارج را در خود جا داد: ۴۵ فیصد (تقریباً ۶۰۰ هزار نفر) از مجموع مهاجرین از خارج.

در سالهای بسیار اخیر الگوی مهاجرت اساساً تغییر کرده است. افغانستان بار دیگر از یک کشور دارای مهاجرت خالص بداخل به یک کشور مهاجرت خالص بخارج تبدیل شده است. معلومات سروی وضعیت زندگی افغانستان پیشنهاد می کند که در سالهای اخیر مهاجرت بخارج سالانه بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر نظر به مهاجرت به داخل زیاد تر است. این به معنی یک رشد منفی سالانه ۰.۴ فیصد است. بازگشت از بیجا شدگی به یک دلیل کوچک برای مهاجرت داخلی در دوره ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ و برای مهاجرین از خارج این علت به صرف ۳۹ فیصد کاهش یافته است. با جریان عودت کننده گان که پائین می رود، مهاجرت کاری یک انگیزه مهم مهاجرت می شود و دلیل بسیار زیاد عمده مهاجرت بخارج می گردد. کابل مقصد بسیار مهم برای مهاجرین داخلی باقی مانده، اما نسبت ۲۵ فیصد که به آنجا می روند صرف نصف آنهاست که در ده سال قبل از ۱۳۹۱ به آنجا می رفتند. این ممکن است بخاطر خرابی وضع استخدام در پایتخت باشد. در مهاجرت های بین المللی، ایران موقف پیشنهاد را هم از لحاظ کشور مقصد مهاجرین بخارج (۶۱ فیصد) و هم منحصبت کشور مبدا مهاجرین از خارج (۶۳ فیصد) از پاکستان گرفته است. کشور های خلیج یک موقف برجسته را بدست آورده اند، طوریکه آنها ۷ فیصد مهاجرین بداخل افغانستان را بین سالهای ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ فراهم کرده ۱۸ فیصد مهاجرین بخارج را در سال قبل از سروی دریافت کرده اند.

کابل و ولایات مجاور آن سیستم اساسی مهاجرت داخلی را در کشور تشکیل میدهند، با کابل که منحصبت مرکز جاذبه قوی، مخصوصاً برای پروان، پنجشیر و وردک عمل می کند. نزدیک به نصف تمام مهاجرت ها در داخل افغانستان درین ساحه صورت می گیرد. در ارقام مطلق کابل بزرگترین دریافت نفوس را به علت مهاجرت داشته و نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر را به باشندگان آن علاوه می کند. هم چنان بلخ، هرات و ننگرهار دریافت قابل توجه مهاجرت خالص هر یک حدود ۱۰۰ هزار نفر دارند. از جانب دیگر لغمان و وردک با بزرگترین از دست دادن خالص نفوس به علت مهاجرت بالاتر از ۱۰۰ هزار نفر را از دست میدهند. از لحاظ نسبی کابل و نیمروز ولایاتی با بزرگترین دریافت نفوس اند و هر کدام حدود یک چهارم به علت مهاجرت افزایش می یابند. پنجشیر ولایتی است که از لحاظ نسبی بیشترین نفوس را از دست داده است: در نبود مهاجرت ۲۸ فیصد بیشتر نفوس میداشت. مهاجرت داخلی و مهاجرت بخارج قویاً متوجه ساحات شهری است. در مقایسه با یک نسبت شهری ۲۴ فیصد در مجموع نفوس، ۵۰ فیصد مهاجرین از خارج، ۸۲ فیصد مهاجرین داخلی طول عمر، ۶۷ فیصد مهاجرین اخیر، در ساحات شهری زندگی می کنند.

سروی همچنان نشان داد که برای افغان ها مهاجرت اکثراً یک واقعه فامیلی است، تا اینکه یک عمل فردی باشد. مهاجرت های فامیلی معمولاً زمانی صورت می گیرد که از بیجا شدگی عودت می کنند، اما ظاهراً فامیل ها زمانیکه یک یا چند عضو فامیل در جای دیگر کار جستجو می کنند باهم مهاجرت می کنند. مهاجرت بخارج استثناً است که تقریباً منحصراً متشکل از ذکور بالغ سن کار است.

وضع زندگی اشخاص و خانوارهایی که از بیجا شده گی عودت کرده اند به نظر می رسد قدری بهتر از غیرمهاجرت باشد. سواد در بین عودت کننده گان بصورت قابل ملاحظه بالاتر است. نسبت اینها به تعلیمات ثانوی و تحصیلات عالی را تکمیل کرده اند به همین گونه است. همچنان سهمگیری در نیروی کار در بین عودت کننده گان بلندتر است، گرچه میزان زنان عودت کننده که بصورت سودمند استخدام شده اند یک اندازه پایین تر است. کیفیت مسکن و دسترسی به آب آشامیدنی و حفظ الصحه بهبود یافته همه چنان برای خانوارهای عودت کننده نظر به خانوارهای غیرعودت کننده بهتر است.

### ۱.۴ مقدمه

#### ۱.۱.۴ زمینه مهاجرت افغانستان

زمینه مهاجرت افغانستان مخصوصاً مغلق است. جریان های منظم و سنتی مهاجران خصوصیت حرکات داخلی و خارجی بوده، مهاجرت های دوامدار فصلی و دایروی - به شمول کوچی باقی ماندن یک بخش قابل توجه نفوس - و الگو های مهاجرت که بسیار زیاد بر حسب جنسیت است و برای فواصل کوتاه و دراز بسیار متفاوت است (CSO, ۲۰۱۴). این جریان ها با تاثیرات یکی از طولانی ترین وضعیت های پناه گزینی مخلوط گردیده، بزرگترین حجم عودت کنندگان در تاریخ های اخیر، بیجا شدن داخلی به مقیاس بزرگ و ظهور محلات جدید مقصد برای مهاجرین کاری و پناه گزینان. تعداد افغان های که در مهاجرت بین المللی دخیل اند - و مخصوصاً تعداد پناه گزینان و عودت کنندگان - هم چنان بزرگ است که در معادله نفوس در تخمینات ملی حایز اهمیت است. گرچه بیجا شدن و اشکال دیگر مهاجرت داخلی و بین المللی انقدر در هم پیچیده است که اکنون حکومت افغانستان گام های نخست را جهت انکشاف یک پالیسی مهاجرت بر میدارد که از مهاجرت پناگزینی فراتر می رود.

سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ شامل دو پرسشنامه در مورد مهاجرت بود. پرسشنامه عمومی مهاجرت سولاتی را در مورد محل اقامت معمول در نقطه های مختلف زمان: در هنگام تولد، در سال ۱۳۸۰ و دو سال قبل از سروی (اکثر سال ۱۳۹۱) می پرسد. سال ۱۳۸۰ زمان سقوط رژیم طالبان و تغییر از جریان های بزرگ پناگزینی به جریان های بزرگ عودت را نشان میدهد. سوال در مورد محل اقامت در دو سال قبل از سروی جهت ارزیابی تغییرات اخیر احتمالی در مهاجرت شامل گردیده. گرچه این سروی اساساً منحصبت یک سروی مهاجرت طرح نگردیده، معلومات جمع آوری شده برای افزودن به کتله محدود معلومات در مورد مهاجرین و جریان های مهاجرت مربوط می باشد. معلومات جمع آوری شده به ذخایر مهاجران اشاره می کند. در نتیجه، معلومات فراهم شده درباره حجم جریان های مهاجرت یک تخمین کم تر از حد است که افراد محلات دیگر اقامت به علاوه آنچه در پرسشنامه ثبت گردیده داشته اند. باید هم چنان تاکید بعمل آید که نیرومندی سروی وضعیت زندگی افغانستان بیشتر در آشکار ساختن الگوها نظر به یک رقم مطلق است.

این فصل تحلیل معلومات در مورد مهاجرت را به دو بخش معلومات در مورد مهاجرت داخلی (مهاجرت بین ولایات افغانستان، بخش ۲.۴) و معلومات در مورد مهاجرت های بین المللی (مهاجرت با عبور از سرحدات بین المللی، بخش ۳.۴)، جدا می کند. برای این دو نوع مهاجرت، تعداد مهاجرین، محلات مبدا و مقصد، مشخصات اساسی و دلایل برای مهاجرت شان تخمین گردیده است. بخش ۴.۴ سعی می کند تاثیرات کلی مهاجرت بالای توزیع نفوس را در افغانستان ارزیابی کند. بخش های جداگانه این گزارش به انواع عمده مهاجرین از نظر علت مهاجرت وقف گردیده است. یک بخش در مورد مهاجرت کاری در فصل بعدی در مورد نتایج بازار کار شامل گردیده است (بخش ۴.۵) در حالیکه بخش ۵.۴ این فصل در مورد پناه گزینان عودت کرده و بیجاشدگان داخلی تشریح میدهد، که نوع مسلط مهاجرت در دهه اول این قرن بود. بخش دوم این مقدمه با توضیح مفاهیم عمده مهاجرت که درین فصل بکار رفته ادامه میدهد.

## ۲.۱.۴ مفاهیم مهاجرت

مهاجرت توسط عمل عبور از یک سرحد و زندگی کردن در جای دیگر برای حد اقل یک سال تعریف می شود. عبور از سرحدات بین المللی بین دو کشور از مهاجرت بین المللی نمایندگی می کند. اشخاصیکه به یک کشور وارد می شوند مهاجران از خارج و آنهایکه یک کشور را ترک می کنند مهاجر به خارج نامیده می شوند. عبور کردن از سرحدات (اداری) در داخل یک کشور از مهاجرت داخلی نمایندگی می کند. اشخاصیکه در داخل کشور به یک ساحه می روند بنام مهاجرین به داخل و آنهایکه به ساحات دیگر در داخل کشور می روند مهاجر به بیرون نامیده می شوند. مهاجرت های داخلی میتواند به سطوح مختلف مانند ولایت، ولسوالی و حتی به سطح شهر اندازه گیری شود. سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ طوری طرح گردیده که مهاجرت بین ولایات افغانستان را اندازه گیری کند.

درین گزارش تحلیل مهاجرت ها بین سه بعد زمانی که به مهاجرت بین المللی و مهاجرت داخلی قابل تطبیق است فرق می گذارد:

- مهاجرت طول عمر تفاوت بین محل تولد و محل اقامت فعلی را نشان میدهد. این (رقم) نتیجه خالص تمام حرکاتی را که یک شخص در طول زندگی خود انجام داده بدست میدهد و ممکن است مهاجرت های متعاقب در طول زندگی شخص را پنهان کند. در سطح مجموعی این (رقم) نشانه دریافت یا از دست دادن خالص نفوس در ساحات مشخص را بدست میدهد.
- مهاجرت متوسط المدت درین گزارش به تفاوت میان محل اقامت در سال ۱۳۸۱ و محل اقامت فعلی و نتیجه خالص تمام حرکات را که شخص در طول ۱۲ سال بین ۱۳۸۱ و سروی انجام داده است بدست میدهد. سال ۱۳۸۱ بخاطری انتخاب شده است که یک نقطه تحول در تاریخ مهاجرت افغانستان بوده، آغاز جریان عودت بزرگ بعد از سقوط رژیم طالبان را نشان میدهد.
- مهاجرین متاخر، منحیت مهاجرت در دو سال قبل از سروی اندازه گیری شده، و نتیجه خالص تمام حرکات را که یک شخص درین دو سال انجام داده نشان میدهد. اندازه گیری مهاجرت متاخر اجازه میدهد الگو های جدید مهاجرت کشف شود.

محل اقامت فعلی: عبارت از محل اقامت در زمان سروی وضعیت زندگی افغانستان - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ است.

پناه گزین: شخصیکه به علت دارای اساس خوب ترس از تعقیب به دلایل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه خاص اجتماعی یا عقاید سیاسی در خارج از کشور ملت خود بوده و قادر نیست یا به علت چنان ترس نمی خواهد خود را در حمایت آن کشور قرار دهد.

شخص بیجا شده داخلی: شخصیکه وادار شده یا مجبور شده که خانه یا محل سکونت معمول خود را مخصوصا به خاطر احتراز از تاثیرات جنگ های مسلحانه، وضعیت های خشونت عمومی، تخطی از حقوق بشر، حوادث ساخته دست بشر یا حوادث طبیعی ترک کرده و آن ها یک سرحد شناخته شده بین المللی را عبور نکرده اند.

اگر چه تعداد مطلق مهاجرین معلومات مربوط را فراهم می کند، یک شاخص که بصورت مساویانه مناسب است عبارت است ازین تعداد نسبت به نفوس مجموعی ساحه دریافت کننده مهاجر با نفوس فرستنده مهاجر می باشد. این شاخص ها بالترتیب میزان ها و نسبت های مهاجرت اند. جهت تعریف این شاخص ها مربع میزان ها و نسبت ها مهاجرت ملاحظه شود.

### میزان ها و نسبت های مهاجرت

نسبت مهاجرت بدخل تعداد افرادیکه اکنون در افغانستان یا در یک ولایت معین افغانستان زندگی می کنند اما قبلا در یک کشور دیگر زندگی می کردند، منحیت فیصدی از نفوسیکه در افغانستان یا در یک ولایت معین افغانستان زندگی می کنند بیان می شود. این نسبت یک معیار باردوشی مهاجرین بدخل منطقه دریافت کننده مهاجرین است.

میزان مهاجرت بخارج، تعداد افرادیکه قبلا در افغانستان یا یک ولایت معین افغانستان زندگی میکردند اما اکنون در کشور دیگر زندگی می کنند، منحیت فیصدی نفوس مجموعی که در افغانستان یا یک ولایت معین افغانستان زندگی می کنند بیان می شود. این میزان چانس افرادی را که از یک ساحه به خارج حرکت می کنند اندازه گیری می کند.

## ۲.۴ مهاجرت داخلی در افغانستان

این بخش به ذخایر مهاجرین داخلی در بین ولایات افغانستان نظر می اندازد. مهاجرت های بین المللی به تفصیل بیشتر در بخش ۳.۴ تحت پوشش قرار می گیرد. سوال کلیدی این بخش آنست که مهاجرین داخلی به کجا می روند و از کجا آمده اند. برای آنکه الگو های عمده مهاجرت کشف شوند، توجه به ارقام مطلق مبذول گردیده، اما بصورت بسیار مشخص به نسبت

های مهاجرت - برای نسبت های مهاجرین در نفوس مقیم - و میزان ها - برای نسبت های مهاجرین که از محل مبدأ به بیرون حرکت کرده اند - توجه گردیده. این معلومات برای سه قسمت در زندگی افراد در سه بخش فرعی بعدی: مهاجرت بعد از تولد (مهاجرت طول عمر) مهاجرت بعد از سال ۱۳۸۱ زمانیکه تغییر رژیم در افغانستان صورت گرفت (مهاجرت متوسط المدت) و مهاجرت در دو سال قبل از سروی (مهاجرت متاخر) فراهم گردیده. برای تعریف مفصل این مفاهیم بخش ۲.۱.۴ ملاحظه شود.

### ۱.۲.۴ مهاجرین داخلی طول عمر

حدود ۱۶ میلیون باشند افغانستان در ولایت دیگر به غیر از ولایت که در زمان سروی زندگی می کردند، تولد شده اند. این تعداد مهاجرین طول عمر به معنی آنست که حداقل ۶ فیصد مجموع نفوس افغانستان اکنون در ولایاتی به غیر از ولایت که در آنجا تولد شده اند، زندگی می کنند. با نزدیک رفتن از سطح ملی به سطح ولایت، تفاوت های بزرگ در نسبت مهاجرین طول عمر مشاهده شده می تواند. (شکل ۱.۴). کابل با ۸۶۹ هزار مهاجر طول عمر در نفوس خویش برجسته است، که بیشتر از نصف (۵۵ فیصد) تمام مهاجرین طول عمر است. هم چنان از لحاظ نسبی کابل با ۲۱ فیصد نفوس که در جای دیگر کشور تولد شده بودند برجسته است. با تعجب نیمروز ولایتی است با بلندترین نسبت بعدی مهاجرین بداخل (۱۳ فیصد)، اما تعداد مطلق مهاجرین طول عمر داخلی درین ولایت کوچک است (۱۹ هزار نفر).

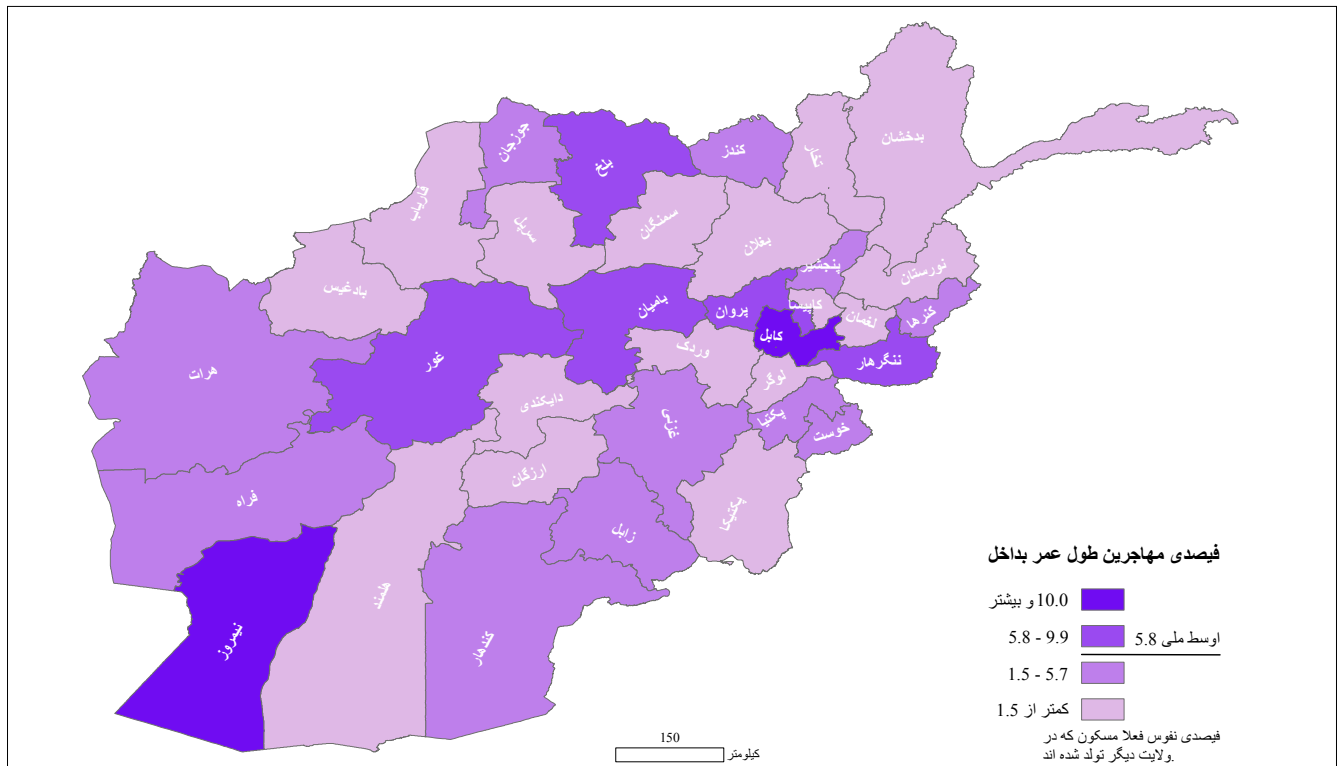
گروه دوم ولایات دارای نسبت مهاجرین به داخل بالاتر از اوسط مشتمل است بر بلخ و بامیان (هر یک با حدود ۱۰ فیصد مهاجر بداخل طول عمر در نفوس) و ننگرهار و پروان (بالترتیب ۸ فیصد و ۷ فیصد). احتمال دارد موجودیت شهر های بزرگ (مزار شریف و جلال آباد) در بعضی از این ولایات مهاجرین را که در جستجوی کار و فرصت های آموزش اند جذب می کنند.

از جانب دیگر گروه کاملاً بزرگ ولایات وجود دارد که نسبت های بسیار پائین مهاجرت به داخل دارند. این گروه مشتمل است بر ولایاتی مانند: بدخشان، دایکندی و نورستان که برای مهاجرت بخاطر دور افتادگی شان و فرصت ها کم معیشت جذاب نیستند. نسبت های بسیار پائین مهاجرین در وردک، پکتیکا، ارزگان و هلمند هم چنان ممکن است به وضع امنیتی در این ولایات ارتباط داشته باشد.

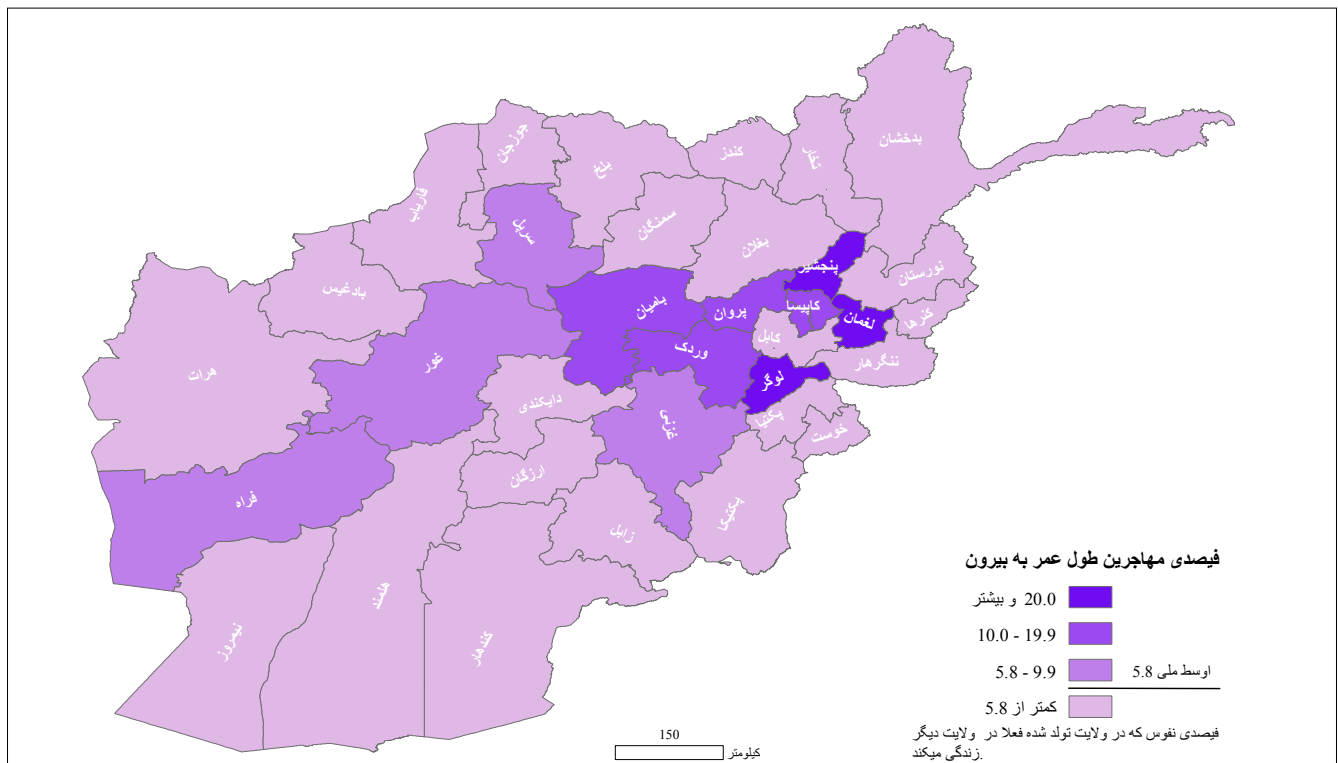
ولایاتی که مهاجرین طول عمر از آنجا می آیند با ولایات عمده مقصد مهاجرین بسیار تفاوت دارند<sup>۲</sup>. به علت اندازه بزرگ نفوس ان، کابل یکی از بزرگترین تعداد مهاجرین به بیرون (۱۰۵ هزار نفر) را فراهم کرده است. اما چهار ولایت دیگر (از لحاظ نفوس بسیار کوچکتر) حتی تعداد بیشتر مهاجرین بخارج را فراهم کرده اند که در محدوده ۱۲۲ تا ۱۸۳ هزار نفر قرار دارد. گرچه این ارقام مطلق نیستند که کلید درک مهاجرت به خارج را فراهم می کند. شکل ۲.۴ نشان میدهد که بلندترین میزان ها در ولایات مجاور کابل دریافت گردیده که نشان دهنده عامل کشش قوی پایتخت است. پنجشیر با ۳۴ فیصد یعنی از جمله تمام اشخاصیکه در پنجشیر تولد شده اند بیشتر از ثلث شان اکنون در جای دیگر زندگی می کنند، بلندترین میزان مهاجرت به بیرون را دارد. لغمان و لوگر هم چنان میزان های بسیار بالای مهاجرت به بیرون، بلندتر از ۲۰ فیصد (بالترتیب ۲۸ فیصد و ۲۱ فیصد) دارند، که بیشتر توسط مهاجرت کوچی متاثر اند. اما بدون جزء کوچی میزان مهاجرت به بیرون این ولایات هنوز هم دو چند اوسط ملی است. ولایات نزدیک به کابل وردک، پروان و کاپیسا هم چنان میزان های بلند دارند (بالترتیب ۱۸، ۱۷ و ۱۱ فیصد). از جانب دیگر گروه ولایاتی که با میزان های بسیار پائین مهاجرت به بیرون وجود دارد، نشان میدهد که مردم تمایل دارند در داخل ولایت باقی بمانند، زیرا یا ولایت مقدار کافی دارد که عرضه کند - احتمالاً مانند کندز و هرات - یا ارتباط قوی با محل مبدأ وجود دارد. کابل در بین ولایات دارای پائینترین میزان مهاجرت به بیرون است (صرف ۳ فیصد).

۱ به شمول مهاجرین در داخل و مهاجرین از خارج  
۲ باید توجه داشت که معلومات این بخش صرف شامل مهاجرین داخلی می شود، زیرا معلومات در مورد محل تولد اشخاصیکه بخارج مهاجرت کرده بدسترس نمی باشد.

شکل ۱.۴: نسبت مهاجرین طول عمر بداخل به تفکیک ولایات (به فیصدی)



شکل ۲.۴: میزان مهاجرت طول عمر به بیرون به تفکیک ولایات (به فیصدی)



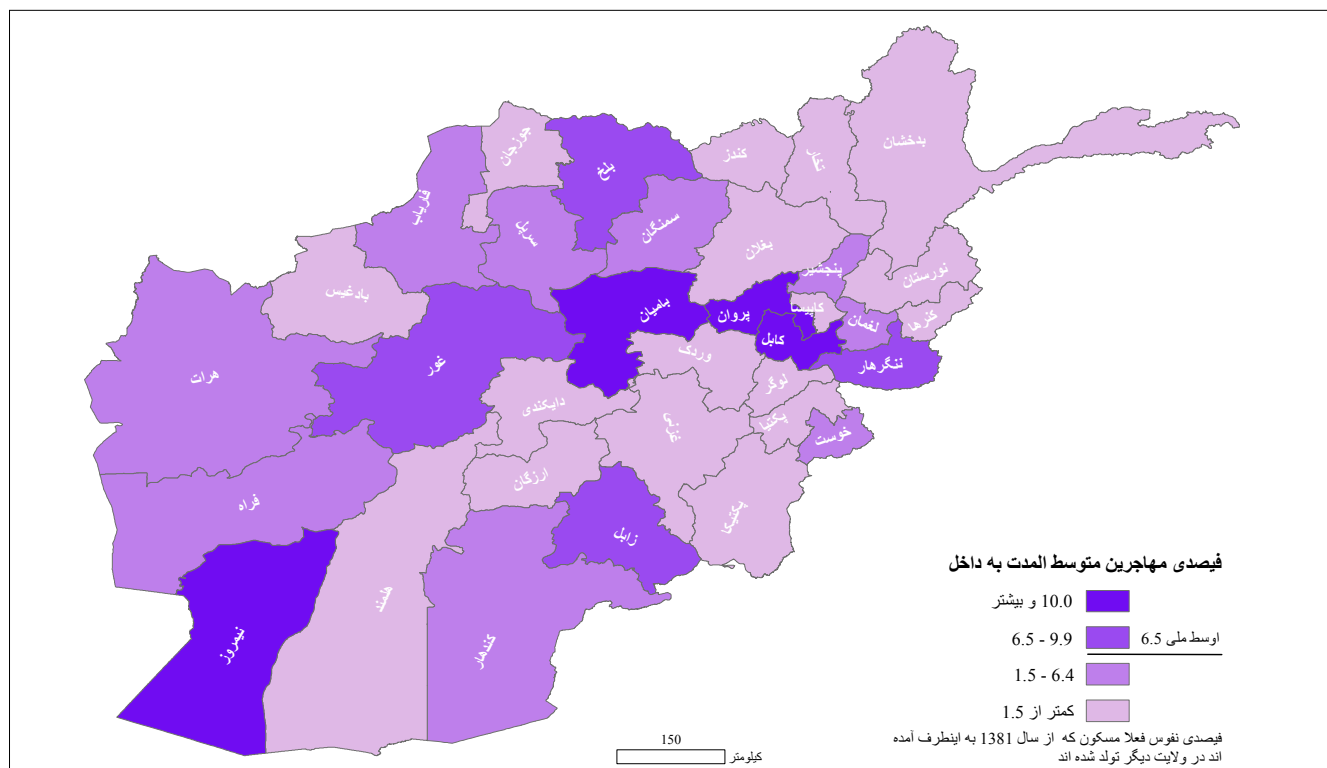
#### ۲.۲.۴ مهاجرین داخلی متوسط‌المدت

تعداد افرادی که در سال ۱۳۸۱ ولایت محل اقامت متفاوت از محل اقامت شان در زمان سروری وضعیت زندگی افغانستان داشتند ۱.۰ میلیون نفر بود. تعداد مهاجرین متوسط‌المدت یک میزان وسطی مهاجرت به بیرون ۶ فیصد را می‌رساند. میزان‌های ولایتی از نزدیک‌الگوی مهاجرت طول‌عمر را تعقیب کرده، بار دیگر یک کشش قوی از طرف کابل بالای ولایات مجاور با همان ولایات که مهاجرت به بیرون کمتر را ایجاد می‌کنند، نشان می‌دهد (شکل ۴۴). این شباهت قوی نشان‌دهنده آنست که میکانیزم‌های که زمینه مهاجرت‌های طول‌عمر و مهاجرت‌های متوسط‌المدت را فراهم می‌کنند در افغانستان در طول زمان تغییر بسیار نکرده است. یگانه استثنا پنجشیر است. در حالیکه مهاجرت طول‌عمر به بیرون از قبل بسیار بالا بود- با میزان مهاجرت به بیرون ۳۴ فیصد-میزان مهاجرت متوسط‌المدت در سطح ۵۶ فیصد بصورت استثنای بلند است. از جمله ۲۱۳ هزار نفری که در پنجشیر در سال ۱۳۸۱ زندگی میکردند، ۱۱۹ هزار نفر در جای دیگر- اکثراً کابل و پروان- زندگی میکردند. این امر ممکن است نتیجه نقش رهبری‌کننده ولایت در تغییر رژیم در سال ۱۳۸۱ و دسترسی بیشتر متعاقب به موقوف‌های اداری و استخدام در کابل باشد.

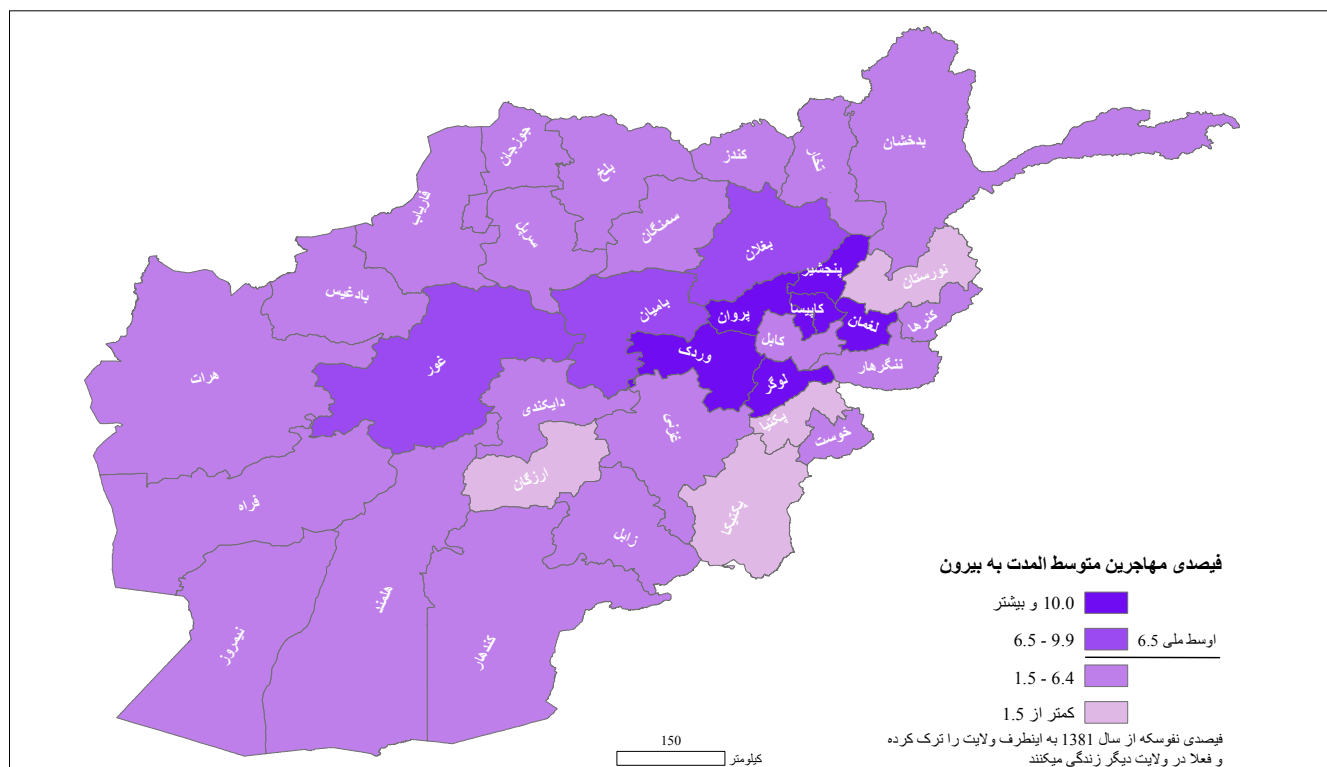
اهمیت ولایات مقصد همچنان از نزدیک‌الگوی مهاجرت طول‌عمر را تعقیب میکند (شکل ۳.۴). کابل که زیادترین تعداد مهاجرین متوسط‌المدت را از سایر ولایات افغانستان جذب میکند، ۴۹۹ هزار نفر یا ۴۹ فیصد تمام مهاجرین داخلی. نسبت مهاجرین به داخل ۲۱ فیصد به معنی آنست که بیشتر از یک نفر از هر پنج نفر باشنده کابل که قبل از سال ۱۳۸۱ تولد شده اند در سال ۱۳۸۱ در جای دیگر زندگی میکردند. یک انحراف عمده از الگوی مهاجرت طول‌عمر توسط پروان نشان داده میشود که نسبت فوق‌العاده بلند مهاجرین متوسط‌المدت بداخل ۴۷ فیصد را داشته و معنی میدهد که نزدیک‌نصف اشخاصیکه قبل از سال ۱۳۸۱ تولد شده اند در سال ۱۳۸۱ در جای دیگر زندگی میکردند. سهم‌های مساوی ۴۰ فیصد این گروه مهاجرین بداخل در سال ۱۳۸۱ در کابل و پنجشیر زندگی میکردند. شواهد وابسته به موقعیت- تفاوت در الگوهای مهاجرت طول‌عمر و متوسط‌المدت برای پروان، زمان مورد نظر شاخص‌های مهاجرت و ارتباط قوی مهاجرت با پنجشیر- پیشنهاد میکند که یک سهم قابل توجه نفوس پروان در جریان رژیم طالبان به پنجشیر رفتند و بعداً زمانیکه طالبان از قدرت برکنار شدند به محل مبدأ خود عودت کردند.

میزان‌های مهاجرت به بیرون مهاجرین متوسط‌المدت، مهاجرت به بیرون گسترده را تقریباً برای همه ولایات نشان میدهد (شکل ۴.۴). گرچه الگوی عمومی که ظاهر می‌شود آنست که عامل کشش کابل منحنی مقناطیس عمده جذب، زمانیکه ولایات مهاجرت به بیرون نزدیک کابل اند قوی تر احساس می‌شود.

شکل ۳.۴: نسبت مهاجرت متوسط المدت به داخل به تفکیک ولایت (به فیصدی)



شکل ۴.۴: میزان مهاجرت متوسط المدت به بیرون به تفکیک ولایت (به فیصدی)



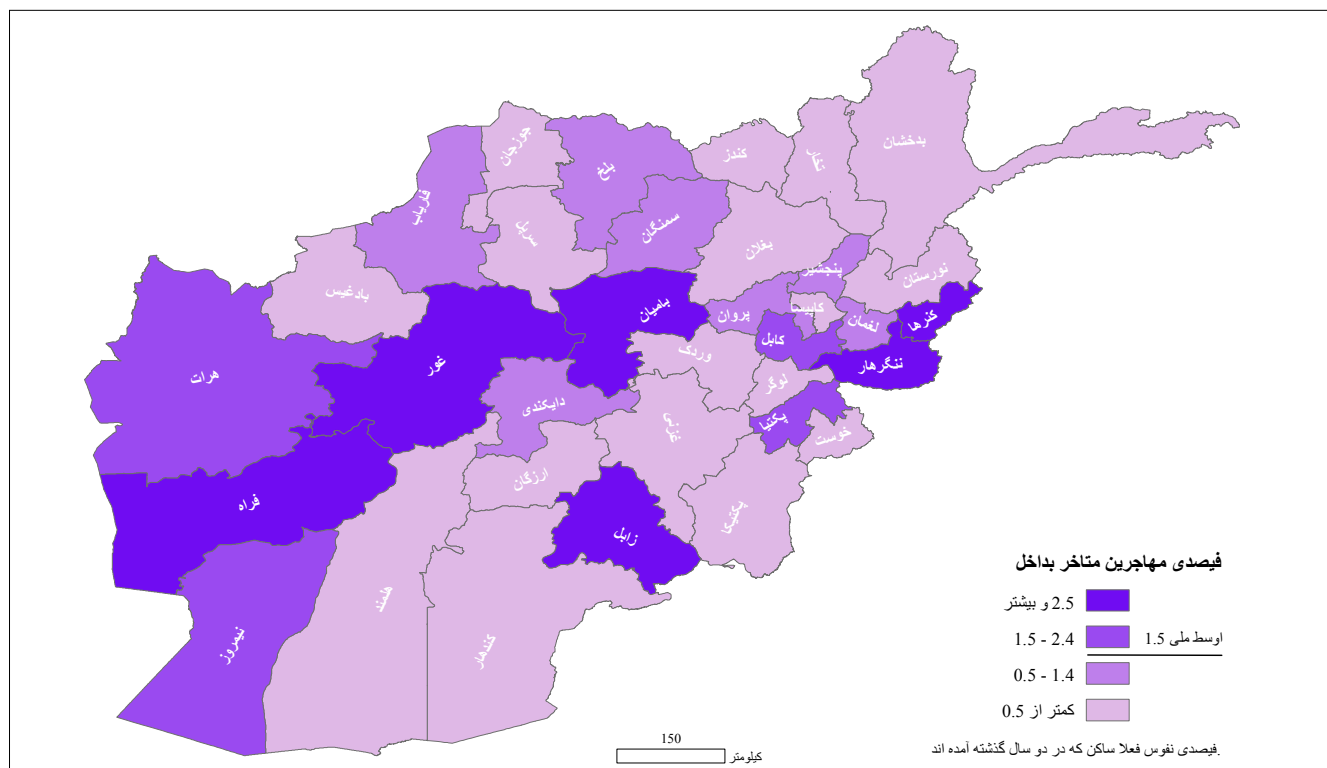
### ۳.۲.۴ مهاجرین متاخر داخلی

ذخیره مهاجرین متاخر داخلی - آنهایکه طی دو سال قبل از سروی مهاجرت کرده اند- بسیار کوچکتر از مهاجرین طول عمر و مهاجرین متوسط‌المدت است (۳۸۸ هزار نفر)، اما معلومات آنها کشف تغییرات درالگوی مهاجرت را اجازه داده و همچنان می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات در شدت مهاجرت باشد.

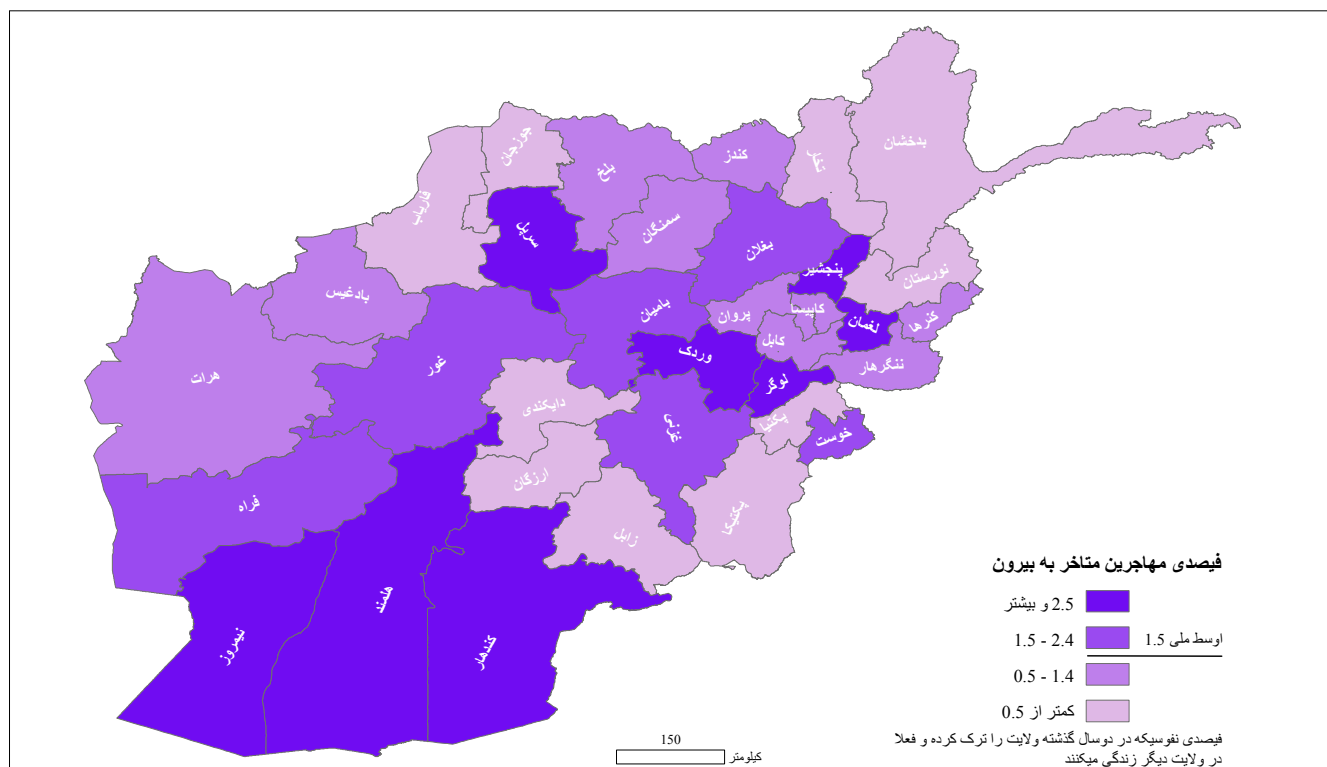
گرچه کابل محل مقصد بسیار ترجیح داده شده همچنان برای مهاجرین متاخر است، اما برای مهاجرین کمتر متاخر بسیار کم مسلط است. حدود ۲۵ فیصد مهاجرین متاخر داخلی انتخاب کرده اند به کابل بیایند، که به تعقیب آن ننگرهار و غور منحیث ولایات عمده مقصد قرار دارند (با ترتیب ۱۹ و ۱۲ فیصد مهاجرین متاخر داخلی را در خود جا داده اند). این معلومات مهاجرین متاخر به معنی آنست که نسبت به اندازه نفوس مقیم، کابل به پائین‌لست محلات مقصد سقوط میکند، با صرف‌اندکی بالاتر از ۲ فیصد، از بامیان که با نزدیک به ۸ فیصد در بالای‌لست قرار دارد و زابل و غور هر یک یا ۷ فیصد بسیار پائین‌تر قرار می‌گیرد (شکل ۵.۴ ملاحظه شود). مهاجرت بداخل همچنان بصورت قابل توجه در پروان و نیمروز کمتر برجسته است. تحلیل‌های بسیار عمیق‌تر جهت تشخیص این تغییر جهت ضروری بوده، اما احتمالاً آن‌ها شامل تأثیرات عقب‌گرد عودت از بیجا شده‌گی بین‌المللی و کاهش اقتصاد، که ظرفیت جذب نیروی کار کابل را متاثر می‌سازد، خواهد بود.

برای مهاجرت به بیرون همچنان تغییرات قابل توجه در الگو سراسر کشور در مقایسه به مهاجرت کمتر متاخر به مشاهده رسیده است. در پهلوی لوگر، وردک، پنجشیر، و لغمان که سطوح نسبتاً بلند مهاجرت به بیرون را حفظ کرده اند، نیمروز، سرپل، هلمند و کندهار به هشت ولایت با میزان بلند مهاجرت به بیرون سینگین از ولایات جنوب غربی، ارتقا یافته اند (شکل ۶.۴). وردک و کندهار از نزدیک کابل را منحیث بزرگترین فراهم‌کننده مهاجرین داخلی، با هر دو با ۴۰ هزار مهاجر متاخر به بیرون در مقایسه با کابل با ۴۶ هزار، تعقیب میکنند. هلمند و لوگر هر کدام حدود ۳۰ هزار مهاجر ایجاد کرده اند. چون تمام این ولایات به استثنای کابل - به مشکلات جدی امنیتی مواجهه اند، این امر ممکن است علت معمول برای مهاجرت به بیرون ازین ساحات باشد.

شکل ۵.۴: نسبت مهاجرین متاخر بداخل به تفکیک ولایت (به فیصدی)



شکل ۶.۴: مهاجرت متاخر به بیرون به تفکیک ولایات (به فیصدی)



## ۴.۲.۴ ارتباطات شهری-دهاتی<sup>۱</sup>

در پهلوی حرکت از یک ولایت به ولایت دیگر، مهاجرت داخلی هم چنان اکثراً به معنی تغییر محل اقامت از لحاظ محیط شهری و دهاتی میباشد. طبق ارقام سروری وضعیت زندگی افغانستان مهاجرت های داخلی یک عامل قوی در شهر نشینی جامعه است. فیصدی نفوس مسکون کشور که در زمان تولد شان در ساحات شهری زندگی میکردند ۲۰ فیصد بوده، در حالیکه توزیع محل اقامت فعلی نزدیک به ۲۵ فیصد ساکنین شهری دارد.

بزرگترین سهم - ۶۴ فیصد - مهاجرت طول عمر بین ولایت مهاجرت شهر به ده است (جدول ۱.۴)، در حالیکه عکس آن مهاجرت شهری به دهاتی صرف ۳ فیصد مجموع مهاجرین طول عمر است. تاثیر خالص آن افزایش ۶۷۷ هزار نفر نفوس شهری و کاهش مطابق آن در نفوس دهاتی است.

### جدول ۱.۴: مهاجرین طول عمر و متاخر داخلی به تفکیک محل اقامت فعلی و محل اقامت در اوقات مربوط در گذشته

محل اقامت سکونت در لحظه معین			محل اقامت فعلی		
			الف. به هزار		
			ب. به فیصدی		
			مجموع	شهری	دهاتی
<b>الف. محل اقامت هنگام تولد (مهاجرین طول عمر)</b>					
مجموع	۱,۱۰۹.۰	۹۰۹.۹	۱۹۹.۱	۱۰۰.۰	۱۸.۰
شهری	۸۷۶.۶	۷۱۲.۳	۱۶۴.۳	۷۹.۰	۱۴.۸
دهاتی	۲۳۲.۵	۱۹۷.۶	۳۴.۹	۲۱.۰	۳.۱
<b>ب. محل اقامت دو سال قبل از سروری (مهاجرین متاخر)</b>					
مجموع	۱۷۵.۷	۱۱۸.۶	۵۷.۱	۱۰۰.۰	۳۲.۵
شهری	۱۱۵.۰	۸۵.۸	۲۹.۳	۶۵.۵	۱۶.۷
دهاتی	۶۰.۶	۳۲.۸	۲۷.۸	۳۴.۵	۱۵.۸

در کل، مهاجرت بین ساحات دهاتی و مهاجرت بین ساحات شهری حایز اهمیت کم است (۱۵ و ۱۸ فیصد مجموع مهاجرت های طول عمر). گرچه برای مهاجرینکه در ساحه شهری تولد شده اند، ساحه شهری دیگر مقصد ۸۵ فیصد ایشان است. برای مهاجرین متولد دهات، یک ساحه شهری مقصد ۸۱ فیصد است.

مهاجرت های متاخر بصورت قابل توجه کمتر دارای اساس شهری بوده است. دو ثلث (۶۷ فیصد) تمام مهاجرین طول عمر. در مقایسه با مهاجرت طول عمر، مهاجرت دهاتی - شهری کمتر برجسته است (۴۹ فیصد تمام مهاجرت ها) و مهاجرت شهری به دهاتی بلندتر است (۱۶ فیصد). فرصت های کاهش یافته شغلی در اقتصاد شهری (بخش ۳.۵ ملاحظه شود) میتواند یک عامل برای توضیح سرعت کاهش یابنده شهر نشینی باشد.

در حالیکه پرسشنامه سروری وضعیت زندگی افغانستان طوری طرح شده بود که مهاجرت های بین ولایات و مهاجرت های بین المللی را تخمین کند، تا حدود معین همچنان مهاجرت های در داخل ولایت را اجازه میدهد. مشخصه محل اقامت هنگام تولد و دو سال قبل از سروری اجازه میدهد مهاجرت های دهاتی - دهاتی و شهری - دهاتی در داخل ولایت اندازه گیری شود، اما مهاجرت های دهاتی - دهاتی و شهری - شهری اندازه گیری نمی شود. این عملیه نشان میدهد که حجم مهاجرت طول عمر دهاتی به شهری در داخل ولایت سه مرتبه نظر به جریان مخالف شهری به دهاتی بزرگتر بوده (ارقام نشان داده نشده) و ۴۷۴ هزار نفر را به نفوس شهری به قیمت نفوس دهاتی به نفوس شهری علاوه کرده است. مانند مهاجرت بین ولایات، تبادل نفوس شهری - دهاتی در داخل ولایت کمتر دارای اساس شهری است. گرچه بزرگ نیست: ۶۱ فیصد تبادل به سمت ساحات شهری و ۳۹ فیصد به سمت مناطق دهاتی.

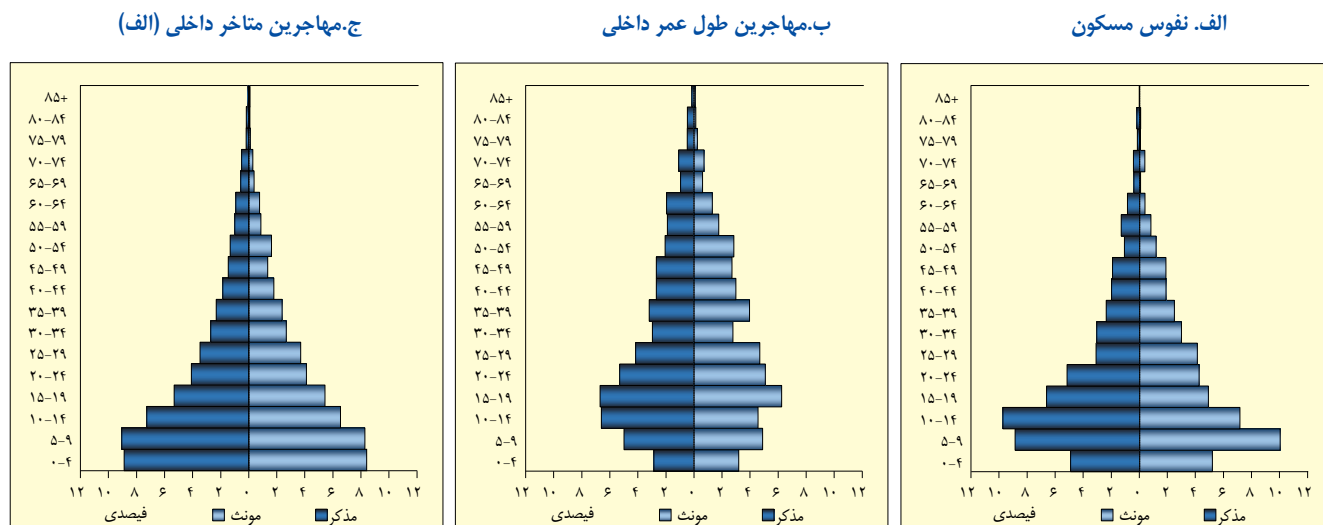
## ۵.۲.۴ مهاجرین داخلی کی ها اند؟

پروفایل مهاجرین قویاً با علت مهاجرت ارتباط دارد. بصورت عموم، تحقیقات مهاجرت دریافته است که مهاجرین کاری تمایل دارند جوان بالغ - اکثر ذکور - باشند. در حالیکه اشخاصیکه در جستجوی تحصیل اند اکثراً جوانان در گروپ ۱۵-۲۴ ساله هستند. پناه گزینان و بیجا شده گان داخلی بیشتر به نفوس مجموعی مسکون شباهت دارند، گرچه درین جا اکثراً زنان و اطفال نمایندگی بیشتر دارند. شکل ۷.۴ پروفایل سن و جنس مهاجرین داخلی را - مهاجرین طول عمر و متاخر - با پروفایل مجموع نفوس مسکون مقایسه می کند. آشکار است که مهاجرین طول عمر بسیار زیاد در نفوس سن کار (۱۵-۶۴ ساله) تمرکز دارد (۶۸ فیصد در مقایسه با ۴۹ فیصد در نفوس مجموعی).

توزیع سن و جنس مهاجرین متاخر بسیار از نزدیک به پروفایل مجموع نفوس شباهت دارد.<sup>۲</sup> یک یافته کاملاً تعجب آور دیگر - در مقایسه های بین المللی - آنست که توزیع جنس هر دو نفوس مهاجر به توزیع مجموع نفوس بسیار نزدیک است و به نمایندگی بیش از حد ذکور مواجه نشده ایم. زمینه مشخص افغانستان که دران اشخاص تمایل دارند در سنین جوان ازدواج کرده و در بدون همراه گذاشتن زنان بی میلی وجود دارد، ممکن است سر رشته های برای این پدیده باشد. این همچنان به توضیح حضور بزرگ اطفال مهاجر، که عموماً با والدین شان حرکت میکنند، کمک میکند. این فرضیه با علل داده شده برای مهاجرت متاخر حمایت می شود: یک مهاجر وابسته بودن - به صفت خانم یا به صفت طفل - یک علت عمده مهاجرت بود.

۱ این بخش صرف نفوس مسکون را دربر می گیرد، به استثنای نفوس کوچی  
۲ جوانترین کنگوری سن ۵- ساله کوتاه گردیده زیرا برای اطفال خوردتر از دو سال محل اقامت دوسال قبل از سروری داده شده نمی تواند.

شکل ۷.۴: مجموع نفوس مسکون و مهاجرین طول عمر و متاخر داخلی به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)



الف جوانترین کنگوری سن ۵۰- ساله کوتاه گردیده، زیرا برای اطفال خورد تر از دو سال محل اقامت دو سال قبل از سروری داده شده نمی تواند.

از نظر وضع فعالیت اقتصادی، تمام گروه های مهاجر داخلی- طول عمر، متوسط المدت و متاخر- کاملاً با پروفایل نفوس عمومی شباهت دارند. تا جائیکه تفاوت ها مشاهده شده می توانند، مهاجرین عموماً با اندکی سهم گیری بیشتر در نیروی کار، بیکاری و کم کاری پائین تر، اندکی بهتر اند. بنابراین به نظر می رسد که مهاجرت داخلی به مقیاس محدود یک استراتژی مؤثر برای استخدام است. یک تحلیل مفصل تر در مورد ارتباط بین سهم گیری در بازار کار و مهاجرت در بخش ۴.۵ فراهم گردیده.

در رابطه به درجه تحصیل، مهاجرین طول عمر و مهاجرین متوسط المدت نظر به نفوس عمومی کارکرد بهتر دارند. کلان سالان ۱۸ ساله و بالاتر آن دو گروه اکثراً کمتر فاقد تعلیم اند(با الترتیب ۵۴ و ۵۷ فیصد در مقابل ۶۴ فیصد در نفوس عمومی). ۱۴ فیصد در مقابل ۱۱ فیصد در نفوس عمومی لیسه را تکمیل کرده اند با الترتیب ۹ و ۷ فیصد در مقایسه با صرف ۳ فیصد مجموع نفوس تحصیلات لیسانس دارند. مهاجرین متاخر کلان سال از نظر درجه تحصیل به نفوس عمومی بیشتر شباهت دارند.

#### ۶.۲.۴ چرا مهاجرین داخلی حرکت می کنند؟

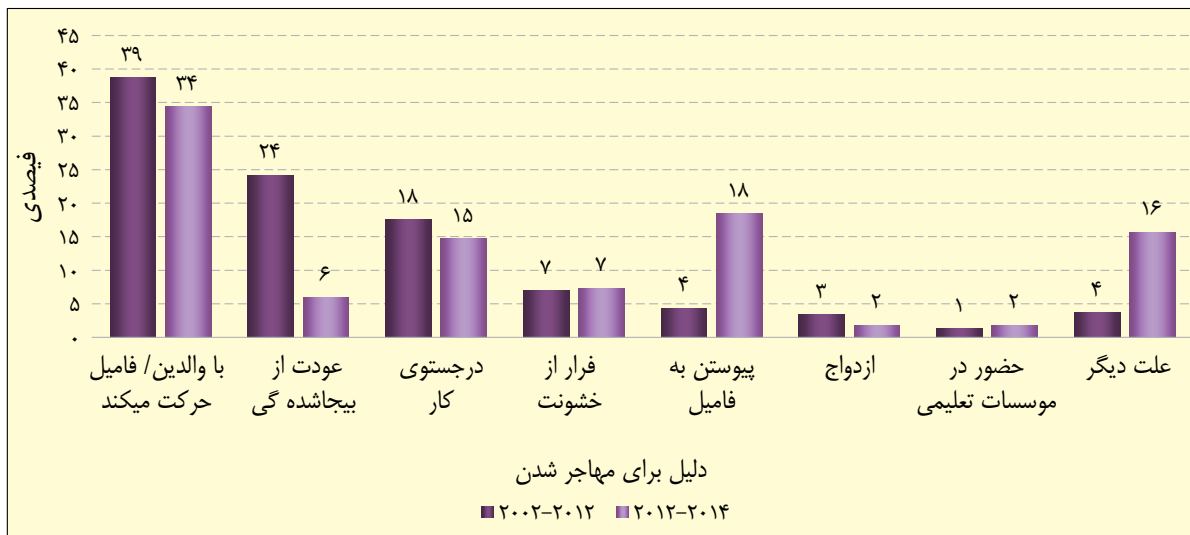
سروری وضعیت زندگی افغانستان تشخیص علل مهاجرت را در دو دوره متفاوت اجازه میدهد، یعنی بین ۱۳۸۱ و ۱۳۹۱ و دو سال قبل از سروری که عمدتاً دوره بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ است. برای هر دو دوره مهمترین علت، حرکت همراهی با والدین یا فامیل بود. که معمولاً به اطفال وابسته که والدین شانرا همراهی میکنند و خانم های وابسته که شوهران شانرا همراهی میکنند، مربوط میشود(شکل ۸.۴). برای انگیزه هایکه مهاجرت را حمایت میکنند، دلایل مهاجرین مستقل می تواند سر رشته ها را فراهم کند. در دوره بین ۱۳۸۱ و ۱۳۹۱ دو علت بسیار مهم عوامل دیگر عبارت از (عودت از بیجا شده گی) و "جستجوی کار" با بالاترین ۲۴ و ۱۸ فیصد بود. با فرض اینکه مهاجرین وابسته به اساس متناسب به کنگوری های دیگر توزیع شوند، این سهم ها حتی ۳۹ و ۲۹ فیصد خواهد بود.

تصویری که از این نتایج بوجود می آید آنست که جریان های مهاجرت داخلی در دهه بعد از سقوط رژیم طالبان به مقیاس زیاد توسط بیجا شده گان به محلات اقامت شان قبل از بیجا شدگی شکل می گیرد. کابل و پنجشیر با هم نصف بیجا شده گان عودت کننده را با سهم های تقریباً مساوی فراهم کردند. یک ربع دیگر از بغلان، بلخ، هرات و ننگرهار آمدند. کابل و پروان مهمترین محل مقصد این عودت کنندگان بود.

در دوره اخیر ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ سهم بیجا شده گان عودت کننده با ۶ فیصد (۹ فیصد در صورتیکه مهاجرین وابسته علاوه شود) بسیار کوچکتر بود. مهاجرت بخاطر کارایی به اندازه دهه قبل مهم بود. برای نسبت تعجب آور بلند مهاجرین که بخاطر پیوستن به فامیل حرکت کرده اند توضیح آماده ای وجود ندارد.

در هر دو دوره جریان بیجا شده گی داخلی مرتبط به خشونت ایجاد شد که بالغ بر ۷ فیصد تمام مهاجرین داخلی می شود. بسیاری از اینها از وردک فرار کرده اند اما در سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۱، غور و لغمان همچنان محلات مبدا مهم بیجا شده گان بودند. کابل مهم ترین محل مقصد این بیجا شده گان جدید بوده، نزدیک به ۴۰ فیصد آنها را در هر دو دوره دریافت کرده است.

شکل ۸.۴: مهاجرین داخلی به تفکیک دوره مهاجرت و به تفکیک علت مهاجرت (به فیصدی)



### ۳.۴ مهاجرت بین المللی

جریان های پناه گزینان و متعاقب آن عودت کننده گان بر منظره مهاجرت افغانستان از دهه ۷۰ میلادی تسلط داشته است. وضعیت خشونت اخیر در افغانستان در جریان دوره های متعاقب اشغال شوروی، جنگ های مجاهدین و حکومت طالبان حرکت های کنلوی را، مخصوصاً به ایران و پاکستان و به مقیاس کمتر به کشورهای اتحادیه اروپا، امریکا شمالی و استرالیا موجب گردید. گرچه حرکت به ایران و پاکستان قسماً ادامه سیستم بسیار عنعنوی مهاجرت در بین سه کشور بوده صرفاً به پناه گزینی ارتباط نداشت (Kronenfeld ۲۰۰۸, Monsutti ۲۰۰۸).. ارتباطات قوی مهاجرت با ایران و پاکستان برای قرن ها هم برای کوچی ها که مسیر مهاجرت شان به کثرت سرحد را عبور می کند و هم نفوس مسکون که روابط فرهنگی در کشورهای همسایه داشتند و به کثرت به مقاصد فامیلی و معیشتی حرکت میکردند.

از سال ۱۳۸۱ به اینطرف، بعد از سقوط رژیم طالبان مهاجرت باز گشتی بزرگ پناه گزینان که در پاکستان و ایران زندگی میکردند بوقوع پیوست. علی الرغم این واقعیت که میزان های عودت از سال های ۱۳۸۷-۱۳۸۱ (UNHCR ۲۰۱۵). سقوط کرده است، افغانستان بزرگترین عملیات عودت در جهان است. گرچه دلایل وجود دارد باور کنیم یک سهم ناشناخته اما مناسب این عودت کننده گان بصورت دایمی در افغانستان مسکن گزین نشدند، ولی دوباره به کشورهای پناه دهنده قبلی باز گشته یا شیوه زندگی را انکشاف داده اند که در هر دو کشور تکیه گاه دارد (طور مثال Monsutti ۲۰۰۸).

در پهلوی تاثیر عودت، تبادل بسیار عنعنوی افغان های مهاجر بین کشورهای همسایه ادامه داشته و شامل اندازه بزرگ مهاجرت کاری می شود. علاوهً محل های مقصد جدید بوجود آمده، مخصوصاً کشورهای خلیج تعداد افزایش یابنده کارگران افغان را جذب می کند. در چند سال گذشته خرابی وضع امنیتی در افغانستان ممکن است بیجا شده گی های جدید را به کشورهای دیگر بوجود آورده است. معلومات سروی وضعیت زندگی افغانستان در مورد مهاجرت بین المللی بسیاری از عناصر فوق را تصدیق میکند.

### ۱.۳.۴ مهاجرین به داخل و مهاجرت به داخل

چه تعداد، کجا و از کجا؟

بیشتر از ۷۵۰ هزار نفر نفوس افغانستان - ۲ فیصد مجموع نفوس - در خارج تولد شده اند. دو ثلث آنها در پاکستان و یک ثلث در ایران و یک فیصد دیگر در سایر کشورهای تولد شده اند. اگر چه، در سال ۱۳۸۱ زمانیکه طالبان از قدرت برکنار شدند و عودت کنلوی پنا گزینان آغاز شد ۸ فیصد نفوس فعلی افغانستان<sup>۲</sup> در خارج زندگی میکردند. پاکستان و ایران کشورهای محل سکونت با بالترتیب ۶۳ فیصد و ۳۷ فیصد افغان های مقیم است که در سال ۱۳۸۱ در خارج زندگی میکردند.

<sup>۳</sup> به نفوسیکه قبل از سال ۱۳۸۱ تولد شده مربوط می شود

جدول ۲.۴: نفوس ساکن که در خارج تولد شده در سال ۱۳۸۱ در خارج زندگی میکردند و در سال ۱۳۹۱ در خارج زندگی میکردند  
به تفکیک کشور محل اقامت در خارج (به فیصدی)

کشور محل اقامت	در خارج تولد شده	در سال ۱۳۸۱ در خارج زندگی میکرد	در سال ۱۳۹۱ در خارج زندگی میکرد
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
پاکستان	۶۵.۶	۶۲.۷	۲۹.۹
ایران	۳۳.۴	۳۶.۶	۶۳.۴
سایر کشورها	۱.۱	۰.۷	۶.۷

اندازه مهاجرت باز گشتی در سالهای بسیار نزدیک کاهش یافته است، که احتمال دارد به این واقعیت که تعداد افغان ها در ایران و پاکستان - مخصوصاً آنهایکه می خواهند عودت کنند - به اندازه زیاد کاهش یافته و به خراب شدن وضع امنیتی در افغانستان ارتباط داشته باشد. تخمین تعداد نفوس ساکن که دو سال قبل از سروی در خارج زندگی میکردند ۱۱۲ هزار یا کمتر از نیم فیصد مجموع نفوس است. تا اندازه ایکه این حجم مهاجرت از خارج را انعکاس میدهد. و مهاجرت از خارج می تواند بصورت مساویانه بین دو سال تقسیم شود، نسبت سالانه مهاجرت بداخل برای دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ می تواند به اندازه ۰.۲ فیصد محاسبه شود.

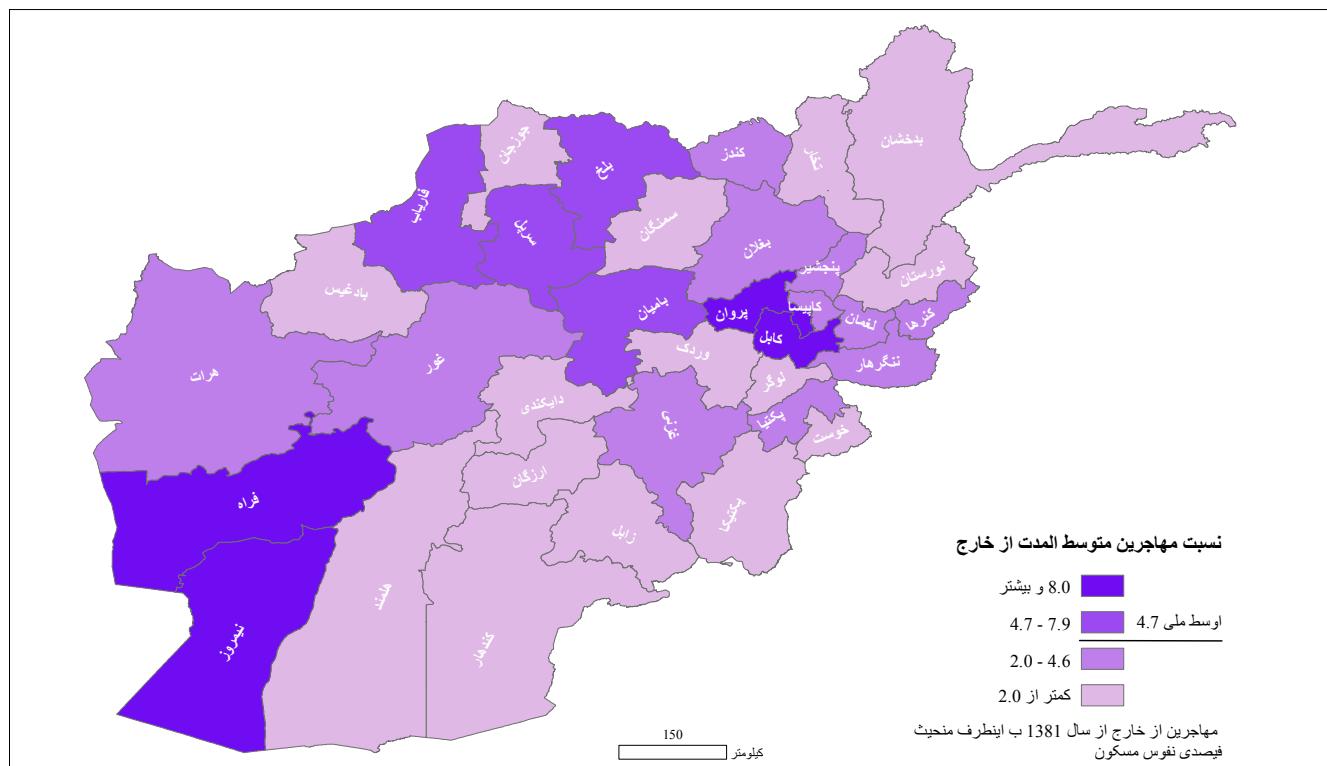
در میان این نفوس مهاجرین متاخر بداخل از ایران منحصیث کشوریکه بیشترین مهاجرین از خارج را فراهم میکنند (۶۳ فیصد) قسماً به علت پالیسی اخراج اجباری، از پاکستان سبقت کرده است. پاکستان ۳۰ فیصد مجموع مهاجرین از خارج را فراهم کرده است و یک سهم افزایش یابند. - ۷ فیصد - از سایر کشور ها عودت کرده اند، مخصوصاً کشور های خلیج منحصیث منطقه که مهاجرین از آنجا آمده اند، اهمیت کسب کرده است.

این میلان توقع می رفت، زیرا این کشور ها اخیراً تعداد زیاد نیروی کار از افغانستان را جذب کرده اند (همچنان بخش ۱.۵.۴ ملاحظه شود). و جائیکه مهاجرت بخارج صورت می گیرد مهاجرت از خارج نیز ظهور می کند.

در رابطه به ولایاتیکه مهاجرین در آنجا اقامت میکنند، کابل با مسکن دادن به تقریباً نصف (۴۵ فیصد یا ۵۹۵ هزار نفر) که از سال ۱۳۸۱ به اینطرف ظهور کرده است، بر صحنه تسلط دارد. در کابل سهم مهاجرین از پاکستان (۵۳ فیصد) نظر به این سهم از ایران (۳۳ فیصد) بلند تر بود، زیرا مهاجرین از ایران نسبتاً بیشتر تمایل داشتند در ولایات غربی فراه و هرات، فاریاب، نیمروز، بلخ و بامیان اقامت کنند.نسبت به نفوس مسکون نیمروز بیشترین (۱۶ فیصد مجموع نفوس) مهاجرین از خارج را دریافت کرده است. به تعقیب ان کابل، فراه و پروان قرار میگردند (شکل ۹.۴ ملاحظه شود). به سطح ملی ذخیره مهاجرین از خارج که آمده اند به سطح ۵ فیصد نفوس مسکون تخمین گردیده است.

مهاجرت از خارج نه تنها در ولایات معین تمرکز داشته، بلکه همچنان پروسه شهر نشینی را بزرگ می سازد. دقیقاً نصف مهاجرین از خارج در ساحات شهری زندگی میکنند، در حالیکه نفوس شهری به سطح ملی از ۲۴ فیصد نمایندگی میکنند.

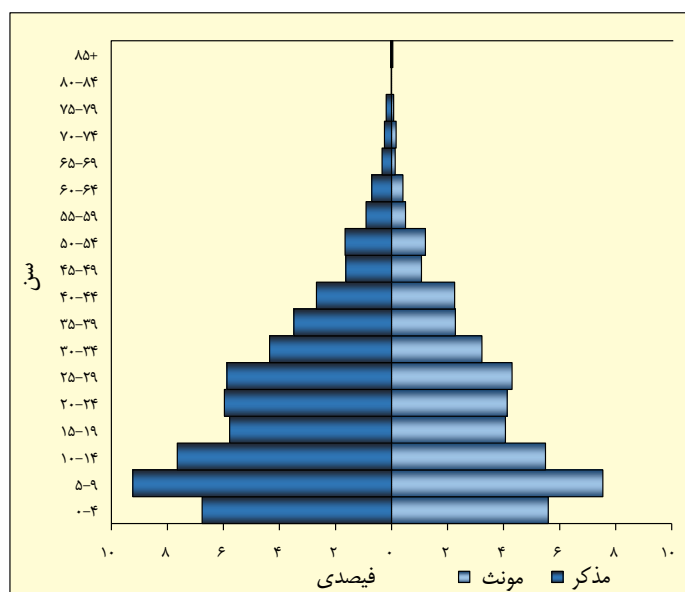
شکل ۹.۴: نسبت مهاجرت از خارج متوسط المدت به تفکیک ولایات



مهاجرین از خارج کی ها اند؟

ترکیب سن و جنس مجموع نفوس مهاجر از خارج مشابه به ترکیب نفوس مسکون است، گرچه مرد ها نظر به زن ها یک اندازه بیشتر نماینده گی دارند (۵۸ فیصد در مقابل ۴۲ فیصد) (شکل ۱۰.۴). این پروفایل نشان میدهد که مهاجرت از خارج اکثراً یک واقعه فامیلی است تا یک عمل انفرادی که برای جمعیت های عودت کننده نمونه است.

شکل ۱۰.۴: نفوس مهاجر از خارج به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)

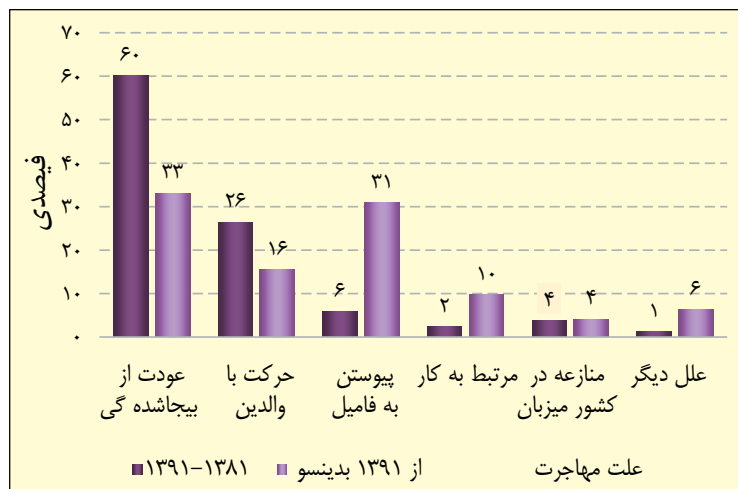


۴ اطفال جوان کمتر نمایندگی دارند، زیرا آنها به اندازه کلان سالان در معرض مهاجرت قرار نداشتند.

سالهای بین ۱۳۸۱ و ۱۳۹۱ دوره عودت پناگزینان بود. برای اکثریت ۶۰ فیصد مهاجرین از خارج درین دوره علت اصلی مهاجرت از خارج، عودت از بیجا شده گی در کشور دیگر قبل از ۱۳۸۱ بود (شکل ۱۱.۴). هر گاه سهم مهاجرین وابسته کتگوری هایکه با والدین یا فامیل شان حرکت کرده اند علاوه شود، این رقم حتی به ۸۲ فیصد می رسد. علت های دیگر مهاجرت از خارج درین دوره اهمیت کمتر داشته است. تفاوت عمده از لحاظ جنسیت در علل مهاجرت از خارج به افغانستان وجود نداشته است.

در دوره بسیار اخیر از سال ۱۳۹۱ به اینطرف عودت از بیجاه شدگی در خارج منحصراً علت اساسی مهاجرت از خارج کاهش یافته و از ۳۳ فیصد مهاجرین از خارج نمایندگی میکنند. هر گاه کتگوری اشخاصیکه با والدین یا فامیل شان حرکت می کنند به ان علاوه شود این رقم به ۳۹ فیصد افزایش می یابد. گرچه این میتواند کتگوری جدیداً ظهور کرده اشخاص باشد که به فامیل خوش پیوسته اند (۳۱ فیصد) متشکل از اعضای فامیل است که عقب مانده و در مرحله بعد تر زمانیکه فامیل پیش قراول موفقانه در افغانستان مسکن گزین گردید به آن می پیوندند. در صورتیکه چنین باشد این کتگوری همچنان می تواند بخش از نفوس پنا گزین عودت کننده پنداشته شده، در نتیجه فیصدی عودت کنندگان از بیجا شده گی به ۶۲ فیصد افزایش می یابد. عامل مهم دیگر برای مهاجرت از خارج متاخر کاریابی بود (۱۰ فیصد)

شکل ۱۱.۴: مهاجرین از خارج از ۱۳۸۱ به اینطرف به تفکیک علت مهاجرت از خارج و دوره مهاجرت از خارج (به فیصدی)



مشابه به مهاجرین داخلی، مهاجرین از خارج کلان سال بصورت متوسط درجه تحصیل بالاتر دارند. نسبت مهاجرین از خارج ۱۸ ساله و بالاتر که هیچ سطح تحصیلی را تکمیل نکرده اند ۶۲ فیصد است، در مقایسه با ۷۶ فیصد در نفوس مربوط غیرمهاجر. نسبت های تکمیل کننده کلان سالان با تعلیمات ابتدائی، ثانوی و تحصیلات عالی همه برای مهاجرین از خارج بلندتر بوده تاثیر ان بالای انات نسبت به ذکور قدری بلندتر است. جهت پاسخ به سوال که آیا تحصیلات بهتر مهاجرین از خارج بخاطر انست که اشخاص بیشتر تحصیل کرده بیشتر تمایل دارند به افغانستان مهاجرت کنند یا اشخاص در خارج-اکثراً در ایران-پاکستان-دسترسی بهتر به تعلیم و تربیه داشته اند، نیازمند تحلیل های عمیق تر است.

مشخصات نیروی کار مهاجرین از خارج نظر به نفوس غیر مهاجر بسیار زیاد متفاوت نیست، گرچه وضعیت انات یک اندازه فرق میکند. میزان سهم گیری آنها در نیروی کار یک اندازه بالاتر است (۳۳ فیصد در مقابل ۲۹ فیصد). اما بسیاری ازین زنان اقتصاداً فعال بیکار می مانند (۴۰ فیصد در مقابل ۳۵ فیصد).

### ۲.۳.۴ مهاجرین به خارج و مهاجرت به خارج

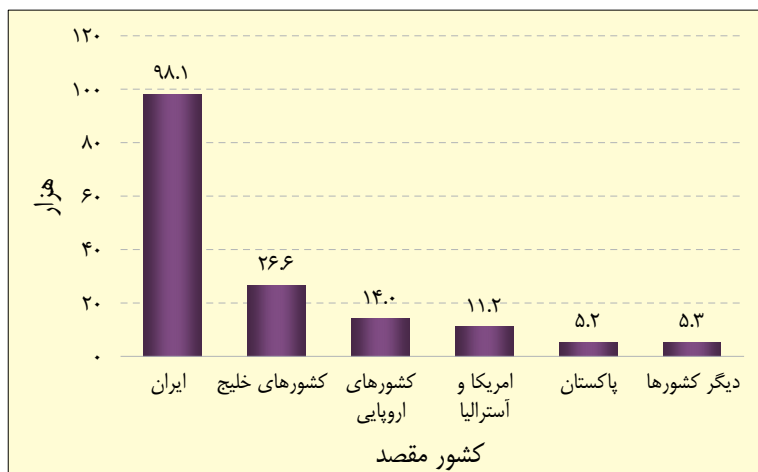
سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ همچنان در مورد مهاجرین به خارج و مهاجرت به خارج معلومات جمع آوری کرده است. از آنجائیکه- طبق تعریف- مهاجرین به خارج برای پاسخ دادن به معلومات در مورد حرکت شان بدسترس قرار ندارند، از اعضای ساکن خانوار تحقیق بعمل آمد تا در مورد اعضای قبلی خانوار که در ۱۲ ماه گذشته خانوار را ترک کرده اند معلومات دهند. این روش غیر مستقیم تعداد ۱۶۱ هزار مهاجر به خارج را در جریان سال قبل نشان میدهد. این به معنی یک میزان مهاجرت به خارج ۰.۶ فیصد است. باید توجه داشت مهاجرت به خارج که این گونه ارزیابی میشود به اندازه خانوار هایکه کلاً مهاجرت کرده اند کمتر گزارش داده می شود.

قابل توجه است که ایران محل مقصد بسیار مهم برای افغان ها است (در ۱۲ ماه قبل از سروی ۹۸ هزار مهاجر بخارج، را دریافت کرده). در حالیکه محل مقصد عنعنوی برای پاکستان به مشکل در بین کشور های متذکره دیده می شود (شکل ۱۲.۴). به همین گونه اهمیت کشور های خلیج قابل توجه است که ۲۷ هزار نفر یا یک نفر از هر شش نفر مهاجر بخارج را دریافت کرده است. بصورت بسیار مشخص این امر به نقش امارات متحده عربی که ۱۸ هزار افغان را دریافت کرده مربوط می گردد.

موقف پیشنهاد محل مقصد ایران همچنان توضیح میکند که چرا این کشور به کشور عمده مهاجرت باز گشتی به افغانستان نظر دوره قبل تبدیل شده است. (بخش ۳.۱.۴ ملاحظه شود). این امر همچنان ظهور کشور های خلیج را در احصائیه های مهاجرت از خارج توضیح میکند، گرچه تا هنوز نسبت به ایران کمتر مهم اند.

۱۴ هزار مهاجر به کشور های اروپایی- مخصوصاً انگلستان و المان- از نزدیک با احصائیه های ۱۵ هزار نفر اتحادیه اروپا مطابقت دارد (Eurostat ۲۰۱۵)، که به گزارش فعلی اعتبار می بخشد.

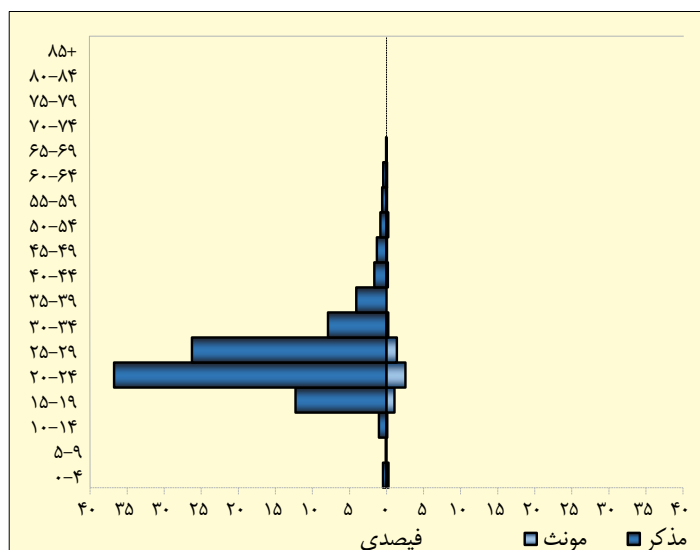
شکل ۱۲.۴: مهاجرین بخارج که در ۱۲ ماه قبل از سروی حرکت کرده اند به تفکیک جنس و کشور مقصد (به هزارنفر)



نفوس مهاجر بخارج تقریباً منحصراً متشکل از مرد ها بوده (۹۴ فیصد) و به سنگینی (۹۳ فیصد) در سنین جوانان کلان سال ۱۵ تا ۳۹ ساله تمرکز دارد (شکل ۱۳.۴). این یک پروفایل نمونه سن و جنس- گرچه در شکل افراطی-مهاجرت کاری است. در حقیقت برای ۹۱ فیصد مهاجرین بخارج ذکور استخدام علت اصلی حرکت بود، در حالیکه برای تعداد کم تر اناث چنین بوده. ازدواج و پیوستن به فامیل انگیزه های مهم حرکت برای ۸۲ فیصد بود. تا کنون جریان فرار قابل ملاحظه به علت نا امنی تشخیص شده نمی تواند. زیرا صرف برای ۲ فیصد مهاجرین بخارج این دلیل ارائه گردیده است. گر چه از انجائیکه پناه گزینان اکثراً با تمام فامیل حرکت می کنند، این اکثراً از سروی در کشور مبدا حذف می شوند.

صرف ۶ فیصد خانوار ها در افغانستان یک یا بیشتر از یک عضو شان در سال قبل از سروی بخارج مهاجرت کرده است. خانوار هایکه از ان ها مهاجر به خارج حرکت کرده نظر به خانوار های غیر مهاجر بخارج بصورت قابل توجه بزرگتر هستند: ۸.۴ در مقابل ۷.۴ عضو خانوار. احتمال دارد بسیاری ذکور مهاجر بخارج زن و اطفال شانرا در عقب خویش در خانوار والدین خود گذاشته اند. یک فرضیه که توسط یافتن تعداد بیشتر نواسه ها و عروس ها در خانوار ها دارای مهاجر بخارج تأیید می شود.

شکل ۱۳.۴: مهاجرین بخارج که در ۱۲ ماه قبل از سروی حرکت کرده اند به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)



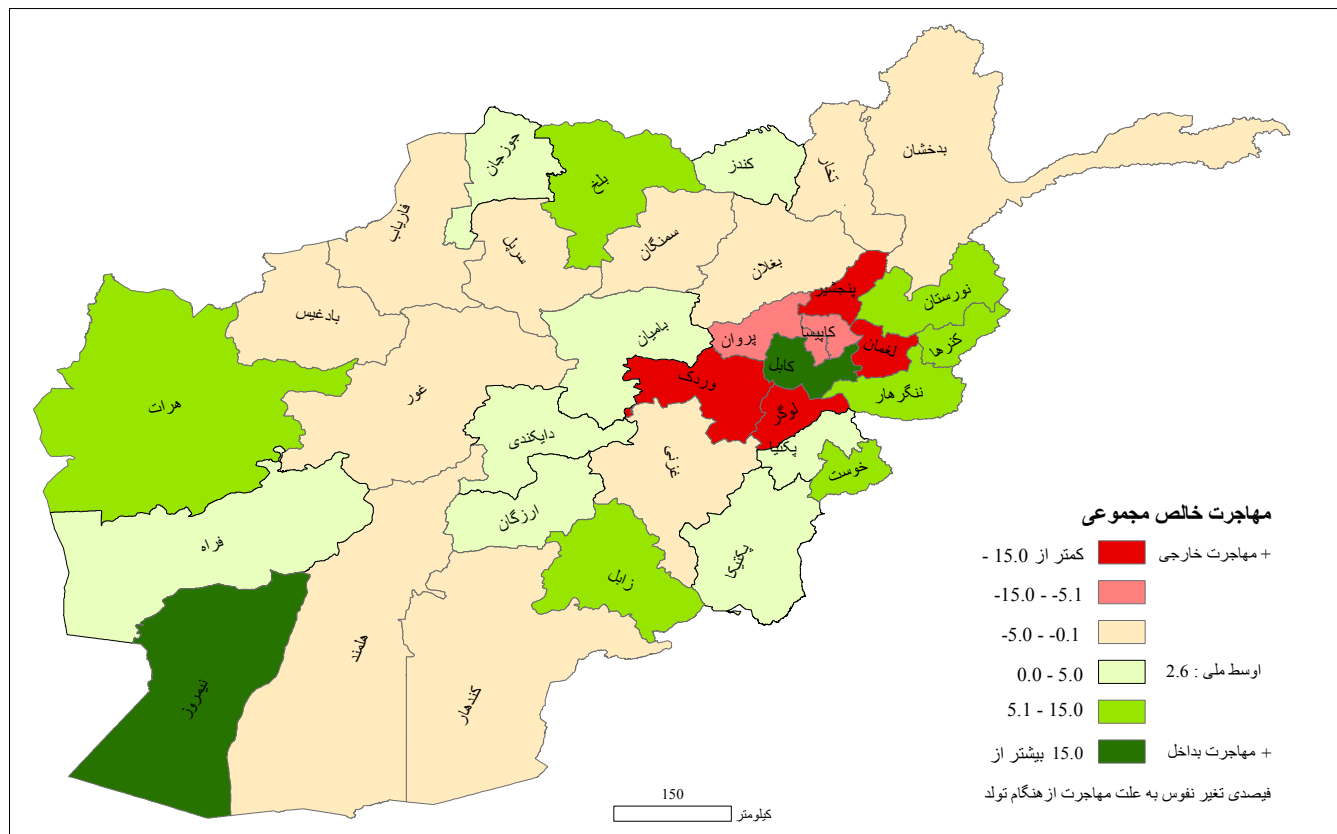
## ۴.۴ بیانسی مهاجرت

روبهرفته سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ پیشنهاد میکند که حدود ۳۰ میلیون نفر نفوس ساکن گاهی مهاجرت کرده اند. یا در داخل بین ولایات یا سرحدات بین المللی را عبور کرده اند. این رقم از ۱۱ فیصد مجموع نفوس نمایندگی میکند. در مجموع این مهاجرین ۴.۸ میلیون بار حرکت کرده اند.

بیشترین علت مهاجرت که گزارش داده شده- برای ۴۰ فیصد مهاجرت ها- حرکت به علت مهاجرت والدین یا فامیل بود. این نسبت بزرگ تعداد بزرگ اطفال- وابسته- در فامیل های افغانستان را پشتیبانی نمی کند. علت عمده دوم که تذکر داده شده بازگشت از بیجا شدگی بود (۲۵ فیصد) که علل مربوط به استخدام (۱۳ فیصد) به تعقیب ان قرار می گیرد. با فرض اینکه اشخاص وابسته بخاطر حرکت کرده اند که فامیل شان حرکت کرده بتوانند به علل اصلی برای ان فامیل ها توزیع شود کتگوری عودت از بیجا شده گی در حقیقت انگیزه ۴۲ فیصد مهاجرت ها خواهد بود. همراه با ۱۰ فیصد حرکت هایکه به علت خشونت یا جنگ صورت گرفته، به معنی آنست بیشتر از نصف حرکت های را که مردم افغانستان انجام داده اند به علت بیجا شدن مرتبط به خشونت ارتباط دارد. جستجوی کار دومین علت عمده برای تغییر محل اقامت بوده است (۲۲ فیصد مهاجرت ها). گرچه ازدواج یک علت بسیار مهم برای تغییر محل اقامت، مخصوصاً برای زنان است، در سطح مهاجرت بین المللی و بین ولایات این یک علت جزئی است. بسیاری از حرکت های مربوط به ازدواج در داخل ولایت صورت میگیرد (۲۰۱۴ CSO).

تاثیر مرکب مهاجر داخلی و مهاجرت از خارج بالای نفوس ولایات افغانستان در شکل ۱۴.۴ ارائه گردیده است. این شکل سیستم مهاجرت کابل و ولایات مجاور ان را با الترتیب منحنی جذب کننده و عرضه کننده مهاجرین بوضاحت نشان میدهد. همچنان ولایات همسرحد پاکستان و ایران و ولایات دارای مراکز بزرگ شهری به صورت برجسته منحنی ولایاتی با دریافت نفوس از طریق مهاجرت از خارج یا مهاجرت داخلی ظاهری شوند.

شکل ۱۴.۴: تاثیر کلی مهاجرت خالص (الف) بالای اندازه نفوس به تفکیک ولایات (به فیصدی)



الف بدون مهاجریکه فعلاً از خارج زندگی میکنند

تاثیر نسبی مهاجرت در کابل و نیمروز بزرگترین بود، جائیکه به علت تفاوت افرادیکه داخل می شوند و افرادیکه خارج میشوند نفوس حدود یک چهارم رشد کرده. بلخ به تعقیب ان با دریافت خالص اندکی زیر ۱۰ فیصد در مقام سوم قرار میگیرد. پنجشیر ولایتی است که از لحاظ نسبی اکثر نفوس خود را از دست داده است: و بدون مهاجرت ۲۸ فیصد نفوس بیشتر میداشت. پروان، لوگر، وردک و لغمان بین ۱۰ تا ۱۹ فیصد نفوس بیشتر میداشتند.

در ارقام مطلق کابل به علت مهاجرت دریافت خالص بسیار زیاد داشته: نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر، همچنان بلخ، هرات و ننگرهار هر یک دریافت قابل ملاحظه مهاجرت خالص هر یک حدود ۱۰۰ هزار نفر داشتند. در حالیکه خوست، کندز، نیمروز و کنر ها بین ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر بیشتر داشتند. از جانب دیگر لغمان و وردک هر یک ۱۰۰ هزار نفر و پروان و لوگر بین ۸۰ تا ۹۰ هزار نفر را از دست داده اند.

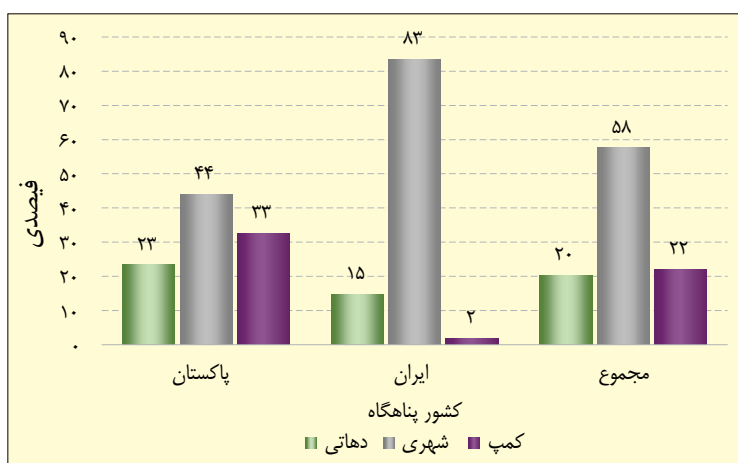
به مقیاس که وفیات برای سنجش میزان های سالانه مهاجرت از خارج و مهاجرت به خارج صدق میکنند (با الترتیب بخش های ۱.۳.۴ و ۲.۳.۴) از دست دادن نفوس در دو سال قبل از سروی ۱۰۵ هزار نفر خواهد بود. این با میزان منفی مهاجرت سالانه ۰.۴ فیصد مطابقت دارد.

## ۵.۴ عودت از بیجا شدگی

### ۱.۵.۴ مبدا ها و مقصد های عودت کنندگان

نفوس مهاجر که از بیجا شدگی عودت کرده اند مشتمل بر سه چهارم پناه گزینان که از خارج عودت کرده اند و یک چهارم بیجا شده گان داخلی میباشد. پناگزینان عودت کننده حدود دو ثلث شان از پاکستان و یک ثلث از ایران منشأ گرفته اند. نوع اقامت در بین کشور ها تفاوت قابل ملاحظه داشت. در حالیکه در ایران اکثریت بزرگ ۸۳ فیصد در ساحات شهری و متباقی در ساحات دهاتی زندگی میکردند، در پاکستان محل اقامت بسیار مساویانه تر بین ساحات شهری (۴۴ فیصد) کمپ های پناه گزینان (۳۳ فیصد) و قریه های دهاتی (۲۳ فیصد) توزیع شده بود (شکل ۱۵.۴).

شکل ۱۵.۴: پناه گزینان عودت کننده به تفکیک کشور پناه دهنده در تفکیک محل اقامت در کشور پناه دهنده (به فیصدی)

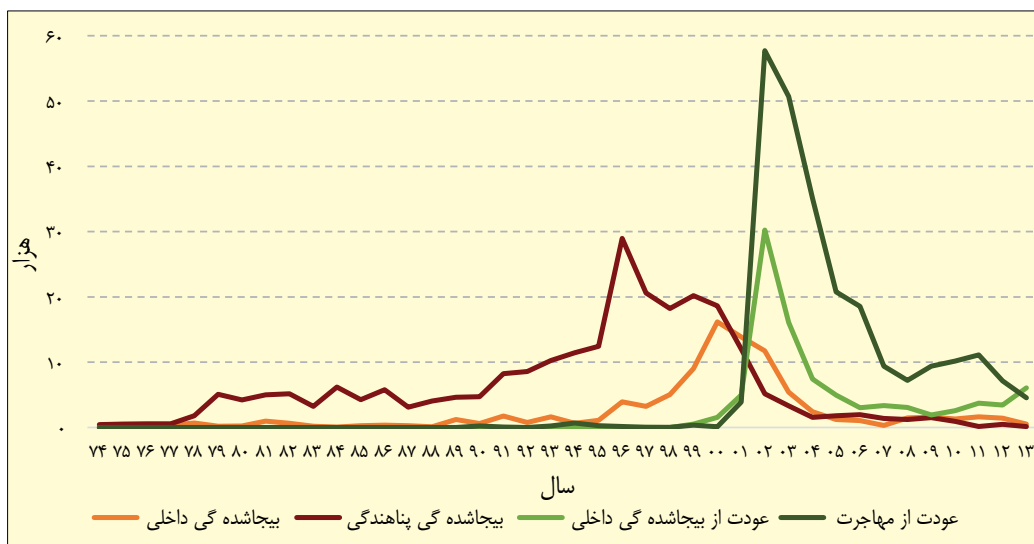


ولایت که برای بزرگترین تعداد خانوار های بیجا شده داخلی پناه داده کابل بود (۳۵ فیصد) به تعقیب آن پنجشیر (۱۰ فیصد) و بلخ (۹ فیصد) قرار دارد.

ولایت که در آن جا خانوار های عودت کننده-پناه گزینان قبلی، و بیجا شدگان داخلی- مسکن گزین شده اند ولایت کابل است. اکنون (۳۷ فیصد) پناه گزینان عودت کرده در کابل زندگی میکنند. ولایات با تعداد بزرگ خانوار های عودت کننده عبارت از پروان (۱۸ فیصد)، بلخ (۱۰ فیصد) و فراه (۷ فیصد) اند.

شکل ۱۶.۴ زمان بیجا شدن و عودت خانوار های را که در داخل یا خارج بیجا شده اند نشان میدهد. ارقام نشان میدهد که در ابتدا پنا گزینی در خارج ستراتیژی بسیاری خانوار ها بود و بیجا شدن داخلی به مقیاس بزرگ در سال های ۱۹۹۰ میلادی صورت گرفت. سال ۱۳۸۱ دوره عودت کتلوی را نشان میدهد. در مقیاس کوچکتر پناه گزینان به بازگشت ادامه میدهند، اما ذخیره پناه گزینان داخلی که هنوز عودت نکرده اند به نظر می رسد که تقلیل یافته اند. حدود یک ثلث خانوار های پناه گزین عودت کرده گزارش داده اند که توسط اداره مهاجرت ملل متحد یا موسسه دیگر در عودت شان به افغانستان کمک شده اند. اکثریت ان ها داوطلبانه عودت کرده و ۷ فیصد تذکر داده اند که اخراج شده اند. خانوار های عودت کننده بیجا شده داخلی همه داوطلبانه عودت کرده اند.

شکل ۱۶.۴: بیجا شدگی و عودت خانوارهای بیجا شده به تفکیک سال حرکت و حالت پناه گزین - بیجا شده (به فیصدی)



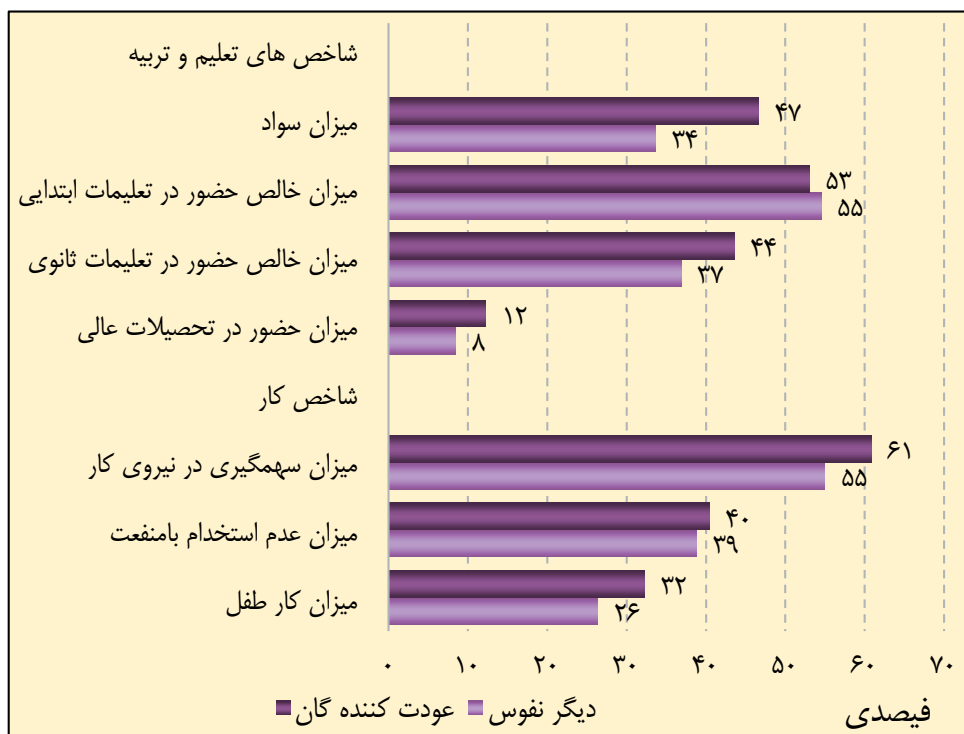
#### ۲.۵.۴ وضعیت زندگی عودت کنندگان

یک سوال مناسب آن است که چگونه وضعیت زندگی پناه گزینان با وضعیت زندگی افرادی که بیجا شدگی و عودت متعاقب آنرا تجربه نکرده اند ارتباط دارد. شکل ۱۷.۴ الف و ب شاخص منتخب انکشافی را بالترتیب در سطح افراد و خانوار نشان میدهد. در رابطه به شاخص های مرتبط به تعلیم و تربیه وضعیت پناه گزینان نسبت به غیر پناه گزینان بهتر است. در حالیکه در رابطه به شاخص های نیروی کار ، عملکرد مخلوط است (شکل ۱۷.۴ الف) پناه گزینان هر دو جنس و تمام گروه های سن بصورت متوسط بهتر قادر اند بخوانند و بنویسند که منتج به تفاوت کلی قابل ملاحظه در میزان سواد ۴۷ در مقابل ۳۴ فیصد به نفع عودت کننده ها می گردد. در رابطه به میزان های حضور در تعلیم و تربیه، حضور در مکاتب ابتدائی کم و بیش در هر دو جمعیت مشابه است. میزان های حضور در تعلیمات ثانوی و تحصیلات عالی به میزان قابل توجه در بین عودت کننده گان بهتر است. گرچه تفاوت تقریباً بصورت انحصاری توسط حضور پسران در تعلیم بوجود آمده است.

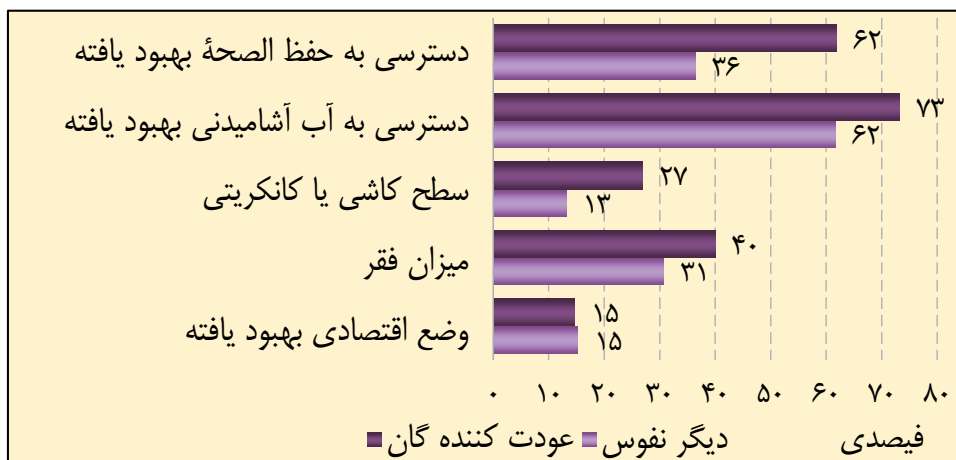
میزان سهمگیری در نیروی کار در بین عودت کننده گان نظر به غیر عودت کنندگان بهتر است (۶۱ فیصد در مقابل ۵۵ فیصد)، مخصوصاً به علت میزان بالای سهمگیری زنان . گرچه این عودت کنندگان زن اقتصاداً فعال به درجه بلندتر بصورت پر منفعت استخدام نشده اند (یا بیکار یا کم کار اند)؛ ۵۶ فیصد در مقابل ۵۰ فیصد برای نیروی کار غیر عودت کننده اناث. برای نیروی کار - بسیار بزرگتر - ذکور تفاوتی وجود ندارد، که منتج به میزان کلی عدم استخدام پر منفعت برای عودت کنندگان و غیر عودت کنندگان می شود که مشابه است (بالترتیب ۴۰ فیصد و ۳۹ فیصد). یک شاخص به سطح افراد که بصورت آشکار به نفع عودت کننده ها نیست، عبارت از شاخص کار طفل است، صرف یک ربع اطفال غیر عودت کننده در کار طفل اشتغال دارند، در حالیکه تقریباً یک ثلث اطفال عودت کننده به کار طفل مشغول اند.

شکل ۱۷.۴: شاخص های منتخب الف. سطح افراد ب. سطح خانوار به تفکیک وضعیت عودت کننده (به فیصدی)

الف. شاخص های سطح افراد



ب. شاخص های سطح خانوار



بیشترین متحولین سطح خانوار وضعیت زندگی بهتر را برای خانوارهای عودت کننده نظر به دیگر خانوارها نشان میدهد (شکل ۱۷.۴ ب) سهولت های خانوار مانند حفظ الصحه و آب آشامیدنی بهبود یافته، همچنان کیفیت بالاتر واحد مسکونی از لحاظ سطح اتاق که با کاشی یا کانکریت فرش شده، بصورت قابل توجه بیشتر به دسترسی خانوارهای عودت کننده نظر به خانوارهای غیر عودت کننده قرار داشت. نکته با اهمیت اینکه میزان فقر که بسیاری عرصه های رفاه مادی را تحت پوشش قرار میدهد وضعیت بهتر را برای افراد در خانوارهای عودت کننده نظر به خانوار های غیر عودت کننده نشان میدهد.

احتمال دارد نوع محل اقامت یک عامل بسیار مهم توضیح کننده برای بهتر بودن عمومی وضعیت عودت کننده ها است، طوریکه دو مرتبه بیشتر از غیر عودت کننده ها در مناطق شهری زندگی می کنند.



## ۵. نتایج بازار کار

**خلاصه:** فصل نتایج بازار کار شاخص های بازار کار را بر اساس تعریف جدید ملی که بار نخست در گزارش سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بکار برده شد، (CSO ۲۰۱۴) جدولبندی و تحلیل می کند. تحلیل ها پیشنهاد میکند که بازار کار افغانستان تحت فشار قابل ملاحظه قرار دارد. اندکی بیشتر از دو ثلث نیروی کار ۸.۵ میلیون نفری زیر سن ۴۰ سالگی قرار دارند. در عین حال مجموعاً ۶۸ میلیون افغان عمدتاً زنان (۵.۳ میلیون) در نیروی کار سهم نمی گیرند. زراعت دو پنجم، صنعت کمتر از یک دهم استخدام را شامل میگردد. در حالیکه اخیراً سکتور بسیار پر تحرک تجارت، ترانسپورت، مالی، املاک و بیمه اندکی کمتر از یک پنجم استخدام را تشکیل میدهد. اکثریت (۶۱ فیصد) شامل مکتب نبوده و صرف ۱۰ فیصد در مکتب تا سطح ابتدائیه در مکتب حضور داشته اند. در نتیجه ۹ دهم نیروی کار استخدام شده در مشاغل غیر ماهر کار میکنند. تفاوت های جنسیتی در نتایج بازار کار شدید است. در حالیکه میزان سهم گیری پائین (۲۹ فیصد) است، کار فامیلی بدون مزد و زراعت حد اقل دو سوم استخدام زنان را تشکیل میدهد. و عواید میانه وسطی ماهانه زنان نظر به مرد ها در مشاغل مساوی بسیار پائین تر است. مقایسه شاخص های بازار کار بین سال های ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و ۱۳۹۲-۱۳۹۱ پیشنهاد میکند که یک تغییر بزرگ از کار به بیکاری مخصوصاً در سکتور شهری وجود داشته. یک کاهش اساسی در رشد، تحت فشار بی اعتمادی دوامدار سیاسی و انتقال امنیتی، افزایش منازعات و کاهش کمک های احتمالاً عوامل اساسی بوده اند.

چهار فیصد افغان های سن کار به محل اقامت فعلی شان بخاطر کار از داخل کشور (۸۷ فیصد) یا از خارج کشور (۱۳ فیصد)، مهاجرت کرده اند. در حالیکه یک نسبت نا متناسب بزرگ مهاجران کاری داخلی متشکل از کوچی ها اند، دو ثلث مهاجران ساکن (غیر کوچی) به ولایت کابل مهاجرت کرده اند. تقریباً دو ثلث تمام مهاجران داخلی ساکن از مناطق دهاتی به ساحات شهری مهاجرت کرده اند. یک نسبت بسیار کوچک ۴ فیصد در مسیر مخالف مهاجرت کرده اند. مهاجرین کاری داخلی تمایل داشتند مرد بوده (۷۷ فیصد) و بصورت مساویانه در گروه های مختلف سن توزیع شده اند، در حالیکه مهاجرین کاری تقریباً همه ذکور اند و بیشتر از دو ثلث آن ها در سال های بیست زندگی قرار دارند. مقصد عنعنوی مهاجرین کاری- پاکستان و ایران است- اولی بسیاری از جاذبه خود را نزد مهاجران از دست داده است. از جانب دیگر کشور های خلیج منحیث مقصد مهم مهاجران کاری ظهور کرده اند. به نظر می رسد که مهاجران کاری بهتر تعلیم یافته اند و مرد ها نظر به نفوس مجموعی در بازار کار بسیار بهتر کار میکنند. یک نسبت بزرگتر مهاجرین ذکور داخلی بصورت سودمند استخدام شده اند، کارهای بهتر یافته اند و بیشتر عاید کرده اند. گرچه مهاجرین ذکور از خارج دریافتن سودمند کمتر موفق بوده اند و میزان بالاتر بیکاری داشته اند. در مقابل به نظر میرسد دور نمای بازار کار زنان با مهاجرت بد تر شده است:

۷۴ فیصد مهاجرین داخلی و حتی ۸۳ فیصد مهاجرین از خارج بعد از مهاجرت غیر فعال باقی مانده اند. دورنمای مهاجرین کاری کوچی غم افزاست. آن ها میتوانند به اندازه ۴۵ فیصد عاید مهاجرین مسکون را احتمالاً به علت سرمایه بشری بسیار پائین، بدست آورند.

میزان های بلند کار اطفال در افغانستان همچنان وسعت را که بازار کار تحت فشار است، نشان میدهد. اندکی بیشتر از یک چهارم همه اطفال بین سنین ۵ و ۱۷ سال یعنی ۲.۷ میلیون طفل یا ۲۷ فیصد طبق تعریف سازمان بین المللی کار به کار طفل اشتغال دارند. این یکی از بلند ترین میزان های کار اطفال در جهان است. از جمله این اطفال ۴۶ فیصد بین سنین ۵ تا ۱۱ سال قرار دارند. در هر نسل سن تعداد بیشتر پسران نظر به دختران در کار طفل اشتغال دارند. و تفاوت جنسیت با سن افزایش میابد. البته هر گاه کار های خانه همچنان در نظر گرفته شود، طوریکه در تعریف یونسف در نظر گرفته شده، میزان کار طفل در بین دختران از ۲۰ فیصد به ۲۴ فیصد و برای دختران و پسران مجموعاً به ۲۹ فیصد افزایش مییابد. در حالیکه تعداد بیشتر پسران نظر به دختران در معرض شرایط پر خطر قرار دارند. حد اقل نصف اطفال کارگر، تعداد بیشتر پسران (۶۱ فیصد) نظر به دختران (۵۳ فیصد) در معرض گرد و خاک، گاز و بوی بد قرار دارند. نسبت مشابه پسران کارگر، اما بطور حاشیه ای نسبت های بزرگتر دختران در معرض سرما، گرما و رطوبت بیش از حد زیاد قرار دارند. در عین حال ۴۳ فیصد پسران و ۳۸ فیصد دختران به کار طفل اشتغال دارند. به علت کاری که انجام میدهند، مجروح یا مریض شده اند. در حالیکه ۴۰ فیصد پسرانیکه در مکتب حضور نداشتند ضرورت به کار کردن را منحیث علت عمده ذکر کرده اند. ۳۷ فیصد دختران که در مکتب حضور نداشتند به علت آن بوده که برایشان اجازه داده نشده. در حالیکه کار طفل قویاً با فقر خانوار ارتباط دارد، اشتغال در کار طفل دایره فقر را همیشگی میسازد. زیرا اطفال کارگر قادر نیستند مهارت های لازم را کسب کرده و صحت مند باقی بمانند این امر به نوبه خود احتمال ظرفیت آن ها را جهت کسب عاید کافی بخاطر بیرون شدن از فقر در آینده به عقب می اندازد.

تحلیل ها پیشنهاد میکند که به معیار های عرضه و تقاضا هر دو نیاز است تا رشد فرصت ها استخدام شایسته را در افغانستان افزایش دهد. تقاضا به نیروی کار ضرورت دارد تا از طریق ارتقای پر تکاپوی تشبث، ارتقای پیشه های کوچک تهیه مواد غذایی به مارکیت های صادراتی و همچنان به مارکیت های داخلی و محلی، افزایش یابد. سکتور زراعت نیاز دارد از طریق فراهم کردن عوامل بهتر مانند: تخم های اصلاح شده و کود، تسهیلات ذخیره، ایجاد بازار های محلی فعال و اعمار مجدد شبکه حمل و نقل و مواصلات جهت دسترسی به بازار های بسیار دور، بیشتر مولد شود. در عین وقت، کارگران همچنان باید با مهارت های مبتنی بر تقاضا تجهیز شوند تا بتوانند فرصت های کار مستقل ایجاد کنند یا در غیر آن صورت فرصت های ایجاد شده شغلی توسط سکتور افزایش یابنده کسب و کار بدست آورند.

### ۱.۵ مقدمه

بسیاری خانوار های افغان به عاید بازار کار اعضای شان جهت رفع نیازمندی های اساسی متکی اند. کرایه، اشکال ذکات، ارسال پول توسط عضو خانوار که به جای دیگر مهاجرت کرده همچنان برای بعضی ها منابع مفید عاید اضافی است. اما اکثریت عظیم افغان ها سطح میشت شان را از طریق فعالیت های مولد، کار فامیلی یا کار پر مخاطره غیر رسمی که در انجا ساعات بسیار طولانی یا بسیار کم، نورم است تامین می کنند. بنابراین شاخص های معیاری بازار کار که برای مقایسه های بین المللی بکار می روند نمیتوانند ماهیت حقیقی نتایج استخدام را در افغانستان ثبت کنند. بنابراین اداره مرکزی احصائیه با آغاز از گزارش سروی ملی خطر و آسیب پذیر ۱۳۹۱-۱۳۹۰ (CSO ۲۰۱۴)، تعاریف را انکشاف داده و بکار برده است که تصویر دقیق تر بازار کار افغانستان را بدست میدهد. طبق ان این گزارش هم چنان شاخص های بازار کار را به اساس تعاریف جدید ملی همراه با تعاریف بین المللی مربوط که در جدول ۱.۵ در ذیل ارائه گردیده، جدولبندی و تحلیل میکند.

انتخاب بسیار اساسی که افغان های سن کار در مارکیت کار مواجه اند ان است که ایا در بازار کار مشغول شوند یا نه یعنی ایا در بازار کار سهم بگیرند یا نه. انهاییکه تصمیم میگیرند در بازار کار سهم بگیرند به دو نتیجه مواجه میشوند: آنها ممکن است کاری پیدا کنند که بخواهند انرا انجام دهند که درین حالت قسمتی از نیروی کار استخدام شده میشوند، یا نخواهند کار کنند، که درین حالت ان ها به جستجوی کار ادامه داده بیکار پنداشته می شوند. گرچه انهاییکه کار میکنند به ست های بعدی نتایج کار مواجه میشوند: آنها ممکن است حد اقل ۸ ساعت در هفته کار کرده و به ان راضی باشند، درین حالت آنها منجیت استخدام شده سودمند پنداشته میشوند. بصورت علی البدل آنها ممکن کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار کرده و آرزو داشته باشند و آماده باشند ساعتی بیشتر کار کنند دراین حالت آنها کم کار پنداشته میشوند. تمام انهاییکه می خواهند و قادر اند بیشتر از سطح فعلی مصروفیت شان کار کنند و ان های اند که بصورت سودمند استخدام نشده اند. بنابراین افراد کم کار و بیکار با هم ان بخش از نیروی کار را تشکیل میدهند که بصورت سودمند استخدام نشده اند. افراد در جستجوی کار ممکن است از محل تولد شان، از محل دیگری که قبلاً در جستجوی کار مهاجرت کرده اند، مهاجرت کنند. آنها همچنان ممکن است بصورت فصلی بخاطر استخدام مهاجرت کنند. این مهاجرین کاری یک ست فرعی بسیار مهم نیروی کار کشور است.

این فصل در مورد نتایج بازار کار افغانستان طبق این چوکات اساسی تصمیم گیری در سهمگیری و نتایج استخدام سازمان داده شده است. بنابراین قسمت ۲.۵ انتخاب های اولیه را که افغان های سن کار در مورد اینکه در نیروی کار سهم بگیرند یا نه توضیح کرده و ذخایر و سهم ها را به تفکیک جنس، نسل سن و محل اقامت تخمین میکنند. بخش ۳.۵ نخست یک نظر کلی بر استخدام، کم کاری و بیکاری انداخته و پس از ان نظر نزدیک تر به مشخصات اشخاص مصروف کار و بیکار می اندازد. بخش ۴.۵ به ست فرعی نیروی کار که در جستجوی کار مهاجرت کرده اند نظر انداخته، مشخصات مهاجرین و نتایج بازار کار ان ها را توضیح میکند. این بخش همچنان وضعیت را در رابطه به مهاجرت فصلی توضیح میکند بخش ۵.۵ شیوع و مشخصات کار طفل در افغانستان را تخمین میکند.

### جدول ۱.۵: تعاریف نیروی کار

بخش های پرسشنامه شورای مردانه

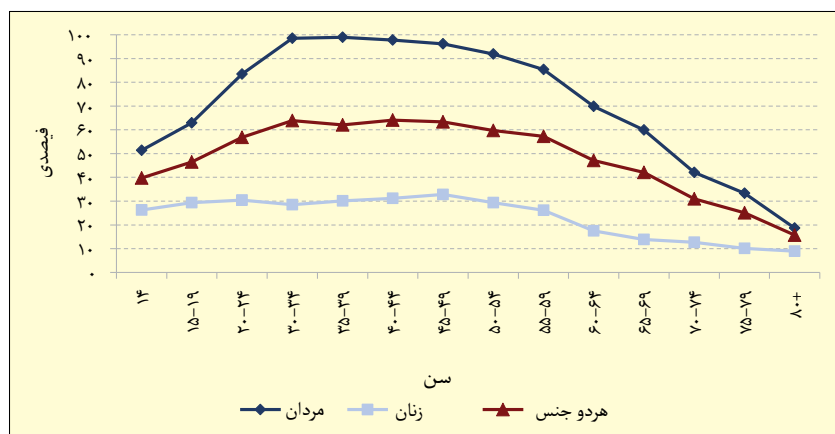
تعاریف ملی	تعاریف بین المللی
مصروف کار	تمام اشخاص ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان دوره مورد نظر یک هفته در استخدام با معاش بوده یا کارگر مستقل بوده و حد اقل هشت ساعت کار کرده
کم کار	تمام اشخاص ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان دوره مورد نظر یک هفته: الف. کمتر از ۴۰ ساعت کار کرده ب. برای ساعات اضافی کار آماده بوده ج. خواسته ساعات اضافی کار کند
بیکاری	تمام اشخاص ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان دوره مورد نظر یک هفته: الف. هیچ کار نداشته یا کمتر از ۸ ساعت کار کرده ب. در جستجوی کار بوده
در استخدام سودمند نبوده	تمام اشخاص ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان دوره مورد نظر یک هفته: الف. هیچ کار نداشته یعنی در استخدام با معاش یا کارگر مستقل نبوده ب. فعلاً آماده به کار است ج. در جستجوی کار بوده
در استخدام سودمند نبوده	تمام اشخاص ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان دوره مورد نظر یک هفته بیکار یا کم کار بودند.

### ۲.۵ سهم گیری نیروی کار

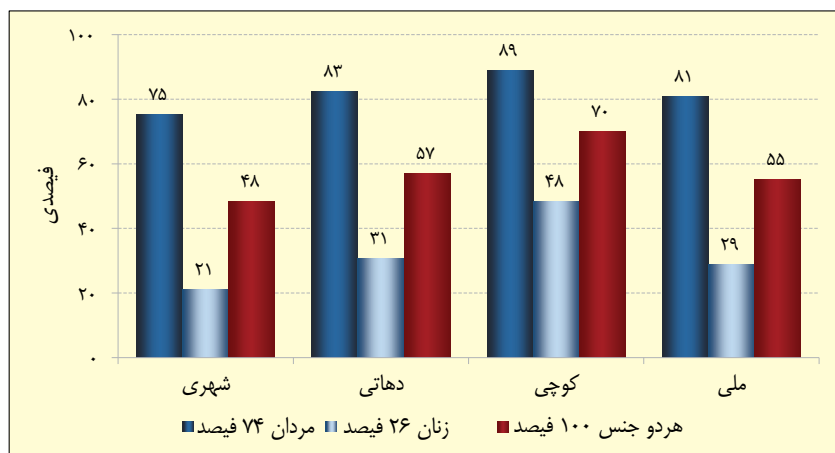
در حالیکه تخمیناً ۱۵ میلیون افغان که حداقل ۱۴ ساله اند و در نسل سن کار قرار دارند، تفاوت های بزرگ در میزان سهم گیری زنان و مردان منتج به میزان سهم گیری کلی ۵۵ فیصد میشود. در حالیکه میزان سهم گیری مردان در یک فیصدی بلند قرار دارد (۸۱ فیصد) حتی مرد ها در نسل سن ۷۵-۷۰ میزان سهم گیری ۴۰ فیصد را ثبت کرده اند. میزان سهم گیری زنان به سطح ۲۹ فیصد نفوس سن کار پائین است. میزان های سهمگیری مردان به بلند ترین حد نزدیک به ۱۰۰ فیصد زمانیکه ان ها حدود ۳۰ تا ۳۴ ساله اند، می رسد. در مقابل میزان های سهم گیری زنان هرگز از ۳۳ فیصد تجاوز نمی کنند و انهم صرف برای نسل سن ۴۵ الی ۴۹ ساله، زمانیکه بیوه گی و دشواری زنان را مجبور می کند. در بازار کار مشغول شوند. حتی در ۱۴ سالگی نصف نفوس ذکور در بازار کار سهم می گیرند. در مقابل میزان های سهم گیری زنان در تمام گروه های سن تفاوت های اندکی را نشان میدهند (شکل ۱.۵). هنگامیکه ۲۶ فیصد دختران ۱۴ ساله مصروف کار بوده یا در جستجوی استخدام مبتنی بر بازار اند، صرف ۲۸ فیصد زنان نسل ۳۴-۳۰ ساله در بازار کار سهم میگیرند. گرچه بر خلاف میزان های سهم گیری مردان، میزان سهم گیری زنان بصورت قابل ملاحظه نظریه محل اقامت تفاوت میکند. در بین زنان کوچی میزان سهم گیری تا ۴۸ فیصد افزایش می یابد، در حالیکه در مناطق شهری میزان سهم گیری به ۲۱ فیصد یا یک پنجم نسل سن کار کاهش می یابد (شکل ۲.۵). به نظر می رسد سهم گیری زنان توسط دسته ای از عوامل به شمول نورم های فرهنگی، تحمل بار مسولیت کار های مرتبط به مواظبت، امنیت، مشکلات در دسترسی و فقدان فرصت های کاری در اقتصاد محلی (Aturupane et al. ۲۰۱۳) محدود می شود.

افغانستان همچنان با اندکی بیشتر از ۵۰ فیصد افراد جوان بین سنین ۱۴ تا ۲۹ ساله، یک نیروی کار بی نهایت جوان دارد. رویهمرفته ۷۰ فیصد نیروی کار یا نزدیک به ۶ میلیون نفر از ۸.۵ میلیون نفر نیروی کار کمتر از ۴۰ سال سن دارند. اندکی بیشتر از یک چهارم این نیروی کار جوان از زنان تشکیل یافته (جدول ۲.۵ و شکل ۱.۵).

شکل ۱.۵: سهم گیری در نیروی کار به تفکیک سن و جنس (به فیصد)



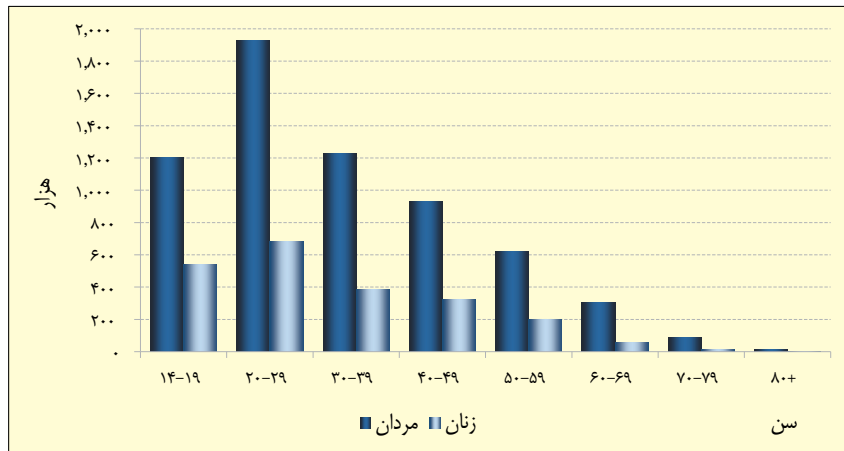
شکل ۲.۵: سهم گیری در نیروی کار به تفکیک جنس و محل اقامت (به فیصد)



جدول ۲.۵: نیروی کار به تفکیک سن و جنس

سن	به هزار		به فیصد		هر دو جنس
	مردان	زنان	مردان	زنان	
مجموع	۸,۵۱۵.۵	۶,۳۲۲.۶	۲,۱۹۲.۹	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۱۴-۱۹	۱,۷۴۳.۵	۱,۲۰۵.۸	۵۳۷.۷	۲۰.۵	۲۴.۵
۲۰-۲۹	۲,۶۰۸.۸	۱,۹۲۸.۹	۶۷۹.۸	۳۰.۶	۳۱.۰
۳۰-۳۹	۱,۶۱۳.۰	۱,۲۲۸.۲	۳۸۴.۸	۱۸.۹	۱۷.۵
۴۰-۴۹	۱,۲۵۱.۲	۹۳۰.۵	۳۲۰.۷	۱۴.۷	۱۴.۶
۵۰-۵۹	۸۱۸.۵	۶۲۱.۸	۱۹۶.۷	۹.۶	۹.۰
۶۰-۶۹	۳۶۱.۵	۳۰۶.۹	۵۴.۶	۴.۲	۲.۵
۷۰-۷۹	۱۰۰.۹	۸۵.۶	۱۵.۳	۱.۲	۰.۷
۸۰-۸۹	۱۵.۲	۱۲.۶	۲.۵	۰.۲	۰.۱
۹۰+	۲.۹	۲.۳	۰.۶	۰.۰	۰.۰

شکل ۳.۵: نیروی کار به تفکیک سن و جنس (الف)



الف ارقام داخل قوس سهم گیری هر کنکوری را در مجموع نشان میدهد

### ۳.۵ استخدام، بیکاری و کم کاری

#### ۱.۳.۵ نظر کلی بر استخدام، بیکاری و کم کاری

این بخش سهمگیری نیروی کار افغانستان را به اجزای متشکله آن استخدام، کم کاری و بیکاری طوریکه نخست در سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تعریف گردیده (۲۰۱۴ CSO) و در جدول ۱.۵ در فوق تنظیم شده تجزیه میکند. طبق آن حتی در حالیکه ۱۵ میلیون افغان حد اقل ۱۴ ساله هستند و در سن کار قرار دارند و ۸.۵ میلیون نفر آن ها کار می کنند، صرف ۵ میلیون نفر بصورت سودمند استخدام شده اند، یعنی در دوره مورد نظر یک هفته حد اقل هشت ساعت در استخدام با معاش بوده یا کار مستقل می کنند (جدول ۳.۵). تخمین شده که ۱.۴ میلیون نفر کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند. این افراد همراه با ۱.۹ میلیون نفر بیکار انهایی را تشکیل میدهد که بصورت سودمند استخدام نشده اند.

در نتیجه، نسبت استخدام بر نفوس برای کشور بصورت کل ۴۳ فیصد است. که اوسط میزان ۶۷ فیصد برای مردان، اما ۱۸ فیصد برای زنان است. صرف یک چهارم این تعداد زن ها هستند که تقریباً یک میلیون نفر را تشکیل میدهند، در حالیکه چهار میلیون نفر که بصورت سودمند استخدام شده اند مرد ها هستند. سه چهارم انهاییکه بصورت سودمند استخدام شده اند همچنان در مناطق دهاتی زندگی میکنند. حدود دو میلیون در ساحات

شاخص ۱.۵  
اهداف انکشافی هزاره نسبت استخدام بر نفوس  
**۴۲.۹**

شهری زندگی میکنند اما نیم میلیون کوچی هستند.

جدول ۳.۵: نفوس سن کار به تفکیک وضع فعالیت، محل اقامت و جنس  
الف. به هزار

محل اقامت، جنس	نیروی کار	مصروف کار	کم کار	بیکار	بصورت سودمند استخدام نشده	غیر فعال
ملی	۸,۵۱۵,۵	۵,۱۹۸,۴	۱,۳۹۴,۷	۱,۹۲۲,۴	۳,۳۱۷,۱	۶,۸۵۹,۵
ذکور	۶,۳۲۲,۶	۴,۱۰۷,۹	۱,۰۹۸,۸	۱,۱۱۵,۹	۲,۳۱۴,۷	۱,۴۷۹,۹
اناث	۲,۱۹۲,۹	۱,۰۹۰,۵	۲۹۶	۸۰۶,۴	۱,۰۰۲,۴	۵,۳۷۹,۶
شهری	۱,۹۶۲,۷	۱,۳۱۸,۴	۱۵۶,۶	۴۸۷,۸	۶۴۴,۴	۲,۰۹۸,۳
ذکور	۱,۵۳۴,۸	۱,۱۴۲,۴	۱۲۳	۲۶۹,۳	۳۹۲,۳	۵۰۴,۳
اناث	۴۲۸	۱۷۶	۳۳,۵	۲۱۸,۵	۲۵۲	۱,۵۹۴,۰
دهاتی	۶,۰۵۸,۰	۳,۵۳۹,۸	۱,۱۴۴,۰	۱,۳۷۴,۲	۲,۵۱۸,۲	۴,۵۵۰,۴
ذکور	۴,۴۵۲,۵	۲,۷۲۷,۱	۹۱۴,۵	۸۱۰,۸	۱,۷۲۵,۳	۹۳۴,۵
اناث	۱,۶۰۵,۵	۸۱۲,۷	۲۲۹,۵	۵۶۳,۴	۷۹۲,۹	۳,۶۱۵,۸
کوچی	۴۹۴,۸	۳۴۰,۲	۹۴,۲	۶۰,۴	۱۵۴,۶	۲۱۰,۸
ذکور	۳۳۵,۴	۲۳۸,۳	۶۱,۲	۳۵,۸	۹۷	۴۱,۱
اناث	۱۵۹,۴	۱۰۱,۹	۳۲,۹	۲۴,۶	۵۷,۵	۱۶۹,۸

ب. منحصراً شاخص ها

محل اقامت، جنس	میزان سهم گیری در نیروی کار	نسبت نفوس بر استخدام	میزان کم کاری	میزان بیکاری	میزان سودمند استخدام نشده	میزان غیر فعال
ملی	۵۵,۴	۴۲,۹	۱۶,۴	۲۲,۶	۳۹	۴۴,۶
ذکور	۸۱	۶۶,۷	۱۷,۴	۱۷,۶	۳۵	۱۹
اناث	۲۹	۱۸,۳	۱۳,۵	۳۶,۸	۵۰,۳	۷۱
شهری	۴۸,۳	۳۶,۳	۸	۲۴,۹	۳۲,۸	۵۱,۷
ذکور	۷۵,۳	۶۲,۱	۸	۱۷,۵	۲۵,۶	۲۴,۷
اناث	۲۱,۲	۱۰,۴	۷,۸	۵۱,۱	۵۸,۹	۷۸,۸
دهاتی	۵۷,۱	۴۴,۲	۱۸,۹	۲۲,۷	۴۱,۶	۴۲,۹
ذکور	۸۲,۷	۶۷,۶	۲۰,۵	۱۸,۲	۳۸,۷	۱۷,۳
اناث	۳۰,۷	۲۰,۰	۱۴,۳	۳۵,۱	۴۹,۴	۶۹,۳
کوچی	۷۰,۱	۶۱,۶	۱۹	۱۲,۲	۳۱,۲	۲۹,۹
ذکور	۸۹,۱	۷۹,۶	۱۸,۳	۱۰,۷	۲۸,۹	۱۰,۹
اناث	۴۸,۴	۴۱,۰	۲۰,۷	۱۵,۴	۳۶,۱	۵۱,۶

در مقابل ۳۹ فیصد نیروی کار افغانستان بصورت سودمند استخدام نشده اند و این میزان برای زنان به ۵۰ فیصد افزایش یافته و برای نیروی کار ذکور به ۳۵ فیصد کاهش می یابد. این ها بیکار بودند یعنی در جستجوی کار بودند. یا بدون داشتن هشت ساعت کار در هفته کم کار بودند یعنی کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار میکردند اما برای کار بیشتر آماده بوده و می خواستند ساعات بیشتر کار کنند. در حالیکه تعداد مجموعی ذکور بیکار بصورت سودمند استخدام نشده بودند متشکل از تعداد تقریباً مساوی افراد کم کار و بیکار بود. بصورت متناسب زنان بیشتری (۳۷ فیصد) نظر به آنها بیکار کم کار بودند (۱۴ فیصد). بیکار بودند اما این به ان جهت است که در مناطق شهری و دهاتی تعداد نسبتاً بیشتر زنان بیکار اند، نظر به آنها بیکار کم کار کرده اند، در حالیکه بیشتر زنان کوچی (۲۱ فیصد) کم کار بودند نظر به آنها بیکار بودند (۱۵ فیصد). مشکل عدم استخدام سودمند در مناطق دهاتی بسیار قابل ملاحظه است. جائیکه این میزان به ۴۲ فیصد بالا می رود. این میزان قدری برای نفوس کوچی در سطح ۳۱ فیصد پائینتر است. اما نسبت افرادی که بصورت سودمند استخدام نشده اند حتی در ساحات شهری در سطح ۳۳ فیصد کاملاً بلند است.

### بیکاری و کم کاری

در کشور های فقیر روجه انکشاف مانند افغانستان بیکار بودن انتخابی نیست که اکثریت مردم توان انرا داشته باشند. تنها انهایی که دارای منابع مالی یا حمایت فامیلی اند میتوانند بصورت اشکار بیکار باشند، یعنی در دوره مورد نظر کاملاً بدون کار بوده اما آماده کار بوده و عملاً در جستجوی کار باشند. در نتیجه صرف یک نسبت کوچک نیروی کار طبق این تعریف معمولاً بیکار می باشند. در مقابل اکثریت بزرگ افغان ها مجبور می شوند هر استخدام دارای مولدیت پائین، بدون تامینات اجتماعی و بیمه بیکاری حتی برای چند ساعت، فرقی نمیکند چقدر کم پاداش داده می شود، را قبول کنند. در افغانستان میزان های کم کاری اکثراً نظر به میزان های بیکاری مربوط بوده و مفهوم استخدام سودمند جهت توضیح افرادی که به کار بیشتر یا استخدام دیگر بخاطر فراهم کردن عاید یا معیشت پایدار، مفید می باشد. در واقعیت تحلیل فقر در فصل ۷ این گزارش پیشنهاد می کند که فردیکه در خانوار های زندگی میکنند که رئیس ان یک شخص بیکار یا کم کار است، نظر به انهاییکه رئیس خانوار مصروف کار است، بصورت قابل ملاحظه احتمال دارد فقیر باشند.

شکل ۴.۵ نشان میدهد که زنان و مردان افغان در سن کار در بین فعالیت های اقتصادی استخدام، کم کاری، بیکاری و عدم سهمگیری چگونه توزیع شده اند. میزان های بسیار بالای عدم سهمگیری در تمام طیف های سن در بخش که نفوس سن کار انان را به تفکیک وضع فعالیت نشان میدهد، اشکار است. گرچه نسبت در نسل سن که بصورت سودمند استخدام نشده در بین مرد ها نسبت به زن ها بسیار بزرگتر است. بصورت قابل ملاحظه در هر حالت، بسیاری ان ها بصورت فعال در بازار کار مشغول اند.

استراتژی انکشاف ملی از میزان بیکاری جوانان (اشخاص بیکار ۲۴-۱۵ ساله منحیت فیصدی نیروی کار در گروپ سن مربوط) را منحیت یک شاخص کار شایسته برای جوانان مورد استفاده قرار میدهد. (هدف ۸ اهداف انکشافی هزاره : انکشاف شراکت بخاطر انکشاف). افراد جوان تمایل دارند در رابطه به فرصت های معیشت بسیار اسیب پذیر و مایوس باشند، که این امر بر توانائی افراد جوان در آغاز زندگی مستقل و تمام مسیر زندگی

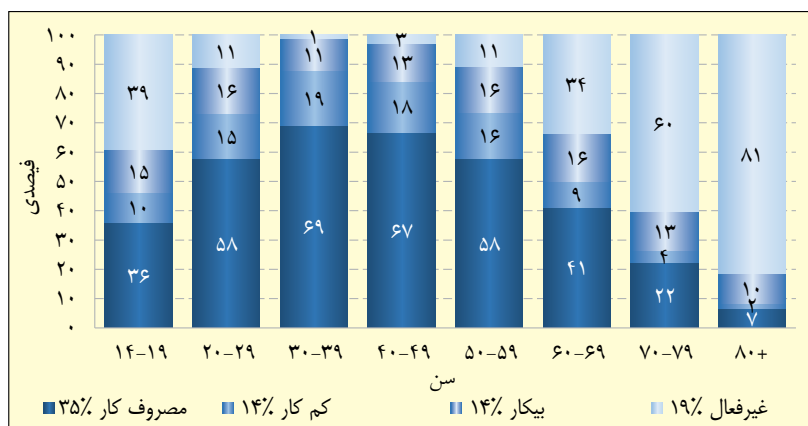
اثر منفی می گذارد. بیکاری گسترده جوانان همچنان ممکن است یک عامل ناآرامی اجتماعی باشد که جوامع و جامعه را در مجموع متاثر میکند. در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ میزان بیکاری جوانان ۲۷ فیصد: ۲۲ فیصد برای ذکور و ۴۱ فیصد برای انان بود. این افراد جوان بیکار ۲۸ فیصد مجموع نفوس بیکار را تشکیل میدهد.

هدف ۱۷ استراتژی انکشاف ملی، شاخص ۴۲ اهداف انکشافی هزاره

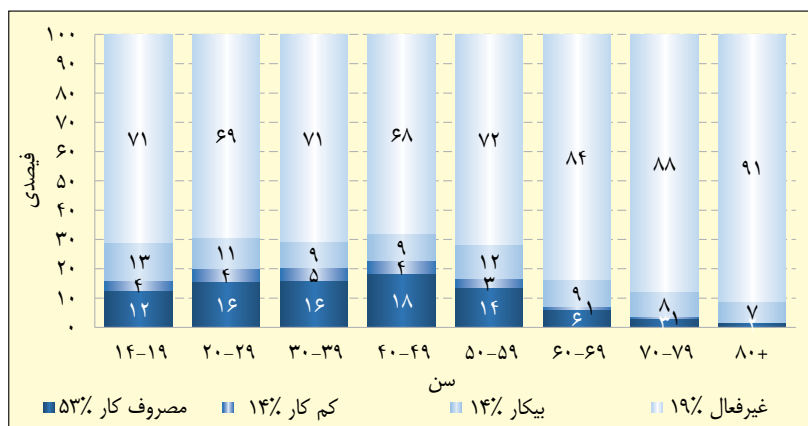
میزان بیکاری جوانان

**فیصد ۲۷.۴**

شکل ۴.۵: مردان و زنان سن کار به تفکیک سن و وضع فعالیت (به فیصدی) الف. ذکور



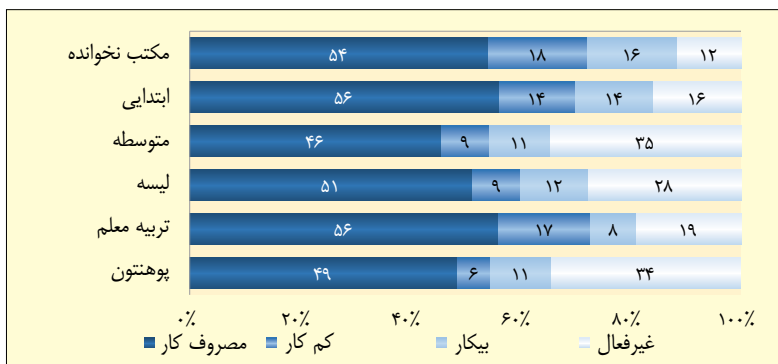
ب. اناث



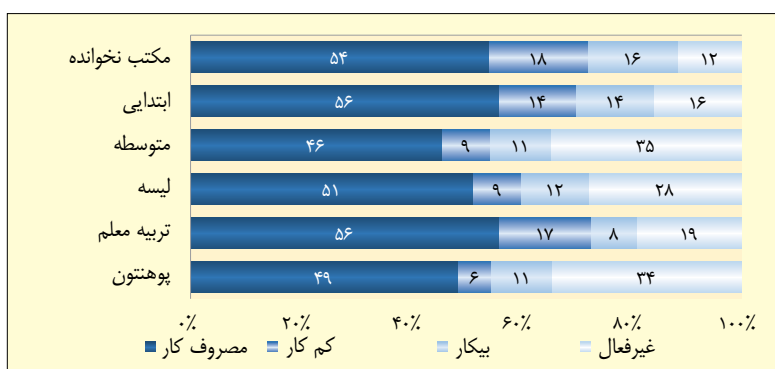
الف. ارقام داخل قوس سهم مجموع را در هر کتگوری نشان میدهد

بلندترین نسبت مرد هائیکه بصورت سودمند استخدام نشده بودند در بین ان هائی است که مکتب نرفته (۳۴ فیصد)، اما حتی در میان ان هائیکه تربیه معلم را تکمیل کرده اند یک چهارم شان بصورت سودمند استخدام نشده بودند. ۱۸ فیصد ایشان عملاً کم کار بودند (شکل ۵.۵). در بین زنان که تربیه معلم را تکمیل کرده اند یک نسبت معادل (۲۳ فیصد) بصورت سودمند استخدام نشده بودند. معهداً درجه تحصیل بالاتر احتمال دارد با چانس بهتر استخدام شدن سودمند ارتباط داشته باشد. طور مثال تعداد بسیار کم زنانیکه در پوهنتون بوده اند و در بازار کار فعال اند کم کار بودند (۲ فیصد). حتی میزان بیکار در سطح ۱۵ فیصد ناچیز نیستند. نسبت مرد هائی دارای حد اقل تحصیل لسانس که بیکار بودند در سطح ۱۱ فیصد اندکی پائینتر است. در حالیکه سهم ان هائیکه کم کار بود در سطح ۶ فیصد بلند تراست.

شکل ۵.۵: مردان و زنان سن کار به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل و وضع فعالیت (به فیصدی)  
الف. مردان

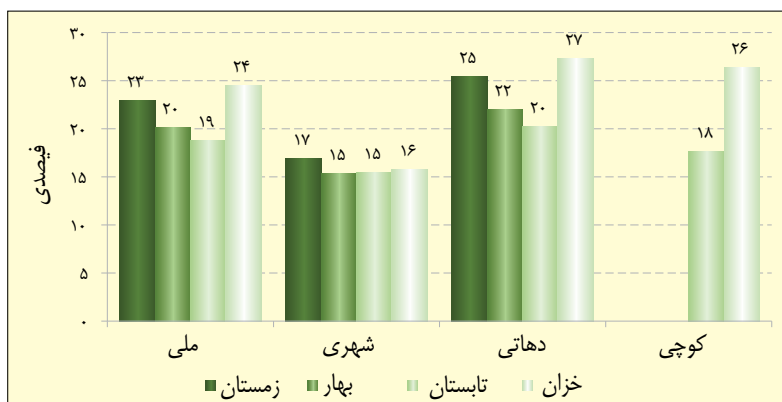


ب. زنان



به نظر می رسد فقدان استخدام سودمند در خزان و زمستان در مناطق دهاتی و در بین کوچی ها بسیار شدید باشد زمانیکه بیشتر از یک چهارم نفوس سن کار متأثر می شود ( شکل ۶.۵). موجودیت استخدام سودمند به نظر می رسد در نفوس شهری پائینترین بوده و از لحاظ فصلی کمترین تفاوت را دارد. وابستگی نسبتاً سنگین کارگران دهاتی و کارگران در بین نفوس کوچی بر زراعت احتمالاً عامل قوی تفاوت های فصلی در میزان های استخدام سودمند باشد.

شکل ۶.۵: نسبت نفوس سن کار که بصورت سودمند استخدام نشده اند به تفکیک فصل و سکتور (به فیصدی)



## ۲.۳.۵ مقایسه در طول زمان

در بخش ۱.۳.۵ شاخص های بازار کار را در ارتباط با سهمگیری، استخدام، کم کاری و بیکاری در ۱۳۹۳-۱۳۹۲ ارائه کردیم. این شاخص ها در طول سالها چگونه تغییر کرده اند؟ متأسفانه شاخص های بازار کار که با استفاده از سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ تهیه شده با انبساطی که با استفاده از سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تهیه شده اند دقیقاً قابل مقایسه نیست. برای این امر چندین دلیل وجود دارد. اول تغییر در تعریف مقایسه شاخص ها را با سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ دشوار می کند. طور مثال سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ دوره ریفرنس یکماهه را برای نفوس سن کار ۱۶ ساله و بالاتر مورد استفاده قرار داده. در مقابل سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ دوره ریفرنس یک هفته را برای نفوس سن کار حد اقل ۱۴ سال را مورد استفاده قرار میدهد. دوم اگر چه سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ از عین تعریف هادر عین دوره ریفرنس و عین حاشیه حد اقل را برای سن کار مورد استفاده قرار میدهد، سروی ملی خطر و آسیب پذیری بعضی سوالات تکنیکی را شامل نکرده که پوشش افراد مصروف کار را متاثر می کند.

معهذا، ممکن است از ارقام خورد سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ استفاده کرده شاخص ها برای سهم گیری در نیروی کار، استخدام و بیکاری جهت مقایسه با شاخص های سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۲ را تهیه نمایم. هر گاه ما شاخص های سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ را تعدیل کنیم و بعضی فرضیه ها را حسب ذیل بعمل آوریم اول ما نفوس سن کار سروی وضعیت زندگی افغانستان به ۱۶ ساله و بالاتر مانند سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ محدود می کنیم و شاخص های مربوط را برای ۱۳۹۳-۱۳۹۲ تهیه میکنیم. بعد از آن ما شاخص های سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ که بر اساس یک ماه دوره ریفرنس است به یک هفته تعدیل میکنیم مانند سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ تعدیل توسط استفاده از نسبت ماه بر هفته عین شاخص هایکه از ارقام سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تخمین گردیده که بر خلاف سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ هر دو دوره ریفرنس را شامل می شود. ارقام سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ بخاطر تهیه ارقام کم کاری مورد استفاده قرار گرفته نمی تواند زیرا دو سوال مهم در رابطه به ارزشمندی و آماده بودن برای ساعات اضافی، در صورتیکه تقاضا شود در سروی قبلی شامل نمی باشد.

نتایج در جدول ۴.۵ ارائه گردیده است. دلچسپ است ملاحظه کنیم میزان سهم گیری در نیروی کار در هر دو سروی کاملاً مشابه بوده، اما شاخص برای سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ اندکی بلند تر است. این امر پیشنهاد میکند که مقایسه ها علی الرغم مسایل میتودولوژیکی و چندین فرضیه ضروری یک اندازه با ارزش است. بزرگترین تغییر در داخل نفوس فعال با تغییر بزرگ از مصروف کار به بیکار است. گرچه تغییر بسیار بزرگ است اما مسیر توقع میرفت. این امر به جهت است که رشد اقتصادی بنابر بی اعتمادی پیرامون مسایل سیاسی، انتقال امنیتی، سطح افزایش یافته منازعات و کاهش در کمک ها، کند گردیده است. تغییر در ساحات شهری نظر به ساحات دهاتی بسیار برجسته بوده، برای کوچی ها قابل ملاحظه نیست. این الگوی شهری - دهاتی کوچی با در نظر داشت کاهش کمک های خارجی، سازمان ها و عساکر خارجی که بیشتر احتمال دارد نخست استخدام ساکنین شهری و اکثراً بصورت غیر مستقیم استخدام دهاتی را متاثر کرده قابل قبول باشد. کوچی ها که بسیار کمتر در اقتصاد پرداختی بازار سروکار دارند کمترین متاثر گردیده اند و همچنان افرادی که به استخدام مربوط به حضور خارجی ها وابسته بودند ممکن است، بهتر قادر باشند حد اقل برای مدتی - بیکار باشند تا اینکه کم کار باشند. با گذشت زمان هر گاه اقتصاد شهری موفق نشود بیکاران فعلی را دو باره استخدام کند تعداد کم کاران توقع می رود در آینده افزایش یابد.

جدول ۴.۵: شاخص های بازار کار به تفکیک سروی، محل اقامت و جنس الف

محل اقامت جنس	سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶				سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۱-۱۳۹۰			
	میزان سهم گیری در نیروی کار	نسبت استخدام بر نفوس	میزان بیکاری	میزان عدم فعالیت	میزان سهم گیری در نیروی کار	نسبت استخدام بر نفوس	میزان بیکاری	میزان عدم فعالیت
ملی	۶۵.۴	۵۶.۷	۱۳.۵	۳۴.۶	۵۶.۷	۲۲	۴۳.۳	
ذکور	۸۴.۸	۷۵.۸	۱۰.۸	۱۵.۲	۶۷.۴	۱۷.۵	۱۸.۳	
اناث	۴۵.۱	۳۶.۷	۱۸.۷	۵۴.۷	۱۸.۵	۳۶	۷۱.۱	
شهری	۴۸.۴	۴۲.۶	۱۲.۴	۵۱.۵	۳۸	۲۴.۴	۴۹.۷	
ذکور	۷۷.۵	۷۰.۶	۹.۲	۲۲.۵	۶۴.۸	۱۷.۴	۲۱.۶	
اناث	۱۸.۴	۱۳.۶	۲۶.۲	۸۱.۵	۱۰.۵	۵۰.۷	۷۸.۶	
دهاتی	۶۹.۶	۶۰	۱۳.۹	۳۰.۴	۴۵.۴	۲۲	۴۱.۸	
ذکور	۸۶.۵	۷۶.۸	۱۱.۴	۱۳.۵	۶۷.۵	۱۸.۱	۱۷.۶	
اناث	۵۱.۸	۴۲.۴	۱۸.۲	۴۷.۹	۲۰.۲	۳۴.۱	۶۹.۴	
کوچی	۷۷.۵	۶۹.۴	۱۰.۶	۲۲.۵	۶۲.۳	۱۱.۴	۲۹.۷	
ذکور	۹۱	۸۴.۳	۷.۵	۹	۸۰.۶	۹.۹	۱۰.۵	
اناث	۶۲.۷	۵۳.۳	۱۵.۵	۳۷	۴۸.۶	۱۴.۵	۵۱.۴	

الف بر اساس نفوس ۱۶ ساله و بالاتر و با استفاده از نسبت هفته بر ماه عین شاخص که از سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تخمین گردیده. جهت تعدیل ارقام ماهانه برای سروی ملی خطر و آسیب پذیری ۱۳۸۷-۱۳۸۶ بکار رفته

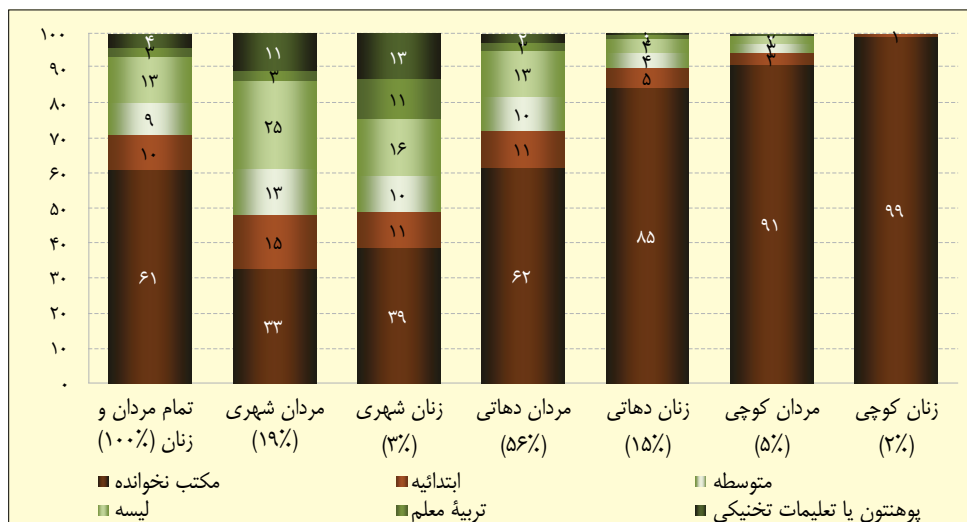
### ۳.۳.۵ مشخصات افراد مصروف کار و کم کار

این بخش از نزدیک بر ماهیت استخدام در افغانستان از طریق توضیح مشخصات افراد مصروف کار از لحاظ تعلیم، وضع شغل، سکتور اقتصادی استخدام، شغل، ساعات کار و عواید نظری می‌اندازد. توجه باید داشت که در بحث این بخش مشخصات افراد کم کار همراه با آنها یک‌باره مصروف کار اند توضیح خواهد شد.

#### درجه تحصیل

از آنجائیکه استعداد مهارت کارگر برای ظرفیت او جهت کار مولد حایز اهمیت حیاتی است که به نوبه خود زمینه بالقوه را برای عاید و احتمال بدست آوردن کار شایسته فراهم میکند. ما نخست نیروی کار مصروف کار افغانستان را از لحاظ درجه تحصیل توضیح میکنیم. شکل ۷.۵ مزیت آنهای را در نیروی کار نشان میدهد که اصلاً در مکتب نبوده اند. اما در حالیکه ۶۱ فیصد مجموع نیروی کار استخدام شده در مکتب نبوده اند، این نسبت وسیعاً با جنس و سکتور اقتصادی تفاوت میکنند. نسبت های بلند تر مردان و زنان شهری بصورت قابل ملاحظه نظر به همتهای دهاتی و کوچی شان بیشتر تعلیم یافته اند. اما در هر سکتور زنان نظر به مردان بسیار کمتر تعلیم یافته اند. خلای جنسیت بصورت قابل ملاحظه در مناطق شهری باریکتر است، اما زنان دهاتی بصورت متناسب نظر به زنان کوچی اندکی بهتر تعلیم یافته هستند.

شکل ۷.۵: مردان و زنان مصروف کار و کم کار به تفکیک محل اقامت و درجه تحصیل (به فیصدی)<sup>الف</sup>



<sup>الف</sup> ارقام داخل قوس سهم مجموع را در هر کتگوری نشان میدهد

#### وضع استخدام

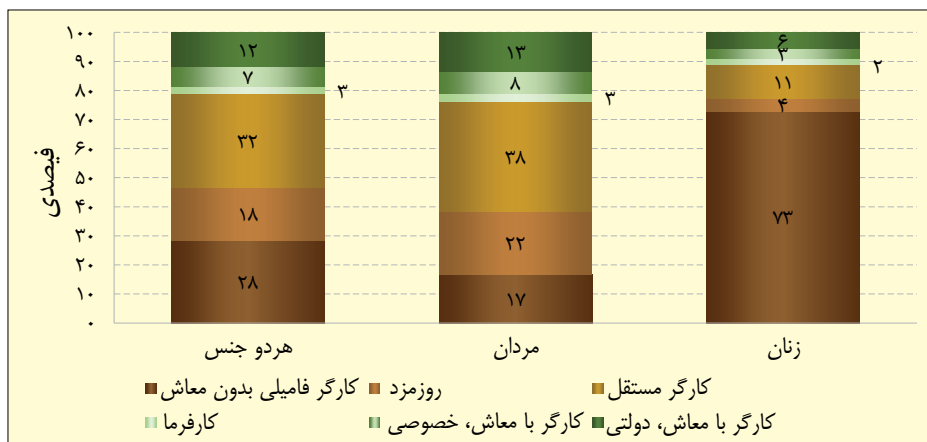
از آنجائیکه وضعیت شغل یک شاخص کلیدی کیفیت استخدام است، این مشخصه با جنس، نسل سن و درجه تحصیل جدولبندی گردیده تا دسترسی به فرصت های کار شایسته به تفکیک سن، جنس و بلند ترین درجه تحصیل ارزیابی گردد. صرف ۲۱ فیصد اشخاص مصروف کار، در شغلی مصروف کاراند که میتواند به صفت یک شغل شایسته در استخدام با مزد دولتی و خصوصی فرض شود. این به معنای آنست که ۷۹ فیصد نیروی کار مصروف کار افغانستان در استخدام آسیب پذیر قرار دارند. نصف مجموع استخدام، کارگر روز مزد یا کارگر مستقل است، در حالیکه ۲۸ فیصد مجموع استخدام کارگران فامیلی بدون معاش اند. درینجا یک بار دیگر تفاوت های جنسیتی قوی است: ۷۳ فیصد زنان به صفت کارگران فامیلی بدون معاش کار میکنند، در حالیکه صرف ۱۷ فیصد مردان کارگران فامیلی بدون معاش اند (شکل ۸.۵). یک نسبت بسیار بلند تر مردان (۲۲ فیصد) نسبت به زنان (۴ فیصد) به صفت کارگران روز مزد کار میکنند. به همین گونه ۳۸ فیصد مرد ها به صفت کارگر مستقل کار میکنند، در حالیکه سهم زنان در این گونه کار صرف ۱۱ فیصد است. با این حال صرف ۱۱ فیصد زنان در کار شایسته منجبت کارگران با معاش در سکتور دولتی یا خصوصی یا به صفت کارفرما مصروف کاراند. در مقابل ۲۴ فیصد مرد ها در کتگوری مشاغل شایسته کار می کنند. قابل یاد آوری است که نسبت مرد ها و زن هاییکه به صفت کار فرما کار میکنند بصورت قابل ملاحظه مشابه اند (۳ فیصد در مقابل ۲ فیصد).

#### شاخص ۱.۷ اهداف انکشافی هزاره

نسبت کارگران مستقل و کارگران کمکی فامیلی در مجموع استخدام

**۷۸.۸ فیصد**

شکل ۸.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و وضع شغل (به فیصدی)



#### کار شایسته

طبق تعریف سازمان بین المللی کار، کار شایسته دربرگیرنده فرصت ها برای کار است که مولد بوده و عاید مناسب، مصونیت در محل کار و حمایت اجتماعی برای فامیل ها را فراهم کرده، چشم انداز بهتر برای انکشاف شخصی و تلفیق اجتماعی، آزادی برای افراد جهت ابزار نگرانی های شان، سازمان دهی و سهم گیری در تصمیم که بر زندگی ایشان تاثیر میکند و تساوی فرصت و برخورد برای همه زنان و مردان را فراهم کند. واضح است که با ۷۸ فیصد کارگران افغان در استخدام آسیب پذیر، کار به صفت کارگر روز مزد، کارگر مستقل یا کارگر فامیلی بدون معاش، بیشتر از سه چهارم همه افغان های مصروف کار برای تامین معیشت عاید بسیار کم بدست می آورند، در شغل هاییکه مصون نبوده، بدون تأمینات اجتماعی، و فرصت های کمی را برای انکشاف شخصی و افزایش مولدیت عرضه میکند کار میکنند. فصل ۷ این گزارش نشان میدهد که افراد در خانوار هاییکه رئیس آن کارگر روز مزد است بیشتر از ۲۰ فیصد احتمال دارد که نظر به خانوار هاییکه رئیس خانوار معاش منظم دریافت میکند، فقیر تر باشند

#### شاخص ۲.۳ اهداف انکشافی هزاره

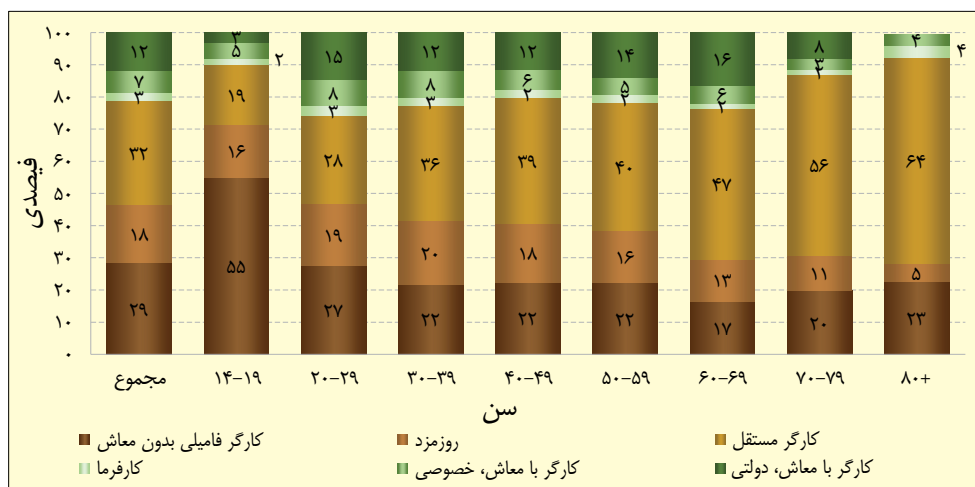
سهم زنان در استخدام با معاش در سکتور غیر زراعتی

**۱۰.۳ فیصد**

یک شاخص اهداف انکشافی هزاره برای تساوی جنسیت که نشان میدهد به کدام اندازه زنان به استخدام با معاش در تلفیق شان در اقتصاد پولی دسترسی دارند سهم زنان در استخدام با معاش در سکتور غیر زراعتی است. برای افغانستان این شاخص اهداف انکشافی هزاره پائین و ۱۰ فیصد است.

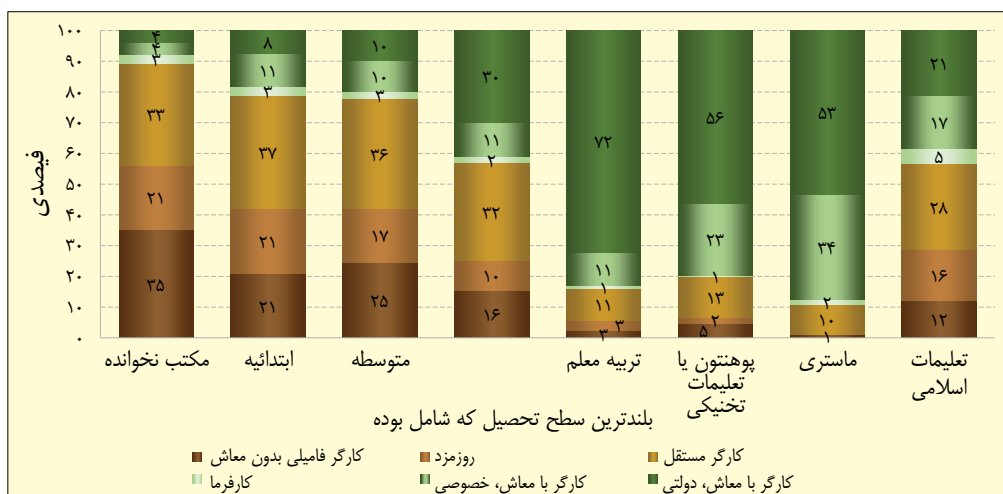
به نظر میرسد که اکثریت بزرگ افراد جوان (۱۱۴ الی ۱۹ساله) زندگی کاری شان را به صفت کارگر فامیلی بدون معاش در زراعت (۷۸ فیصد کارگران فامیلی بدون معاش جوان در زراعت هستند) و صنعت (۹.۹ فیصد) آغاز میکنند، اما این نسبت برای نسل بعدی سن (۲۹-۲۰ساله) به نصف کاهش می یابد، که معلوم می شود ان ها نسبتاً دریافتن کار با معاش در سکتور دولتی و خصوصی بیشتر موفق بوده اند (شکل ۹.۵). کار مستقل همچنان معیشت بسیاری افراد را درین گروپ سن فراهم میکند. در حقیقت نسبت کارگران که در کار با معاش دولتی و خصوصی اشتغال دارند تقریباً یک چهارم نفوس مصروف کار این نسل سن را تشکیل میدهد و بعد از ان این نسبت ها اندکی کاهش یافته و دو باره به ۲۴ فیصد برای گروپ سن ۶۹-۶۰ افزایش می یابد. ممکن است که پایان جنگ داخلی فرصت های نسبتاً بیشتر چنین کار شایسته را برای افراد جوان در سالهای اخیر فراهم کرده باشد. گرچه نه ان حجمی که برای ایجاد یک فرورفتگی قابل ملاحظه در نسبت افغان هاییکه مجبور اند مشاغل بد مانند کارگر روزمزد و کارگر مستقل را قبول کنند، ضرورت است. در حقیقت نسبت کارگران مستقل به نصف نفوس مصروف کار و کم کار در سنین بالای ۶۹-۶۰ساله، ۵۶ فیصد در سن ۷۹-۷۰ و ۶۰ به فیصد در کنگوری ۸۹-۸۰ افزایش می یابد. این ارقام پیشنهاد میکند که دور نمای یافتن کار شایسته برای کارگران پیر تر بی نهایت پائین است و در حقیقت ان ها مجبور می شوند در نبود میکانیزم حمایت اجتماعی هر کاری را که سر راه شان قرار گیرند قبول کنند.

شکل ۹.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک سن و وضع شغل (به فیصدی)



چشم انداز برای بدست آوردن کار شایسته قویاً به واسطه سطح تحصیل کسب شده وساطت می شود. شکل ۱۰.۵ پیشنهاد میکند که سطح تحصیل بالاتر از لیسه تاثیر قابل ملاحظه برای یافتن یک شغل خوب منجبت کارگر با معاش در سکتور دولتی یا خصوصی دارد، طور مثال انهایکه تربیه معلم را تکمیل کرده اند ۷۲ فیصد در سکتور دولتی کار یافته اند، در حالیکه حدود ۸۰ فیصد انهایکه پوهنتون یا انستیتوت مسلکی را تکمیل کرده اند در سکتور دولتی یا خصوصی منجبت کارگران با معاش کار دارند. در مقابل حد اقل یک ثلث انهایکه الی سطح لیسه یا کمتر آموزش دیده اند به کار های مستقل رجوع میکنند، در حالیکه یک پنجم انهایکه مکتب نرفته اند یا تعلیمات ابتدائی دارند صرف به صفت کارگران روزمزد کار میکنند.

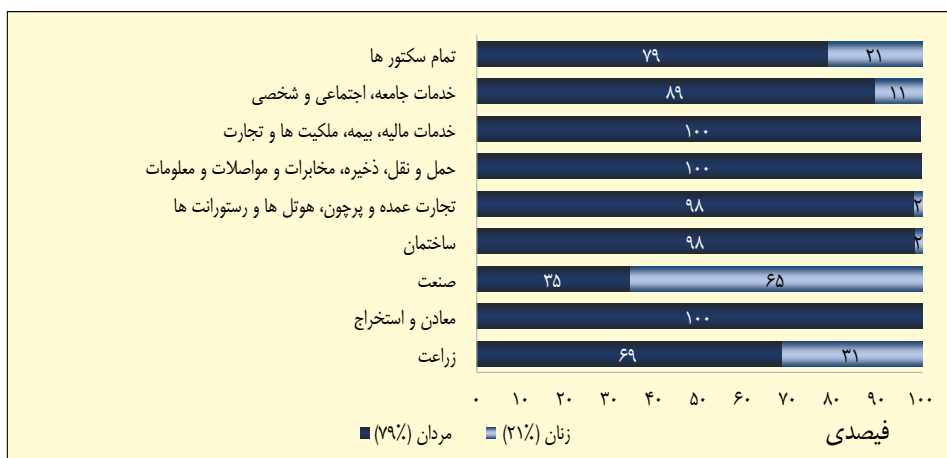
شکل ۱۰.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل و وضع شغل (به فیصدی)



### سکتور اقتصادی کار

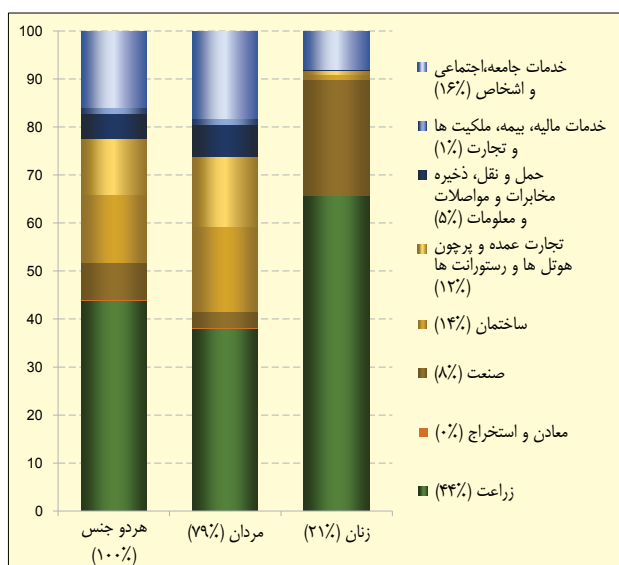
اقتصاد تحت تسلط سکتور زراعت قرار دارد که دو پنجم تمام مشاغل را گزارش میدهد. اندکی کمتر از یک دهم در صنعت کار میکنند. ساختمان ۱۴ فیصد و تجارت، ترانسپورت، مالی و ملکیت ها ۱۸ فیصد را گزارش داده اند. تفاوت های جنسیتی در توزیع استخدام زنان و مردان در همه سکتور های عمده اقتصادی بسیار تکان دهنده است. در حالیکه مرد ها ۷۹ فیصد و زنان ۲۱ فیصد استخدام را گزارش داده اند. در شکل ۱۱.۵ واضحاً آشکار است که فرصت های شغلی برای زنان به سه سکتور از ۹ سکتور، زراعت، صنعت و خدمات جامعه، اجتماعی و شخصی محدود می باشد. در وقعبت زنان در سکتور صنعت با ۶۵ فیصد تمام افراد مصروف کار درین سکتور اکثریت قوی اند.

شکل ۱۱.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک سکتور استخدام و جنس (به فیصد)



بعد از نظر انداختن به تمرکز نسبی مردان و زنان در سکتور های عمده اقتصادی به توزیع مردان و زنان در بین آنها می پردازیم. از شکل ۱۲.۵ آشکار است که بصورت متناسب زنان نظر به مرد ها بیشتر در زراعت کار میکنند. در حقیقت در حالیکه اندکی کم تر ۴۰ فیصد مجموع استخدام مرد ها در زراعت است، این سکتور با ۲۱ فیصد همه زنان مصروف کار در مزرعه داری و کشت محصولات زراعتی و ۴۲ فیصد در تولید مالدار، دو ثلث زنان مصروف کار را تشکیل میدهد. دومین سکتور مهم برای استخدام زنان صنعت است، که ۲۴ فیصد زنان مصروف کار و کم کار نیروی کار زنان را تشکیل میدهد. در حالیکه سهم مرد ها در صنعت صرف ۸ فیصد اشخاص مصروف کار و کم کار نیروی کار مرد ها است. اگر در صنعت زنان بیشتر در تولید بافندگی (بدون لباس) و تولید البسه (بدون پاپوش) دریافت شده و این دو سکتور ۱۶.۴ فیصد و ۲.۹ فیصد مجموع استخدام زنان را در بین سکتور ها تشکیل میدهد. مرد ها بخوبی در سکتور های ساختمان، تجارت عمده فروشی و پرچون فروشی و حمل و نقل و مخابرات نمایندگی دارند. سهم آن در خدمات جامعه، اجتماعی و شخصی دو برابر استخدام زنان درین سکتور ها است. در حقیقت نمایندگی زنان در خدمات جامعه، اجتماعی و شخصی در کتگوری سه رقمی "سایر خدمات اجتماعی و خدمات مربوط" است که ۷.۲ فیصد مجموع استخدام زنان را تشکیل میدهد. سهم زنان مصروف کار در سکتور های صحت و تعلیم و تربیه جزئی است. دیده میشود که زنان در سکتور هایکه در سالهای اخیر رشد بلند تر اقتصادی را تجربه کرده اند مانند ساختمان، معادن، بیمه و ملکیت ها به مشکل نمایندگی داشته اند.

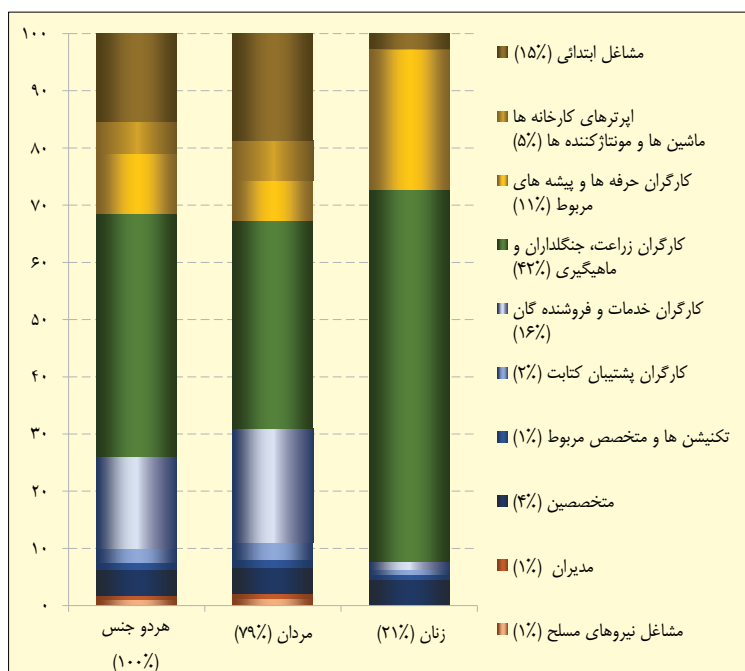
شکل ۱۲.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و سکتور عمده اقتصادی (به فیصد)



الف ارقام داخل قوس سهم مجموع استخدام در هر کتگوری را نشان میدهد

با در نظر داشت تسلط سکتورهای ابتدائی در اقتصاد افغانستان، علی‌الرغم توسعه سکتورهای خدمات در سال‌های اخیر حدود ۹۰ فیصد نیروی کار مصروف کار و (کم کار) در مشاغل با مهارت پائین ابتدائی، کارگاه‌ها و اپریتر و مونتاز ماشین‌الات، حرفه‌ها و صنایع مربوط و زراعت، جنگلداری و ماهیگیری کار میکنند. تفاوت جنسیتی در توزیع مشاغل تکان دهنده است. در بین مشاغل دارای مهارت، افراد مسلکی با ۴ فیصد تمام نیروی کار، تسلط دارد و سهم زنان درین کتگوری معادل مرد‌ها است. اما دو ثلث نیروی کار اناث مصروف کار در زراعت ماهیگیری و مشاغل مربوط به جنگلداری در مقایسه با ۳۶ فیصد مرد‌ها، مصروف کاراند. در حقیقت کتگوری دو رقمی شغل مبتنی بر بازار کارگران زراعت یعنی دهقانان و مالداران که قسمی از محصولات شانرا می‌فروشند حدود ۴۰ فیصد تمام مشاغل زنان مصروف کار را تشکیل میدهد. در حالیکه ۲۳ فیصد زنان به صفت فروشنده یا فروشندگان دوره گرد اشتغال دارند. در عین حال یک چهارم زنان کارگر در حرفه‌ها و تجارت مربوط کار می‌کنند. در مقابل صرف ۷ فیصد مرد‌ها در عین پیشه‌ها هستند.

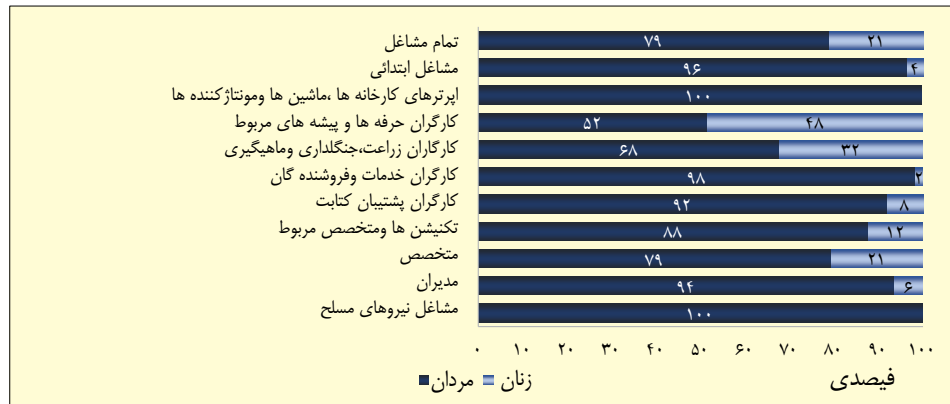
شکل ۱۳.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک جنس و کتگوری شغلی (به فیصدی)



ارقام داخل قوس سهم مجموع استخدام در هر کتگوری را نشان میدهد.

تفاوت‌های جنسیتی در فرصت‌های کاری از لحاظ شغل همانند سکتورهای اقتصادی تکان دهنده است. نیرومندی هر جنس در مشاغل عمده نشان میدهد که مرد‌ها در مشاغل دارای مهارت‌های بالاتر در اقتصاد انحصار دارند (شکل ۱۴.۵). مرد‌ها دو ثلث مجموع مشاغل موجود در کتگوری مسلکی را تشکیل میدهند، در مشاغل دیگر با مهارت زیاد آن‌ها حد اقل ۸۸ فیصد شغل‌ها را اشغال کرده‌اند. آن‌ها همچنان تقریباً تمام شغل‌ها در نیروهای مسلح اشغال کرده‌اند، گرچه وظایف نظامی صرف یک فیصد تمام مرد‌های مصروف کار را تشکیل میدهد. در مقابل زنان در زراعت، ماهیگیری و مشاغل مربوط به جنگلداری، جاییکه آن‌ها یک ثلث تمام کارگران را تشکیل میدهند و در پیشه‌ها و مشاغل مربوط جاییکه آن‌ها نزدیک به نصف مجموع استخدام را تشکیل میدهند، تجمع دارند.

شکل ۴.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک کنجوری شغلی و جنس (به فیصدی)



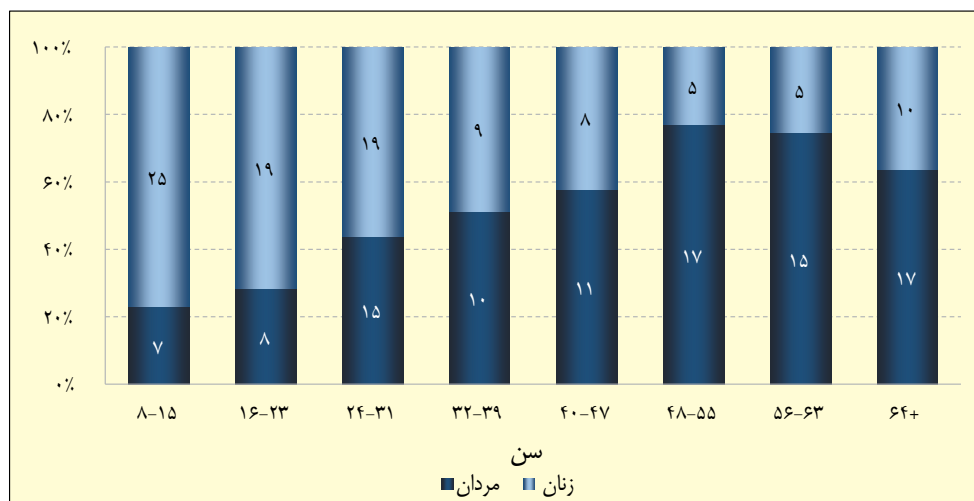
### ۴.۳.۵ ساعات کار و عواید

ساعاتی که افراد کار میکنند از بسیاری جهات یک شاخص خوب کم کاری است. طوریکه در بخش های قبلی بحث شد کم کاری با کارکردن کمتر از ۴۰ ساعت معیاری در هفته و خواستن و آماده بودن به کار برای ساعات طولانی سرو کار دارد. گرچه کارکردن در ساعات اضافی می تواند نشاندهنده یک نوع متفاوت کم کاری باشد که با مولدیت نهائی پائین کار ارتباط دارد، که افراد را وادار می سازد ساعت طولانی جهت زنده ماندن کار کنند.

### ساعات کار در هفته

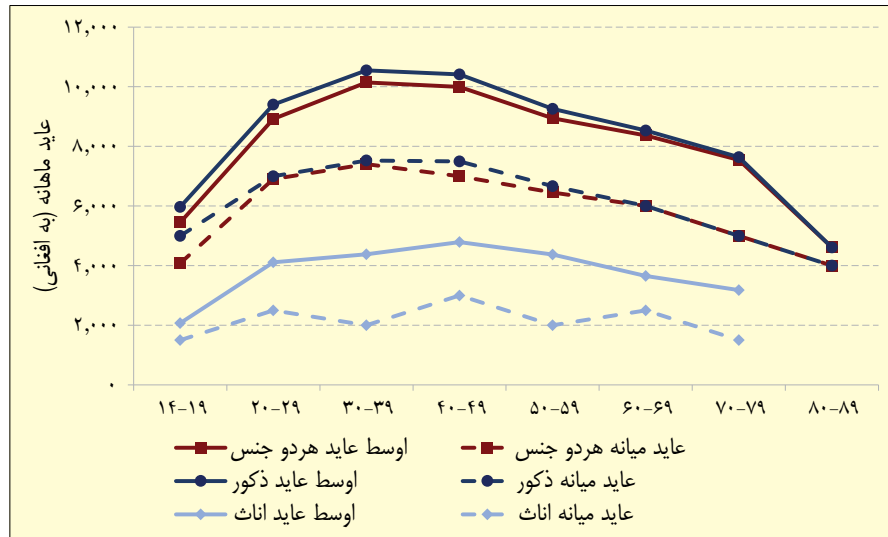
شکل ۱۵.۵ توزیع مرد ها و زن ها را به تفکیک ساعات کار نشان میدهد. آنچه درین شکل بسیار قابل توجه است آنست که نسبت زنان مصروف کار زمانیکه ساعات کار افزایش می یابد تدریجاً کاهش می یابد. طور مثال یک چهارم نیروی کار زنان کمتر از ۱۵ ساعت در هفته در کار بازار کار میکنند. بنابراین به علت که باید قسمت زیاد تر وقت شانرا بخاطر انجام امور خانوار مصرف کنند یا به دلیل فقدان فرصت های بدست آوردن کار بیشتر با مزد، ظرفیت ان ها برای بدست آوردن عاید بسیار پائین است. نتیجه منطقی البته وابستگی بزرگتر بخاطر معیشت بر دیگر اعضای خانوار است. در مقابل نسبت مرد های مصروف کار با افزایش ساعات کار افزایش یافته، ظرفیت بزرگتر ان ها را در شامل شدن به فعالیت ها بخاطر معیشت و در نتیجه توانائی ان ها جهت بدست آوردن عاید بیشتر را پیشنهاد می کند. گرچه این واقعیت که اندکی کمتر از یک پنجم نیروی کار مصروف کار بیشتر از ۶۴ ساعت در هفته کار می کنند، پیشنهاد میکنند که این افراد ضرورت دارند ساعات بسیار طولانی کار کنند تا عاید کافی برای زنده ماندن بدست آوردند.

شکل ۱۵.۵: اشخاص مصروف کار و کم کار به تفکیک ساعات کار در هفته و جنس (به فیصد)



مرد ها نظر به زن ها در هر نسل بیشتر عاید بدست می آورند (شکل ۱۶.۵). همچنان تفاوت های زیاد در عاید ماهانه مرد ها نظر به عاید ماهانه زن ها وجود دارد. عاید وسطی به بلند ترین حد در حدود ۱۱ هزار افغانی زمانیکه ان ها ۳۰ الی ۴۹ ساله هستند، می رسد. عاید وسطی ماهانه زن ها بعد تر، زمانیکه ان ها ۴۰ الی ۴۹ ساله هستند به بلند ترین حد می رسد. عاید میانه ماهانه زن ها تقریباً هیچ وقت از ۳ هزار افغانی تجاوز نمی کند، در حالیکه عاید میانه مرد ها به حد اعظمی ان به بیشتر از دو چند این رقم می رسد.

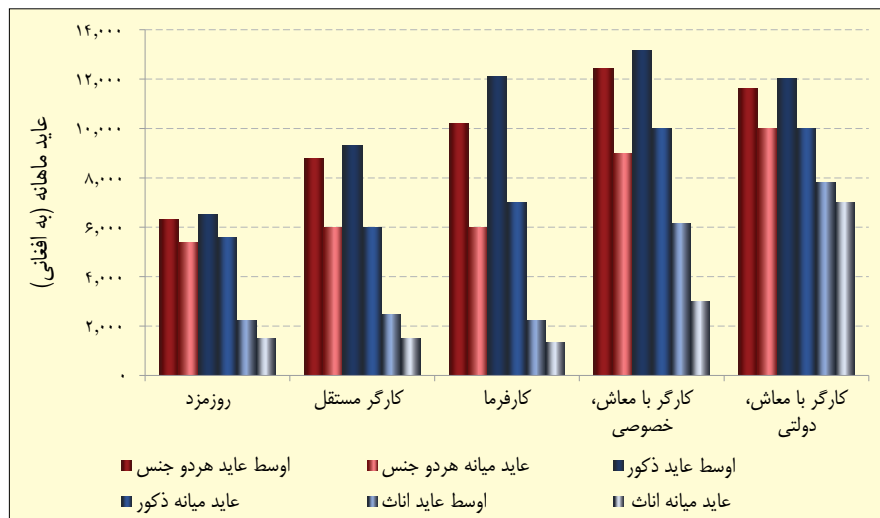
شکل ۱۶.۵: عاید وسطی و میانه به تفکیک سن و جنس (به فیصدی) الف



الف ارقام عاید بخاطر تفاوت های ساحوی در قسمت ها به علت فقدان شاخص مناسب تعدیل نشده

در حالیکه کارگران با معاش در سکتور خصوصی و دولتی از بلند ترین عاید وسطی و میانه لذت می برند. در اینجا همچنان تفاوت جنسیتی قوی است (شکل ۱۷.۵). عاید میانه و وسطی ماهانه زن ها نظر به عاید مرد ها در همه کتگوری های مشاغل به استثنای سکتور دولتی پائینتر است. حتی زمانیکه شغل در نظر گرفته می شود مردها حد اقل ۳۰ فیصد بیشتر از زن ها عاید بدست می آورند (جدول ۵.۵). در مشاغل زراعت و جنگلداری مرد ها بصورت متوسط تقریباً سه و نیم برابر زن ها عاید بدست می آورند، حتی با وجودیکه دو ثلث نیروی کار را تشکیل میدهند. گرچه دو ثلث نیروی کار زنان مصروف کار در زراعت و جنگل داری استخدام شده اند پیشنهاد می کند که اکثریت عظیم زنان کمتر از یک چهارم آنچه را مردان در عین کتگوری شغلی عاید می کنند، بدست می آورند.

شکل ۱۷.۵: عاید وسطی و میانه به تفکیک وضع شغل و جنس (به فیصدی) الف



الف ارقام عاید بخاطر تفاوت های ساحوی در قیمت ها به علت فقدان شاخص مناسب تعدیل نشده

## جدول ۵.۵: نسبت های جنسیت الف اوسط و میانه عواید ماهانه به تفکیک گروپ شغلی ب

گروپ شغل	نسبت عاید وسطی	نسبت عواید میانه
مدیران	۲.۲۴	۱.۷۱
اشخاص مسلکی	۱.۳۱	۰.۹۰
تکنیسین ها و کارکنان مربوط	۱.۲	۱.۰۰
کارگران حمایتی کتابت	۳.۴۸	۳.۳۳
کارگران خدمات و فروشات	۲.۸۹	۳.۳۷
کارگران ماهر زراعت جنگلداری و ماهیگیری	۳.۴۴	۳.۶۳
حرفه و کارگران تجارت مربوط	۱.۶۸	۱.۰۰
اپریتر های دستگاه و ماشین الات	۲.۸۹	۲.۶۲
مشاغل ابتدائی	۱.۴۵	۱.۳۳

الف منحنی نسبت مردها بر زن ها محاسبه شده  
 ب ارقام عاید بخاطر تفاوت های ساحوی در قیمت ها به علت فقدان شاخص مناسب تعدیل نشده

## ۴.۵ مهاجرت کاری

در مقابل ۸.۵ میلیون نفر نیروی کار افغانستان صرف ۳۱۱ هزار نفر-یا ۴ فیصد به محل سکونت فعلی شان از داخل افغانستان یا خارج در جستجوی کار مهاجرت کرده اند. همچنان در مجموع نفوس مهاجر سهم مهاجرین کاری کاملاً کوچک است: حدود ۱۸ فیصد همه اشخاصیکه از ۱۳۸۱ به این طرف مهاجرت کرده اند. علت احتمالی برای این نسبت پائین مهاجرین کاری انست که در زمینه افغانستان، انگیزه اولی برای بسیاری از افراد در گذشته نزدیک عودت از بیجا شده گی است. یافتن کار ممکن است یک علت مهم ثانوی برای آنهایکه در سن کار قرار دارند- مخصوصاً مرد ها- بوده و همچنان می توانند در تصمیم گیری در مورد محل معین باز گشت تعیین کننده باشد.

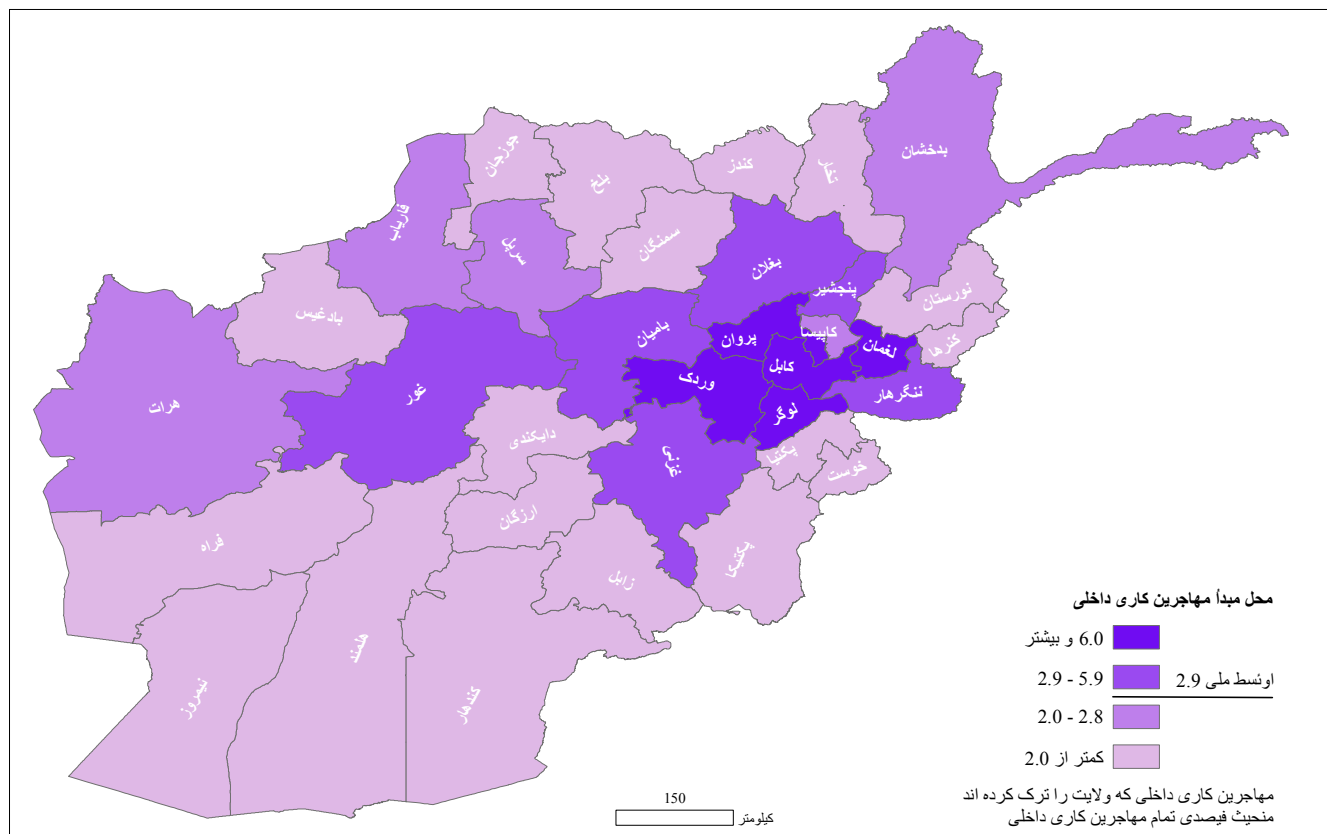
یک نسبت نامتناسب بزرگ مهاجران کاری متشکل از کوچی ها است. بیشتر از یک چهارم (۲۶ فیصد) تمام مهاجرین کاری کوچی هستند، در حالیکه در مجموع نفوس آنها صرف ۵ فیصد را تشکیل میدهند. به علت شیوه زندگی کوچی گری ان ها، مهاجرت دایروی و پروفایل بسیار متفاوت اقتصادی-اجتماعی، ضروری است تحلیل مهاجرت کاری میان نفوس کوچی و نفوس مسکون افغانستان فرق بگذارد.

این بخش در مورد مهاجرت کاری نخست مسیر مهاجرت را ارائه کرده، مهاجرین داخلی و بین المللی و همچنان مهاجرت شهری- دهاتی را تفکیک میکند(بخش فرعی ۱.۴.۵) در بخش فرعی بعدی با ترتیب در مورد مشخصات پس منظری مهاجرین کاری (۲.۴.۵) و عملکرد ان ها در بازار کار (۳.۴.۵) تمرکز میکند. بخش های فرعی جداگانه به مهاجرین کاری کوچی (۴.۴.۵) و مهاجرین کاری فصلی (۵.۴.۵) وقف گردیده است. این بخش مهاجرت کاری باید در ارتباط نزدیک با بخش قبلی در مورد مهاجرت عمومی مطالعه شود. برای تعریف مفاهیم مهاجرت ها هم چنان مراجعه به فصل مهاجرت عمومی، مخصوصاً بخش فرعی ۲.۱.۴ صورت گرفته است.

### ۱.۴.۵ مبدا و مقصد مهاجرت کاری

از ذخیره فعلی اشخاصیکه بخاطر استخدام مهاجرت کرده اند، ۸۷ فیصد در داخل افغانستان مهاجرت کرده اند (مهاجرین کاری داخل) و ۱۳ فیصد باقی مانده از خارج ، تقریباً منحصر از پاکستان و ایران مهاجرت کرده اند. تعداد بسیار کم خانوار های کوچی که شامل سروی بوده اند از خارج مهاجرت کرده اند(۲ فیصد)، در حالیکه سهم مهاجرین در نفوس ساکن ۱۷ فیصد بود. شکل ۱۸.۵ سهم هر ولایت را در مهاجرین داخلی کاری ساکن (غیر کوچی) نشان میدهد. این توزیع برجسته گی ولایات نزدیک به پایتخت را که فراهم کننده عمده استخدام در کشور اند نشان میدهد. پروان، وردک، غزنی، بامیان، پنجشیر، غور و لغمان با هم بیشتر از نصف نفوس مهاجرین کاری را فراهم میکنند.

شکل ۱۸.۵: نفوس مهاجر کاری داخلی به تفکیک ولایت محل اقامت قبلی (به فیصدی)



جاذبه که کابل برای مهاجرین کاری دارد، بصورت واضح توسط سهم آن در مهاجرین کاری داخلی نشان داده شده است: تقریباً دو ثلث (۶۲ فیصد) مهاجرین کاری داخلی غیر کوچی در کابل زندگی میکنند. سایر ولایات با اندازه قابل ملاحظه مهاجرین کاری عبارت اند از بلخ (۱۴ فیصد)، هرات (۶ فیصد)، کندز و کندهار (هر یک ۳ فیصد). مهاجرین کاری ساکن از خارج بسیار مساویانه توزیع شده اند. اگر چه کابل هنوز ولایت مقصد بسیار مهم است (برای ۲۷ فیصد)، غزنی، فاریاب و دایکندی با هم هر یک با بیشتر از ۹ فیصد مجموع تعداد زیاد مهاجرین کاری از خارج را دریافت کرده اند. کندز و فراه (هریک با ۶ فیصد مهاجرین کاری) و ننگرهار (۴ فیصد) همچنان سهم مهم را دریافت میکنند. توزیع بسیار مساویانه مهاجرین از خارج احتمالاً به مقیاس بزرگ مرکز از پناه گزینان اند که به محل مبدأ خود عودت نموده اند، جاییکه آن ها هنوز ملکیت و زمین دارند که زراعت کند- یک عامل کشش- از جانب دیگر مهاجرین کاری داخلی اکثراً توسط فرصت های کم استخدام در ساحتیکه زندگی میکردند بیرون رانده شده اند.

این الگو همچنان در توزیع شهری- دهاتی محل مبدأ و محل مقصد مهاجرین کاری ساکن انعکاس یافته، تقریباً دو ثلث (۶۴ فیصد) مجموع مهاجرین کاری داخلی ساکن از مناطق دهاتی به مناطق شهری حرکت کرده اند، با یک نسبت بسیار کوچک که در مسیر مخالف حرکت کرده اند (جدول ۶.۵). مهاجرت بین شهر ها و مهاجرت بین ساحت های از ۱۸ فیصد و ۱۵ فیصد نفوس مهاجر نمایندگی میکند. تاثیر خالص انست که ۲۲ فیصد مهاجرین کاری ساکن داخلی قبل از مهاجرت در یک ساحت شهری زندگی میکردند، در حالیکه ۸۱ فیصد بعد از مهاجرت چنین کردند. در مقابل، از جمله مهاجرین کاری ساکن داخلی که از خارج آمده اند صرف یک اقلیت ۳۵ فیصد در ساحت شهری مسکن گزین شده اند (ارقام نشان داده نشده).

جدول ۶.۵: نفوس مهاجر کاری ساکن به تفکیک محل اقامت فعلی، محل اقامت قبلی، شهری- دهاتی (به فیصدی)

نوع مهاجرت محل اقامت قبلی	محل اقامت فعلی		
	دهاتی	شهری	مجموع
الف. مهاجرین به خارج	۱۸.۷	۸۱.۳	۱۰۰.۰
شهری	۴.۱	۱۷.۷	۲۱.۸
دهاتی	۱۴.۶	۶۳.۶	۷۸.۲
ب. مهاجرین داخلی	۶۵.۳	۳۴.۷	۱۰۰.۰

یک اکثریت کوچک ۵۷ فیصد تمام مهاجرین ساکن (داخلی و خارجی) بین سالهای ۱۳۹۱، ۱۳۸۱ حدود ۳۰ فیصد قبل از سال ۱۳۸۱ و ۱۴ فیصد طی دو سال گذشته مهاجرت کرده اند. قوی ترین اثرات شهر نشینی در دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۱ مشاهده شده، در حالیکه در دوره بسیار اخیر از سال ۱۳۹۱ به این طرف از ارقام سروری وضعیت زندگی افغانستان یک تبادله متوازن تر بین مناطق شهری و دهاتی به نظری می رسد. گرچه تعداد مشاهدات برای این دوره محدود بسیار کوچکتر از آنست که نتایج محکم در باره تبادله مهاجرین درین دوره کوتاه به عمل آوریم.

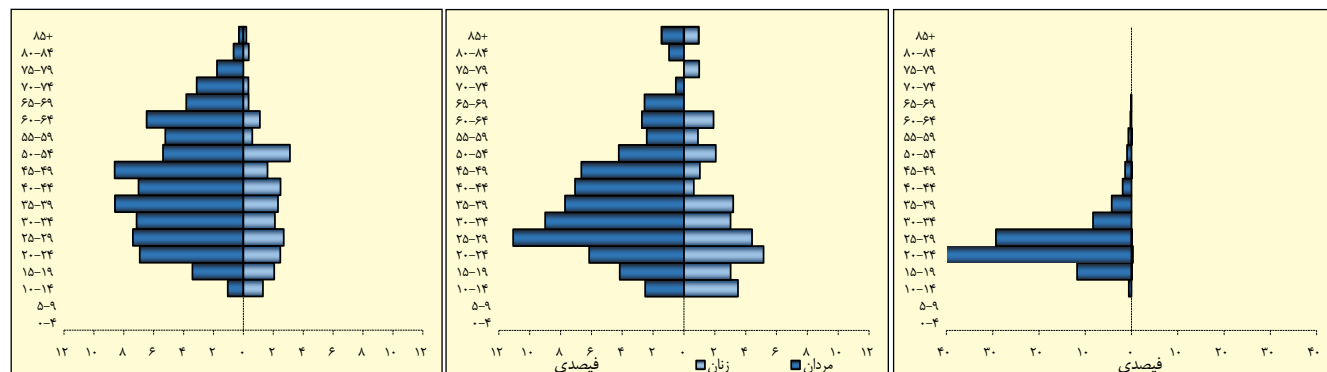
علاوه بر ذخیره فوق مهاجرین کاری بشمول مهاجرین داخلی و مهاجرین از خارج- افغان های وجود دارند که قبلاً بخشی از نفوس افغانستان بوده اما کشور را به قصد استخدام ترک کرده اند. تعداد این مهاجرین کاری که طی ۱۲ ماه قبل از سروری کشور را ترک کرده اند به ۱۳۸ هزار نفر بالغ می گردد. بر خلاف مهاجرین کاری داخلی و مهاجرین کاری از خارج این مهاجرین کاری اکثریت بزرگ ۸۶- فیصد تمام مهاجرین به خارج را تشکیل میدهد. ایران یک محل بسیار مهم برای مهاجرین کاری است، ۹۸ هزار نفر (۶۱ فیصد تمام مهاجرین به خارج) را جذب میکند.

### ۲.۴.۵ مشخصات مهاجرین کاری

شکل ۱۹.۵ توزیع سن و جنس جمعیت های مختلفه مهاجرین کاری را نشان میدهد. در بسیاری کشور ها نفوس مهاجرین کاری تمایل دارند که مرد ها در ان مسلط بوده و در سنین جوانی ۳۹-۲۰ تمرکز دارد. در افغانستان همچنان بیلانس مهاجران به سمت ذکور بسیار زیاد تمایل دارد. نمایندگی زنان در بین مهاجرین کاری از خارج ۳۱ فیصد، در بین مهاجرین کاری داخلی ۲۳ فیصد بوده و در بین مهاجرین بخارج عملاً وجود ندارد (کمتر از یک فیصد). مهاجرت کاری به خارج همچنان اکثراً در سنین بالغ جوان با ۶۹ فیصد حتی در سنین بیست سالگی تمرکز دارد. از جانب دیگر، مهاجرین داخلی توزیع نسبتاً متوازن در سنین ۶۵-۲۰ سالگی دارند. حتی عموماً بیشتر از نفوس (شکل ۱.۳ ملاحظه شود). ضرورت یا خواهش مداوم، حتی در سنین پیری، حرکت بخانه بخاطر یافتن شغل، ممکن است از علایم مارکیت کار محلی تحت فشار قابل ملاحظه باشد.

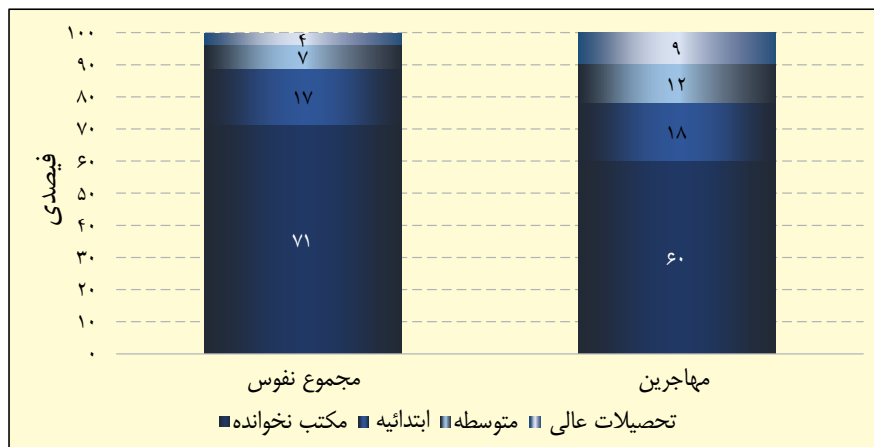
شکل ۱۹.۵: نفوس مهاجر کاری ساکن به تفکیک سن و جنس (به فیصدی)

الف. مهاجرین به خارج      ب. مهاجرین از خارج      ج. مهاجرین داخلی



مهاجرین کاری- مهاجرین داخلی و مهاجرین از خارج هر دو- به نظر میرسد نظر به نفوس مجموعی از لحاظ درجه تحصیل قدری بهتر باشند (شکل ۲۰.۵). نسبت که درجه تحصیل تکمیل شده ندارد در بین مهاجرین کاری کوچکتر است - ۶۰ فیصد در مقابل ۷۱ فیصد- در حالیکه سهم آنها یک تملیمات ثانوی را تکمیل کرده اند (۱۲ فیصد) و آنها یک تملیمات عالی را تکمیل کرده اند (۹ فیصد) بیشتر است. توزیع درجه تحصیل به تفکیک جنس همچنان نشان میدهد که مهاجرین کاری نظر به نفوس عمومی بیشتر تحصیل کرده اند. یک توضیح احتمالی این مشاهده ان خواهد بود که اشخاص نسبتاً بهتر تحصیل کرده گرایش بیشتر دارند بخاطر استخدام مهاجرت کنند: تقاضا برای مهارت های انها ممکن در جای دیگر قوی تر باشد، در حالیکه توانائی انها برای رقابت برای شغل (بهتر) همچنان در ان ساحات دارای تقاضای بلند ممکن است بهتر باشد.

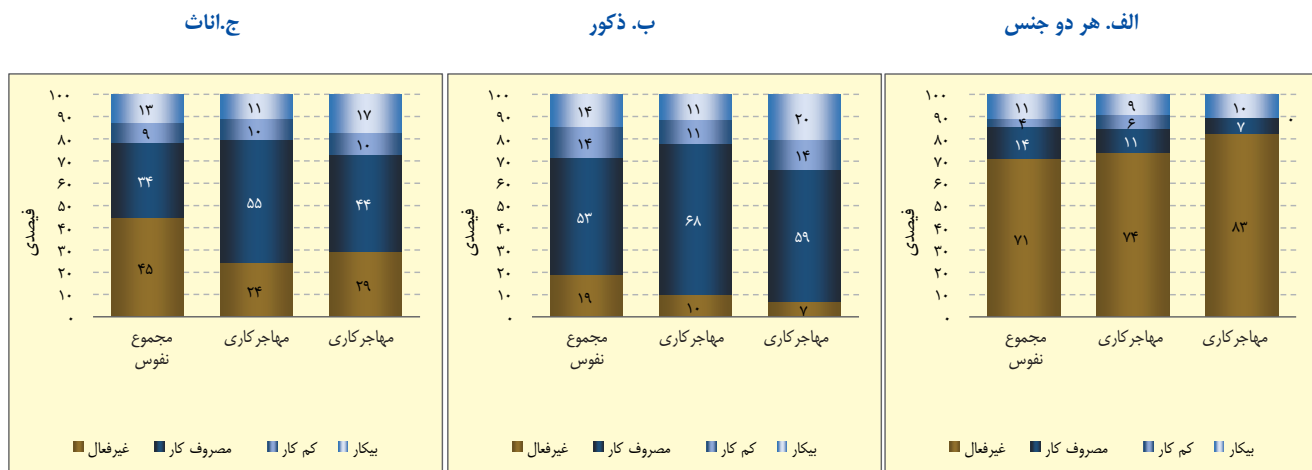
شکل ۲۰.۵: مهاجرین کاری و مجموع نفوس به تفکیک بلند ترین درجه تحصیل (به فیصدی)



### ۳.۴.۵ عملکرد مهاجرین کاری در بازار کار

سوال کلیدی به ارتباط مهاجرین کاری افغانستان است که آنها در یافتن و نگهداشتن شغل چگونه موفق بوده اند. شکل ۲۱.۵ تفاوت های تکان دهنده را بین نتایج بازار کار گروه مهاجرین کاری و نفوس عمومی نشان میدهد. بصورت عموم، مهاجرین کاری در بازار کار نظر به مجموع نفوس و مهاجرین داخلی نسبت به مهاجرین از خارج بهتر کار میکنند (قسمت الف). اگر چه تفاوت های زیاد بین زنان و مردان درین رابطه وجود دارد. برای مرد ها نسبت که غیر فعال باقی میمانند حدود نصف یا کمتر از آن در مجموع نفوس است (قسمت ب). حدود ۶۸ فیصد مهاجرین کاری داخلی ذکور کاریکه سودمند پنداشته میشود پیدا کرده اند (در مقایسه با ۵۳ فیصد در مجموع نفوس). و سهم آنهایکه کم کار یا بیکار بودند نسبتاً پائین (۱۱ فیصد) بوده در مقابل مهاجرین ذکور از خارج در یافتن استخدام سودمند کمتر موثر بودند (۵۹ فیصد) و مخصوصاً با بیکاری بیشتر مواجه بودند (۲۰ فیصد). از جانب دیگر وضعیت مهاجرین کاری اناث بی حفاظ بود: ۷۴ فیصد مهاجرین داخلی و حتی ۸۳ فیصد مهاجرین از خارج غیر فعال باقی مانده اند. این حتی از نفوس مجموعی بیشتر است (۷۱ فیصد). علاوه بران سهم های قابل ملاحظه باقی مانده (۹ تا ۱۰ فیصد) کاملاً بیکار اند.

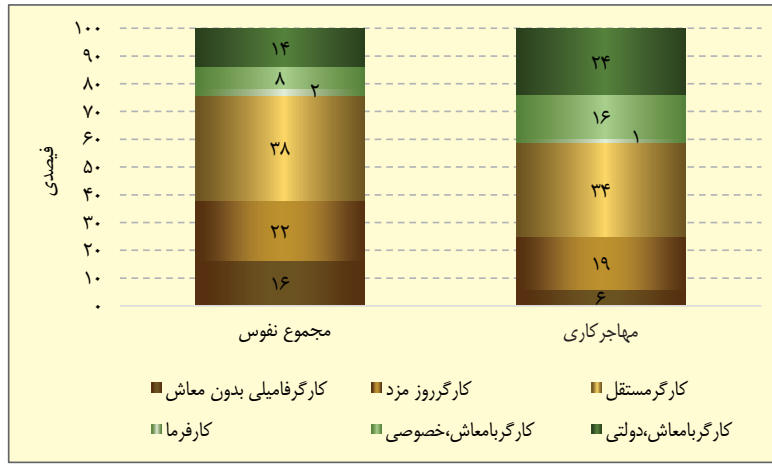
شکل ۲۱.۵: مجموع نفوس و مهاجرین کاری به تفکیک جنس و وضعیت فعلی فعالیت (به فیصدی)



در مقایسه به مجموع نفوس ذکور<sup>۱</sup> کارگر، آن مهاجرین کاری که موفق شده اند شغلی بدست آورند به نظر میرسد که بصورت عموم شغل های بهتر یافته اند. در مجموع نفوس بصورت عموم ۷۶ فیصد مرد های کارگر در استخدام آسیب پذیر اند (کارگر فامیلی بدون معاش، کارگر روز مزد یا کارگر مستقل). برای مهاجرین کاری این فیصدی صرف ۵۹ فیصد است، یک نسبت کوچکتر کارگران فامیلی بدون معاش در بین آنها عمدتاً مسول این سهم پائین کارگران آسیب پذیر است (شکل ۲۲.۵). همچنان به نظر میرسد که مهاجرین کاری در یافتن کار با معاش نظر به بقیه بیشتر موفق بوده اند.

۱ مشاهدات برای مهاجرین کاری اناث بسیار کم تر از آن بود که از لحاظ احصائیوی نتایج قابل اعتماد تهیه شود.

شکل ۲۲.۵: مجموع نفوس مصروف کار ذکور و مهاجرین کاری به تفکیک وضعیت در استخدام (به فیصدی)



از نظر عواید، مهاجرین کاری همچنان بهتر عمل کرده اند، کارگران مهاجر کاری در عین شغل نظر به مجموع نفوس عاید بیشتر بدست می آورند، به استثنای کارگران روزمزد (جدول ۷.۵). برای کارگران با معاش در سکتور دولتی و کارگران مستقل تفاوت حتی بسیار قابل ملاحظه است. بصورت کل کارگران مهاجر کاری حدود ۵۰ فیصد نظر به کارگر متوسط بیشتر عاید کرده اند. اگر چه با این ارقام نمی توانیم نتیجه گیری کنیم که مهاجرت کاری همیشه منفعت آور است، زیرا نتایج مثبت مربوط به چیزی است که افراد را وادار به مهاجرت میکند. مهاجرین کاری که بخاطر استخدام مهاجرت نمی کنند احتمالاً آنهایی اند که در هر حالت دارای مهارت بهتر هستند. آنها که مهارت دارند در معرض عوامل کشش و راندن قرار دارند که آنها را تشویق میکند از بازار کار محلی شان که تقاضا برای مهارت شان ضعیف است به جاهایی که برای مهارت های شان تقاضای بزرگتر وجود دارد و برای شان شرایط بهتر کار را عرضه میکند، مهاجرت کنند. گرچه میتواند نتیجه گیری شود که، در حالیکه مهاجرت همیشه دریافت یک شغل را تضمین نمی کند، مهاجرین ذکور بهتر قادر اند به کارهایی که موجود اند دسترسی یابند. گرچه آنها عموماً بیشتر قادر اند بصورت متوسط مشاغل دارای کیفیت و مزد بهتر را بدست آورند. بسیاری از زنان مهاجر به کارهای مواجه می شوند که بصورت قابل ملاحظه متفاوت اند، که اکثراً بعد از مهاجرت به عدم فعالیت در بازار کار می انجامد.

جدول ۷.۵: عواید وسطی و میانه مجموع ذکور کارگر و کارگران ذکور مهاجر کاری ساکن به تفکیک وضعیت در استخدام (به افغانی)

وضعیت در استخدام	اوسط		میانه	
	مجموع	مهاجرین	مجموع	مهاجرین
مجموع	۹,۳۸۰	۱۴,۲۱۸	۷,۰۰۰	۱۰,۰۰۰
کارفرما	۴۴,۷۸۱	*	۱۰,۰۰۰	*
کارگر با معاش، سکتور خصوصی	۱۳,۱۱۵	۱۳,۷۷۲	۱۰,۰۰۰	۱۱,۴۰۰
کارگر با معاش، سکتور دولتی	۱۱,۹۶۷	۱۷,۶۳۶	۱۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰
کارگر مستقل	۹,۱۷۹	۱۵,۳۱۱	۶,۰۰۰	۱۰,۰۰۰
کارگر روزمزد	۶,۵۱۸	۶,۱۳۰	۵,۴۳۸	۶,۰۹۰
کارگر فامیلی بدون معاش	.	.	.	.N.A

الف) (\*) معلومات ناکافی (N.A) قابل تطبیق نیست.

#### ۴.۴.۵ مهاجرت کاری کوچی

در مقایسه با نفوس ساکن، مهاجرت بخاطر جستجوی کار در بین نفوس کوچی بعد از سال ۱۳۸۱ بسیار شایع است (۱۲ در مقابل ۱۹ فیصد تمام مهاجرت های ثبت شده). یک نسبت بزرگ این جستجوی کنندگان کار دریافتن کار موفق بوده اند (۷۷ فیصد)، در حالیکه ۷ فیصد بیکار باقی مانده و ۱۵ فیصد غیر فعال گردیده اند. این الگو برای مردان و زنان کوچی، با بزرگترین تفاوت در نسبت که غیر فعال میشوند (۱۳ فیصد برای ذکور و ۲۰ فیصد برای اناث) نسبتاً مشابه است.

علی الرغم میزان های بلند استخدام، کیفیت کاریکه توسط کوچی ها انجام می شود نامرغوب است. تقریباً تمام ۹۶- فیصد- مهاجرین کاری کوچی اکثراً به صفت کارگران فامیلی بدون معاش (۴۸ فیصد، برای زنان ۱۰۰ فیصد) و کارگران مستقل (۳۷ فیصد). در استخدام آسیب پذیر اند، این به معنی آنست که عواید ماهانه ان ها صرف ۴۵ فیصد عواید مهاجرین کاری ساکن است. یکی از دلایل برای این وضعیت خراب کاری سطح پائین سرمایه بشری است که مهاجر کاری متوسط کوچی قادر است در بازار کار عرضه کند، چون واقعاً هیچ کارگر مهاجر کوچی کدام سطح تعلیمی را تکمیل نکرده است.